سی ویکمین سالگرد رحلت جانسوز بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران و پرچمدار بزرگ بیداری اسلامی در جهان، منادی وحدت امت اسلامی، صاحب دلی آرام و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل الهی، حضرت امام خمینی (ره) و شهدای پاکباخته قیام ۱۵ خرداد ۴۲ را تسلیت و تعزیت می گوییم

سخنرانی تلویزیونی رهبر معظم انقلاب به مناسبت سالروز رحلت امام خمینی (ره)

* بیانات رهبر انقلاب فردا ساعت ۱۱، از سایت، اینستاگرام و توییتر KHAMENEI.IR و شبکه‌های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به صورت زنده پخش خواهد شد

صفحه ۲

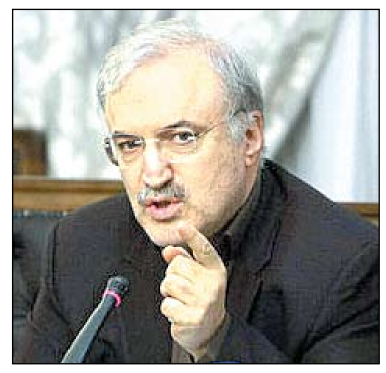
اطلاعات

سه شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۹ – ۱۰ شوال ۱۴۴۱ – ۲ژوئن ۲۰۲۰ – سال نودوچهارم – شماره ۲۷۵۷۲ – ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – تک شماره ۲۰۰۰ تومان

سخنگوی دولت: کرونا ۱۰۸ هزار میلیارد تومان به ۱۳ رسته شغلی خسارت زد

* ربیعی: بیماری کرونا ۶۵ هزار میلیارد تومان در اسفند و ۴۳ هزار میلیارد تومان در فروردین به ۱۳ رسته محاسبه شده خسارت وارد کرد

صفحه ۲



هشدار وزیر بهداشت نسبت به جهش شمار مبتلایان کرونا

* در ۲۴ ساعت منتهی به ظهر دیروز ۲۹۷۹ نفر مبتلا شدند و ۸۱ نفر جان باختند
* دکتر سعید نمکی: مردم نمی‌دانند که کرونا به راحتی برمی‌گردد با این روالی که اکنون می‌بینم، دقیقه ۹۰ گل خواهیم خورد
* یکی از نگرانی‌های عمده من عادی‌انگاری کرونا از سوی مردم است
* متاسفانه برخی مسئولان هم تصور کرده‌اند کرونا تمام شده است و همواره به من فشار وارد می‌کنند که اینجا و آنجا را باز کنیم
* کرونا نه تنها تمام نشده است، بلکه هر لحظه ممکن است دچار پیک خطرناک شویم
* نیمی از جانباختگان روز دوشنبه مربوط به ۳ استان بود و اگر این اتفاق استمرار یابد، مرگ‌ومیرها می‌تواند ۳ رقمی شود
* هر چه از مردم خواستیم مراسم‌های عروسی و عزا را برگزار نکنند توجهی نشد و به‌ویژه در خوزستان همه مراسم‌ها را برگزار کردند که زنگ خطری برای آینده است
* در زمینه سلامت مردم با هیچ‌کس رودربایستی و شوخی ندارم
* علیرضا زالی فرمانده ستاد مقابله با کرونا در تهران: خستگی شهروندان از اجرای پروتکل‌های بهداشتی نگران‌کننده‌ترین خطر استمرار اپیدمی کروناست
* به دلیل این‌که روزانه موارد ابتلای جدید کرونا در تهران گزارش می‌شود، ضروری است در پایتخت موضوع جدی‌تر تلقی شود
* دکتر مسعود مردانی متخصص بیماری‌های عفونی: به‌نظر می‌رسد مردم نسبت به قبل کمتر مسائل بهداشتی فردی و اجتماعی را رعایت می‌کنند
* در خوزستان، سیستان‌وبلوچستان، کرمانشاه و هرمزگان موج دوم اپیدمی در جریان است و در تهران هم موج دوم به‌صورت بسیار آهسته و بطئی پیش می‌رود

صفحه ۳



بیمارستان فیروزآبادی شهرری / عکس از: مصطفی تقاضایی

رئیس قوه قضائیه: برخورد با عامل قتل دختر ۱۳ ساله عبرت‌آموز خواهد بود

* آیت‌الله رئیسی از مراکز علمی و دانشگاهی خواست به آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی و ریشه‌یابی چنین جنایات هولناکی بپردازند
* اگر در اجرای عدالت اولویت‌ها در نظر گرفته نشود، به‌جای برخورد با قاچاق سازمان‌یافته با کولبران برخورد می‌شود و به جای تخریب ساختمان‌های مجلل غیرمجاز، با آلونک‌ها برخورد می‌شود
* ضابطان قضایی و دستگاه قضا به هیچ عنوان نباید با کسانی که با سرقت‌های حرفه‌ای و کیف قاپی امنیت روانی مردم را به خطر می‌اندازند، مسامحه و مماشات کنند

صفحه ۱۳

دکتر جهانگیری: باید از اعتماد مردم به بازار سرمایه حفاظت شود

* معاون اول رئیس‌جمهوری در جلسه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی: حدود ۵۰ میلیون نفر در قالب طرح سهام عدالت، سهامدار کارخانجات مهم دولتی شده‌اند
* حدود ۱۰ سال است که نرخ رشد سرمایه‌گذاری کشور منفی بوده و این برای آینده اقتصاد ایران مشکل بزرگی است
* بازار سرمایه و مشارکت فعال مردم برای حضور در این بازار، فرصت بزرگی برای اقتصاد کشور است

صفحه ۴

۲۳۰ نفر در حوادث آبان‌ماه ۹۸ جان باختند

* رئیس کمیسیون امنیت ملی دوره دهم مجلس: مردم ممکن است اعتراض داشته باشند و آن را اعلام کنند، ولی براندازی نرم در دستور نظام سلطه است
* به ۴۹۷ مرکز دولتی و بخش خصوصی خسارت جدی وارد آمد
* ۹۹۱ بانک تخریب شد یا آتش زده شد و ۱۲۳ جایگاه سوخت راهم تخریب کردند

صفحه ۲


ضمیمه اطلاعات
سه شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۹
سال نود و چهارم - شماره ۲۷۵۷۲
مکتب ماندگار امام خمینی
سوگنامه امام راحل
آخرین روزهای حیات امام

«سوگنامه امام» ویژه‌نامه رحلت حضرت امام خمینی (ره) ضمیمه روزنامه امروز

یادداشت — یک شب آتش در نیستانی فتاد — سید مسعود رضوی صفحه ۲

گزارش — نه گفتن به دخانیات صفحه ۵



نظرها و اندیشه ها — درام فلسفی — گفتگو با مرتضی نوری صفحه ۶



اقتصادی — صنعت پوشاک در سایه روشن اقتصاد صفحه ۷



اخبار شهرستان ها — کسب رتبه نخست نرخ مشارکت های اجتماعی بانوان در کرمان صفحه ۹



گفته ها و نوشته ها — هنر نزد همه مردمان عالم است صفحه ۱۱

یادداشت

یک شب آتش در نیستانی فتاد

سیدمسعود رضوی

دامن زاگرس کهنسال و سخت جان را آتشی بی مهار فراگرفته است. من در دامنه‌های زاگرس متولد شدم و هر روز با نگریستن به اشترانکوه و سلسله جبال این کوهستان عظیم و بی همانند رشد کردم و بعدها با پیمایش کوه‌ها و تپه‌ها، با سیاحت آبشارها و جنگل‌های بلوط و کنار و دشتهای پر از شقایق و مورد طلایی و پونه‌ها و چشمه سارانش ازخود بیخود شده‌ام. زاگرس بی‌شک زیباترین کوهساران عالم است و ییلاق و قشلاقش از دنا تا کینوکوه و بالاترها دالاهو و هر نقطه‌اش جواهری است یکتا و بی‌همانند که درهر فصل، رنگی و رنگین کمانی دارد.

زاگرس دارایی ابدی ما و بخش بزرگی از هویت طبیعی ماست. قطعات و لحظاتی که در آنجا می‌شود شهود کرد، هزاران بار از سوییس و نقاط درجه یک حوالی مدیترانه زیباتر است. قصد قیاس ندارم؛ اما اگر بازی کبک‌ها و خرگوش‌ها و شیطنت روبهکان را در برف دیده باشید، اگر صعود گله گرگ‌های خاکستری را از سینه کش یخ بستهٔ دامنه‌ها ببینید، اگر گریز گرازهای پایین دست و نبرد قوچ‌های بالادست را بر لبهٔ صخره‌ها به چشم خود دیده باشید، اگر ریزش آبشارها و آبی دریاچه گهر و خنکای دلنشین دره‌هایش را در وقت کوچ ایلات می‌دیدید، آنگاه خون می‌گریستید بر این رویدادها و این آتش مهیب که میراث سده‌ها و بلکه هزاره‌ها را خاکستر می‌کند.

سال‌ها پیش نابخردانه برای جاده و خانه و ویلا، برای سدسازی و کاوش معدن و تاسیس کارخانه‌ها، برای ایجاد بنگاه و شهرک‌های بی اساس و بدقواره، تکه تکهٔ اندام زاگرس را زخم زدیم. کسانی بودند که در کمال جهل و نادانی تصور می‌کردند اینگونه می‌توان فقر را زدود و مردم را سعادتمند کرد! زهی خیال باطل که اگر اندکی دانش و تجربه و فهم داشتند درک می‌کردند که گنج بزرگ و بی‌پایان، همان کوهستان و دشت و چشمه و پرنده و درخت و خرس و بزهای کوهی است؛ همان برف و دریاچه و رود است و ماهیانش، همان غارهای تو بر تو و تنگه‌های بی پایان و یخچال‌های طبیعی و جنگل‌هایی که انگار تا ابد ادامه دارند. نفهمیدیم که همین می‌تواند همه را خوشبخت، سلامت و ثروتمند کند. ثروتی لایزال و سعادتی بی مثال.

اما زاگرس فقط متعلق به زاگرس نشینان نیست. میراث تمامی ایرانیان و متعلق به زمین است. گنج بشریت است؛ مثل هیمالیا، مثل آمازون، مثل آلاسکا و مثل کویرهای زیبای مرکز ایران و جنگل‌های هیرکانی و سبزاندوده‌های البرز... زاگرس را دریابید. مردم و نهادها و همه و همه باید آستین بالا زنند و به نجات زاگرس و جنگل‌ها و جانورانش بشتابند. هرچه خرج و مصرف کنیم تا این زیست بوم زیبا و کهن را از آسیب بیشتر نگاهبانی کنیم، سود برده‌ایم.

اما به نظرم این ارزش و اهمیت به تنهایی تکافو نمی‌کند، باید دولت به ظرفیت و مدیریت سازمان محیط‌زیست کشور، تحت نظارت مستقیم جمهوری کمیته نجات ملی تشکیل دهند. امکانات دولت و امداد نهادهای مدنی در کنار ابزارهای ارتش و نیروهای مسلح باید بسیج شوند و تحت مدیریت متمرکز عمل کنند و البته این متخصصان هستند که باید برنامه و مسیر را مشخص کنند و همراه با تجمیع امکانات در کانون‌های اصلی و کاهش شعاع آتش، برنامه‌ها را به تمامی این نهادها ابلاغ کنند. اینجا جای رقابت و اشتباه و کوتاهی نیست. همه متضرر خواهیم شد زیرا اصلا معلوم نیست این گرمای سوزان تاکجا ادامه یابد و مهابت آتش طبیعت و سرزمین ما را به چه ناکجایی روان سازد!؟

صبح امروز یکی از دوستان دیرینه ام تماس گرفت و درخواست اطلاع رسانی کرد. چند نقشه و تعداد پرشماری عکس گرفته بود که همه را برای مراجع مربوطه ارسال کردم. سپس یک گروه از دانشجویان و استادان برای حرکت به منطقه عازم شدند و دعوت کردند همراهشان روم. امیدوارم از فردا بتوانم ملحق شوم. آخر سر این پیام دردناک از وکیل دیرین و ارجمند دادگستری صدرالدین ماحوزی به دستم رسید که مایلم متن آن را بیاورم تا گوشه‌ای از روح و حال مردم ایران را در جای جای این وطن کهنسال بازگو کنم:

«اینجانب فردی از اهالی تنگستان دشتی و دشتستان، در غم و ماتم از دست دادن و سوختن درختان کهن از ریشه‌ها و سموم نفس کش و آتشی که در جوانه‌ها و جایگاه گونه‌های نادر کبک دری و بازها، تیهو، و هزاران گیاه دارویی بومی خائیز و پشت کوه فتاد و... به مدت یک ماه به همراه همولایتی‌هایم در سرتاسر خطه تنگستان و دشتی و دشتستان اعلام عزاداری می‌نمایم.»

این متن را می‌خواندم که تلفن زنگ زد و همان دوستان امدادگر کمک خواستند. دوستی عزیز و دانشجوی جامعه شناسی تهران در هنگام کمک به اطفای حریق در منطقه، برای نجات چند جوجه تیغی و بچه‌هایشان از ناحیه چشم آسیب دیده است و باید فورا عمل شود. عزم ملی را باید نشان دهیم. طبیعت ایران و فرزندانمان به صدایی حزین پیام می‌دهند که این لحظه از تاریخ، هنگام اراده و همت است.

سخنرانی تلویزیونی رهبر معظم انقلاب به مناسبت سالروز رحلت امام خمینی(ره)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، فردا به مناسبت سی و یکمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه‌الله، در یک سخنرانی زنده تلویزیونی با ملت ایران سخن خواهند گفت.

بیانات رهبر انقلاب فرداساعت ۱۱، از سایت، اینستاگرام و توییتر KHAMENEI.IR و شبکه‌های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به صورت زنده پخش خواهد شد.

مراسم سالگرد رحلت بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی که هرسال با سخنرانی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در حرم مطهر امام خمینی(ره) برگزار می‌شد، با توجه به دستورالعمل‌های بهداشتی ستاد ملی مبارزه با کرونا مبنی بر عدم برگزاری تجمعات، امسال در حرم مطهر برگزار نمی‌شود.

به همین مناسبت سرلشکر پاسدار محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در پیامی با اشاره به سی و یکمین سالگرد ارتحال جانسوز و ملکوتی معمار کبیر انقلاب و بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی و پنجاه و هفتمین سالگشت قیام خونین پانزدهم خرداد ماه که مقدمه پیروزی نهضت اسلامی و فروپاشی نظام منفور شاهنشاهی و پدیدار شدن تحولات شگرف جهانی گردید،آورده است: با گذشت ۳۱ سال از عروج آسمانی آن رهبر الهی و زعامت خلف صالح و جانشین شایسته، بصیر و ژرف‌اندیش آن حضرت، امام خامنه‌ای عزیز و نظام اسلامی به‌رغم تمامی توطئه‌ها و فتنه‌آفرینی‌های اردوگاه سلطه و صهیونیسم و ارتجاع پلید منطقه‌ای، از جنگ تمام‌عیار رسانه‌ای و تهاجم فرهنگی و نرم تا تحریم و جنگ اقتصادی و تهدیدهای نظامی و عملیات روانی بی‌وقفه و پیوسته، با اتکال به خداوند متعال و راهبری حکیمانه ولی فقیه زمان و تکیه بر ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ملی و بومی و راهبردهای هوشمندانه و قدرتمند توانسته است بر عمق نفوذ راهبردی و اقتدار فکری و معنوی و وسعت عمل تأثیرگذار برای توانمندسازی بیداری و مقاومت اسلامی و رویارویی ضد استکباری و ضد سلطه ملت‌ها در جغرافیای جهان اسلام و فراتر از آن بیفزاید و در این زمینه نقش‌آفرینی قدرت عملیات گفتمانی خود برای بازیگری مثبت و تعیین‌کننده در عرصه بین‌المللی و سنگرهای کلیدی جهان را به واقعیتی ملموس و غیرقابل انکار تبدیل کند.

در ادامه پیام تاکید شده است: بی‌شک در تداوم این راه مبارک و مسیر تمدن‌ساز، فرزندان غیرتمند ملت شریف ایران در ارتش، سپاه، نیروی انتظامی، وزارت دفاع و بسیج مستضعفین با تجدید عهد دیرین خود با امامین انقلاب اسلامی و شهیدان عالیقدر، پرچم پر افتخاری که خمینی کبیر و خامنه‌ای عزیز برای صیانت از استقلال و تمامیت ارضی و امنیت ملی و پیش‌روندگی این کشور برافراشته‌اند، همچنان در اهتزاز نگه داشته و با نصب‌العین قرار دادن منویات و فرامین فرماندهی معظم کل قوا راهبرد «ارتقای قدرت بازدارندگی»، «ظرفیت‌افزایی دفاعی‌حداکثری» و «روزآمدسازی تاکتیک‌های تهاجمی متناسب با تهدیدهای متصور از جبهه دشمنان»، لحظه‌ای از فتنه‌سازی‌ها و حیله‌گری‌های نوین علیه این سرزمین مقدس غفلت نکرده و همان‌گونه که بارها اعلام کرده‌ایم «هر نوع خطای محاسباتی آنان در هر زمان و هر مکان را قاطعانه و بی‌درنگ با پاسخ متقابل مواجه خواهیم ساخت».

دربیانیه مجمع نیروهای خط امام به مناسبت سالروز ارتحال حضرت امام خمینی هم آمده است:

چهاردهم خرداد سالروز ارتحال عبد صالح خدا و خدمتگزار صادق مردم، امام خمینی(س)، یادآور غمی بزرگ و زخمی عمیق بر جان میلیون‌ها انسان در ایران و جهان است که هیچگاه التیام نخواهد یافت.

او یگانه مردی بود که پس از رنج ناشی از شکست مشروطه و کودتای رضاخان و اشغال ایران و سرکوب نهضت ملی و استبداد پهلوی و استیلای خارجی، امید را در دل مردم احیا کرد و نهضتی آزادیخواهانه و عدالت طلبانه مبتنی بر آموزه‌های دینی را رهبری نمود.

او بود که به همگان آموخت رأی مردم زینت نیست و در مشروعیت بخشی به همهٔ ارکان حکومت اصالت دارد. او مقابل تفکرات متحجرانه و واپس‌گرایانه ایستاد و هزینه‌های سنگینی هم پرداخت تا اثبات کند که نگاه تنگ نظرانه به حقوق مردم نه تنها در تضاد با مصالح عمومی است که نسبتی هم با دین ندارد.

او بود که مردم را ولی نعمت خواند و همواره اولویت سیاست‌های نظام در همهٔ بخش‌ها را رفع محرومیت و رسیدگی به امور مستضعفین و کارگران و کشاورزان می‌دانست.

اکنون این ما هستیم و کارنامه‌ای که پیش روی مردم است. مسئولان و جناح‌های سیاسی درون نظام باید توضیح دهند که عملکرد آنان و وضعیت مردم تا چه اندازه به معیارهای بنیانگذار نظام نزدیک است؟ آیا همگی در وضعیت مطلوب هستند یا فاصله‌ای جدی با آنها دارند؟

بدون تردید دوری و نزدیکی با اندیشه‌های امام، نقش تعیین کننده‌ای در بقا و کارآمدی نظام دارد و هرگونه غفلت در این زمینه خسارت‌هایی جبران ناپذیر خواهد داشت.

مجمع نیروهای خط امام ضمن بزرگداشت یاد ایشان و تسلیت به مردم شریف ایران و همهٔ دلدادگان به آن حضرت، توفیق همگان در تحقق آرمان‌های امام را آرزومند است.

روحانی: ایران همواره در کنار دولت و ملت افغانستان است





رئیس جمهوری در گفتگوی تلفنی با همتای افغانستانی خود، سیاست ایران را توسعه روابط و همکاری‌های برادرانه و دوستانه با همه همسایگان از جمله افغانستان دانست و گفت: ایران برای توسعه صلح، ثبات و امنیت در افغانستان همواره در کنار دولت و ملت این کشور است.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، حجت الاسلام والمسلمین حسن روحانی در تماس تلفنی «محمد اشرف غنی» با تبریک دوره جدید ریاست جمهوری وی در افغانستان و ابراز خرسندی از توافق به وجود آمده میان گروه‌های سیاسی در این کشور، ابراز امیدواری کرد با تلاش همه ارکان دولت و شورای عالی مصالحه، شاهد صلح، ثبات و امنیت بیشتر در افغانستان باشیم.

روحانی با اشاره به اقدامات و موفقیت‌های ایران در مبارزه با کرونا و ارائه خدمات رایگان درمانی و بهداشتی به مهاجرین افغانی، گفت: ارائه خدمات بهداشتی و درمانی نسبت به برادران افغانی در مسیر مبارزه با کرونا با همین روند ادامه خواهد داشت.

وی با بیان این که سیاست جمهوری اسلامی‌ایران، توسعه روابط و همکاری‌های برادرانه و دوستانه با همه همسایگان بویژه افغانستان است، افزود: گسترش ثبات و امنیت در افغانستان را در راستای توسعه ثبات و امنیت خود می‌دانیم و معتقدیم اختلافات گروه‌ها از طریق مذاکره در چارچوب اصول حل و فصل می‌شود و در این مسیر همواره در کنار دولت و ملت افغانستان هستیم.رئیس جمهوری با اشاره به این که روابط دو جانبه ایران و افغانستان در مسیر پیشرفت قرار دارد، گفت: باید برای تسریع در اجرای توافقات و پروژه‌های مشترک، از جمله راه آهن خواف–هرات به عنوان یکی از پروژه‌های مهم اقتصادی میان دو کشور تلاش کنیم. همچنین تکمیل و راه اندازی پروژه راه آهن چابهار به زاهدان در یک سال پیش رو می تواند تحول مثبتی در توسعه حمل و نقل و جابه جایی کالا در منطقه به وجود آورد.
اشرف غنی، رئیس جمهوری افغانستان هم در این گفتگوی تلفنی با آرزوی توفیق ایران در مقابله با کرونا، کمک‌ها و ارائه خدمات درمانی به مهاجرین افغانستانی در ایران را بسیار ارزشمند دانست و از دولت و ملت ایران تقدیر کرد.وی با اشاره به نقش سازنده جمهوری اسلامی‌ایران در ثبات و امنیت منطقه، خواستار حمایت کشورمان از روند صلح و گفتگو در افغانستان شد.اشرف غنی همچنین با اشاره به روابط رو به توسعه ایران و افغانستان در بخش‌های مختلف ابراز امیدواری کرد با تلاش مسئولان دو کشور شاهد گسترش بیش از پیش مناسبات و همکاری‌ها باشیم.

سخنگوی وزارت خارجه: کره جنوبی روابط دیرینه با ایران را بیش از این مخدوش نکند

سخنگوی وزارت خارجه کشورمان بابت ارسال محموله جدید پزشکی از کره جنوبی به ایران و بیان اینکه آنها خیلی زحمت کشیدند ، ابراز امیدواری کرد که این کشور روابط دیرینه خود با ایران را تحت تاثیر دخالت کشورهای ثالث، مخدوش نکند.

«سید عباس موسوی» در نشست خبری با اصحاب رسانه درباره ارسال محموله جدید پزشکی از کره جنوبی به ایران به ارزش ۵۰۰ هزار دلار بیان کرد: خیلی زحمت کشیدند! ما حدود دو سال با کره‌ای‌ها مذاکره کردیم. اما از آنجایی که آنها به حرف آمریکایی‌ها گوش می‌دهند، منتظر پاسخ آمریکا بودند. ۷ میلیارد دلار پول ایران در کره است که باید به کشور ما عودت داده می‌شد اما آنها در این زمینه هم غفلت کردند و تعلل داشتند.

وی افزود: تاکید کردیم استناد به تحریم‌ها توسط کره جنوبی نادرست است زیرا ایران تحت هیچ تحریمی نیست و تحریم‌های آمریکا نمی‌تواند مورد استناد آنها باشد. اقدام جدید کره، گام کوچک اما با تاخیر فراوان است و لازم است آنها فکر بیشتری کنند تا روابط دیرینه دو کشور که در مقاطعی زبانزد بوده است را بیش از این مخدوش نکنند.

سخنگوی وزارت امور خارجه در بخش دیگری از سخنان خود در پیامی خطاب به مردم آمریکا گفت: دنیا صدای مظلومیت شما را شنیده و در کنار شما ایستاده است .

موسوی ادامه داد: رژیم آمریکا خشونت و قلدری را همزمان در داخل و خارج از ایالات متحده دنبال می کند .

از صحنه‌های خشونت باری که این روزها پلیس آمریکا در پیش انظار مردم جهان خلق می‌کند و بی محابا و با حداکثر خشونت مردمی را که به صورت مسالمت آمیز خواستار احترام و توقف خشونت هستند سرکوب می کند، بسیار متاسفیم.

سخنگوی وزارت امور خارجه همچنین خطاب به دولت و پلیس آمریکا گفت: خشونت‌ها علیه مردم خود را متوقف کنید و بگذارید آنها نفس بکشند.

سخنگوی دستگاه دیپلماسی دربخش دیگری ازگفتارخود با گرامیداشت یاد و خاطره امام خمینی و قیام ۱۵ خرداد گفت: شاهد آغاز به کار مجلس شورای اسلامی در روزهای قبل بودیم که به منتخبان مجلس یازدهم و ریاست جدید مجلس تبریک گفته و به نمایندگان و رئیس پیشین مجلس خسته نباشید می گوییم که تلاش‌های آنها در دیپلماسی اثرگذار بوده است.

وی با اشاره به تحولات کنسولی اظهار داشت: بخشنامه عدم صدور دستور محرومیت از خدمات کنسولی ، اقدام بزرگی در تکریم ایرانیان است که نشان می‌دهد بدون توجه به هر سلیقه و گرایشی، جمهوری اسلامی به شهروندان خود برای خدمت و تکریم آنها توجه دارد و اقدام قوه قضائیه نویدبخش این سیاست جدید و تاکید بر سیاست قبلی مبنی بر تکریم ایرانیان است .

این دیپلمات عالیرتبه ادامه داد: آیین‌نامه صدور شناسنامه و دادن تبعیت از طریق مادر، نهایی شد و امیدوارم مادران ایرانی هر کجا هستند، سالم باشند و فرزندان آنها در زیر سایه پرچم وطن مادریشان قرار بگیرند.

ایران از حقوق خود حتی در دوردست‌ها دفاع می‌کند

وی درباره رسیدن نفتکش‌های ایرانی به ونزوئلا تصریح کرد: آنچه از دید جمهوری اسلامی رخ داده، یک تجارت مشروع است که دو کشور حق دارند از آزادی تجارت برخوردار باشند اما از آنجا که آمریکایی‌ها به قلدری و یکجانبه‌گرایی عادت کرده‌اند، این مساله را قبول نکردند. ایران و ونزوئلا تحریم نیستند بلکه مورد تحریم یکجانبه و ظالمانه از سوی آمریکا هستند که هیچ کشوری ملزم به رعایت آن نیست. سخنگوی وزارت امورخارجه ادامه داد: این تجارت نشان داد ایران باید از حقوق خود حتی در دوردست‌ها دفاع کند.

تابع قانون هستیم

موسوی در پاسخ به سئوالی مبنی بر اظهارات رئیس مجلس درباره خسران دانستن مذاکره باآمریکا خاطرنشان کرد: روابط ما با مجلس شورای اسلامی در روابط بین قوا در جمهوری اسلامی تعریف می‌شود. قوای سه گانه، قوای مستقلی هستند اما در این استقلال، از تعامل بالایی برخوردارند. آنچه برای دولت مهم است، هم‌افزایی همه قوا و نهادها برای پیشبرد منافع است. وی با بیان اینکه هم قوه مقننه و هم وزارت امور خارجه وظایف و تکالیفی دارند که در چارچوب قانون اساسی است، ابراز داشت: نقطه نظرات مجلس به عنوان نمایندگان مردم را می شنویم و اگر تبدیل به قانون شود، به عنوان وظیفه به آن عمل می‌کنیم. آنچه اجرا می‌شود سیاست‌های کلی نظام است که در نهادهایی بررسی و تدوین می‌شود که در صورت تائید در شورای عالی امنیت ملی تا رهبری اجرا می‌شود. رئیس مرکز دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسانه‌ای وزارت امور خارجه افزود: ما تابع قانون و مقررات هستیم و امیدواریم با همکاری همدیگر این تعامل ادامه یابد که برای پیشبرد اهداف و منافع ملی است.موسوی درباره تحریم جدید آمریکا علیه همکاری‌های هسته‌ای با ایران بیان کرد: تحریم‌های آمریکا همیشه بوده است. برنامه هسته‌ای چه قبل از برجام و چه پس از خروج آمریکا و گام‌هایی که برداشتیم، با قوت ادامه یافته و خللی در آن احساس نمی‌کنیم، اما در حال ارزیابی آثار فنی این موضوع هستیم.

وی با بیان این که اگر این تحریم‌ها بر برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران اثربگذارد، واکنش جدی‌تر خواهیم داشت، یادآور شد: این تحریم‌ها علیه کشورهایی است که با ما همکاری داشتند و امیدواریم آنها در برابر این قلدری واکنش جدی‌تری داشته باشند.

سخنگوی دستگاه دیپلماسی درباره اظهارات مشاور امنیت ملی ترامپ پیرامون نقش ایران در ناآرامی‌های اخیر آمریکا بیان کرد: کافر همه را به کیش خود پندارد. کشوری که در امور داخلی کشورهای دیگر دخالت کرده و از بیان این دخالت ابایی ندارد، آمریکا ست. این نوع اظهارات از مسئولان دولت ترامپ بعید نیست. ترامپ در اداره آمریکا، اقتصاد این کشور و مقابله با کرونا شکست خورده و دولتی را برجا گذاشته که به شدت اهل تبعیض نژادی است. موسوی اضافه کرد: اتفاقی هم که در



این کشور رخ داده، نتیجه سال‌ها سرکوب و خفه کردن صدای مردم و اتباع آمریکایی بوده است. طبیعی است مردم آمریکا جانشان به لب آمده و اعتراض کنند. در این وضع مقامات آمریکایی چاره‌ای جز فرافکنی ندارند . وی با بیان اینکه هر گونه دخالت در امور داخلی آمریکا را رد و محکوم اما از وضع داخلی این کشور ابراز نگرانی می‌کنیم، گفت: آمریکایی که مدعی حقوق بشر است و برخی مسائل را به رخ دیگر کشورها می‌کشد، وحشیانه‌ترین سرکوب‌ها را علیه شهروندان خود به‌ویژه رنگین‌پوستان انجام می‌دهد که موجب تاسف و ناراحتی همه است.

اینکه آیا ایران قصد ارسال محموله‌های جدید به ونزوئلا دارد سئوالی بود که سخنگوی وزارت امور خارجه این گونه پاسخ داد: اگر دولت ونزوئلا تقاضای محموله جدیدی را بکند، بر اساس تهمیدات اندیشیده شده، آن را به این کشور یا کشورهای دیگر ارسال خواهیم کرد.

وی درباره آخرین وضع تبادل زندانیان با آمریکا تصریح کرد: موضوع آقای عسگری تمام شده است و احتمال می‌دهم اگر مشکلی رخ ندهد و موانع جدیدی ایجاد نکنند، ظرف دو، سه روز آینده به کشور برگردد.

موسوی به اظهارات سفیر ایران در روسیه درباره گفتگوهای تهران با مسکو برای خرید تسلیحات اشاره کرد وابراز داشت: ایران به عنوان کشور مستقل حق هرگونه معامله از جمله معاملات تسلیحاتی چه در خرید و چه در فروش را دارد. البته ایران از جمله کشورهای تولیدکننده جنگ‌افزارهای مختلف است. تضییقاتی در گذشته ایجاد کرده بودند که امیدواریم آنها برداشته شود و ما در چارچوب تجارت آزاد با کشورهایی که تشخیص دهیم تجارت برای خرید و فروش راخواهیم داشت. فرق نمی‌کند روسیه و چین یا کشورهای همسایه و دوردست باشند بلکه براساس هنجارهای بازار عمل می‌کنیم و هیچ محدودیتی نخواهیم داشت.

سخنگوی دستگاه دیپلماسی درباره ادعای کشته شدن دو کشاورز اشنویه‌ای به خاطر تجاوز دو هواپیمای ترکیه‌ای به مرز ایران بیان کرد: ادعایی شده بود که دو شهروند ایرانی در خاک عراق توسط پهپاد ترکیه‌ای جانشان را از دست داده‌اند. ما گزارش‌های غیررسمی در این زمینه دریافت کردیم و بررسی‌ها درباره نحوه جانباختن این افراد ادامه دارد.

موسوی اضافه کرد: این افراد ایرانی بودند، در کشور دیگری کشته شدند و ادعا شده توسط کشور ثالثی کشته شدند. این مساله به پیچیدگی موضوع می‌افزاید، ولی در عین حال، پیگیری‌های وزارت امور خارجه هم از طریق دولت عراق و هم دولت ترکیه ادامه دارد. پس از جمع‌بندی این مساله، گزارش نهایی را اعلام خواهیم کرد .

سخنگوی وزارت امور خارجه درباره تشکیل سفارت مجازی فلسطین توسط وزارت امور خارجه گفت: این قانون جدیدی است که تصویب شده است که حتما اجرا خواهیم کرد. هفته پیش اولین جلسه در این باره برگزار و ابعاد سیاسی و حقوقی این مساله بررسی شد.

درخواست آیت الله جنتی از مجلس برای رفع مشکلات عدیده نظام انتخاباتی

دبیر شورای نگهبان، نمایندگان مجلس یازدهم را به پرهیز از اقدامات سطحی و حاشیه‌ای فراخواند و گفت: با ضابطه‌مند کردن ثبت‌نام بی‌محابای داوطلبان بخشی از مشکلات عدیده نظام انتخاباتی را حل کنید .

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شورای نگهبان، آیت‌الله احمد جنتی در جلسه این شورا که با حضور فقها و حقوقدانان برگزار شد، سالگرد ایام رحلت حضرت امام خمینی (ره) را تسلیت گفت و با اشاره به فرارسیدن سالگرد قیام ۴۲ و به شهادت رسیدن جمعی از مردم توسط رژیم پهلوی، گفت: ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ عده‌ای از مردم بی‌دفاع توسط عمال رژیم شاه به شهادت رسیدند که همین امر آثار و برکات فراوانی داشت و از جمله سرمنشاء پیروزی انقلاب شد.

جنتی با اشاره به تشکیل مجلس یازدهم گفت: در انتخابات دوم اسفند ۹۸، ۱۱۷ نماینده مجلس دهم از مردم رأی نگرفتند و حدود ۷۰ نفر نیز صلاحیتشان از سوی شورای نگهبان تایید نشد؛ خوب است هم نمایندگان قبلی توجه کنند که چه کردند که چنین اتفاقی برایشان افتاد و هم نمایندگان فعلی از این موضوع درس بگیرند. وی افزود: همه بندهای پیام حکیمانه رهبر انقلاب خطاب به نمایندگان، راه گشا و نقشه راه آنان است که امیدواریم هرچه سریعتر اجرایی شود.

جنتی با تاکید بر اصلاح قانون انتخابات گفت: از جمله اصلاحات اساسی در قانون انتخابات، ضابطه‌مند کردن ثبت نام بی‌محابای داوطلبان است که با اصلاح این موضوع بخشی از مشکلات عدیده نظام انتخاباتی هم حل خواهد شد. همچنین نمایندگان، باید با قانون‌گذاری خوب، موجب ریل گذاری صحیح برای دولت و دستگاه‌های مختلف شوند که از جمله این ریل گذاری‌ها توجه به رونق تولید، مبارزه با قاچاق، کمک به بالارفتن ارزش پول ملی، نظارت بر کنترل نقدینگی کشور و کاهش تورم است.او با اشاره به همکاری‌های کارشناسی و حقوقی اعضا و کارشناسان شورای نگهبان با ادوار مختلف مجلس گفت: شورای نگهبان آمادگی دارد ظرفیت‌های کارشناسی و حقوقی خود را برای اصلاح و تصویب قوانین در اختیار نمایندگان قرار دهد و مجلس جدید با اقدامات خود مایه خشنودی خداوند، رهبری و مردم شریف ایران شود.

سخنگوی دولت: کرونا ۱۰۸ هزار میلیارد تومان به ۱۳ رسته شغلی خسارت زد

ایرنا– سخنگوی دولت از خسارت ۱۰۸ هزار میلیارد تومانی کووید ۱۹به ۱۳ رسته شغلی خبر داد و گفت: این بیماری ۶۵ هزار میلیارد تومان در اسفند و ۴۳ هزار میلیارد تومان در فروردین به ۱۳ رسته محاسبه شده خسارت وارد کرد.

علی ربیعی دیروز در نشست هفتگی با اصحاب رسانه، گفت: معتقدیم در شرایط دشوار امروز کشور، جامعه متحول شده با نیازهای متنوع، تحریم‌های کمرشکن و ضد بشری بی‌نظیر در تاریخ روابط بین الملل، فشار عظیم اقتصادی برای به چالش کشیدن بین مردم و نظام و فشار بی‌حد وحصر بر زندگی مردم، هجوم بی‌سابقه سیاسی علیه ایران و فشار بر امنیت روانی مردم، اقتصاد کوچک شده ناشی از تحریم، همه ارکان نظام در این شرایط با همه توان خود برای عبور اطمینان بخش و به سرمنزل مقصود بردن جامعه باید به طورهم افزا در کنار هم قرار بگیرند.

دستیار ارتباطات اجتماعی رئیس جمهوری ادامه داد: ما دولتی با درآمدهای ارزی و فراوان و نجومی نبودیم، دولتی بودیم که با سختکوشی و عقلانیت و تلاش بی‌محابا برای اداره کشور پرداخته‌ایم، به موارد پیش گفته توجه و به آن مدیریت موفق صد روزه کرونا را اضافه کنید،کووید–۱۹ فقط در ۱۳ رسته محاسبه شده ما را با ۱۰۸ هزار میلیارد تومان کسری درآمد و ضربه به کسب و کارها مواجه کرد.

وی افزود: در اسفند سال گذشته ۶۵ هزار میلیارد تومان و در فروردین امسال حداقل ۴۳ هزار میلیارد تومان کسب و کارهای ما آسیب دیده است؛ ما در کنار موارد پیش گفته با کرونا هم مواجه هستیم، الگوی مدیریت کرونا به ما نشان داد که با همکاری و هماهنگی همه دستگاه‌ها از قوا تا نیروهای مسلح و حاکمیت واحد و دولت واحد و اعتماد بالای مردم به دولت می‌توانیم از همه بحران‌ها عبور کنیم.

دولت دست دوستی به سوی همه قوا دراز می‌کند

سخنگوی دولت با اشاره به آغاز به کار مجلس یازدهم، خاطرنشان کرد: در هفته‌ای که به سرمی‌بریم، افتتاح مجلس و تعیین هیات رئیسه را داشتیم. از طرف دولت مجددا به همه نمایندگان و انتخاب‌های صورت گرفته در ارکان مجلس تبریک می‌گویم. دولت با احترام به استقلال مجلس از هیچ تلاشی برای انجام وظایف مجلس فروگذار نیست.

ربیعی گفت: امیدواریم همان گونه که قانون اساسی دولت را محور اداره امور اجرایی قرار داده و قوه مجریه که بار اجرایی را به دوش می کشد، مجلس تازه نفس هم به هم‌افزایی دولت در این مصاف بپیوندد و در عمل برای حل مشکلات و پیشرفت و توسعه کشور به پا خیزد.وی با بیان این که این مهم تنها و تنها در حوزه عمل محقق می شود، تصریح کرد: دولت در زمان باقیمانده خود نه تنها به ادامه مسیر درست خدمتگزاری به ملت آن هم در سخت ترین شرایط تاریخی با قدرت ادامه خواهد داد بلکه نهاد سازی مناسب برای ادامه مسیر در دولت آینده را هم فراهم خواهد کرد.

سخنگوی دولت خاطرنشان کرد: امروز اعلام می‌کنیم تا ۱۲ مرداد ۱۴۰۰ از پا نخواهیم نشست و هیچ فرصتی را تلف نخواهیم کرد؛ دولت ایستاده، دولت مقاوم. امروز دولت در مسیر مطلوب در حال حرکت است و با توجه به شرایط تحمیلی، برای کاستن از نگرانی مردم برای هم افزایی و حل مسائل در این مسیر دشوار دست دوستی به سوی همه قوا دراز کرده است.

ربیعی با بیان این که ما می توانیم برنامه‌های متعددی برای پیشرفت جامعه با همکاری با مجلس در پیش رو داشته باشیم، گفت: لوایح متعددی داریم که می توانیم با همکاری مجلس به نتایج خوبی برسیم، از سال ۹۲ با تلاش بی وقفه برای احقاق حق مردم از تحریم و تامین منابع ملی، از اقتصاد با همه توان و تلاش خود حرکت کردیم.

وی ادامه داد: این را همه مردم شاهد هستند که با وجود مشکلات واقعی اعم از تهدید زورگویان جهانی و تمام مشکلات موجود، نهراسیدیم و در ۵۵ ماه کارنامه درخشانی با رشد اقتصادی بالا، تورم پایین، درصد اشتغال قابل قبول و نرخ ارز تثبیت شده و پیشی گرفتن مزد بر تورم داشتیم.سخنگوی دولت گفت: دولت در این دوره با روی کارآمدن دولت نامتعادل در ایالات متحده آمریکا که نه تنها ایران بلکه دنیا را با چالش روبرو کرد، روزهای سخت و پرتلاش و نفسگیری را با همه توان و انرژی خود برای مدیریت این دوره انجام داد و امروز هم ایستاده ایم و مقاوم به کار خود ادامه می‌دهیم.

یاد و خاطره امام خمینی(ره)

ربیعی در ادامه با گرامیداشت یاد و خاطره امام (ره) و قیام ۱۵ خرداد، گفت: چهاردهم و پانزدهم خرداد فرصتی برای دولت و اعضای آن فراهم می‌کند تا مجددا با آرمان‌های امام ، انقلاب و آنچه موجب ۱۵ خرداد شد – به عنوان نماد همیشگی باظلم و استبداد – و همچنین مشی امام بیعت مجدد و مشی امام را برای اداره جامعه مرور کنیم.

وی ادامه داد: برای اداره کشور ارجاع به نظرات امام الگویی است که پاسخ مثبتی به همراه دارد. امروز با کلیدواژه‌هایی نظیر اداره جامعه با نظر مردم و همه باهم بیش از هر زمان دیگری نیازمندیم.

سخنگوی دولت با بیان این که رحلت امام در خرداد ماه شوک عظیمی به مردم و جامعه بین‌المللی به همراه داشت، اظهار داشت: خوشبختانه با خرد جمعی و حمایت عمومی، انتقال رهبری صورت گرفت و امروز رهبری محور ثبات، مقاومت و تکیه‌گاه تحولات رو به جلو کشور شده است. این انتقال و شیوه آن هم مرهون دیدگاه و نظرات امام است.

سیاست دولت «بخشنامه» و «باید بشود» نیست

دستیار ارتباطات اجتماعی رئیس جمهوری همچنین درباره اظهارات اخیر رئیس کل بانک مرکزی درباره راهبرد تورمی دولت، گفت: همین جا مایلم از تلاش‌های دکتر همتی و همکارانش تشکرکنم که هم به رونق تولید کمک می کنند هم در ماجرای کرونا کمک کردند و هم سیاست‌های ارزی خود را با توجه به شرایط و سیاست‌های کنترل تورم پیگیری می‌کنند که کار طاقت فرسایی است.

ربیعی افزود: دولت نمی‌تواند در این زمینه سیاستگذاری نکند، البته این به معنای "بخشنامه" و به معنای "باید بشود" نیست، به معنای این است که ما تلاش‌ها و سیاستگذاری‌های متناسبی خواهیم داشت که این سیاست‌ها در جهت تورم زایی نباشد. کارشناسان هم درست می‌گویند که بخشنامه‌ای نیست و ساز و کارها باید اصلاح شود.

وی ادامه داد: ما تا اسفند ۹۸ روند رونق مان به رغم تحریم، خوب بود؛ ما به نوعی سازگاری با تحریم داشتیم و به سمت تولید می‌رفتیم. حداقل در اقتصاد غیر نفتی ما مثبت شده بودیم و آمارها نشان می‌داد در اقتصاد غیرنفتی موفق شدیم،اما کرونا در این ماجرا وقفه ایجاد کرد و فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی و خدمات ما را تحت تاثیر قرار داد. سخنگوی دولت اضافه کرد: فکر می‌کنیم با سیاست‌های فاصله‌گذاری فیزیکی هوشمند مجدداً فعالیت این بخش‌ها به خصوص خدمات رونق خواهد گرفت و امیدواریم وارد مرحله رونق شویم. بنابراین با رونقی که در اسفند ۹۸ داشتیم اگر آثار کرونا را ازبین ببریم امیدواریم باز وارد مرحله رونق شویم.

دستیار ارتباطات اجتماعی رئیس جمهوری خاطرنشان کرد: بانک مرکزی بر اساس متغیرهای موثر بر تورم پیش‌بینی تورم را برای یک سال آینده ۲۴ درصد محاسبه کرده است، ولی تاکید کرده است که تلاش می‌کند با کنترل نقدینگی و ابزارهای جدید سیاست پولی خصوصاً ابزار عملیات بازار باز در حد ۲۲ درصد هم کاهش بدهد.

نظر دولت تأمین نظر شورای نگهبان است

وی درباره حذف چهار صفر از پول ملی و دیدگاه شورای نگهبان دراین زمینه گفت: ایرادی که شورای نگهبان گرفتند در باره رابطه با صندوق بین‌المللی پول و بندی است که گذاشته شده است. با توجه به مجموعه بررسی‌ها نظر دولت و بانک مرکزی تامین نظر شورای نگهبان است و ما می توانیم این بند را حذف کنیم که نظر شورای نگهبان هم تامین شود.

سخنگوی دولت در باره برنامه دولت برای کنترل قیمت مسکن در آستانه جابجایی‌ها و این که دولت چه برنامه ای در این زمینه دارد؟ گفت: ما برای مسکن راهی جز تولید انبوه و وادار کردن به خالی نماندن خانه‌ها نداریم. تولید راه کنترل قیمت مسکن به خصوص تولید برای طبقات متوسط به پایین است.

ربیعی اضافه کرد: جهتگیری تولید ما در دولت، تولید برای دهک‌های متوسط رو به پایین است،بنابراین وزارتخانه‌ها و سازمان‌های حمایتی در اولویت تفاهم با وزارت راه و شهرسازی قرار گرفتند و تفاهمنامه‌های دو طرفه با اینها امضا شده است. طرح اقدام ملی مسکن به صورت فراگیر در دست اجراست و موجب خانه‌دار شدن مردم می شود. وی گفت: ما در طرح اقدام ملی مسکن به سمت خانه‌دار کردن افرادی می‌رویم که نیازشان به مسکن نیاز اولیه برای زندگی هست؛ بر همین اساس ساخت و تکمیل مسکن‌های مهر را در دستور کار قرار دادیم که یک میلیون و ۹۱۷هزار واحد تا حالا تحویل شده است که عدد قابل توجهی است و ۱۱۸ هزار واحد هم آماده تحویل است.

سخنگوی دولت خاطرنشان کرد: با فعال شدن سامانه املاک و اسکان که خوشبختانه فعال شد امکان اخذ مالیات از خانه‌های خالی هم فراهم شده است؛ اگر این تصمیم اجرا شود، این سامانه می‌تواند عرضه واحدهای آماده برای فروش و اجاره را تسریع کند.

به گفته ربیعی،وزارت راه و شهرسازی از کسانی که واحدهای مسکونی آماده یا نیمه تمام دارند، برای عرضه این واحدها به مردم در قالب طرح اقدام ملی مسکن دعوت می کند. این امر هم موجب گسترش عرضه واحدهای مسکونی می‌شود و هم به مالکین این زمین‌ها، زمین مربوط در قالب قراردادهای واگذاری داده می‌شود تا مجدد نسبت به ساخت مسکن اقدام کنند؛ البته حتما آقای اسلامی بیشتر تشریح خواهد کرد و صحبت خواهم کرد

وی افزود:فکر می‌کنم ما در همین سال‌ها ۲۶ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان تسهیلات توسط بانک مسکن به بخش‌های مختلف دادیم و ۵۸۱ هزار فقره مشمول وام شده‌اند. آنچه ما دنبال می کنیم با سیاست‌های تولید انبوه مسکن هست که امیدواریم بتوانیم حداقل برای اقشار پایین دست مشکلی پیش نیاید و آنها بتوانند مسکن خود را تهیه کنند.

خبر استعفای وزیر بهداشت مبنای واقعی ندارد

خبرنگاری درباره نقش محمود واعظی در تحولات پشت پرده دولت و ادعای تهدید وزیر بهداشت از سوی وی پرسید که دستیار ارتباطات اجتماعی رئیس جمهوری پاسخ داد: به هیچ وجه آقای نمکی تاکنون نه قصد استعفا داشته اند و نه چنین اقدامی را هم انجام داده است. ما از اساس این موضوع را تکذیب می‌کنیم و از فردی هم که چنین مساله‌ای را مطرح کرده است، درخواست می‌کنیم با دقت حرف بزنند.

ربیعی با بیان این که خبری که مبنای واقعی ندارد و تنها مردم را نگران می‌کند، سودی ندارد، اظهار داشت: واعظی رئیس دفتر دولت هستند و بدیهی است دیدگاه‌ها و نظرات رئیس‌جمهوری گاهی تلخ و گاهی شیرین است. گاهی رئیس‌جمهوری حساب‌کشانه با دستگاه‌ها برخورد می‌کند و از دستگاه‌ها گزارش‌هایی را درخواست می‌کند؛بنا براین با توجه به شناختی که از رئیس‌جمهوری دارم و هم با شناختی که از واعظی دارم، ایشان برخلاف نظر رئیس‌جمهوری، نه نظری می‌دهد و نه اقدامی می‌کند.

سخنگوی دولت با تاکید بر این که اگر مجلس برای نظارت و قانونگذاری نیاز به هر گونه کمک داشته باشد، خود را مکلف به انجام آن می‌دانیم، اظهار داشت: برای برگزاری جلسات توجیهی مجلس و روی میز قرار دادن مسائل مهم کشور آمادگی داریم.

تعارض آرا را منفی نمی‌دانیم

وی ادامه داد: ما تعارض آرا را منفی نمی‌دانیم. اعتقاد نداریم که همه مثل همدیگر اندیشیده و مثل همه باشند؛ این نظریه غلطی است. معتقدیم در تضارب آرا اما منصفانه و با اخلاق در کنار یکدیگر باشیم. نگاه باید کاستن از رنج مردم و نگرانی آنها از فشارهای اقتصادی بی سابقه‌ای که دشمن انسانیت به مردم ما تحمیل کرده است،باشد.

دستیار ارتباطات اجتماعی رئیس‌جمهوری با بیان این که باید در کنار یکدیگر به رفع آن نیازها بپردازیم، بیان کرد: بنای دولت نهایت همکاری با مجلس یازدهم است. رئیس‌جمهوری تاکید کردند در چارچوب قانون اساسی که میثاق ملی ماست و حدود و وظایف و اختیارات نهادهای کشور هم مشخص شده است، با مجلس همکاری می کنیم و از تفاوت آرا و نظر هم نگرانی نداریم. می‌دانیم دلسوزان زیادی رای آورده‌اند که دلسوز کشور هستند.

ربیعی در پاسخ به سئوالی مبنی بر این که دولت تا چه اندازه آماده است تا سال ۱۴۰۰ با ریل گذاری مجلس همراهی کند، یادآور شد: عزم و اراده دولت مبتنی بر همکاری و تعامل همه جانبه با مجلس برای حل مشکلات کشور و کمک به بهبود معیشت مردم است. معتقدیم مشکلات کشور از طریق تعامل و همکاری در میدان عمل به دست می‌آید. در این دوران سخت و نفسگیر، برای عبور دادن کشور از مشکلات و بحران‌های بین‌المللی، ایجاد شرایط آرام و همراه کردن مردم –که اعتماد بالا به دولت، نظام و حاکمیت داشته باشند –قطعا نیازمند تعامل بالاست.

اظهارات غیرسازنده،همکاری مد نظر مردم را محقق نمی‌کند

سخنگوی دولت افزود: آنچه مسلم است در این تعامل اظهارهای آرام‌بخش و سازنده تعاملی موثر است. اظهارهای غیرسازنده،اظهارنظرهای مبتنی بر قضاوت‌های زودرس مبتنی بر تصورات پیشینی نمی‌تواند همکاری در سطحی که مردم امیدوارانه به آن نگاه می‌کنند را محقق کند.

وی اضافه کرد:اظهارنظرها باید سازنده، منصفانه و متکی بر شواهد و در چارچوب منافع ملی و وحدت باشد. دولت بی ادعا و بدون تبلیغات به مسیر خودش ادامه می‌دهد و هر گاه تصمیمی را درست تشخیص بدهد، به آن عمل خواهد کرد.

خبرنگاری به جلسه روز یکشنبه شورای عالی کار اشاره کرد و پرسید دولت اصرار دارد اصلاح حق مسکن مورد بررسی قرار گیرد در حالی که کارگران اصرار دارند درصد مزدشان اصلاح شود و تاکید کرده‌اند در غیر این صورت هیچ مصوبه‌ای را امضا نمی‌کنند؛ دولت در این زمینه چه برنامه‌ای دارد؟

ربیعی در پاسخ اظهار داشت: جلساتی متعددی با نمایندگان جامعه کارگری و کارفرمایی و همچنین وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی برگزار شده است. وزارت کار درصدد است با تفاهم بین هر دو شرکای اجتماعی خود ، هم شرکای کارگری و شرکای کارفرمایی درباره حق مسکن و همچنین در مورد جابه‌جایی برخی آیتم‌های مزدی به تصمیمات مناسبی برسند که انشاءالله مورد رضایت طرفین باشد. منتظر این تصمیم باشیم و امیدواریم که همه شرکای اجتماعی به تفاهم مشترک برسند.

سخنگوی دولت افزود:برخی‌ها گاهی موارد با افتخار را هم منفی تلقی می‌کنند؛این تعامل سه‌جانبه و احساس غروری که در نمایندگان کارگری وجود دارد، بسیار قابل تقدیر است. این نتیجه افزایش ۶۰ درصدی تشکل‌های کارگری در بخش‌هایی مثل شوراها بود که زمین خورده بودند و به سمت نماینده‌های تکی حرکت می‌کردند اما از سال ۹۲ به این سمت، حداقل ۵۵ درصد تشکل های کارگری در این زمینه اضافه شدند.

بقیه در صفحه ۱۴

۲۳۰ نفر در حوادث آبان ماه ۹۸ جان باختند

رئیس کمیسیون امنیت ملی دوره دهم مجلس با ارائه آماری از خسارات جانی و مالی حوادث آبان ۹۸،شمار کشته‌های این حوادث را ۲۳۰نفر اعلام کرد .

به گزارش ایسنا، مجتبی ذوالنور در حاشیه جلسه اجتماعی انتظامی ستاد مقابله با کرونا در وزارت کشور با اشاره به ماجرای افزایش نرخ بنزین در آبان ماه سال گذشته گفت:در هر کشوری ممکن است طرح‌هایی اجرا شود که دارای نقاط ضعف و قوت باشد و بعضی متضرر شوند و بعضی سودببرند.

وی آنچه در آبان ۹۸ اتفاق افتاد را یک حادثه طبیعی خواند و در توضیح اظهاراتش گفت: مردم ممکن است اعتراض داشته باشند و آن را اعلام کنند، ولی براندازی نرم در دستور نظام سلطه است. وی ادامه داد: نظام سلطه از فرصت آبان بهره گرفت و تجمع‌های خیابانی را راه انداخت.کسانی که گوش به رسانه‌های خارجی بودند،سعی کردند موج سواری کنند. در آبان ۹۸اعتراض مردم آرام و مسالمت آمیز بود و کسی حساسیت به خرج نداد، ولی وقتی تعرض به اماکن خصوص و دولتی و مراکز انتظامی رخ می دهد، مردم از حاکمیت، استقرار امنیت و نظم را مطالبه می کنند.ذوالنور اعلام کرد : ۴۹۷مرکز دولتی و بخش خصوصی مورد خسارت جدی قرار گرفت، ۴۲۲خودرو مردم آسیب جدی دیدند و سوختند، ۲۳۰خودرو دولتی و عمومی آسیب دیدندو به ۵۶۹خودرو و موتور نیروهای امنیتی و انتظامی آسیب واردآمد.۹۹۱بانک یا تخریب شد یا آتش زدندو ۱۲۳مرکز سوخت و تخریب شد.وی با تاکید بر اینکه نیروهای انتظامی از جان مایه گذاشتند تا کسی آسیب نبیند، افزود:۲۰۰۰نفر مجروح شدند ودر این تجمعات و آمار مجروحان نیروهای امنیتی و انتظامی بیشتر از۵ هزار نفر بود و این یعنی نیروی خود را صرف دفاع گذاشته بودند نه تهاجم. وی اعلام کرد:۶ مأمور رسمی نیروهای امنیتی به شهادت رسیدند. حتی یک کشته، مجروح و جانباز برای ما سخت و سنگین است. رسانه‌های بیگانه آمارهای دروغین اعلام کرده و تا ۱۰ هزار کشته را اعلام کردند،ولی ۲۳۰کشته داشتیم که۶نفر از مأموران بودند. وی ادامه داد: ۷درصد در درگیری‌های مستقیم مسلحانه با نیروهای انتظامی جان باختند و ۱۶درصد در حمله به مراکز نظامی و انتظامی در حالی که مجهز به انواع سلاح‌های سرد و گرم بودند، جان خود را از دست دادند.

۳۱درصد در حمله به مراکز عمومی مثل فروشگاه‌ها، پمپ بنزین‌ها، بانک‌ها و مساجد جان باخته‌اند و ۲۰درصد از جانباختگان در قالب نیروهای تامین کننده امنیت و نظم که شامل بسیج و نیروهای مردمی می‌شوند، بوده‌اند و ۲۶درصد در اعتراضات حضور داشتند اما جزو آشوبگران نبودند و به دلایل نامعلوم جان باخته‌اند؛ مثلا شقیقه آنها از فاصله سه متری هدف قرار گرفته بود. ۲۲درصد از جانباختگان حوادث آبان ۹۸سابقه محکومیت‌های کیفری داشته اند.ذوالنور همچنین اعلام کرد که مرجع آمار اعلام شده،پزشکی قانونی است. هیچ گزارشی هم نداریم که کسی در بازجویی و شکنجه جان باخته باشد.

وی در تبیین سیاست‌هایی که منجر به مهار ناآرامی‌های آبان ۹۸شد گفت:با سخنرانی رهبری، قطع اینترنت و دستگیری لیدرها، زمینه جمع شدن افراد در کف خیابان فراهم شد و مردم معترض مسیر خود را از ضدانقلاب جدا کردند.

باید از مردم تشکر کرد و به اعتراض مردم احترام گذاشت. اعتراض باید در بستر قانونی خود انجام شود تا بهانه به دست ضدانقلاب داده نشود. ذوالنور اعلام کرد:غالب دستگیرشدگان برای آرام شدن اوضاع دستگیر شدند، ولی آنها پالایش شدند و کسانی که نقش جدی در آشوب‌ها نداشتند، آزاد شدند.

دکتر کلانتری: در یک ماه گذشته ۹۹۰ هکتار مرتع و جنگل در آتش سوخت

رئیس سازمان محیط زیست با بیان این‌که باید پروژه زاگرس میانی را به عنوان طرحی مستقل دانست که به همکاری همه دستگاه‌ها نیازمند است، گفت: در طول یک ماه گذشته ۹۹۰هکتار در آتش سوخت که حتی یک هکتار آن هم زیاد است، اما نباید مساله را به گونه‌ای جلوه داد که انگار همه کشور می‌سوزد.

به گزارش ایسنا، عیسی کلانتری در نشستی در مجلس شورای اسلامی برای بررسی آتش‌سوزی‌های اخیر در جنگل‌ها و مراتع به خصوص مناطق زاگرس،اظهار داشت:آتش‌سوزی بخشی از طبیعت است که باید جلوی آن را گرفت و به حداقل ممکن رساند ولی دلیل آتش‌سوزی اخیر هم بارندگی‌های مناسب است؛ با بارندگی‌ها علف‌های زیادی رشد کرده که با شروع گرما در منطقه بستری برای آتش ایجاد شده است.وی با بیان این‌که آتش‌سوزی‌ها سه جنبه و عامل طبیعی، انسانی و عمدی دارد، اظهارنظر کرد: بالاخره آتش‌سوزی در همه دنیا رخ می‌دهد. سال گذشته حدود دو میلیون و ۴۰۰هزار هکتار ازجنگل‌ها و مراتع استرالیا با آن همه امکانات سوخت که این میزان در کانادا ۶۰۰هزار هکتار بود پس نباید خیلی نگران باشیم ولی آمادگی ضروری است تا خسارات را به حداقل ممکن برسانیم؛ کمااین‌که کل آتش‌سوزی‌های کشور در مدت یک ماه به هزار هکتار هم نرسیده است. در خائیز ۲۷هزار هکتار سوخت البته که از نظر طبیعی آتش‌سوزی در مراتع و جنگل در تمام دنیا رخ می‌دهد و در کشور ما هم در دو سه سال پیش در شمال کشور آن هم در زمستان صدها هزار جنگل به خاطر بادهای گرم سوخت .

رئیس سازمان محیط زیست در جمع‌بندی اظهار کرد: آتش‌سوزی در کشورمان نسبت به ۱۰سال گذشته کاهش پیدا کرده که آن هم به دلیل افزایش تجهیزات نبوده است بلکه آگاهی و هوشیاری مردم افزایش پیدا کرده و مثل سابق هرجایی هم آتش باشد روشن نمی‌کنند ولی هر هکتاری که بسوزد خسارت به بار می آورد. اگر خاطرتان باشد در زمان شهرداری آقای قالیباف پلاسکو در آتش سوخت همه امکانات بسیج شد و نتوانستند آن را اطفا کنند و چند مامور آتش‌سوزی فوت کرد. در جنگل‌ها و مراتع هم وقتی بارندگی خوب باشد آتش‌سوزی هم افزایش پیدا می‌کند اگر بارندگی هزاران فایده داشته باشد سیل و آتش‌سوزی ضررهای بعدی آن است. دولت در چند سال گذشته علی‌رغم تمامی مشکلات ریالی، ارزی و تحریمی چند هلیبورد و بالگرد تامین کرد تا جلوی خسارات را بگیرد.

در طول یک ماه گذشته ۹۹۰هکتار در آتش سوخت که حتی یک هکتار آن هم زیاد است، اما نباید مساله را به گونه‌ای جلوه داد که انگار همه کشور می‌سوزد... دلیل آتش‌سوزی اخیر هم بارندگی‌های مناسب است... آتش‌سوزی در همه دنیا رخ می‌دهد... سال گذشته جنگل‌ها و مراتع استرالیا با آن همه امکانات حدود دو میلیون و ۴۰۰هزار هکتار سوخت که این میزان در کانادا ۶۰۰هزار هکتار بود پس نباید خیلی نگران باشیم ... آتش‌سوزی در کشورمان نسبت به ۱۰سال گذشته کاهش پیدا کرده که آن هم به دلیل افزایش تجهیزات نبوده است بلکه آگاهی و هوشیاری مردم افزایش پیدا کرد. بدانید که در این آتش‌سوزی‌ها هلیکوپترها هم خیلی کارایی ندارند. در وهله اول باید آگاهی مردم را بالا برد. ما بی‌توجه نیستیم، ولی بدانید که آتش‌سوزی در همه دنیا وجود دارد؛ پس توصیه می‌کنم خیلی نگران نباشید، اما احتیاط لازم را داشته باشید.

به گزارش ایسنا، بعد از صحبت‌های کلانتری نمایندگان حاضر در مجلس شورای اسلامی انتقادات بسیاری به او مطرح کردند مبنی بر این‌که چرا گفته درباره این آتش‌سوزی‌ها نگران نباشید و این اشتباه در همه جای دنیا می‌افتد.

کلانتری بعد از صحبت‌های نمایندگان در توضیحاتی اظهار نظرکرد: سال گذشته در زمان بررسی بودجه جلسه‌ای با آقای تاجگردون رئیس وقت کمیسیون بودجه داشتم و به او گفتم که باید مسائل زاگرس را به عنوان پروژه‌ای جدا دنبال کرد؛ حرف من این است که فکر نکنید صورت مساله چیز بزرگی است؛ گفتم صورت مساله را بدانید که چه کاری باید انجام دهیم. پروژه زاگرس میانی اگر به صورت طرح مستقل در مجلس شورای اسلامی تصویب شود گامی رو به جلوست کما این‌که در دوره قبلی هم مطرح شد، اما به خاطر کرونا و اتفاقات بعد از مجلس دهم نتوانست آن را بررسی و تعیین تکلیف کند. در سازمان منابع طبیعی و محیط زیست هزاران مشکل داریم که تا زمانی که تصویب نشود نمی‌توان برای آن کاری کرد.

رئیس سازمان محیط زیست تاکید کرد: زاگرس مرکزی و میانی به برنامه‌ریزی مستقلی در دستگاه‌ها نیاز دارد. می‌توان آن را مثل پروژه دریاچه ارومیه دنبال کرد و بعد از آن چند پایگاه هوایی و آتش‌نشانی مشخص کرد ولی با این بودجه محیط زیست و سازمان جنگل‌ها و مراتع پیشبرد کارها سخت است.

وی با اشاره به بودجه سازمان محیط زیست گفت: کل بودجه سازمان محیط زیست ۷۵۰میلیارد تومان است که ۷۲۰میلیارد تومان آن صرف حقوق و مزایا می‌شود، یعنی حدود ۹۲درصد بودجه برای حقوق و مزایا داده می‌شود. وسع دولت هم نمی‌رسد.

زمانی که نفت هر بشکه ۱۰۰دلار بود کاری نکردند اکنون که نمی‌توانیم نفت بفروشیم و به خاطر کرونا مالیات قطع شده است، پس تقاضاها را مبتنی بر واقعیات کشور ببینید. حرف من این است که کل کشور دارد می‌سوزد. برای ما هم مهم است که حتی اگر یک هکتار بسوزد و آن را هم زیاد می‌دانیم ،اما در طول یک ماه گذشته ۹۹۰هکتار آتش گرفته است.

یادداشت

مرشد طنزآوران

یادی از حسن توفیق و به مناسبت درگذشت وی

مرضیه سلیمانی

نشریه توفیق، یکی از معروف‌ترین نمادهای طنز در تاریخ جراید ایران است. بی‌تردید در طول نیم قرن اول شمسی کنونی که اینک آخرین سال آن طی می‌شود، هیچ نشریه‌ای در عرصه طنز و فکاهی به‌قدر توفیق اثرگذار نبوده؛ البته نقدها و ایرادهایی هم بدان وارد است اما فشرده بگویم در سه دوره که ابتدا میرزا حسین‌خان توفیق این نشریه را بنیان نهاد، جریده‌ای ادبی و فکاهی بود. در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ محمدعلیخان پسر حسین، مدیر نشریه بود و او گرایشات تند سیاسی داشت و سرانجام همچون پدرش به حبس و تبعید رفت و در انزوا درگذشت.

دوره سوم را عمه‌زاده‌های محمدعلی خان که سه برادر بودند از ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۹ با انتقادات اجتماعی و سیاسی منتشر کردند و بسیار محبوب شدند. حسن توفیق، ضمن سردبیری و ترسیم کاریکاتورهای ماندگار و زیبا، کارهای دیگری نیز سامان می‌داد و اینک با درگذشت او، چراغ دیگری از این خانواده خاموش شد و فصلی از تاریخ طنز مطبوعاتی به خاطره‌ها پیوست.

حسن توفیق، کاریکاتوریست و مدیرمسؤول نشریه «توفیق» بعد از ظهر روز یک‌شنبه ۱۱ خرداد درگذشت. وی بزرگ‌ترین برادر توفیق‌ها و متولد ۱۱ اسفند سال ۱۳۰۴ خورشیدی بود؛ در دبستان دارالفنون تا اخذ دیپلم متوسطه درس خواند و از دانشگاه تهران در رشته حقوق قضایی فارغ‌التحصیل شد. مدتی کارمند وزارت دارایی بود و از دوران محمدعلی‌خان توفیق (۱۳۲۲)، رسما به جمع طنزپردازان توفیق پیوست و پس از برکناری سردبیران چپ‌گرا و متمایل به حزب توده، سردبیری توفیق را برعهده گرفت.

برگـــزاری اولین دوره کلاس‌های آموزشـــی کاریکاتور در ایران و سازماندهی تیم کاریکاتور توفیق، از نوآوری‌های حسن توفیق است. از جمله ابتکارات او، تغییر امضای کنایه‌آمیز روی جلدش از «حسن توفیق» به «اسداله توفیق» در شـــوخی با جدال‌های هرروزه آیت الله کاشانی و دکتر مصدق درباره ملی شدن نفت بود که بازخورد بسیار زیادی در محافل سیاسی داشت و سبب واکنش‌های مصدق شد.

حسن توفیق، کاریکاتوریست برجسته و صاحب سبک بود و اغلب کاریکاتورهای روی جلد توفیق، کار اوست. در دورهٔ سوم، امتیاز توفیق به نام وی صادر شد و در کنار فعالیت‌های مطبوعاتی و ترسیم کاریکاتورهای توفیق، وکالت هم می‌کرد و مطالب طنز او با نام‌های مستعار «شرمسار خشن» و «میرزا قشمشم» در توفیق منتشر می‌شد. در دوره آخر انتشار توفیق که از اواخر دهه ۳۰ تا سال ۱۳۴۹ به طول انجامید، حسن توفیق کمتر مطلب می‌نوشت اما کاریکاتورها زیرنظر او، شعرهای توفیق زیرنظر حسین و نثر و داستان‌های نشریه هم غالبا تحت نظارت عباس توفیق منتشر می‌شدند. حسن توفیق در ابتدا با راهنمایی و همکاری روح‌الله داوری، از کاریکاتوریست‌های متأخر توفیق و سپس به‌صورت مستقل آثار ماندگار در هفته‌نامه خلق‌کرد.

انتشار توفیق، در شرایط پس از کودتا، یکی از اتفاقات نادری بود که با حُسن استفاده خانواده توفیق از شرایط میسر شد. در ایام نهضت ملی شدن صنعت نفت، به گفته حسن توفیق، چهار بار دفترتوفیق را غارت کردند و دفعه پنجم آتش زدند. به همین دلیل فکر این کار موقتا اِز سر خانواده توفیق به در رفت و هریک از آنان به کاری مشغول شدند.

نام توفیق، در این دوره با خاطرات نهضت ملی شدن نفت و مسائل قبل از آن گره خورد و مســـؤولان دولتی و امنیتی کشـــور نیز به شدت به آن حساسیت نشان دادند. به قول عباس توفیق«اصلا وقتی می‌گفتیم توفیق، می‌زدند توی دهانمان. فکر کردیم که برویم تقاضای روزنامه بکنیم با نام روزنامه فکاهی و بعداً که امتیاز را گرفتیم، آگهی منتشر می‌کنیم که «روزنامه فکاهی برادران توفیق» منتشر شد.

در آخر این دوره توفیق، مضامین سیاسی و اجتماعی در مجله خودنمایی کرد و نویسندگان و کاریکاتوریست‌ها و مدیران مجله، راه‌هایی برای افزایش انتقادهای خود نسبت به برخی ارکان و رجال حکومتی یافتند. پیش‌زمینه ذهنی مردم از توفیق، سرمایه بزرگی برای موفقیت آن بود. تیراژ توفیق همیشه خوب بود و برخی اوقات بسیار فروش داشت و شماره بعدی هم درنمی‌آمد و همان تجدید چاپ می‌شد و مردم می‌خریدند.

با عرض تســـلیت درگذشت مرحوم حسن توفیق به خانواده وی و طنزپردازان ایران، امیدواریم زین پس سبک او و این طنز خاموش نباشد.

کوتاه فرهنگی

تعیین حریم ۱۸ اثر فرهنگی تاریخی ثبت‌ملی

مدیر دفتر ثبت آثار وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی گفت: حریم ۱۸اثر فرهنگی‌تاریخی ثبت ملی‌شده از استان‌های قم، لرستان، کرمانشاه و سمنان تعیین شد.

به گزارش میراث‌آریا، مصطفی پورعلی اظهار کرد: در این جلســـه ۲۷پرونده از چهار استان برای تعیین حریم پیشنهاد داده شد و مجموعه بناهای مزرعه احمدآباد، مجموعه زنبورک، قلعه دولت‌آباد، آب‌انبار دولت‌آباد و قلعه چشمه‌علی از استان قم با نظر اعضای شورا تعیین حریم شدند.

او افزود: از استان کرمانشاه تپه بالای پلنگ گرد، تپه پایین پلنگ گرد، قبرستان پلنگ گرد، بازنگری ساختمان استانداری و خانه سیدین، گوردخمه روانسر و تپه‌های سه‌گانه موسی روانسر و از استان سمنان محراب مصلی، قلعه امیریه و کاروانسرای سپهسالار امیرآباد تعیین حریم شدند.

مدیر دفتر ثبت آثار تصریح کرد: از جمله آثار تعیین حریم شده لرستان می‌توان به محوطه میدان بزرگ، تپه طلا شور قدبرا و تپه بتکی اشاره کرد.

ارائه بیش از ۳۶ میلیارد تومان تسهیلات به فعالان صنایع‌دستی

معاون صنایع‌دستی وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی کشور گفت: بیش از ۳۶میلیارد تومان تسهیلات از محل اعتبارات فنی و اعتباری به فعالان حوزه صنایع‌دستی پرداخت شده است.

به گزارش میراث آریا، پویا محمودیان افزود: این تسهیلات در راستای رونق و توسعه کسب‌وکارهای حوزه صنایع‌دستی و تقویت جایگاه تولید و بازرگانی صنایع‌دستی از محل اعتبارات فنی و اعتباری از نیمه دوم سال ۹۷تا پایان سال ۹۸به ۹۰کارگاه تولیدی و فعال بازرگانی، پرداخت شده‌اند.

پرداخت کمک‌های فنی و اعتباری در حوزه صنایع‌دستی با نرخ بهره ۱۰درصد، تنفس شش ماهه و بازپرداخت ۲۴ماهه است که در نوع خود، شرایط بسیار ویژه‌ای برای فعالان حوزه صنایع‌دستی محسوب می‌شود.

معاون صنایع‌دستی کشور تصریح کرد: ارائه تسهیلات یکی از برنامه‌هایی است که در معاونت صنایع‌دستی در قالب کمک به‌منظور توسعه کسب‌وکارها، فرصت‌ســـازی، ایجاد انعطاف بیشـــتر در محیط‌های بازرگانی، تجاری و تسهیل‌گری برای فعالان و کمک به ذی‌نفعان در نظر گرفته می‌شود. برای حمایت بیشتر از هنرمندان صنایع‌دستی پرداخت تسهیلات به فعالان این حوزه در سال ۹۹نیز ادامه دارد.

بزرگداشت آنلاین استاد «علی‌اصغر بهاری»

آیین بزرگداشـــت استاد علی اصغر بهاری به صورت آنلاین برگزار خواهد شد.

به گزارش ایسنا، به مناسبت بیست و پنجمین سالروز درگذشت استاد بهاری، بزرگداشت آنلاین او با حضور و سخنرانی استادان کمانچه‌نوازی و پخش اجرای کمانچه در لایو صفحه اینستاگرام «کمانچه»۱۹و ۲۰خرداد ســـاعت ۲۱با حضور شهرام صارمی و مسعود توسلی برگزار خواهد شد. علی‌اصغر بهاری، زاده ۱۲۸۴و درگذشـــته ۲۰خرداد ۱۳۷۴بود. او از استادان موسیقی ایرانی و نوازنده برجسته کمانچه بود. بهاری در دهه ۱۳۶۰با فرامرز پایور، جلیل شهناز، محمد اسماعیلی و سیدمحمد موسوی، در «گروه استادان موسیقی ایران»، همکاری داشت.

دکتر هادی خانیکی: در دوران پس از کرونا، نیازمند بازنگری در تمامی زمینه‌ها هستیم



هادی خانیکی با اشاره به این که دنیای ما بعد از کرونا تا حد زیادی تغییر کرده است گفت: بعد از کرونا نیازمند بازنگری در همه عرصه‌هایی که در آن به سر می‌بریم هستیم و از جمله این بازنگری‌ها، بازنگری‌های اخلاقی است.

به گزارش خبرنگار اطلاعات، هادی خانیکی، استاد گروه ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی، در سخنرانی با عنوان «قابلیت‌های فضای مجازی در ارتقای اخلاق آموزشی، آکادمیک، فرهنگی و سیاسی در جامعه ایران» که بـــه همت انجمن ایرانی اخلاق در علم و فناوری، عصر دوشـــنبه دوازدهم خرداد ماه، به صورت لایو اینستاگرامی برگزار شد، اظهار کرد: قضـــاوت کردن آثار نهایی پدیده‌ای چنین نوظهور و عالمگیر، بسیار زود است و به همین دلیل نمی‌توان درباره اینکه ما به چه جهانی وارد شده‌ایم، احکام قطعی و احکام اخلاقی صادر کرد ولی می‌توان گفت چه چیزهایی در معرض تغییر قرار گرفته‌اند. من در برابر بدبین‌هایی که می‌گویند این ویروس ما را در معرض نابودی قرار داده و خوش‌بین‌هایی که می‌گویند ما را در شرایط بهتری قرار داده، باید بگوییم به نظر من این ویروس ما را به شرایطی پرتاب کرده که آمادگی ورود به آن را نداشته‌ایم و زیرساخت‌های لازم برای آن وجود ندارد.

وی افزود: این پرتاب شدن‌ها از پیش از مشروطه تا به امروز، هم ضرباتی به ما زده هم فوایدی داشته؛ از جمله قحطی و وبایی که در آستانه جنگ اول جهانی ما را درگیر کرد ولی بنیادهای آموزش نوین را در جامعه ما پایه‌ریزی کرد و مسؤولان فهمیدند که وقت تأسیس دارالمعلمین است.

عضو هیأت مدیره انجمن اخلاق در علـــوم و فناوری گفت: از طرف دیگر این پدیده ارتباطی جدید الزاما در امتداد ارتباطات گذشـــته نیست. مـــا وارد عصر ارتباطات خودانگیز شده‌ایم که دو ویژگی خاص دارند: مرکزیت یافتن خانه و برجسته شدن فردیت و فردگرایی. اما واقعیت امروز چیســـت؟ دنیای ما مجازی شده یا دنیای مجازی، واقعی شده؟ من فکر می‌کنم، ترکیبی از این دو، بر دنیای امروز حاکم است.

خانیکی ادامه داد: در همین حوزه آموزش قبلا در مدرسه چقدر ترس از فناوری‌های جدید ارتباطی غلبه داشـــت ولی همین موبایل آن قدر ابـــزار آموزش‌های همین چندماهه قرار گرفت که فراهم کردن آن برای دانش‌آموزان تبدیل به کار خیر شد. در آموزش آکادمیک هم همه کلاس‌ها به شکل آنلاین درآمد و حتی نهادها و ســـاختارهای خود دانشگاه هم مجبور شدند خود را با شرایط جدید تطبیق دهند. امروز سناریوی غالب برای آینده سناریوی آموزش ترکیبی است یعنی ما دیگر به دوران قبل از کرونا بازنخواهیم گشت و بخشی از آموزش به صورت مجازی و آنلاین خواهد بود و بخش دیگر به شـــکل حضوری و فیزیکی.استاد ارتباطات دانشـــگاه علامه طباطبایی افزود: از نظر تغییر زیست فرهنگی و تولیدات فرهنگی آنلاین هم اگر چه نباید خیلی ذوق‌زده برخورد کنیم و بگوییم جامعه به کنســـرت های مجازی یا اکران آنلاین یا بازدید مجازی از موزه خو گرفته، ولی به هر حال این فعالیت‌ها وجود دارد.

رئیس کرسی ارتباطات، علم و فناوری یونسکو در ایران ادامه داد: در حوزه سیاسی هم پرسش جهانی که در ایران هم مطرح است آن است که میل به کنترل این بیماری، دولت‌ها را به سمت اقتدارگرایی بیشتر می‌کشد. در مجموع به نظر من می‌آید که یک دنیای کاملا متفاوتی نسبت به گذشته در حوزه زیست فرهنگی و سیاسی، ارتباطات و زیست آکادمیک وحتی در ارتباطات بین نهادهای رسمی و جامعه به چشم می‌خورد.

خانیکی تصریح کرد:این بیماری نشان داد همه چیز در معرض تغییر قرار گرفته است و هیچ چیز، اعم از اقتصاد و سیاست و غیره را نمی‌توان در امتداد مسیر گذشته‌اش تحلیل کرد.اگر چه ما توسط تکنولوژی‌های ارتباطی به جلو پرتاب شدیم و چهره هراسناک وب کمرنگ‌تر شده و خوش‌بینی نسبت به آن بیشـــتر شد زیرا این شبکه‌ها وارد همه زندگی شـــدند و جاهای نامکشوفش، شناخته شد.

وی تصریح کرد: کرونا نشـــان داد چه بخشـــی از زندگی ما بیخود و زائد بـــوده، از ماندن در ترافیک تا سیســـتم اداری و غیره. همچنین بـــه نظر من می‌آیـــد که جامعه در پرتوی این نوع معاشرت‌های مجازی تمایل به گفتگوی بیشتری پیدا کرد، به گونه‌ای که ارزشمندی گفتگو در جامعه قابل مشـــاهده است. در پی ظهور کرونا، در زمینه‌های اخلاقی هم بخش‌هایی از اخلاق مهم شد؛ مثل اخلاق غمخواری، شفقت، عدالت و اینهاست که جامعه ما را زنده کرد.

استاد دانشگاه علامه طباطبایی گفت: بعد از کرونا قابلیت‌های فضای مجازی به چشم آمد. البته باید برای مبانی اخلاقی برای تقویت آموزش آکادمیک و سیاست و فرهنگ فکری کرد. به نظر بحران کرونا، یک زاویه دیگری گشود، یعنی بازنگری در همه عرصه‌هایی که در آن به سر می‌بریم و از جمله این بازنگری‌ها، بازنگری‌های اخلاقی بود و از جمله بازنگری‌های اخلاقی، تهیه پروتکل‌های اخلاقی بود. مثلا درحوزه درمانی بالاخره با منابع کمیاب مواجه هســـتیم. اینکه با چه پروتکل‌هایی این منابع را در اختیار بیماران قرار دهیم، پرسش اخلاقی مهمی است. کارنامه جامعه ما در این منظر مثبت بود. در مجموع از دل این پروتکل‌ها می‌توان دستورالعمل‌هایی برای اقدام درآورد.

پیام تسلیت وزیر ارشاد در پی درگذشت حسن توفیق

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی توییتری، درگذشت حسن توفیق را تسلیت گفت.

به گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سیدعباس صالحی در حساب توئیتری خود در پی درگذشت حسن توفیق نوشت: نیم قرن طنز فاخر (۱۳۰۲تا ۱۳۵۰) تجربه گرانبهای نشریه توفیق بود. راهی که پس از انقلاب با نشریه گل آقا تداوم یافت ولی سال‌هاست که بی‌جانشین مانده‌است. دلمان برای آن لبخندهای تلخ تنگ می‌شود. امروز حسن توفیق در سن ۹۵سالگی درگذشت. یادش گرامی.

همچنین بر اســـاس گزارش وبســـایت دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ســـخنگوی وزارت امور خارجه کشـــورمان نیز در توییتی درگذشت این کاریکاتوریســـت و طنزپرداز پیشکسوت را به خانواده وی و اهالی رسانه و هنر تسلیت گفت.

رئیس مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی نیز در پیامی درگذشت حسن توفیق را ضایعه‌ای بزرگ خواند و آن را به خانواده، بســـتگان آن مرحوم و جامعه فرهنگی کشور تسلیت گفت. محمد کاظم بجنوردی، نوشت: با نهایت تأسف و تاثر اطلاع یافتیم که آقای حسن توفیق، از بنیادگذاران نشریه پرآوازه توفیق، روز یک‌شنبه ۱۱خرداد، به جهان دیگر رهسپار شد.

سابقه دیرین او و اعضای خاندان جلیل توفیق در مطبوعات ایران، بی گمان چشمگیر و پایدار است و همچون فصلی درخشان در تاریخ و فرهنگ ایران و زبان فارسی ثبت و ضبط شده است. رحمت واسعه خداوند بر او باد.

به گزارش روابط عمومی مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، مراسم تدفین مرحوم حسن توفیق، از بنیادگذاران نشریه توفیق امروز سه شنبه سیزدهم خرداد، ساعت ده صبح در قطعه نام‌آوران بهشت زهرا انجام خواهد شد.

کیومرث پوراحمد: با دزدی فرهنگی همراه نشوید

کیومرث پوراحمد که چندروزی اســـت فیلم تازه‌اش «تیغ و ترمه» را اکران آنلاین کرده، از مردم خواست فیلم را از طریق سایت‌های رسمی ببینند و به حرمت سینما و فرهنگ با دزدی فرهنگی در ســـایت‌های غیررسمی همراه نشوند.

به گزارش ایسنا، در پی اکران غیرقانونی فیلم «تیغ و ترمه» در برخی از ســـایت‌ها، کیومرث پوراحمد، نویســـنده و کارگردان این فیلم در پیام کوتاهی از مردم خواســـت این فیلم و همه فیلم‌های دیگری را که به صورت آنلاین اکران شـــده‌اند، از طریق سایت‌های رسمی ببینند.او در این پیام کوتاه می‌گوید: «دوستان سلام. آخرین فیلم من «تیغ و ترمه» همین چند روز پیش اکران آنلاین شده و به ســـرعت دزدی و در کانال‌های خارجی ارائه شده است. می‌توانید این فیلم را از طریق دو ســـایت رسمی که در تبلیغاتمان هم اعلام شده با ۱۵ هزار تومان بخرید و ببینید. متأسفانه سایت‌های غیرقانونی برای حاصل رنج گروه بزرگ سازنده فیلم اهمیت قائل نیستند و دزدی فرهنگی می‌کنند و فیلـــم را غیرقانونی و به نصف قیمت می‌فروشند. از شما می‌خواهم به حرمت ســـینما و فرهنگ با این دزدی فرهنگی همراه نشـــوید و نه فقط «تیغ و ترمه» بلکه همه فیلم‌هایی را کـــه اکران آنلاین دارند، از طریق سایت‌های رسمی نمایش فیلم‌ها ببینید و نه سایت‌های غیر رسمی.»

همکاری موزه چستربیتی با کاخ گلستان برای ساماندهی نسخه‌های خطی ایرانی

مدیر مجموعه میراث جهانی کاخ گلستان گفت: با امضای تفاهمنامه میان موزه چستربیتی و کاخ گلستان، تجربیات این دو مجموعه فرهنگی تاریخی به اشتراک گذاشته می‌شود.

آفرین امامی در گفتگو با میراث‌آریا گفت: با برگزاری ویدئوکنفرانس با فیونولا کروک، مدیر کتابخانه چستربیتی و مویا کری موزه‌دار آثار هنری اسلامی موزه چستربیتی دوبلین، مسائل پیرامون پیش‌نویس تفاهمنامه فی‌مابین دو موزه کاخ گلستان و چستربیتی دوبلین و همکاری‌های فرهنگی مشترک مورد بررسی قرار گرفت.مدیر مجموعه میراث جهانی کاخ گلستان تصریح کرد: فیونولا کروک، مدیر کتابخانه چستربیتی همکاری با کاخ گلستان را مورد تأکید قرار داده و برای مشارکت در زمینه تبادل تجربیات، اعلام آمادگی کرده است.

او افزود: مفاد پیش‌نویس این تفاهمنامه شامل نسخه خطی خاوران نامه بوده است. هم‌اکنون ۶۴۵ صفحه از این کتاب در کاخ گلستان موجود است و باقی آن حدود ۵۰ برگ به شکل پراکنده در سایر موزه‌ها و مؤسسات دنیا و ۱۰ برگ نیز از این نسخه خطی در اختیار کتابخانه موزه چستربیتی قرار دارد.آفرین امامی توضیح داد: در این ویدئوکنفرانس مقرر شد که این کتابخانه فهرست کاملی از اوراق پراکنده نسخه خطی خاوران‌نامه را تهیه کند. امیدواریم پژوهش کاملی بر روی این اثر انجام و نتیجه آن در سمیناری بین‌المللی ارائه و در نهایت منجر به چاپ کامل نسخه شود.

«امیرعلی» و «فاطمه» فراوان‌ترین نام انتخابی فرزندان در سال ۹۸

«امیرعلی» و «فاطمه» فراوان‌ترین نام انتخابی است که خانواده‌های ایرانی برای نوزادان خود در ســـال ۹۸ انتخاب کرده‌اند.

به گزارش فارس، ابوترابی ســـخنگوی سازمان ثبت احوال گفت: «امیرعلی» و «فاطمه»، فراوان‌ترین نام انتخابی خانواده‌های ایرانی اســـت که برای نوزادان خود از ابتدای فروردین تا پایان سال ۹۸ انتخاب کرده‌اند.

وی ادامه داد: نام‌های انتخاب شـــده برای پســـران با بیشترین فراوانی در سال ۹۸به ترتیب امیرعلی، محمد، علی، امیرحسین، حسین، ابوالفضل، امیرعباس، سامیار، آراد و آریا بود و نام‌های انتخاب شده برای دختران با بیشترین فراوانی به ترتیب فاطمه، زهرا، حلما، زینب، آوا، مرسانا، یسنا، نازنین زهرا، فاطمه‌زهرا و باران بود.وی گفت: در سال گذشته یک میلیون و ۱۹۶ هزار و ۱۳۵ نفر متولد شدند و ولادت آنها به ثبت رسید که از این تعداد ولادت در سال گذشته ۶۱۶ هزار و ۴۹۴ نفر پسر و ۵۷۹ هزار و ۶۴۱ نفر دختر بودند.

وزیر علوم: نظارت در آموزش عالی به معنای مچ گیری نیست

وزیر علوم با بیان این که نظارت در آموزش عالی به معنای مچ‌گیری نیست، گفت: نظارت با هدف هماهنگی در اجرای درست ضوابط، بخشنامه‌ها و حرکت در مسیر صحیح اهداف و برنامه‌های آموزش عالی از طریق رفع کاستی‌ها و شاخص کردن نقاط قوت صورت می‌گیرد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی وزارت علوم، دکتر غلامی در آیین تکریم دکتر سعدان زکایی و معارفه دکتر غلامعلی منتظر، رئیس مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، با اشـــاره به شـــرایط فعلی آموزش عالی کشور مطرح کرد: در حال حاضر آموزش عالی در موقعیتی قرار گرفته که هم نقدهای جدی به آن وارد است و هم امیدهای قوی نسبت به آن وجود دارد. انتظار بسیار بالای جامعه و مجموعه علم و فناوری برای راهگشایی و حل مسائل به مراکز آموزش عالی بسته شده است.

وی بـــا بیـــان این که وجود برخی از ضعف‌ها در هر مجموعه گســـترده‌ای از جمله آموزش عالی بدیهی است، ادامه داد: به‌طور کلی بحث نظارت و ارزیابی در هر شرایطی ضرورت دارد اما در برخی شرایط این امر اهمیت بیشتری می‌یابد.

غلامی گفت: در حال حاضر مأموریت رفع اشکالات و برطرف‌کردن کاســـتی‌ها بر عهده مرکز ناتک (مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت) است که قطعاً بدون همکاری مراکز نظارت دانشگاه‌ها توفیقات لازم حاصل نخواهد شد.

وزیـــر علوم بر لزوم حمایت از مرکز ناتک تأکید کرد و افزود: ما باید به‌طور مســـتمر مرکز را حمایت کنیم و با قدرت پای این امر بایستیم؛ زیرا ساماندهی و آمایش مراکز آموزش عالی، مأموریت‌گرایی دانشگاه‌ها، کیفی‌ســـازی آموزش عالی و اثرگذاری تحقیقات علمی در مشـــکلات کشور زمانی می‌تواند در یک چارچوب مطلوب و مستقل عمل کند که توجه به نظارت‌ها را به طور جامع داشته باشیم.

وی توضیـــح داد: ارتباط مســـتمر و محترمانه با مجموعه‌های علمی بســـیار مهم است و قرار نیست در این مرکز نقش ناظم به معنای اخص را ایفا کنیم چراکه مـــا در واقع کمک‌کننده بهبود کیفیت در مراکز آموزش عالی جوان هستیم.

غلامی با تأکید بر حفظ جایگاه و شـــأن رؤسای دانشـــگاه‌های کشـــور، اظهار کرد: رؤسای دانشگاه‌ها شخصیت‌های معتبر علمی کشور هستند و نباید در هیچ بخشی، رفتاری صورت گیرد تا این افراد احساس آزردگی و کم لطفی کنند لذا تأکید داریم که جایگاه والای این عزیزان همیشه حفظ شود.

ارجاع متخلفان به مراجع قانونی

وزیـــر علوم هم چنین در گفتگو با روزنامه ایران درباره موضوع مدارک نامعتبر تحصیلی برخی راه یافتگان به مجلس جدید گفت: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری موارد تخلف مرتبط با مدارک تحصیلی افرادی که به این وزارت ارجاع شـــده را به دقت بررسی و پس از احراز تخلف، افراد متخلف را برای اعمال مجازات در چارچوب قانون به مراجع قانونی ذی صلاح معرفی می‌کند.

وی افزود: هر نهاد یا سازمانی می‌تواند برای اطمینان از اعتبار علمی و رسمی مدارک تحصیلی دانشگاهی که به هر نحوی برای اســـتفاده از امتیازات خاصی به آنها عرضه می‌شود، رسماً از وزارت علوم یا دانشگاه‌های کشور استعلام کند. ما پاسخ رسمی دریافت خواهیم داد و موارد مختلف ارسالی را به طور جدی بررسی می‌کنیم.

غلامی ادامه داد: با توجه به تعدد مراکز آموزشی در کشور و این که متأسفانه تب مدرک‌گرایی در برخی اقشار بسیار زیاد شده است، قضاوت در مورد اعتبار علمی و قانونی هر مدرک خاص، بدون بررسی آن ممکن نیست. در انتخابات مجلس، غیر از مدرک تحصیلی آقای سینا کمال خانی، هیچ‌گونه استعلامی از وزارت عتف نشده که پاسخ داده نشده باشد. ضمناً در بررسی صلاحیت‌های کاندیداهـــا، وزارت علوم جزو مراجع چهارگانه طرف اســـتعلام وزارت کشور نیســـت و لذا وزارت کشور هیچ‌گونه استعلام برای مدارک تحصیلی کاندیداها انجام نمی‌دهد. مواردی که تا به حال خبرساز شده‌اند، عموماً با گزارش‌های اشخاص حقیقی یا حقوقی خاص بوده که وزارت عتف هم به‌طور جدی رســـیدگی و در مواردی ضمن پاسخ استعلام، پرونده فرد یا افراد متخلف را به مراجع قانونی ارجاع داده است .

بـــه گفته وزیر علوم، قانونگذار در ماده ۵۲۷قانون مجازات اســـلامی برای هر گونه مدارک نامعتبر توسط اشخاص، مجازات تعیین کرده است و طبعاً جعل مدارک تحصیلی از هر نوع می‌تواند مشمول همان قانون شود. بر اســـاس قانون هر کس مدارک اشتغال به تحصیل یا فارغ‌التحصیلی یا تأییدیه یا ریزنمرات تحصیلی دانشگاه‌ها و مؤسســـات آموزش عالی و تحقیقاتی داخل یا خارج کشور یا دانشنامه‌های تحصیلات خارجی را جعل کند، یا با علم به جعلی بودن آن را مورد استفاده قرار دهد، علاوه بر جبران خســـارت به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

هشدار وزیر بهداشت نسبت به جهش شمار مبتلایان کرونا

وزیر بهداشت با ابراز نگرانی از عادی انگاری کرونا از ســـوی مردم و برخی مســـؤولان و فشار برای برخی بازگشـــایی‌ها، گفت: با این روالی که اکنون می‌بینیم، ما دقیقه ۹۰از گوشه‌های زمین گل خواهیم خورد .

به گزارش ایسنا، دکتر سعید نمکی در حاشیه برنامه کشوری شدن طرح هر خانه یک پایگاه سلامت، با حضور در جمع خبرنگاران، درباره وضعیت کرونا در کشور و همچنین در پایتخت، گفـــت: در روزهای اول کرونا دیدیم که پزشکان و پرستاران با سختی کار می‌کنند. متأسفانه عده‌ای این دستاورد بزرگ را ساده انگاشتند و تصور کردند که به راحتی همه چیز مهار شد و دیگر کرونا نداریم.

وی افزود: من دیروز به مشـــهد مقدس مشرف شدم و واقعا در رفت و برگشت صحنه‌های غم انگیزی دیدم. در هواپیمایی سوار شدم که مردم کیپ تا کیپ نشسته بودند، گرچه همکاران پرواز ماســـک می‌دادند، اما یک ربع بعد، مسافران ماسک‌ها را از صورت برمی‌داشـــتند و در فضایی دم کرده با یکدیگر صحبت می‌کردند. هرکسی از سرزمینی آمده بود. واقعا این چگونه نشستن و فاصله گذاری بود؟ در صحن حرم مطهر هم به نحوه دیگری غصه خوردیم .

نمکی ادامه داد: متأسفانه دو اتفاق بد در حال وقوع است؛ یکی این‌که مردم فکر می‌کنند کرونا تمام شده است و این تصور دو پیام دارد؛ یک پیام مثبت است زیرا مردم وقتی دل به دریا می‌زنند که خاطرشان جمع است حکومت، دولت و وزارت بهداشت کنارشان هستند و به دولت و وزارت بهداشـــت اعتماد دارند، اما پیام منفی آن این اســـت که مردم نمی‌دانند کرونا می‌تواند به همین راحتی بازگردد؛ طوری‌که با این روال دقیقـــه ۹۰ از گوشـــه‌های زمین گل خواهیم خورد و امروز صبح هم این را به رئیس جمهوری عرض کردم که یکی از نگرانی‌های عمده من عادی انگاری کرونا از سوی مردم است.

وزیر بهداشت تأکید کرد: اتفاق بد دوم این است که متأسفانه برخی مسؤولان هم تصور کرده‌اند که کرونا تمام شده است و به من فشار می‌آورند کـــه اینجا و آنجا را باز کنیم. آقایی از فلان ستاد یا فلان وزارتخانه باورشان شده که همه چیز عادی است، همه جا را راه بیندازیم. فلان لیگ را راه بیندازیم و ...؛ اینطور نیست، کرونا نه تنها تمام نشده، بلکه هر لحظه ممکن است دچار پیک خطرناک شویم.

وی گفت: اکنون در استان‌های سیستان و بلوچســـتان، کرمانشاه و هرمزگان گرفتار پیک هستیم. ما مرگ‌ها را بـــه زیر ۳۰کاهش داده بودیم و این یعنی واقعا نفســـمان گرفته شد تا این اتفاق افتاد، آن هم در اوج تحریم؛ اما دیروز ۵۰درصد از مرگ‌هایمان برای سه استان بود. حال اگر خدای نکرده این اتفاق استمرار پیدا کند، مرگ‌ها دوباره سه رقمی می‌شود و ممکن است تعداد قابـــل توجهی از عزیزانمان و آبرویی کـــه در عرصه بین‌المللی داریم را از دست بدهیم.

نمکی اظهار کرد: هرچه از مردم خواهش کردیم عروسی و عزا برگزار نکنیـــد، گوش نکردند و در اســـتان خوزســـتان قبیله‌ای آمدند و رفتند و روبوسی و هلهله کردند. ما می‌دانستیم که این یک زنگ خطر اســـت برای شـــیون‌های آینده. هرچه هم گفتیم متأسفانه کسی گوش نکرد.

وی افـــزود: ما همزمان که کرونا را جمع می‌کنیم، گیر سایر بیماری‌های عفونی و هر ساله هم می‌افتیم. وقتی همه خوشحالند که امسال در سیستان و بلوچستان بارندگی خوب بوده، ما گرفتار آب‌هـــای راکد و مالاریا هم می‌شـــویم. باید همه اینها را ببینیم و نمی‌توانیم از یکی از این مسائل غفلت کنیم. به همین دلیل از مردم خواهش می‌کنم که کمی به ما و همکاران من و به جان خودشان رحم کنند، فاصله‌گذاری و استفاده از ماسک را جدی بگیرند. حتی می‌بینم که برخی از اصحاب رسانه هم ماسک را جدی نمی‌گیرند. زیرا هوا گرم است و خسته می‌شوند. خواهشم این است که مردم بدانند که کرونا تمام نشده و هر لحظه ممکن است دوباره ما را غافلگیر کند.

وزیر بهداشت با اشاره به برخی اظهـــارات مبنی بر ضعیف‌تر و آرام‌تر شدن فعالیت کرونا، گفت: این ویروس نه تنها آرام‌تر و نجیب‌تر نشده، بلکه به مراتب نانجیب‌تر شده است. در تهران علائمـــی از افزایش را به ما گزارش می‌کنند. در خوزستان می‌بینیم که جوان از بین می‌رود. در سیستان و بلوچستان افراد ۳۲ســـاله و ۴۰ساله را از دست دادیم. ســـه روز پیش در بندرعباس پرســـتار ۴۲ساله فوت کرد در حالی که هیچ بیماری زمینه‌ای هم نداشت. بنابراین ویروس نه تنها آرام نشده حتی چهـــره چموش‌تری در برخی جاها بروز می‌دهد. بنابراین مسأله بسیار جدی اســـت و خواهشم این است که مردم کرونا را جدی بگیرند.

ســـعید نمکی دیروز در حاشیه جلسه هیأت دولت اظهار کرد: متأسفانه سه استان کشور به اندازه ۲۸استان دیگر برای کادر پزشـــکی وزارت بهداشت ایجاد زحمـــت کرده‌اند و توصیه ما به مردم این اســـت که به خودشان و همکاران ما رحم کنند.وی با بیان این که هیچ پدیده‌ای اثرش منفی‌تر از مزمن شدن بیماری بر اقتصاد کشور نیست، گفت: اگر همه رستوران‌ها را باز کنیم ولی مردم از شـــیوع کرونا وحشت داشـــته باشند، هیچ فردی به رستوران نخواهد رفت.

نمکی تأکید کرد: اولین اصل باید رعایت پروتکل‌ها و فاصله‌گذاری‌ها باشد و به این فکر کنیم که بزرگ‌ترین کمک به تولید، کوتاه شدن عمر ویروس کرونا در کشور است.

وزیر بهداشـــت ضمن انتقاد از «ترمیم نشـــدن ناوگان حمل و نقل عمومی اعـــم از اتوبوس و مترو در شـــرایط کرونا» ، درباره اجرای طرح ترافیک پایتخت، شـــروطی را مطرح کرد و افزود: متأسفانه به ناوگان مترو و اتوبوسرانی ما هیچ چیزی اضافه نشده است. ماســـک را هم در این فضاها اجباری کردیم اما وقتی استفاده از ماسک را در ساعات پیک تردد اجباری می‌کنیم و مـــردم در گرمای هوا وارد ناوگان حمل و نقل عمومی می‌شوند، ممکن است چند دقیقه آن را بردارند؛ چراکه نمی‌توانند نفس بکشند و در همان لحظه می‌توانند ویروس را منتشر کنند.

وی گفت: وقتی نتوانستیم ناوگان حمل و نقل عمومی اعم از اتوبوس و مترو را ترمیم کنیم و افزایش دهیم، قطعا به عنوان متولی سلامت مراقب هستیم تـــا حداقل مردم بتوانند از خودروی شـــخصی استفاده کنند و از این راه خطر را کاهش دهیم.

نمکی ادامه داد: در جلســـه با شهردار و وزیر کشور، آنها اعلام کردند می‌خواهیم به نحوی عمل کنیم که فقط در ساعاتی که مردم به سمت محل کار می‌رونـــد یا از محل کار بازمی‌گردند، طرح ترافیک را حذف کرده و دوربین‌ها را خاموش کنیم ولی مانع ورود بعضی از پلاک‌های شهرستان‌ها شویم که وارد تهران و محدوده طرح ترافیک می‌شوند و همه چیز را به هم می‌ریزند.

وی افـــزود: ما هم اعلام کردیم که چند روزی با شما راه می‌آییم، اما بدانید که من در زمینه سلامت مردم با احدی رودربایستی ندارم و با هیچ‌کس هم شوخی ندارم. اگر ببینم که حتی دو درصد بار مسافر مترو و اتوبوس افزایش یافته و به این دلیل فاصله گذاری‌ها به هم می‌ریزد، قطعا اعلام می‌کنم که وضعیت طرح ترافیک به قبل بازگردد .



خطر خستگی مردم

فرمانده ســـتاد مقابله با کرونا در کلانشهر تهران، خستگی شهروندان از اجرای پروتکل های بهداشـــتی را نگران‌کننده ترین خطر استمرار اپیدمی کرونا دانست.

به گـــزارش مهر، علیرضا زالی، گفت: در ۲۴ساعت گذشته ۱۷۱بیمار در بخش‌های عادی مراکز درمانی استان تهران بـــه عنوان موارد قطعی جدید ابتلا به کرونا و ۷۲بیمار در بخش‌های مراقبت‌های ویژه بستری شده‌اند.

وی افـــزود: مجموعاً ۲۹۴بیمار در طول ۲۴ساعت گذشته از مجموع بیمارستان‌های استان مرخص شده‌اند. همچنین آمار تعداد بستری‌های جدید نسبت به روز گذشته، افزایش مختصری داشته است و مجموع بیماران جدید نسبت به روز قبل ۲/۳ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

زالی گفت: ســـهم بیمارانی که از مجموع بخش‌های بهداشـــتی و درمانی به عنوان مراجعان ســـرپایی مراجعه کرده و بعد بستری شدند در ۲۴ساعت گذشته از ۳,۷به ۵,۶رسیده که افزایـــش مختصری دارد.بنابر این آمارها، هم مراجعان به مراکز بهداشت و درمان، هم موارد جدید بخش‌های عادی و بخش‌های ویژه نســـبت به ۲۴ساعت گذشته افزایش مختصری داشته‌اند .

وی تأکید کرد: مهم‌ترین مسأله در برخورد با بیماری کرونا و کاهش موارد ابتلا، جدی تلقی کردن بیماری است. زیرا خطر بیماری کرونا از کشـــور و استان تهران زدوده نشده و تهران یکی از شهرهایی است که در آن روزانه موارد ابتلای جدید گزارش می‌شـــود و این گزارش‌ها نشان می‌دهند بحث کرونا در پایتخت باید جدی‌تر تلقی شود .

فرمانده ســـتاد مقابله با کرونا در کلانشهر تهران با اعلام این که ما هنوز بـــرای کنترل قطعی کرونا در تهران به زمان نیاز داریم افزود: مهم‌ترین عامل بـــرای انتقال این بیماری، حضور در مراکز پرتراکم و پرتردد و به ویژه بدون استفاده از وسایل حفاظتی است و در شرایط فعلی که خطر در کمین ماست و این بیماری به هر طریقی می‌تواند با ساز و کارهای فریبنده خود منجر به تسخیر میزبان‌های جدید شود، باید با مراقبت‌های بیشتر نسبت به محافظت از خود در برابر این ویروس توجه کنیم.

۸۱تن جان باختند

دکتر کیانوش جهانپور، سخنگوی وزارت بهداشت از شناسایی ۲۹۷۹مورد جدید کووید۱۹در کشور طی ۲۴ساعت منتهی به ۱۲خرداد خبر داد.

به گفتـــه وی، از بین مبتلایان جدید، ۶۵۲مورد بستری و دو هزار و ۳۲۷مورد از افراد در تماس با مبتلایان بودند که شناسایی شدند. به این ترتیب مجموع بیماران کووید۱۹در کشور به ۱۵۴هزار و ۴۴۵نفر رسید.

جهانپور همچنین با اشـــاره به افزایش نسبی در فوتی‌های کرونا نسبت به روزهای گذشـــته، گفت: متأسفانه در طول ۲۴ ســـاعت گذشته، ۸۱بیمار کووید۱۹جان خود را از دست دادند و مجمـــوع جان باختگان این بیماری ۷هزار و ۸۷۸نفر شده است.

موج دوم کرونا در ۵ استان

دکتر مسعود مردانی، متخصص بیماری‌هـــای عفونی با بیان این‌که به نظر می‌رسد ترس مردم از کرونا ریخته است و کمتر مسائل بهداشتی فردی و اجتماعی را رعایت می‌کنند، گفت: در حال حاضر در خوزستان، سیستان و بلوچستان، کرمانشاه و هرمزگان موج دوم اپیدمی در حال جریان است. در تهران نیز موج دوم به صورت بســـیار آهســـته و بطئی پیش می‌رود و در صورت عدم رعایت موازین بهداشتی، منتظر موج سوم هم هستیم .

وی با اشاره به بازگشایی صحن حرم‌های مطهر، اظهار کرد: متأسفانه ترس مردم از کرونا ریخته و نســـبت به قبل کمتر مسائل بهداشتی فردی و اجتماعی را رعایت می‌کنند و بیشتر مسافرت می‌روند یا در مجامع عمومی حاضر می‌شوند. این اقدامات می‌تواند منجـــر به افزایش گـــردش ویروس شود.

مردانی تأکید کرد: واقعا خطرناک اســـت که فردی که دچار علائم تب، سرفه، تنگی نفس و... است، در مجامع عمومی حاضر شود. بر همین اساس از مردم می‌خواهیم که در صورتی که ایـــن علائم را دارند، به هیچ وجه از خانه بیـــرون نیایند و به طور مرتب دست‌هایشان را با آب و صابون بشویند. اگر کار ضروری ندارند، در خانه بمانند و فقط در صورت ضرورت، سفرهای بین شهری و درون شهری داشته باشند. در غیـــر این صورت همان اتفاقی که در خوزستان افتاد، گریبانگیر استان‌های دیگر می‌شود.

ابلاغ دستورالعمل آزمون ورودی پایه دهم مدارس نمونه دولتی

معاونت‌آموزش‌متوسطه‌وزارت آموزش‌وپرورش، دســـتورالعمل آزمـــون ورودی پایه دهم مدارس نمونه دولتی دوره دوم متوسطه سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ را به استان‌ها ابلاغ کرد.

به گزارش مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش، براساس این دستورالعمل، تمامـــی دانش‌آموزان پایه نهم در صورت داشـــتن معدل بالای ۱۷ مجاز به شـــرکت در این آزمون هســـتند و رقابت علمی در آزمون بین دانش‌آموزان هر منطقه خواهد بود و هر منطقـــه می‌تواند برای تعیین شـــرایط خاص در محدوده جغرافیایی خود اقدام کند .

گفتنی اســـت؛ هر داوطلب می‌تواند صرفاً یک‌رشته تحصیلی از شاخه نظری (علوم تجربی، ریاضی فیزیک و ادبیات و علوم انسانی) را انتخاب کند.

رقابـــت علمی برای ورود به هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای نمونه دولتی، بین دانش‌آموزان شـــهر و شهرستان، بدون لحاظ نمودن منطقه یا ناحیه خواهد بود .

دانش آموزان عشایری به دلیل کوچ رو بـــودن، در هر منطقه‌ای در سطح استان مجاز به ثبت‌نام و شرکت در آزمون هستند .

دفترچه راهنمـــای ثبت‌نام و شـــرکت در آزمـــون ورودی، از طریق ســـامانه ثبت‌نام اینترنتی، توســـط اداره کل آموزش پرورش اســـتان در اختیـــار داوطلبـــان قرار می‌گیرد.

ثبت‌نـــام داوطلبـــان آزمون ورودی مـــدارس نمونه دولتی، از روز ۱۷تا ۲۷ خرداد از طریق سامانه ثبت‌نام اعلام شـــده از سوی اداره کل آموزش و پرورش استان انجام خواهد شد.

همچنین ســـازمان پرورش اســـتعدادهای درخشان زمان‌بندی آزمون‌های مرحله دوم المپیادهای علمی، سنجش و پذیرش ورودی پایه هفتـــم و آزمون ورودی پایه دهم مدارس استعدادهای درخشان را اعلام کرد .

برایـــن اســـاس، فراینـــد آزمون‌های مرحله دوم المپیادهای علمی از تاریخ ۲۰ تیرماه شـــروع و تـــا تاریـــخ ۲۶ تیرمـــاه ادامه خواهد یافت.

همچنین زمان تاریخ برگزاری ســـنجش و پذیرش ورودی پایه هفتم وآزمـــون ورودی پایه دهم مدارس استعدادهای درخشان ۲۷ تیرماه خواهد بود.

ثبت جهانی خوشنویسی در یونسکو انجام می‌شود

مدیرکل دفتر ثبت آثار تاریخی و فرهنگی با تشریح سرنوشت پرونده‌های میراث ناملموس جهانی در دوران کرونا از ارســـال پرونده‌های پیشنهادی به یونسکو خبر داد و گفت: ثبت جهانی خوشنویسی در سال ۲۰۲۲انجام می‌شود.

مصطفی پورعلی به مهر گفت: پرونده‌های پیشنهادی برای ثبت جهانی را به سازمان یونسکو ارســـال کرده‌ایم. سهمیه کشورها برای ارسال پرونده به صورت ملی یک سال در میان است. به همین دلیل تلاش شد از ظرفیت پرونده‌های چند ملیتی یعنی مشـــترک با کشورهای دیگر استفاده کنیم که البته این آثار نیز به عنوان میراث جهانی ایران ثبت می‌شوند.

وی افزود: سال گذشته چهار پرونده مهارت ســـاختن و نواختن ساز سنتی عود مشترک با ســـوریه، زیارت تادئوس مشترک با ارمنستان، مینیاتور مشترک با ترکیه ،ترکمنستان، آذربایجان و ازبکســـتان و جشـــن مهرگان برای ثبت در اجلاس میراث ناملموس ســـال ۲۰۲۰فرستاده شـــدند؛ منتهی تاریخ اجلاس میراث جهانی ۲۰۲۰به دلیل شـــیوع ویروس کرونا هنوز اعلام نشده است.

ایران در اجلاس ۲۰۲۰ســـهمیه ملی ندارد چون در ســـال ۲۰۱۹سهمیه ملی را برای دوتار ایرانی استفاده کردیم و جزو میراث ناملموس جهانی شد. اما پرونده مشترک می‌توانیم داشته باشیم که برای ســـال ۲۰۲۰پرونده مینیاتور با همکاری کشورهای دیگر تهیه شده است.

پورعلی گفت: برای پرونده کشتی پهلوانی نیز از مزیت چند ملیتی استفاده می‌کنیم و برای اجلاس ۲۰۲۲این پرونده را ارســـال خواهیم کرد.

وی توضیح داد: در فهرســـت پاسداری خوب از میراث ناملموس شاید کمتر از ۲۵کشور پرونده داشته باشند؛ بنابراین می‌توانیم از ظرفیت این فهرســـت نیز استفاده کرده و پرونده آیین زیارت رضوی را با استفاده از این ظرفیت ثبت کنیم که پرونده آن تهیه و ارســـال شده است. پرونده خوشنویســـی نیز در این فهرست جای می‌گیرد و ثبت می‌شود؛ چون در ایران پاسداری خوبی از آن شـــده است و برنامه ملی برای آن در کشور جریان دارد.

یادداشت

صداقت نیمایی!

در روزهای اخیر وزارت صنعت در روندی آرام و بی‌سر و صدا در حال ابلاغ خروج برخی دیگر از اقلام و کالاهای اساسی و مواد اولیه از شمول ارز ۴۲۰۰ تومانی و انتقال آن به گروه ارز نیمایی است. در این راستا خروج مواد اولیه لاستیک، برنج و برخی اقلام دارویی به انجمن‌های صنفی مربوطه اعلام شده و البته شاید موارد دیگری هم وجود داشته باشد که خبر آن به گوش رسانه‌ها نرسیده باشد.

باید به خاطر بیاوریم که از نیمه فروردین به این سو، اقلامی چون گوشت قرمز، حبوب، چای و کره هم از شمول ارز ۴۲۰۰ تومانی خارج شده و به ارز نیمایی پیوسته‌اند و بدین ترتیب شاهدیم که اقلام انگشت شماری از کالاها یا مواد اولیه از ارز ۴۲۰۰ تومانی برخوردار خواهند بود. لذا باید همین حالا یا در آینده‌ای نزدیک پایان عمر ارز ۴۲۰۰ تومانی را اعلام و ارز نیمایی را به عنوان ارز رسمی واردات کالاهای اساسی، مواد اولیه و ماشین‌آلات و کالاهای واسطه‌ای معرفی کرد.

با اینکه هنگام تولد ارز ۴۲۰۰ تومانی بسیاری از کارشناسان توجه دولت را به رویه‌های ناشفاف تخصیص این ارز و امضاءهای طلایی موجود در آن در دستگاههایی چون وزارت صنعت و بانک مرکزی جلب کرده و نسبت به رانت‌های کلان موجود در آن هشدار دادند و این هشدار با تشکیل پرونده‌های متعدد قضایی در جریان به اثبات هم رسید، اما انتخاب زمان برای حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی مناسب نیست. علت این قضاوت این است که تحریم‌ها، جو روانی موجود و گرانی‌های پدید آمده که ریشه‌اش به خود دولت و شرکت‌های دولتی باز می‌گردد، روزگار را بر مردم دشوار کرده و گرانی ناشی از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی که اجتناب ناپذیر هم هست، فشاری مضاعف بر دوش مردم خواهد بود و آنان را بیش از قبل گلایه‌مند خواهد کرد. یک محاسبه ساده نشان می‌دهد که قیمت فعلی ارز نیمایی تقریباً ۴ برابر ارز ۴۲۰۰ تومانی است.

براساس آخرین قیمت‌گیری دیروز دلار نیمایی به ۱۷ هزار و ۹۱ تومان و یوروی نیمایی به ۱۸ هزار و ۵۲۷ تومان رسیده که یک مقایسه ساده ریاضی نشان می‌دهد اختلاف ۴۰۰ درصدی این ۲ ارز چه تأثیر مخربی می‌تواند به سطح عمومی قیمت‌ها برجای بگذارد و چه فشاری به مردم وارد کند.

در اینجا شاید برخی موضوع تحریم‌ها و کاهش ذخایر ارزی کشور تحت تأثیر افت فروش نفت و فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی را مطرح کرده و بگویند دولت در این شرایط چاره‌ای جز این تغییر ندارد. این اشکالی صحیح است، اما پاسخ خود را دارد. پاسخ این است، دولت که چشم‌انداز افزایش تحریم‌ها را در افق می‌دید، چرا همان زمانی که بسیاری از کارشناسان و فعالین بخش خصوصی و حتی اصناف با یادآوری رانت موجود در تخصیص ارز ۴۲۰۰تومانی و تدبیرنکردن راه درست و ارزان رسیدن کالای وارد شده با آن به دست مردم و در نتیجه، بی‌تأثیری آن در کنترل قیمت‌ها، از دولت می‌خواستند تخصیص آنرا متوقف و منابع ارزی کشور را به کیسه عده‌ای دلال نریزد، اقدام به توقف ارز ۴۲۰۰ تومانی نکرد؟ همان زمان بسیاری فعالان صنفی به دولت می‌گفتند که قیمت کالاهای موجود در بازار که با ارز ۴۲۰۰ تومانی وارد شده آنقدر بالاست که اگر با ارز آزاد ۱۴ هزار تومانی (قیمت بهمن ۹۸) وارد شود، ارزانتر در شمول می‌آید.

خب چرا همان موقع ارز ۴۲۰۰ تومانی تدبیر نشد که حالا در این موقعیت دشوار اقتصادی به سرعت قیمت‌ها را افزایش داده و همان اثر اندک خود بر قیمت‌ها را هم از مردم دریغ کند؟

این پرسش‌ها ما را به این جمع‌بندی می‌رساند که صداقت دولت با مردم باید بیشتر شود. شأن مردم قانع و صبور ایران، مخفی‌کردن واقعیات و سپس اجرای تصمیماتی برخلاف اظهارات به صورت ناگهانی و غافلگیرانه نیست. اگر دولت و حاکمیت همکاری مردم در شرایط دشوار فعلی کشور را می‌خواهد، باید صداقت بیشتری به خرج دهد و از قلب واقعیت یا پنهانکاری آن از طریق فنون اطلاع‌رسانی بپرهیزد.

مردم باهوش ایران، پیش از دولت و بیش از دولت واقعیات را می‌فهمند و تحلیل می‌کنند. اما وقتی می‌بینند قدرت تفکرشان نادیده انگاشته می‌شود، گلایه‌مند و ضمناً بی‌اعتماد و نگران شده و هرآنچه از تریبون‌ها به آنها گفته می‌شود، برعکسش را عمل می‌کنند و این چنین می‌شود که کارها در اقتصاد سامان نمی‌گیرد و گلایه‌روی گلایه جمع می‌شود.

این چنین است که باید دولت و حاکمیت را به صادقانه سخن گفتن با مردم و آگاهی رساندن به آنان به تفصیل و با جزئیات فراخواند و از پنهان کردن واقعیاتی که همه هر روزه در کوچه و بازار آنرا می‌بینیم، برحذر داشت. به عنوان نمونه و در همین مورد حذف ارز ۴۲۰۰تومانی، دولت باید به مردم بگوید که ارز نیمایی در واقع همان ارز بازار آزاد است، یعنی از این پس کالاهای اساسی با ارز به قیمت خیابان فردوسی تهران وارد می‌شود و به کار بردن عبارت نیمایی، پنهان کردن واقعیت و بازی با کلمات است.

با یک قیمت‌گیری ساده از اینترنت روشن می‌شود که دیروز قیمت دلار نیمایی ۱۷ هزار و ۹۱ تومان و قیمت دلار آزاد ۱۷ هزار و ۱۰۰ تومان بوده و این یعنی ارز نیمایی و آزاد فقط ۹ تومان با هم اختلاف دارند! «گفتن یک چنین واقعیت‌هایی در نگاه نخست شاید تلخ و برهم زننده امنیت روانی جامعه و کاهش محبوبیت‌ها تعبیر شود، اما این صرفاً تلقی حاکمیت است. اما از نظر عموم مردم، گفتن واقعیت‌های تلخ اتفاقاً نشان از صداقت دارد و این صداقت سرمایه‌ای است که می‌توان با اتکا به آن مردم را مثل همیشه به تحمل نجیبانه فشارهای قیمتی و از جمله همین فشار پیش‌روی نیمایی فراخواند و صد البته پاسخ مناسب گرفت.

«سیدعلی دوستی موسوی»

دکتر جهانگیری: باید از اعتماد مردم به بازار سرمایه حفاظت شود

جلسه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی دیروز به ریاست معاون اول رئیس جمهوری برگزار شد.

دکتر اسحاق جهانگیری در این جلسه نقش بازار سرمایه را در مردمی کردن اقتصاد پراهمیت و اساسی دانست و گفت: حضور و فعالیت مردم در بازار سرمایه به معنای این است که افراد صاحب و مالک سهام کارخانجات بزرگ کشور می شوند.

وی با اشاره به گزارش رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار مبنی بر اینکه در حال حاضر ۱۳ میلیون نفر دارای کد معاملاتی هستند و در بازار سرمایه فعالیت می‌کنند، از دست اندرکاران سازمان بورس قدردانی کرد و افزود: شاخص‌های موجود نظیر تأمین مالی، شاخص کل بورس، ارزش معاملات و تعداد کدهای معاملاتی فعال نشان می‌دهد که بازار سرمایه کشور بزرگ شده و عمق پیدا کرده است.

معاون اول رئیس جمهوری با تأکید بر اینکه بازار سرمایه همواره و به خصوص در شرایط کنونی از اهمیت فراوانی برای کشور برخوردار است، گفت: بازار سرمایه برای همه دولت ها و حکومت ها با اهداف مختلفی که دارند، اهمیت دارد و یکی از مهمترین اهداف آن شفاف سازی اقتصاد است.

وی با تأکید بر اینکه بازار سرمایه نقش مهم و اساسی در شفاف سازی اقتصاد ایفا می کند، افزود: عملکرد شرکت‌هایی که سهام خود را در بازار سرمایه عرضه می‌کنند تا حد زیادی باید شفاف باشد و عملکرد آنها زیر نظر سرمایه گذاران و کارشناسان اقتصادی خواهد بود و این برای هر اقتصاد و به خصوص اقتصاد کشور ما اهمیت دو چندان دارد.

دکتر جهانگیری آزادسازی سهام عدالت و امکان خرید و فروش آن در بورس را یکی از بزرگترین طرح های اقتصادی و اجتماعی کشور پس از انقلاب اسلامی برشمرد و خاطرنشان کرد: حدود ۵۰ میلیون نفر از مردم کشور در قالب طرح سهام عدالت، سهام دار کارخانجات مهم دولتی شده اند و امروز ارزش سهام آنها از رشد قابل قبولی برخوردار شده است به گونه ای که در حال حاضر ارزش سهام ۵۰۰ هزار تومانی بین ۷ تا ۸ میلیون تومان و ارزش سهام یک میلیون تومانی بین ۱۵ تا ۱۶ میلیون است.

وی با اشاره به امکان مدیریت مستقیم و غیرمستقیم سهام عدالت توسط دارندگان این سهام گفت: البته دولت به مردم توصیه می کند که سهام خود را نفروشند چرا که ارزش آن افزایش پیدا خواهد کرد. البته شرایط برای کسانی که واقعا به پول آن نیاز دارند، مهیا است تا بتوانند سهام خود را در بورس بفروش برسانند.

معاون اول رئیس جمهوری همچنین با اشاره به توافقات صورت گرفته برای پذیرش سهام عدالت به عنوان وثیقه و اعطای کارت اعتباری به دارندگان سهام عدالت تصریح کرد: با اجرای این طرح این امکان فراهم می شود که سهام عدالت به عنوان وثیقه پذیرفته شود و افراد بتوانند با دریافت کارت اعتباری، بخشی از نیازهای خود را برطرف کنند.

وی همچنین با اشاره به طرح موضوع شرکت های سرمایه گذاری استانی در جلسه هیات دولت اظهار داشت: این موضوع در دست بررسی است و در خصوص سازوکار آن به نحوی تصمیم گیری خواهد شد که مصلحت سهامداران و مردم مد نظر باشد.

دکتر جهانگیری افزایش چشمگیر حضور و فعالیت مردم در بازار سرمایه را از مهمترین اتفاقات اقتصادی دانست و با اشاره به امکان خرید و فروش سهام عدالت در بورس گفت: با اجرای طرح آزادسازی سهام عدالت و امکان خرید و فروش آن، بخش مهمی از یکی از اهداف اصلی اقتصاد مقاومتی در خصوص مردمی کردن اقتصاد محقق شده است.

وی همچنین با اشاره به افزایش برنامه های تأمین مالی در بازار سرمایه گفت: البته اقتصاد ایران، اقتصادی بزرگ است و باید تأمین مالی از طریق بازار سرمایه بیش از میزان فعلی باشد و در این زمینه بخش خصوصی و شرکت های بزرگ عمومی هم باید فعالیت گسترده تری داشته باشند چرا که بهترین محل برای تأمین مالی آنها بازار سرمایه است.

معاون اول رئیس جمهوری با بیان اینکه روز گذشته فروش موفقیت آمیز حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان اوراق مالی دولت با نرخ سود ۱۵ درصد انجام شد که البته بیش از ۱۸ هزار میلیارد تومان تقاضا برای آن وجود داشت، به برنامه سال گذشته دولت برای فروش اوراق مشارکت اشاره و خاطرنشان کرد: سال گذشته با وجود آنکه نرخ سود فروش اوراق مشارکت ۲۰ درصد بود اما به اندازه امسال استقبال نشد و این افتخار بزرگی است که نرخ سود بانکی در کشور به سمت منطقی شدن در حال حرکت است.

وی با تأکید بر اهمیت بازار سرمایه برای تأمین مالی طرح ها و پروژه های مختلف اظهار داشت: اقتصاددانان



کشور این موضوع را مورد توجه قرار دهند. حدود ۱۰ سال است که نرخ رشد سرمایه گذاری کشور منفی بوده و این برای آینده اقتصاد ایران مشکل بزرگی است. باید برای فعالان بازار سرمایه و بخش خصوصی انگیزه ایجاد کنیم تا با استفاده از بازار سرمایه، تأمین مالی و نسبت به سرمایه گذاری اقدام کنند.

دکتر جهانگیری با اشاره به دستور رئیس جمهوری مبنی بر عرضه و فروش سهام شرکت ها در بازار سرمایه گفت: سهام شرکت های دولتی با مسئولیت وزارت امور اقتصادی و دارایی در بازار سرمایه عرضه شده و می شود و امروز که تقاضا برای خرید سهام شرکت ها از سوی مردم رو به افزایش است، هیچ فرصتی برای شرکت های بزرگ و نهادهای عمومی بهتر از شرایط فعلی نیست.

وی افزود: با دستور و مجوزی که مقام معظم رهبری دادند، حتی نهادهای نظامی هم می توانند سهام شرکت ها و بنگاه های زیرمجموعه خود را که فعالیت های غیرنظامی دارند، در بازار سرمایه عرضه کنند.

معاون اول رئیس جمهوری با اشاره به ادغام هفت بانک و موسسه اعتباری وابسته به نیروهای مسلح در بانک سپه تصریح کرد: خوشبختانه اتفاق مهمی در این زمینه رخ داده و نهادهای نظامی از فعالیت های بانکداری کناره گیری کرده اند و شاهد ادغام بانک های متعلق به این نهادها در بانک سپه هستیم.

وی از بازار سرمایه و مشارکت فعال مردم برای حضور در این بازار به عنوان فرصتی بزرگ برای اقتصاد کشور یاد کرد و گفت: باید از اعتماد مردم به بازار سرمایه حراست و حفاظت شود؛ البته مردم باید بدانند که بازار سرمایه ریسک پذیر است و حتماً باید برای فعالیت در این بازار با کارشناسان مشورت کنند.

دکتر جهانگیری همچنین با اشاره به مصوبه جدید شورای عالی اقتصادی سران سه قوه در خصوص واگذاری سهام شرکت ها در بورس افزود: بر اساس این مصوبه شرکت هایی که در سال ۹۹ موفق به عرضه سهام خود در بازار سرمایه شوند، سازمان امور مالیاتی کشور تنها مالیات یک سال آنها را محاسبه می کند و به مالیات سال های گذشته آنها ورود نخواهدکرد.

وی در ادامه این جلسه با اشاره به گزارش ارائه شده از سوی رئیس سازمان شیلات ایران در خصوص طرح توسعه پرورش ماهی در دریا و اهداف و مزایای این طرح گفت: طرح توسعه پرورش ماهی در قفس از هر نظر مورد حمایت دستگاه های اقتصادی دولت است و وزارت جهاد کشاورزی هم با جدیت این موضوع را در دست پیگیری دارد.

معاون اول رئیس جمهوری طرح تدوین شده سازمان شیلات برای توسعه پرورش ماهی در قفس را از طرح‌های مهم اقتصاد مقاومتی توصیف کرد و گفت: در سال‌های نخست شروع اجرای این طرح، دولت در حد توان خود از آن حمایت خواهد کرد و لازم است که ستادی در وزارت جهاد کشاورزی مسئولیت پیگیری این طرح را عهده دار شود و وزارت صنعت، معدن و تجارت هم برای ساخت تجهیزات مورد نیاز صنعت پرورش ماهی در قفس در داخل کشور برنامه ریزی کند و پیگیری های لازم را برای تأمین نیازهای مرتبط با این صنعت انجام دهد.

وی با اشاره به وجود سواحل طولانی در شمال و جنوب کشور گفت: سواحل کشور در شمال و جنوب از نعمت های بزرگی است که خداوند به کشور به ما عطا کرده که می توانند نقش بسیار موثری در روند توسعه کشور داشته باشند اما متأسفانه آن طور که باید مورد استفاده قرار نگرفته و مناطق اطراف این سواحل نظیر سواحل مکران معمولاً به عنوان مناطق محروم محسوب می شوند.

دکتر جهانگیری با تأکید بر اینکه باید برای اقتصاد دریامحور کاری جدی در کشور انجام شود، گفت: برای توسعه اقتصاد دریامحور بخش خصوصی، سازمان برنامه و بودجه، وزارتخانه های اقتصاد و صنعت و همه دستگاه های مرتبط باید بسیج شوند؛ چرا که با فعال شدن اقتصاد دریا محور هزاران فرصت شغلی در صنایع و خدمات مرتبط با آن راه‌اندازی خواهد شد.

وی با تأکید بر اینکه توانایی صنعتی کشور بسیار فراتر از میزان فعلی است، گفت: سازمان برنامه و بودجه باید موضوع ساخت داخل و تأمین نیازهای طرح توسعه پرورش ماهی در قفس را از معاونت علمی و فناوری رئیس جمهوری و وزارت صنعت معدن و تجارت پیگیری کند.

معاون اول رئیس جمهوری با اشاره به اعلام آمادگی صندوق توسعه ملی برای اعطای تسهیلات ریالی و ارزی برای طرح توسعه پرورش ماهی در قفس، از رئیس این صندوق خواست زمان باز پرداخت این تسهیلات را طولانی‌تر در نظر بگیرند و دوره تنفس مناسب هم برای بازپرداخت این تسهیلات لحاظ کنند.

وی افزود: اگر سیاست ها و برنامه های مناسبی برای توسعه صنعت پرورش ماهی در قفس بکار گرفته شود و دولت هم از این طرح حمایت کند، با توجه به بازدهی مناسب و بازگشت سرمایه، این طرح به زودی جایگاه خود را پیدا خواهد کرد و روندی رو به رشد در پیش خواهد داشت و در مدت زمان کوتاهی از حمایت دولت بی نیاز خواهد شد.

در این جلسه که وزرای میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، جهاد کشاورزی، نفت، امور اقتصادی و دارایی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، رئیس سازمان امور اداری و استخدامی، معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده، فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا، رئیس اتاق بازرگانی ایران و رئیس هیات عامل صندوق توسعه ملی حضور داشتند، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار گزارشی از وضعیت بازار سرمایه و عملکرد پروژه های اقتصاد مقاومتی مرتبط با این سازمان ارائه کرد.

وی در این گزارش به تشریح مسیر پیش روی این سازمان پرداخت و گفت: ارتقاء اثربخشی و کارآیی نظام نظارتی سازمان بورس، بهبود نقد شوندگی در بازار سرمایه، بین المللی شدن بازار سرمایه و حضور در بازارهای بین‌المللی، توسعه کمی و کیفی ابزارها و نهادهای مالی در کنار بهبود نقش ارکان بازار سرمایه، ارتقاء بهره‌وری سرمایه‌های سازمانی و توسعه آموزش و فرهنگ سرمایه‌گذاری و بهبود نظام اطلاع رسانی در بازار سرمایه از جمله اهدافی است که سازمان بورس دنبال می کند.

رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار همچنین گزارشی از نقش بازار سرمایه در تأمین مالی، ارزش بازار سرمایه، ارزش معاملات، شاخص کل، تعداد نهادهای مالی فعال و تعداد کدهای معاملاتی در این بازار را ارائه کرد و افزود: ارتقاء شفافیت در انتشار اطلاعات شرکت های فعال در بازار سرمایه از جمله دستاوردهای اخیر است به گونه ای که با پیگیری های سازمان بورس و اصلاحات صورت گرفته تأخیر در انتشار اطلاعات شرکت ها از چند روز به نصف روز کاهش یافته است.

رئیس سازمان شیلات ایران هم در این نشست گزارشی از طرح توسعه پرورش ماهی در دریا و اهداف و مزایای این طرح ارائه کرد و گفت: اشتغالزایی در جوامع محلی به ویژه جامعه صیادی، بهره برداری از ظرفیت جزایر برای افزایش تولید ناخالص ملی، بهره برداری از منابع آب شور و لب شور با توجه به محدودیت منابع آب شیرین، دستیابی به تولید ۲۰۰ هزارتن تا پایان برنامه ششم و ۴۰۰ هزارتن در افق ۱۴۰۴ و بهره برداری از پهنه های دریایی و استفاده کمتر از اراضی خشکی به ویژه در شمال کشور از جمله اهداف این طرح محسوب می شود.

وی گزارشی از ظرفیت آب های دریای خزر و خلیج فارس و دریای عمان در طرح توسعه پرورش ماهی در قفس را ارائه کرد و افزود: ظرفیت آب دریای خزر یک میلیون تن و خلیج فارس و دریای عمان ۳/۶ میلیون تن است.

رئیس سازمان شیلات ایران همچنین ضمن ارائه گزارشی از وضعیت موجود تولید آبزیان کشور و تراز تجاری سازمان شیلات در سال های برنامه، برخی مشکلات و چالش های پیش روی اجرای این طرح را مطرح کرد.

در ادامه این جلسه یکی از تولیدکنندگان بخش خصوصی فعال در حوزه آبزی پروری و پرورش ماهی در قفس هم گزارشی از طرح ها و برنامه های در دست اجرای خود را ارائه کرد و ضمن تشریح برخی مسایل و مشکلات پیش رو، خواستار حمایت دولت از این صنعت نوین شد.

نفت ، طلا ، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۳۵/۲۵ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۳۸/۰۹ دلار
متوسط سبد نفت کشورهای اوپک	۲۹/۰۳ دلار
هر بشکه نفت سنگین ایران	۳۱/۷۸ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۷۳۲ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۷۲۵۷۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۷۴۷۳۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۳۷۵۳۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۲۰۴۳۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۱۰۲۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۷۳۰۰۰۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۴۲۰۰ تومان
دلار آمریکا(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۷۰۹۱ تومان
دلار آمریکا(نرخ صرافی)	۱۷۱۰۰ تومان
یورو(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۴۶۷۶/۷ تومان
یورو(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۸۵۲۷/۹ تومان
یورو(نرخ صرافی)	۱۸۶۰۰ تومان
پوند انگلستان(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۵۲۰۵/۵ تومان
پوند انگلستان(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۲۰۳۸۰/۱ تومان
پوند انگلستان(نرخ صرافی)	۲۱۹۷۰ تومان
درهم امارات (نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۱۱۴۳/۷ تومان
درهم امارات (سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۴۶۳۸ تومان
درهم امارات (نرخ صرافی)	۴۸۶۵ تومان

ورود شرکت‌های سرمایه‌گذاری سهام عدالت به بورس از روز شنبه

عضو هیات مدیره سازمان بورس اعلام کرد: شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی سهام عدالت از ۱۷ خرداد وارد بورس می‌شوند.

به گزارش فارس، محمدرضا معتمد گفت: همه سهامداران عدالت چه آنهایی که روش مدیریت مستقیم یا روش مدیریت غیرمستقیم سهام عدالت را انتخاب کرده باشند، در ۳۶ شرکت بورسی و ۱۳ شرکت غیربورسی سهامدار هستند. به گفته وی، سهامداران عدالت که روش مدیریت غیرمستقیم سهام عدالت را انتخاب کرده‌اند از طریق شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی سهام عدالت وارد بورس شده و به عنوان سهامداران این شرکت‌های سرمایه گذاری شناخته می‌شوند.

از سوی دیگر ستاد خبری سهام عدالت در اطلاعیه شماره سه خود اعلام کرد: تمام دارندگان سهام عدالت که مدیریت مستقیم را انتخاب کرده‌اند، می‌توانند با مراجعه به درگاه sahamedalat.ir از وضع دارایی خود در ۳۶ شرکت بورسی مطلع شوند.

معاون سازمان خصوصی‌سازی هم گفت: دعوت‌نامه‌های قبلی و حتی کارت سهام عدالت که بر روی آن ارزش ۱۰ میلیون ریالی هم نوشته شده از نظر سازمان خصوصی سازی فاقد اعتبار است و فقط وجود کد ملی مشمولان در سامانه سهام عدالت ملاک عمل است.

به گزارش روابط عمومی سازمان خصوصی‌سازی، حسن علایی با بیان اینکه ملاک مورد عمل در سهامدار بودن افراد اکنون سامانه سهام عدالت است، افزود: اکنون تعداد نهایی سهامداران عدالت در سامانه ۴۹ میلیون و ۱۲۱ هزار و ۴۷۱ نفر است و حدود ۱/۸ میلیون نفر هم دارای برگه‌های دعوتنامه سهام عدالت هستند اما مراحل ثبت نهایی آنها در سامانه سهام عدالت به هر دلیلی انجام نشده است.

پیش‌بینی موج گرما در نیمه شمالی کشور تا پایان هفته

دمای هوا در نیمه شمالی کشور از امروز(سه شنبه) تا پایان هفته به نحو محسوسی گرم خواهد شد.

محمد اصغری معاون پیش‌بینی و هشدار سازمان هواشناسی با اعلام این مطلب گفت: امروز تا اواخر وقت باد شدید و گردوخاک در استان‌های کرمانشاه، لرستان، کردستان، ایلام و اصفهان پیش‌بینی می‌شود.

به گفته وی، بر اساس اطلاعات نقشه‌های همدیدی و هواشناسی امروز شاهد افزایش رگبار پراکنده، گاهی رعد و برق و وزش باد در ارتفاعات کهگیلویه و بویراحمد و استان‌های فارس، کرمان و جنوب سیستان و بلوچستان همچنین ارتفاعات هرمزگان هستیم.

معاون سازمان هواشناسی ادامه داد: همچنین در دامنه‌های زاگرس مرکزی در غرب و جنوب‌غرب، دامنه‌های جنوبی البرز در استان‌های قزوین، تهران، زنجان و البرز و استان‌های قم و اصفهان وزش باد، گرد و غبار و رگبار پراکنده و رعد و برق پیش‌بینی می‌شود.

وی ادامه داد: فردا هم در ارتفاعات البرز در استان‌های خراسان شمالی و گلستان همچنین ارتفاعات زاگرس در استان‌های کرمان، فارس و اصفهان رگبار پراکنده و روز پنج‌شنبه در استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی و شمال آذربایجان غربی بارش پراکنده داریم.

اصغری افزود: روز جمعه با شمالی شدن جریانات روی دریای خزر به تدریج در سواحل شمالی بارش پراکنده و در شمال استان‌های آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی هم بارش پراکنده داریم.

وی با بیان اینکه از فردا تا جمعه جوی آرام در بقیه مناطق کشور خواهیم داشت، گفت: مجدداً از شنبه در سواحل خزر بارش باران، وزش باد و کاهش دما و همچنین در استان‌های خراسان رضوی و خراسان شمالی رگبار باران و رعد و برق پیش‌بینی می‌شود.

وی همچنین اضافه کرد: از امروز تا فردا شب رگبار و رعد و برق و وزش باد شدید موقت در استان‌های قزوین، زنجان، ارتفاعات هرمزگان و جنوب سیستان و بلوچستان پیش‌بینی می‌شود که به بالا آمدن ناگهانی سطح آب مسیل‌ها و رودخانه‌ها منجر خواهد شد و ضرورت دارد در حوزه تأسیسات گلخانه‌ای توجه بیشتری شود.

ادغام مؤسسه کوثر در بانک سپه تا پایان خرداد

همزمان با ادغام بانک مهر اقتصاد و حکمت ایرانیان در بانک سپه، رئیس کل بانک مرکزی از نهایی شدن ادغام موسسه کوثر در این بانک تا پایان خرداد خبر داد.

با برگزاری مجمع نهایی ادغام بانک‌های مهر اقتصاد و حکمت ایرانیان در بانک سپه، این دو بانک وابسته به نیروهای مسلح دیگر شخصیت حقوقی مستقل نداشته و بخشی از مجموعه بانک سپه تلقی می شوند.عبدالناصر همتی ضمن تایید این مطلب از نهایی شدن ادغام موسسه کوثر در بانک سپه تا پایان خرداد به عنوان اقدام بعدی نام برد و ابراز امیدواری کرد کار ادغام دو بانک دیگر باقیمانده وابسته به نیروهای مسلح هرچه سریعتر نهایی شود.

وزیر راه و شهرسازی: فهرست نهایی واجدان شرایط مسکن ملی تا پایان خرداد نهایی خواهد شد

وزیر راه و شهرسازی با بیان اینکه لیست نهایی واجدان شرایط مسکن ملی تا پایان خرداد نهایی می‌شود، از ریزش ۵۰ درصدی ثبت‌نام‌کنندگان خبر داد.

مهندس محمد اسلامی در گفتگو با مهر گفت: تقریباً برای تمام استان‌ها غربالگری متقاضیان مسکن ملی انجام شده و علت طولانی شدن آن همزمانی با شیوع ویروس کرونا بود. اما پالایش و غربالگری واجدان شرایط به اتمام رسیده است.

وی در پاسخ به این پرسش که با توجه به اینکه برنامه ریزی اجرای این طرح اختصاص ۴۰۰ هزار واحد مسکونی به متقاضیان طرح ملی مسکن بود ولی یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر ثبت نام کردند، اظهار داشت: علت اینکه از ابتدای ثبت نام طرح تاکنون یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر ثبت نام کرده اند این است که همزمان دو روش ثبت نام در سامانه و ارسال پیامک را اجرا کردیم.

اسلامی ادامه داد: در فازنخست ثبت نام ۲۳۰ هزار نفر در سامانه ثبت نام کردند که پالایش واجدان شرایط فاز اول به طور کامل به پایان رسیده است اما در فاز دوم ثبت نام که هم سامانه‌ای و هم پیامکی بود نیاز به تکمیل اطلاعات ثبت نام کنندگان از طریق پیامک داشتیم.

وی افزود: اگرچه هدف گذاری طرح اقدام ملی مسکن، ساخت ۴۰۰ هزار واحد مسکن است اما تفاهمنامه‌هایی هم با سایر دستگاهها داریم که در تفاهمنامه‌های مذکور مقرر شده مجموعاً ۴۸۰ هزار واحد با مشارکت نیروهای مسلح، وزارت رفاه و آموزش و پرورش ساخته شود که آنها IL همزمان با طرح اقدام ملی در حال اجراست. ولی از مجموع این دو، یعنی از ۸۸۰ هزار واحد مسکونی، ۲۰۰ هزار واحد هم پوشانی دارند.

وزیر راه و شهرسازی با اشاره به اینکه نیمی از کسانی که ثبت‌نام کرده‌اند، فاقد مسکن نبوده اند بنابراین ۵۰ درصد متقاضیان به دلیل اینکه مالک واحد مسکونی بوده اند، ریزش خواهد داشت، یادآور شد: ما جامعه هدف خود را شناسایی کرده ایم و برای این جامعه هدف متقاضی مسکن دغدغه داریم و در حال فعالیت هستیم؛ بنابراین این افراد نباید نگران باشند چرا که صاحب خانه خواهند شد.

وی در مورد بازار مسکن گفت: اتفاقی که برای برخی کالاها رخ می‌دهد متأثر از شرایط اقتصادی کشور است، چون مردم نگران از دست رفتن ارزش پول خود هستند، دارایی‌های خود را تبدیل به اقلام سرمایه‌ای می‌کنند، در نتیجه خود به خود تغییر قیمت در برخی کالاها صورت می‌گیرد که مسکن هم یکی از این اقلام است.

خبر دیگری حاکیست: مهندس محمود محمودزاده معاون مسکن وزارت راه و شهرسازی هم به رادیو اقتصاد گفت:در بحث ارتباط بین بازار مسکن و بورس سه اتفاق جدید از قبیل صندوق های زمین و ساختمان، یونیت‌های متعلق به پروژه های انبوه مسکن و ورود اکثر مصالح ساختمانی به بورس و همینطور اختصاص تابلو اختصاصی حوزه مسکن و ساختمان در بورس کالا بزودی عملیاتی می شود.

وی افزود: شق اول و دوم این اتفاقات جدید که مرتبط با جذب سرمایه های خرد اجتماعی و مردم است می تواند برای سرمایه های خرد، اقتصاد پایداری را ایجاد کند چون بازار مسکن هم بازار مطمئن و هم بلند مدت است.

معاون وزارت راه و شهرسازی افزود: وزارت راه و شهرسازی دستور کاری مبنی بر عرضه مسکن در بورس ندارد بلکه این وزارتخانه بحث تولید مسکن را دنبال می کند؛ آن هم نه با محوریت دولت بلکه با ایجاد صندوق‌هایی که با محوریت و مدیریت بورس شکل می گیرد.وی اظهارداشت: بر اساس موقعیت و کاربری پروژه و ارزش محل پروژه های ساختمانی، قیمت گذاری و ارزش سهام جداگانه تعیین می شود و این طور نیست که گفته شود تمامی پروژه های مسکن یک قیمت دارند.

محمودزاده با بیان اینکه برای ورود شرکت های ساختمانی به این عرصه به هیچ وجه موانع قانونی وجود ندارد، گفت: این موضوع دو وجه دارد. بخشی که وزارت راه و شهرسازی با بورس هماهنگ کرده حتی برای شرکت های بخش خصوصی برای اینکه پروژه های خود را به اشتراک بگذارند و بتوانند از سرمایه های مردمی استفاده کنند، این قابلیت وجود دارد. دولت هم برای راه اندازی این فرهنگ، اراضی خود را عرضه و فقط سهام می گیرد و سهام خود را دوباره در بورس ارائه می کند، بنابراین نقشی در این پروژه ها ندارد. وی با اظهار اینکه این صندوق ها در تامین سرمایه برای تقویت تولید صنعتی و تحول در حوزه صنعت ساختمان و مسکن کشور بسیار نقش آفرین هستند، ادامه داد: هر پروژه ای که در قالب این صندوق ها تعریف می شود برای مدت محدود دو تا سه ساله است تا پروژه ها تکمیل و فروخته شوند.

حسام عقبایی نائب رئیس اول اتحادیه صنف مشاوران املاک هم گفت: اعتقادی به مسکن در بورس ندارد چون دولت، وزارت راه و شهرسازی، سازمان بورس و وزارت اقتصاد و دارایی تعریفی از بورس مسکن ندارند.

ارسال پیامک برای متقاضیان دریافت مسکن ملی

پروانه‌اصلانی مدیرکل دفتراقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی هم گفت:نتایج پالایش‌هاثبت نام متقاضیان دریافت مسکن در طرح اقدام ملی از امروز(سه شنبه) بتدریج به افراد واجد شرایط پیامک می‌شود و پذیرفته‌شدگان برای احراز شرایط باید به ادارات کل راه و شهرسازی استان محل سکونت خود مراجعه کنند.

ارائه اطلاعات غلط منجر به حذف ۳ ساله متقاضیان در طرح‌های خرید خودرو می‌شود

متقاضیانی که برای فروش فوق العاده خودرو با اطلاعات غلط ثبت نام کنند تا سه سال اجازه شرکت در هیچ طرح خودرویی را نخواهند داشت.

این مطلب را مهدی صادقی نیارکی سرپرست امور صنایع وزارت صنعت، معدن و تجارت در حاشیه این نشست دیروز ستاد تنظیم بازار اعلام کرد.

به گزارش خبرگزاری صدا و سیما در نشست دیروز ستاد تنظیم بازار فهرست ۵ کالای با اولویت کنترل و نظارت مشخص شد.

در این نشست، ۵ کالای برنج، شکر، حبوب، لوازم خانگی و مواد اولیه لاستیک و لاستیک خودرو در اولویت کنترل و نظارت سازمان حمایت قرار گرفتند. همچنین در این نشست گزارش رصد و پایش وضع بازار، بررسی آخرین تغییرات قیمت کالاهای اساسی و ضروری، گزارش آخرین وضع نقل و انتقال تخصیص و تامین ارز و ترخیص کالاهای اساسی و ضروری و بررسی پیشنهادهای کمیته تخصصی در خصوص تعیین تکلیف ذرت مصرفی صنایع و فرایند اجرایی مربوطه هم قرائت شد.

سرپرست امور صنایع وزارت صنعت، معدن و تجارت در این جلسه همچنین گفت: در جلسه دو هفته گذشته ستاد اقتصادی دولت، طرحی از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی مبنی بر جلوگیری از سوداگری در بازار خودرو مطرح و پیشنهاد شد، اگر کسی وارد بازار خودرو شده و مرتب خرید و فروش خودرو را انجام می‌دهد، مشمول مالیاتی تحت عنوان مالیات عایدی بر سرمایه شود. این موضوع در دستور کار دولت است البته قرار است دیدگاه‌های کارشناسی همه دستگاه‌ها گرفته شود که پس از آن، این موضوع در قالب مصوبات سران قوا یا به شکل قانون اعلام خواهد شد.

وی افزود: اینکه کسانی در قرعه کشی برنده شوند، اما توان تامین وجه را نداشته باشند، محدودیتی برای شرکت در قرعه کشی‌های بعدی نخواهند داشت؛ البته خودرو سازان محدودیت‌هایی در این باره اعمال کردند که به آنها تذکر داده شد و امروز این محدودیت در اطلاعیه فروش دو خودرو ساز اصلاح شده است.

صادق نیارکی ادامه داد: کسی که حائز شرایط نمی‌شود، می‌تواند در طرح‌های دیگر که طرح پیش فروش و مشارکت در طرح یک سال و دو سال و فروش‌های فوق العاده که تا پایان سال خواهد بود، شرکت کند؛ البته فروش فوق العاده در مناسبت‌های مختلف اطلاع رسانی و حداقل تا پایان سال سه بار اجرا خواهد شد ضمن اینکه برنامه بعدی ما پیش فروش یک ساله با ۷۵ هزار دستگاه خودرو است که هفته بعد اطلاع رسانی خواهد شد.

وی گفت: شرط چک در مصوبه کمیته خودرو ستاد تنظیم بازار حذف شد و به جای آن خریدار یک میلیون تومان از وجه را نزد خود نگه می‌دارد و بعد از دوران رهن، خریدار یک میلیون باقی مانده را واریز می‌کند و سند هم به وی تحویل می‌شود.

سرپرست امور صنایع وزارت صنعت افزود: شرط پلاک جاری در دو طرح فروش فوق العاده و پیش فروش تا یک سال وجود دارد، اما برای مشارکت در تولید یک ساله و دو ساله این محدودیت وجود ندارد و متقاضیان می‌توانند ثبت نام کنند.

وی درباره پلاک نشدن برخی خودروها از سوی نیروی انتظامی گفت: در موضوع استاندارد آلایندگی یورو ۴، خودروسازان در حال پیگیری هستند. ما هم داریم با سازمان حفاظت محیط زیست مذاکره می‌کنیم البته تعداد زیادی از موتورها در بحث یورو ۴ تایید شده و می‌توانند استاندارد یورو ۵ را بگذرانند؛ اما موتورهای گازسوز هنوز امکان دریافت این استاندارد را ندارند.

صادقی نیارکی گفت: بیشتر موتورها توانستند تاییدیه سازمان محیط زیست را برای یورو ۵ دریافت کنند و تنها تعدادی باقی مانده که با کمیسیون زیربنایی دولت و سازمان حفاظت محیط زیست در حال مذاکره هستیم.

عباس تابش معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت و رئیس سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان هم به خبرنگاران گفت:تولیدکنندگان یا عرضه کنندگان حق تغییر قیمت در بازار را بدون مجوز و خارج از ضابطه ندارند و در صورت افزایش قیمت، منتظر برخورد قانونی باشند.

وی افزود: هر گونه تغییر قیمت در بازار حتماً باید با اطلاع قبلی و انجام فرآیندهای لازم از جمله ارائه مستندات و مدارک لازم و سپس گرفتن مجوز از سازمان حمایت باشد، در غیر این صورت افزایش‌ها تخلف بوده و با آن برخورد می‌شود.

رئیس سازمان حمایت اضافه کرد: افزایش قیمت‌های لوازم خانگی بدون انجام فرآیندها مورد قبول نیست و بر اساس مصوبه ستاد تنظیم بازار حتما ذی نفعان و متصدیان این حوزه باید با همراه داشتن اسناد و مستندات لازم به سازمان حمایت مراجعه کنند و اگر تغییر قیمتی تایید شود، حتماً اعمال خواهیم کرد.

وی با اشاره به اینکه تغییر قیمت ماکارونی بررسی و فرآیند آن در سامانه ۱۲۴ درج شده است، در خصوص قیمت شکر گفت: در مورد شکر تصمیمات لازم و قیمت گذاری مدیریتی در ستاد تنظیم بازار گرفته شد و بر این اساس قیمت ۶۳۰۰ تومان برای تحویل هر کیلو شکر در کارخانه تعیین شد که در هفته آینده سازمان حمایت، قیمت بسته بندی‌های این کالا را بر اساس قیمت برمبنای ۶۳۰۰ تومان تنظیم و ابلاغ خواهد کرد.

تابش ادامه داد: قیمت ۱۰۰ قلم کالا را بصورت روزانه رصد می‌کنیم، اما هر هفته رصد ۵ قلم کالا بصورت ویژه در دستور کار بازرسان کل کشور است.

وی همچنین گفت: اگر خودرویی بدون پلاک در پارکینگ‌ها و اماکنی از این دست دپو شده باشد حکم احتکار کالا را دارد و بر این اساس ماموران تعزیرات احکام مرتبط با احتکار کالا را برای این گونه خودروها صادر خواهند کرد.

از سوی دیگر محمدرضا کلامی دبیر ستاد تنظیم بازار پس از خاتمه نشست دیروز به خبرنگاران گفت: با توجه به اینکه چغندر کشت پاییز در بهار برداشت می‌شود و برداشت بخشی از نیشکر داخلی از اواخر اسفند شروع شده، اکنون منابع خوبی در اختیار داریم از این رو برای حمایت از تولید کنندگان داخلی سقف قیمت شکر را کیلویی ۶۳۰۰ تومان درکارخانه تعیین کردیم.

وی افزود: این مصوبه باعث افزایش عرضه شکر به بازار می‌شود و مطمئن هستیم که قیمت شکر در بازار هم کاهش خواهد یافت. ضمن اینکه کسانی که موجودی شکر دارند با دریافت قیمت جدید باید شکر را به بازار عرضه کنند.

کلامی با بیان اینکه در این جلسه اولویت کالاهای مشمول نظارت را تعیین کردیم که باید در اولویت بازرسی قرار گیرد و از جمله آن حبوب است، افزود: به واسطه اینکه حبوب تولید داخل از تیر به بازار عرضه می‌شود و عرضه حبوب وارداتی هم در اولویت قرار گرفته، واحدهای بسته بندی که حبوب را با فاکتور رسمی خریداری می‌کنند موظف شدند ضوابط قیمت‌گذاری و درج قیمت واقعی را در بسته بندی‌ها رعایت کنند.

وی با بیان اینکه بازار لوازم خانگی هم مورد پایش مستمر قرار می‌گیرد، افزود: از سال قبل به واسطه کاهش تولید و حمایت از تولید کننده، واردات کالاهای ساخته شده را در این حوزه ممنوع کردیم و تولید کننده‌های داخلی ما با بیش از ۲۳ میلیون ظرفیت آمادگی این را دارند که مصارف داخلی را تامین کنند. البته برخی از مواد اولیه این صنعت به تامین ارز بستگی دارد که نرخ ارز آن‌ها نرخ نیمایی است، اما نکته اساسی که ستاد تنظیم بازار بر آن تاکید کرد، این است که لوازم خانگی جزو کالاهای حساس است و ضرورت دارد تولیدکنندگان داخلی بر اساس ضوابط قیمت‌گذاری، بهای تمام شده آن را محاسبه کنند؛ ضمن اینکه قبل از آنکه افزایش قیمت را اعمال کنند باید تاییدیه سازمان حمایت را دریافت کنند.

دبیر ستاد تنظیم بازار با اظهار اینکه ستاد تنظیم بازار به شدت تلاش خواهد کرد که انبارها را برای نگهداری کالاها ناامن کند، گفت: کسانی که موجودی انبار دارند باید در سامانه‌های مربوط ثبت و به دستگاه‌های ذی ربط موجودی خود را اعلام کنند و اگر این اقدام را انجام ندهند، کالاهای آن ها احتکار تلقی شده و با آن برخورد خواهد شد. همچنین خودروهای صفر کیلومتر که خارج از ضوابط در پارکینگ‌ها دپو شده باشند، احتکار تلقی شده و بر این اساس حتماً سعی خواهیم کرد که با این موضوع برخورد کنیم و دادستانی ها، دستگاه‌های نظارتی، تعزیرات و سازمان حمایت هم این موضوع را پیگیری خواهند کرد.

خبر دیگری حاکیست سیدمرتضی میری رئیس اتحادیه صنف توزیع کنندگان لوازم خانگی هم دیروز به خبرنگاران گفت: تاکنون پنج شرکت بزرگ ایرانی تولیدکننده لوازم خانگی، افزایش قیمت محصولات خود را در سامانه ۱۲۴وزارت صنعت اعلام کرده‌اند. همچنین بسیاری دیگر از شرکت‌های تولیدکننده‌لوازم خانگی هم افزایش قیمت‌های خود را به سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان اعلام کرده‌اند که در دست بررسی است .

اعلام ساعت کار جدید سامانه‌های ساتنا و پایا

بانک مرکزی ساعات کاری جدید سامانه های ساتنا (سامانه تسویه ناخالص آتی) و پایا (سامانه پایاپای الکترونیک) را اعلام کرد.

به گزارش تسنیم، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تغییرات جدید ساعت کاری سامانه‌های نظام پرداخت ساتنا و پایا را تا اطلاع ثانوی به بانک‌ها ابلاغ کرده که بر اساس آن شهروندان می‌توانند از سامانه‌های فوق استفاده کنند.

بر اساس جدول منتشر شده، ساعت کاری سامانه ساتنا (سامانه تسویه ناخالص آتی) تا اطلاع ثانوی در دستور پرداخت بین مشتری ۱۴ و در دستور پرداخت بین بانکی ۱۴/۳۰ دقیقه اعلام شده است.

همچنین ساعت کاری سامانه پایا (سامانه پایاپای الکترونیکی) تا اطلاع ثانوی در چرخه اول همانند روزهای عادی انجام خواهد شد؛ اما زمان آغاز پردازش چرخه دوم پایا ساعت ۱۰/۴۵ و چرخه سوم ۱۳/۴۵ دقیقه تعیین شده و تسویه بین بانکی چرخه‌های مزبور هم در همان روز از طریق ساتنا انجام خواهد شد.

شروع چرخه پایا (شاپرکی) هم در روزهای تعطیل رسمی ساعت ۱۳/۴۵ دقیقه اعلام شده است.بانک مرکزی همچنین اعلام کرد: حدود ۶ میلیون و ۱۰۰ هزار فقره چک به ارزشی بیش از ۶۵۲ هزار میلیارد ریال در فروردین ۹۹ در کل کشور مبادله شد. این میزان مبادله نسبت به ماه اسفند از نظر تعداد و مبلغ به ترتیب ۳۶ درصد و ۵۶/۴ درصد کاهش نشان می‌دهد.

امکان واردات موقت خودرو با سرمایه‌گذاری خارجی

معاون فنی و امورگمرکی گمرک ایران از امکان ورود موقت سه دستگاه خودرو سواری توسط سرمایه‌گذاران خارجی به ازای هر۳۰۰ هزار دلار سرمایه گذاری خارجی یا معادل آن به ارزهای دیگر که جذب و وارد شده باشد، خبر داد.

به گزارش پایگاه خبری گمرک ایران، مهرداد جمال ارونقی اظهار داشت: گمرک می‌تواند برای آن دسته از سرمایه‌گذاران خارجی که مجوز قانونی لازم را دریافت کرده‌اند، پس از شروع عملیات اجرایی طرح و ورود تمام یا بخشی از سرمایه خارجی به کشور با تأیید سازمان سرمایه گذاری، به ازای هر۳۰۰ هزار دلار سرمایه گذاری خارجی یا معادل آن به ارزهای دیگر که جذب و وارد شده باشد، یک دستگاه و حداکثر تا سقف سه دستگاه خودرو سواری نو موردنیاز را بدون ارایه جواز عبور و صرفاً پس از انجام تشریفات گمرکی و اخذ تضامین لازم، به مدت یک سال و قابل تمدید تا پنج سال ورود موقت کنند.

نه گفتن به دخانیات



طبق تحقیقات سازمان جهانی بهداشت در هر ۸ ثانیه یک نفر در دنیا به علت استعمال دخانیات جان خود را از دست می‌دهد. نتایج تحقیقات حاکی از آن است که چنانچه افراد در سنین نوجوانی شروع به مصرف سیگار کنند (بیش از ۷۰ درصد موارد سیگاری شدن در این مرحله اتفاق می‌افتد) و مدت ۲۰ سال یا بیشتر به این عمل ادامه بدهند بین ۲۰ تا ۲۵ سال زودتر از افرادی که به هیچ‌وجه در زندگی سیگار نکشیده‌اند، جانشان را از دست می‌دهند.

در این گزارش آمده، برای کاهش تقاضای سیگار در کل دنیا روند رو به رشدی داشتیم، اما در خاورمیانه پیش بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۵ مصرف قلیان افزایش پیدا می‌کند. بررسی‌های وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی نشان می‌دهد که در حال حاضر حدود ۹/۶۳ مصرف کننده روزانه سیگار داریم که ۱۸/۹۶ را مردان و ۰/۱۸ درصد را زنان تشکیل می‌دهند که اگر مصرف قلیان، پیپ و چپق را به آنها اضافه کنیم حدود ۰/۳۱ و ۰/۴۱ درصد مصرف کننده داریم.

محققان معتقدند، مهم‌ترین راه برای کاهش دسترسی به دخانیات بنا بر تجربه ۱۰۰ کشورهای دنیا، افزایش مالیات بر خرده فروشی سیگار است، چرا که ثابت شده نمی‌توان از تولید دخانیات و یا قاچاق آن جلوگیری کرد، پس باید با افزایش مالیات بر خرده فروشی آن، میزان دسترسی را کاهش دهیم زیرا که سیگار در کشور ما نسبت به کل دنیا ارزان‌ترین قیمت را دارد.

آنان می‌گویند، مصرف سیگار در بین پسران و مردان جامعه رو به افزایش است و در عین حال، گرایش دختران و زنان به استعمال قلیان، نگران کننده‌تر است. از اینرو اجرای برنامه‌های پیشگیری از شروع مصرف دخانیات یا همان نه گفتن به تجربه دخانیات، باید در ایران و سایر کشورها از سنین پایین و مدارس ابتدایی آغاز شود.

وی می‌افزاید: ۴ درصد پسران ۱۵ ساله و یک درصد دختران ۱۵ ساله مصرف روزانه سیگار دارند در حالی که آمار مصرف قلیان در هر دو جنس ۱۰ درصد است و در این رده سنی خطر افزایش مصرف دخانیات به شکل قلیان، بیشتر مشهود است.

رئیس مرکز تحقیقات کنترل دخانیات دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، از کاهش سن شروع مصرف دخانیات در دهه‌های اخیر در جهان و ایران خبر داده وتاکید می‌کند: میانگین سن شروع مصرف روزانه دخانیات در کشور در دهه ۵۰ حدود ۲۰ سال، در دهه‌های ۶۰-۷۰ به حدود ۱۷-۱۸ سال رسید و متأسفانه امروزه میانگین سن شروع مصرف دخانیات در کشور به ۱۴ سال رسیده است که تقریباً با آمار سایر کشورها برابر است.

وی با اشاره به این مطلب که مطالعات جهانی نشان داده متوسط عمر افراد سیگاری ۱۰ سال کمتر از افراد غیرسیگاری است می‌گوید: زنان سیگاری ۹ سال و مردان سیگاری ۱۱ سال زودتر از افراد غیرسیگاری همجنس خود فوت می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت هر نخ سیگار ۳ دقیقه از عمر فرد سیگاری می‌کاهد.

دکترحیدری با توصیه افراد به اجتناب از اولین تجربه استعمال دخانیات می‌افزاید: افراد سیگاری برای ترک مصرف دخانیات می‌توانند با مراجعه به مراکز درمانی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و مشاوره‌های درمانی نسبت ترک دخانیات اقدام کنند.

به گفته وی، از همان لحظه که فرد مصرف دخانیات را ترک می‌کند، سیستم ترمیم بدن فعال شده و اقدام به پاکسازی می‌کند و هرچه فرد دیرتر نسبت به ترک دخانیات اقدام کند زمان بیشتری طول می‌کشد که بدنش ترمیم شود.

*** دکتر آرش نیک خلق - دبیر علمی انجمن زندگی بدون دخانیات: تجربیاتی که در مورد بیماری کرونا، سارس و مرس داشته‌ایم نشان می‌دهد که افراد سیگاری نه تنها مرگ و میرشان بیشتر می‌شود بلکه به نسبت دیگران هم دیرتر بهبود پیدا می‌کنند از اینرو همه‌گیری کووید-۱۹ یک فرصت مناسب برای ترک سیگار است**

بررسی‌های انجام شده

دکترغلامرضا حیدری - رئیس مرکز تحقیقات کنترل دخانیات دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در مصاحبه با رسانه‌های گروهی می‌گوید: حدود ۳۰ درصد آقایان و ۲۰ درصد خانم‌های بالای ۱۵ سال در کشور دخانیات مصرف می‌کنند و نتایج مطالعات انجام شده در کشور نشان می‌دهد، به طور متوسط ۱۰ تا ۱۵ درصد جمعیت بالای ۱۵ سال کشور مصرف روزانه سیگار دارند که این عدد در مردان حدود ۲۰ درصد و در زنان حدود ۲ درصد است. در صورتی که بخواهیم آمار مصرف قلیان را اضافه کنیم، در حدود ۳۰ درصد آقایان و ۲۰ درصد خانم‌های بالای ۱۵ سال در کشور مصرف دخانیات دارند.

این در حالی است که مصرف قلیان در هر دو قشر زن و مرد و به ویژه زنان بسیار بالاتر و نگران کننده است، زیرا مصرف تفننی قلیان در سال‌های آتی مبدل به مصرف سیگار می‌شود و همچنین بیماری زایی ناشی از قلیان بسیار شدیدتر خواهد بود.

رئیس مرکز تحقیقات کنترل دخانیات دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی خاطر نشان می‌کند: معمولاً ظرف ۳ ماه پس از ترک دخانیات ظرفیت‌های هوایی تنفسی فرد به شکل نرمال برمی‌گردد، پس از یکسال خطرات بیماری‌های قلبی در وی برابر با افراد غیرسیگاری می‌شود و بعد از ۳ سال بروز بیماری‌های ریوی نیز در آنان تقریباً مشابه افراد غیر سیگاری می‌شود و خطر بروز سرطان‌ها نیز پس از ۳ تا ۵ سال در آنان همانند افراد غیرسیگاری می‌شود.

فریبکاری شرکت‌های دخانیات

دکتر آرش نیک خلق - دبیر علمی انجمن زندگی بدون دخانیات در مورد مصرف دخانیات درکشور به گزارشگر روزنامه اطلاعات می‌گوید: آمارهای سازمان جهانی بهداشت حاکی از این است که در حال حاضر چیزی حدود ۱/۳ میلیارد نفردر دنیا مصرف‌کننده دخانیات هستند. این در حالی است که به طور متوسط هرسال ۸ میلیون نفربه علت عوارض مصرف دخانیات فوت می‌کنند که از این تعداد ۷ میلیون نفربه علت مصرف مستقیم و ۱ میلیون نفر هم به علت مصرف غیر مستقیم (مواجهه با دود سیگار) جانشان را از دست می‌دهند.

وی با بیان این مطلب که شرکت‌های تولیدکننده سیگار در جهان سالی ۸ میلیون نفر مصرف کنندگان خود را از دست می‌دهند می‌افزاید: این شرکت‌ها هیچ وقت بیکار نمی‌مانند و بازاریابی‌های خود را برای بالا بردن جمعیت مصرف کنندگان انجام می‌دهند و سرمایه گذاری زیادی انجام می‌دهند.

به عنوان مثال سیگار را در بسته بندی‌های مختلف و اشکال متنوع عرضه می‌کنند و یکسری باورهای نادرست را هم مانند مصرف سیگار برای کاهش وزن خوب است و یا یک نوع تشخص است را در بین مردم جا می‌اندازند و حتی اینکه کشیدن سیگار توسط یک خانم باعث هماهنگی اجتماعی او با جامعه است. امسال هم شعار روز جهانی دخانیات محافظت از جوانان در برابر فریب کاری شرکت‌های دخانیات و پیشگیری از مصرف دخانیات در آنان اختصاص یافته است. زیرا که هر چه سن پایین ترباشد تعداد مصرف‌کننده این مواد بیشتر می‌شود.

این کارشناس مواد مخدر خاطر نشان می‌کند: مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که شرکت‌های دخانیات روی نوجوانان سرمایه گذاری می‌کنند بدین صورت که آنان چه طعم‌هایی را می‌پسندند،چه هنرپیشه‌هایی را دوست دارند و حتی از چه رنگ‌هایی خوششان می‌آید.

شرکت‌های دخانیات سیگارهایشان را در بسته بندی‌های جدید و اصطلاحاً لاکچری با رنگ‌ها و مدل‌های مختلف عرضه می‌کنند و بر روی یکسری سیگارهای نوظهور مانند سیگارهای الکترونیکی هم سرمایه‌گذاری می‌کنند. تا جوانان را برای مصرف دخانیات وسوسه کنند.

در حال حاضر انواع طعم‌ها ی توتون برای قلیان وجود دارد به عنوان مثال برای کسانی که در دهه ۶۰ متولد شدند طعم آدامس‌های بادکنکی نوستالژی است از اینرو شرکت‌های دخانیات آمده‌اند طعم‌های خاصی را که برای جوان و نوجوان خاطره انگیز است روی سیگارهایشان گذاشته‌اند.

وی می‌گوید: در زمان شایع شدن بیماری کرونا شایعه‌ای در جامعه پخش شد که کسانی که سیگارمصرف می‌کنند کمتربه این بیماری مبتلا می‌شوند. این شایعه باعث شد که عده‌ای به سمت مصرف سیگار گرایش پیدا کنند البته این شایعه را در مورد الکل هم داشتیم در حالی که همه اینها باورهای نادرستی هستند که مافیای تولید کنندگان در جامعه جا می‌اندازند تا مصرف را بیشتر کنند طبق آخرین بررسی‌های انجام شده افراد سیگاری ۱۴ درصد بیشتر از افراد عادی به درمان شدید احتیاج دارند و افراد سیگاری ۲ برابر بیشتر از غیر سیگاری‌ها جانشان را در اثر ابتلا به بیماری از دست می‌دهند.

دکتر نیک خلق می‌افزاید: سیگار اولین جایی از بدن را که تحت تاثیر قرار می‌دهد ریه است و روی مژک‌ها هم تاثیر گذار است و بیماری کووید-۱۹ هم معمولاً ریه را تحت تاثیر قرار می‌دهد و عملکرد ریه و مژک‌ها در افراد سیگاری کم می‌شود. پس مشخص است که فرد سیگاری دچار مشکلات بیشتری می‌شود و مساله مهم این است که افراد سیگاری در معرض دیابت هم هستند و خود همین مساله ریسک فاکتور شان را بالا می‌برد.

وی با بیان این مطلب که افراد سیگاری تماس دستی و دهانی برای در آوردن پاکت و روشن کردن سیگار و فیلتری که به دهان گذاشته می‌شود دارند که دقیقا تماس آلوده‌ای است که غیر قابل اجتناب است تاکید می‌کند: سیگار قابل استریل کردن هم نیست و اگر شخص به هر سیگاری هم ۱۰ پک بزند تماس دهانی را دارد همان کاری که یک بارهم می‌تواند منجر به آلودگی به ویروس شود وآسیب به مخاط چشم وبینی می‌تواند شرایط را بدتر کند و خود افراد سیگاری هم سرفه می‌کنند و اگر یک جوان باشد که ناقل باشد و امروز هم خیلی از افراد ناقل دارای بیماری بدون علامت هستند.

مساله دیگر مصرف قلیان است که نه تنها بیماری‌های مختلفی مانند آنفلوآنزا، هپاتیت که حتی میکروب هلیکوباکتر پیلوری که باعث ایجاد زخم می‌شود را به دیگران منتقل می‌کند. بسیاری از وسایل قلیان قابل تمیز کردن نیستند و آب هم محیطی است که نقش کاتالیزور و نگهدارنده دارد و این در حالی است که ویروس و میکروب‌ها در محیط‌های مایع بهترماندگار می‌شوند و قلیان هم که به طور دسته جمعی مصرف می‌شود که مصرف کنندگان فاصله اجتماعی را هم رعایت نمی‌کنند و کشیدن آن که دهان به دهان است باعث شیوع بیماری می‌شود.

دبیر علمی انجمن زندگی بدون دخانیات خاطر نشان می‌کند: یکسری از افراد غیر سیگاری هم هستند که متاسفانه در معرض دود سیگاری‌ها قرار دارند. به عنوان مثال فرزندان والدین سیگاری در معرض دود سیگار قرار دارند و دود باعث می‌شود که افراد و یا کودکانی که در آن محیط زندگی می‌کنند دچار بیماری‌های تنفسی شوند و مستعد عفونت‌های ویروسی شوند. به این دلایل می‌توان گفت که مصرف دخانیات ابتلا به بیماری را سریعتر می‌کند. تجربیاتی که در مورد بیماری کرونا، سارس و مرس داشته‌ایم نشان می‌دهد که افراد سیگاری نه تنها مرگ و میرشان بیشتر می‌شود بلکه به نسبت دیگران هم دیرتر بهبود پیدا می‌کنند از اینرو همه گیری کووید-۱۹ یک فرصت مناسب برای ترک سیگار است.

وی می‌گوید: اگر مردم سیگار و قلیانشان را ترک نکنند ممکن است بخشی از آمار مرگ و میر را به خودشان اختصاص دهند. بعد از شیوع کرونا خیلی از انواع سیگارها کمیاب و گران شد و مصرف را بالا برد همانطور که مصرف الکل بالا رفت و همه اینها به علت کاهش اطلاع رسانی صحیح است. زیرا که هیچ آگاهی رسانی مناسبی در این زمینه انجام نشد.

دکتر نیک خلق با اشاره به این مطلب که ممکن است کرونا از بین برود ولی به خاطر عوارض سیگاری شدن ممکن است سلامت افراد جامعه را به خطر بیندازد. متاسفانه افرادی را داریم که برای پیشگیری از ابتلا به کووید -۱۹ به سیگار روآوردند. فشار اقتصادی، بیکار شدن و خانه نشینی هم درگرایش مردم به سیگار بی تاثیر نبود. اگرچه آمار قطعی نداریم ولی به نظر می‌رسد که در این دوران مصرف دخانیات بالا رفت.

مراقبت مصرف سیگار

تنها سرطان ریه یا بیماری‌های قلبی پیامدهای استعمال دخانیات نیست بلکه مجموعه‌ای از مسایل و مشکلات بهداشتی در ارتباط با مصرف مواد دخانی وجود دارد که می‌تواند به لحاظ شرایط جسمانی و مقاومت ایمنی در افراد سیگاری بروز می‌کند، که برخی از آنها عبارتند از:

- سرطان پوست: افراد سیگاری ۲ برابر بیشتر از افراد غیر سیگاری در معرض خطر ابتلا به نوعی سرطان پوست (پوسته پوسته شدن، برجستگی روی پوست) قرار دارند.

- فساد دندان‌ها: افراد سیگاری ۱/۵ مرتبه بیشتر از افراد غیر سیگاری در معرض خطر از دست دادن زودرس دندان‌ها هستند.

- پوکی استخوان: منواکسید کربن یکی از اصلی‌ترین گازهای سمی در خروجی اگزوز اتومبیل و دود سیگار است، میل ترکیبی این گاز با خون بسیار بالاتر از اکسیژن است. این گاز باعث کاهش قدرت عمل اکسیژن در خون افراد سیگاری حرفه‌ای تا ۱۵ درصد می‌شود. استخوان‌های افراد سیگاری تراکم خود را از دست داده و به راحتی شکسته می‌شود همینطور زمان التیام یافتن و جوش خوردن آنها پس از شکستگی تا ۸۰ درصد افزایش پیدا می‌کند.

-بیماری‌های قلبی: بیماری‌های قلبی -عروقی ناشی از استعمال دخانیات بیش از ۶۰۰ هزار نفر را در سال در کشورهای توسعه یافته از بین می‌برد. استعمال دخانیات باعث افزایش ضربان قلب، بالا رفتن فشار خون، افزایش خطر ابتلا به فشار خون بالا و گرفتگی عروق و نهایتا ایجاد حمله قلبی و سکته می‌شود.

- زخم معده: استعمال دخانیات مقاومت معده را در برابر باکتریها پایین می‌آورد؛ همچنین باعث تضعیف معده در خنثی سازی اسید معده و مقاومت در برابر آن بعد از غذا خوردن و بر جای ماندن باقیمانده اسید در معده و در نتیجه تخریب دیواره آن می‌شود.

زخم معده افراد سیگاری به سختی درمان می‌شود و احتمال بهبودی آن تا زمانی که فرد سیگاری است اندک است.

*** دکتر غلامرضا حیدری - رئیس مرکز تحقیقات کنترل دخانیات دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی: میانگین سن شروع مصرف روزانه دخانیات در کشور در دهه ۵۰ حدود ۲۰ سال، در دهه‌های ۶۰-۷۰ به حدود ۱۷- ۱۸ سال رسید و متأسفانه امروزه میانگین سن شروع مصرف دخانیات در کشور به ۱۴ سال رسیده است که تقریباً با آمار سایر کشورها برابر است**

- از دست دادن موها: با تضعیف سیستم ایمنی افراد سیگاری در اثر مصرف مواد دخانی، بدن این افراد مستعد ابتلا به انواع بیماریها از جمله «لوپوس اریتماتوز» می‌شود که این بیماری می‌تواند عامل از دست دادن موها، ایجاد زخم در دهان، جوش‌های پوست روی صورت، سر و دست‌ها شود.

- آب مروارید (کاتاراکت): افراد سیگاری ۴۰ درصد بیش از افراد دیگر در معرض ابتلا به آب مروارید، کدر شدن عدسی چشم و ممانعت از عبور نور و در نهایت نابینایی هستند.

- چین و چروک: استعمال دخانیات باعث از بین بردن پروتئین‌های انعطاف دهنده پوست می‌شود؛ همچنین باعث تحلیل بردن ویتامین A و محدود کردن جریان خون در عروق پوست می‌شود. پوست افراد سیگاری خشک و دارای خطوط و چین خوردگی‌های ریزی در اطراف لب‌ها و چشم‌هاست.

- ضایعات شنوایی: افراد سیگاری ۳ برابر بیش از افراد غیر سیگاری به عفونت گوش میانی دچار می‌شوند.

- تغییر رنگ انگشتان: قطران موجود در دود سیگار در اثر استعمال مستمر دخانیات روی انگشتان و ناخن‌ها جمع شده و باعث تغییر رنگ آنها به قهوه‌ای مایل به زرد می‌شود.

- سرطان رحم و سقط جنین: مصرف سیگار در دوران بارداری می‌تواند باعث افزایش خطر زایمان نوزاد با وزن کم و بروز مسایل بهداشتی در آینده شود. سقط جنین در مادران سیگاری ۲ تا ۳ برابر بیشتر است.

- سرطان: بیش از ۴۰ عنصر سرطانزا در دود سیگار وجود دارد احتمال سرطان ریه ۲۲ مرتبه بیشتر از افراد غیر سیگاری است.

طبق تحقیقات بی شماری که انجام شده است در صورت ادامه مصرف سیگار و سایر دخانیات توسط افراد سیگاری، احتمال مبتلا شدن آنها به انواع سرطان‌های دیگر از قبیل زبان، دهان، غدد، بزاق و حلق (۶ تا ۲۷ برابر)، سرطان بینی (۲ مرتبه بیشتر)، گلو (۱۲ مرتبه)، مری (۸ تا ۱۰ برابر)، حنجره (۱۰ تا ۱۸ برابر)، معده (۲ تا ۳ برابر)، کلیه (۵ برابر)، لوزالمعده (۲ تا ۵ برابر) مقعد (۵ تا ۶ مرتبه) وجود دارد.

بیتا مهدوی

جدول ۲۳۹۶۱

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:

۱- وزیر افسانه‌ای حضرت سلیمان (ع) - رمان جعفر شهری
۲- مستعمل - مردن در حادثه
۳- محصول صابون - غلام و قاصد (ترکی) - مخلوقات - خدای قلندر
۴- مشهورتر - مهمان طفیلی - نگهبانی
۵- اسم - رود اروپایی - میوه زرد گرمسیری - نان سنتی پرطرفدار
۶- صحت و صداقت - مرغ همسایه - نام مجموع صورتهای هشتگانه حروف جمل
۷- آن که از خودش راضی شود، ناراضی او ......! (امام هادی (ع)) - عجیب ترین مایع
۸- وسیله بافتن قالی - گرم و سوزان - پسوند میل کننده - فرومایه و پست
۹- تکرار حرف خوردنی - اصول محاکمات
۱۰- اندوهگین - تعجب غلیظ - تر و تازه
۱۱- هافبک آلمانی رئال مادرید - از رنگ‌های اصلی - پیشوند نداری - پسوند مانند
۱۲- کلاه پادشاهی - کمال مطلوب - ساحل و کناره
۱۳- کلام تنفر - نوعی بشقاب - مرد نجیب و شریف - جانور اصحاب کهف
۱۴- تشنه فریب - سیفون
۱۵- مافیای ژاپن - رود جنوب ایران

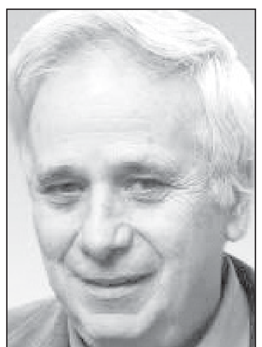
عمودی:

۱- ساکن کردن - هر نوع کفش ورزشی
۲- سنگینی که بر جسم فرود می آید - کجروی
۳- تکرار حرف - با هم سفر می کنند - زن و شوهر را گویند - سیخونک
۴- برادر لرستانی - نوعی شیرینی - یخ انگلیسی - چیدن محصول
۵- پساوند از رسیدن - سبزی های خوشبو - سرود
۶- نیکان - صدای افسوس - آش زیره
۷- وسیله احتیاطی - رفتن به غار به قصد شناسایی و اکتشاف
۸- سودای ناله - داستان و قصه - اطلاعات کامپیوتری - دو یار قد بلند
۹- مدرسه - آتشگیره
۱۰- نوایی از موسیقی - دعای زیر لب - کنایه از بی نظمی و هرج و مرج
۱۱- کبیر و بزرگ - هرج و مرج - ذره باردار
۱۲- اهلی - دروازه بسکتبال - از ادات تشبیه - باز کننده قفل
۱۳- تنها - عدد انگشتان دست - ملاقات - همه را شامل می شود
۱۴- محل قرار گرفتن هاگ های جانداران ساده - پایه ها
۱۵- لارنژیت - صحرا نشین

حل جدول ۲۳۹۶۰

به رسمیت شناختن فاجعه

ایلان پاپه   ترجمه محسن کرباسفروشان   بخش اول



جان.اف.**کندی** بلافاصله پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، به سختی درگیر سیاست‌های جهانی ایالات متحده شد. در میان همه موضوعاتی که توجه او را جلب کرد، مسائل خاورمیانه و به‌ویژه فلسطین قرار داشت. او تصمیم گرفت سیاست‌های رئیس‌جمهوری قبلی، آیزنهاور را ادامه دهد. آیزنهاور به این اصل اعتقاد داشت که فقط بازگشت عده چشمگیری از فلسطینیان آواره به خانه و کاشانه‌شان، می‌تواند به حل مناقشه اعراب ـ اسرائیل کمک کند؛ منازعه‌ای که همه تلاش‌های آمریکا را برای به‌وجود آوردن پایگاهی محکم علیه شوروی در منطقه مختل می‌کرد. به همین خاطر هم بود که کندی به سفیر خود در سازمان ملل متحد دستور داد از تلاش‌های کشورهای عربی در مجمع عمومی سازمان ملل برای واداشتن اسرائیل به پذیرش «طرح بازگشت عده زیادی از آوارگان فلسطینی» که از زمان پاکسازی قومی ۱۹۴۸ در اردوگاه‌های سازمان ملل متحد زندگی می‌کردند، حمایت کند.

دولت اسرائیل سرخورده از این رویکرد، با وجود اینکه در گذشته توانسته بود با موفقیت کامل کوشش وزیر خارجهٔ آیزنهاور، یعنی **جان فوستر دالس** را در این مورد بی‌تأثیر کند، اکنون مجبور شد سیاست آمریکا را تحمل کند و به هر طریق ممکن به فشار جدید تن دردهد و با آن کنار بیاید. نخست‌وزیر وقت اسرائیل **داوید بن گوریون** به فوریت جلسه‌ای اضطراری تشکیل داد تا این موضوع را به بحث بگذارد. او در این جلسه گفت: «ما باید حقایق را بگوییم. این مردم [فلسطینیان] به دلخواه خود و داوطلبانه فرار کردند... تا آنجا که من می‌دانم، فقط اعراب اللد و رمله مجبور به ترک خانه‌های خود شدند!»

همان‌گونه که من و دیگر مورخان نشان داده‌ایم، یادداشت‌های روزانه او در ۱۹۴۸ بیان می‌کنند که او اگر مسئول مستقیم در این امر نبود، اما به‌خوبی از پدیده راندن و آواره ساختن فلسطینیان از همه زوایای سرزمین فلسطین آگاه بود. منظور بن‌گوریون از گفتن این عبارت که: «ما باید حقایق را بگوییم»، این بود که او می‌خواست حقایق را به نحوی بگوید که فشار آمریکایی‌ها و جهانیان را بر اسرائیل تا حد ممکن سبکتر کند. یکی از تصمیمات اساسی‌ای که دولت اسرائیل در آن زمان اتخاذ کرد، ایجاد گروه فشار (لابی) اسرائیل بود تا به کمک آن اطمینان حاصل کند که تشکیلات آمریکایی‌ها در آینده از راه منافع اسرائیل منحرف نخواهد شد.

بن‌گوریون گفت که می‌خواهد اسناد و مدارک آرشیوی لازم را در اختیار جامعه دانشگاهی اسرائیل قرار دهد تا به جهانیان نشان دهد اعراب خود داوطلبانه خانه‌هایشان را در ۱۹۴۸ ترک کرده اند. برای این کار، او انستیتو شیلوح از دانشگاه عبری اورشلیم را انتخاب کرد. این بنیاد در ۱۹۶۵ به دانشگاه تل‌آویو پیوست. **ریون شیلوح** نخستین رئیس موساد ـ سازمان جاسوسی اسرائیل ـ تا ۱۹۵۲ بود. پس از آن، او مشاور ارشد دولت اسرائیل در امور خاورمیانه شد. جامعه شرقی اسرائیل، به عنوان نخستین مرکز دانشگاهی برای تحقیق پیرامون خاورمیانه تا این زمان، تصمیم گرفت فعالیت‌های خود را به اسم او نامگذاری کند و جشن بگیرد. این مرکز با دستگاه امنیتی اسرائیل رابطهٔ تنگاتنگی برقرار کرده و در بسیاری جهات بخشی از امکانات تحقیقاتی آن شده بود و در آن زمان، در سرتاسر جهان به عنوان نهاد علمی مهمی شناخته می‌شد. این مرکز در ۱۹۸۳ به «مرکز موشه دایان برای مطالعات خاورمیانه و آفریقا» در دانشگاه تل‌آویو تبدیل شد و هنوز هم در آنجا فعالیت دارد.

نخستین مأموریت به معاون مدیر انستیتو، **رونی گَبای** واگذار شد. او یهودی عراقی‌الاصلی بود که به زبان عربی صحبت می‌کرد و در ۱۹۵۰ به اسرائیل مهاجرت کرده بود. او بعداً رساله دکتری خود را پیرامون ریشه‌های مسأله پناهجویان فلسطینی نوشت (۱۹۵۹) و در آن ادعا کرد که فلسطینیان از این رو آواره و پناهجو شدند که سیاست تخریب و انهدام روستاهای فلسطینی و تصاحب و غصب اموال فلسطینیان، سیاست عمدهٔ فرماندهان محلی ارتش یهود طی جنگ ۱۹۴۸ بود. او نوشت در آن زمان هیچ شاهدی نیافته است که بر یک سیاست سازمان‌یافته بر راندن و آواره ساختن فلسطینیان تأکید داشته باشد. این دقیقاً همان نتیجه و شهادتی بود که بن گوریون انتظار داشت انستیتو شیلوح اعلام کند.

اکنون توطئه پیچیده‌تر و غلیظ‌تر می‌شود. تحت نام گَبای، انستیتو شیلوح گزارشی منطبق بر روایت مطلوب بن گوریون آماده می‌کند. بر اساس این گزارش، دلیل اصلی به‌وجود آمدن مسأله آوارگان فلسطینی، خواست رهبران فلسطینی و رهبران کشورهای عرب همسایه بود که فلسطینیان را به ترک سرزمین خود تشویق و ترغیب می‌کردند! گبای در نامه‌ای در ۱۹۶۱، حتی بهتر از این هم نوشت: «آخرین فصل این گزارش نشان می‌دهد که رهبران یهودی محلی سعی بسیار در توقف این مهاجرت خودخواسته فلسطینیان داشتند، اما تلاششان مفید واقع نشد»!

چند دهه قبل گبای به استرالیا مهاجرت کرد. او چنین می‌اندیشید که محیط دانشگاهی اسرائیل نسبت به یهودیان عراقی مثل او، تمایلات نژادپرستانه دارد و در مورد گزارشی که به نام او انتشار یافت، می‌گوید که نوشتن آن را به خاطر نمی‌آورد! دانشجوی مقطع دکتری او از نیویورک به نام **شای هازکانی** گفت: اساساً گبای جمع‌بندیی ننوشته است؛ او فقط مدارکی را جمع‌آوری و طبقه‌بندی کرد که به هیچ وجه حاکی از تشویق رهبران عربی و فلسطینی برای مهاجرت داوطلبانهٔ فلسطینیان نبود، بلکه راندن و آواره ساختن اجباری آنان را گواهی می‌داد. هازکانی مقاله‌ای مفصل در این زمینه در ماه می۲۰۱۳ در روزنامه هاآرتص نوشت و منتشر کرد.

باید دانست که بن گوریون علاقه‌ای شخصی نسبت به موضوع داشت. او به‌وقت خود در آن زمان، گزارش گبای را خوانده و نومید شده بود. بدین‌جهت از یکی از مشاوران خود در بخش مسائل اعراب، به نام **یوری لوبرانی** خواست که گزارش دیگری بنویسد. لوبرانی نیز این مأموریت را به **موشه ما اُز** محول کرد. این شخص که بعداً یکی از شرق‌شناسان مشهور اسرائیل شد، در آن وقت رهسپار آکسفورد بود تا در آنجا دکتری خود را بگیرد. ما اُز در نامه‌ای به یکی از اعضای انستیتو نوشت: «ما تصمیم داریم آن مهاجرت را نتیجهٔ ترغیب و تشویق رهبران محلی عرب و دولت‌های عربی و فراهم آوردن تسهیلات و امکانات از سوی دولت بریتانیا، نشان دهیم!» در واقع این جمع‌بندی، که حتی قبل از بررسی اسناد و مدارک حاصل آمده بود، بسیار نزدیک به محتوای گزارشی بود که بعداً انتشار یافت. ما اُز به شای هازکانی گفت: «امروزه در بازنگری به وقایع گذشته، از اینکه چنین نقشی در جعل تاریخ داشته‌ام، شرمسارم.» او بعداً به قهرمانی در زمینه حقوق فلسطینیان تبدیل شد. باز هم باید دانست که اسرائیل در همان زمان از این گزارش به عنوان اصلی‌ترین سند برای برطرف کردن فشارهای آمریکا و جامعه بین‌المللی، استفاده کرد.

با ترور کندی در نوامبر ۱۹۶۳، این فشارها نیز برداشته شد. رئیس‌جمهور بعدی **لیندون جانسون**، هر گونه تلاش برای اجبار اسرائیل به قبول و بازگشت آوارگان فلسطینی را مسکوت گذاشت، و واشینگتن و اورشلیم اصرار سازمان ملل در این زمینه را فاقد اهمیت و نامربوط تلقی کردند. آنها که در آن دوره، درگیر این مسأله بودند، به خاطر می‌آورند که اسناد و مدارک ریزریز شدند و گزارش‌ها به بایگانی رفت. **هازکانی** برخی از آنها را دهه‌ها بعد در آرشیوهای اسرائیلی یافت؛ اما در آن زمان، یعنی در سالهای دهه ۱۹۶۰ تا اواخر دهه ۱۹۸۰، تاریخ‌نگاری عمومی بر همان روایتی صحه می‌گذاشت که ما پیشتر برشمردیم.

نومورخان اسرائیلی

اکنون خوانندگان این نوشتار با عبارت «نومورخان اسرائیلی» آشنایی یافته‌اند. ما گروهی از مورخان حرفه‌ای اسرائیلی هستیم؛ من نیز جزو آنانم که روایت و نسخه رسمی جنگ ۱۹۴۸ را به نقد کشیده‌اند. از بسیاری جهات، تاریخ جدید تقریبا در ۱۹۶۱ روایت شد. این بن‌گوریون بود که تاریخ جدید اسرائیل را به‌وجود آورد. بایگانی کردن گزارش گبای مانع از برملا شدن ناراستی‌ها و نادرستی‌ها شد. بخش آشناتر در چالش‌های داخلی جامعه اسرائیل نسبت به روایت رسمی اسرائیلی پیرامون رخدادهای جنگ ۱۹۴۸، با کارهای **سیمحا فلاپان** روزنامه‌نگار آغاز شد. او داوطلبی نامناسب برای به نقد کشیدن نسخه رسمی اسرائیلی از جنگ بود. بعد از ۱۹۶۷، او بیشتر به عنوان کسی که به نحوی درخشان نظریه **ژان پل سارتر** ـ فیلسوف فرانسوی قرن بیستم ـ را به نابودی کشاند، در افکار عمومی دنیا شناخته می‌شد. سارتر پس از بازدید از اسرائیل در آن سال، درخواست کرد که آوارگان فلسطینی جنگ ۱۹۴۸ باید بدون قید و شرط به خانه‌های خود بازگردند. فلاپان، هم ادعای سارتر را رد کرد و هم درخواست او را نامکمن دانست؛ اما سالها بعد او این هر دو، یعنی هم ادعای سارتر پیرامون محق بودن فلسطینیان به بازگشت و هم راه‌حل او را پذیرفت.

ادامه دارد

درام فلسفی

گفتگو با مرتضی نوری   منیره پنج‌تنی   بخش اول

کتاب «تئاتر ایده‌ها: انگیزش‌های افلاطونی در تئاتر و فلسفه» به قلم مارتین پوشنر را مرتضی نوری به فارسی ترجمه کرده است. او نه تنها دانش‌آموختهٔ دکتری فلسفهٔ غرب است، بلکه دوستدار تئاتر نیز هست؛ نمایشنامه می‌نویسد و کارگردانی هم می‌کند. در اینجا روایت نوری از اندیشه‌های پوشنر و نظر خودش دربارهٔ رابطهٔ تئاتر و فلسفه مطرح می‌شود.

به نظر شما چه شباهت‌هایی بین تئاتر و فلسفه وجود دارد؟ به دیگر سخن مرز مشترک این دو چیست؟ لطفا پاسخ این پرسش را از منظر مارتین پوشنر یعنی یکی از موافقان پیوند فلسفه و تئاتر بررسی کنید.

رابطهٔ «تئاتر» و «فلسفه» از آن جنس رابطه‌هایی است که در نگاه اول مسلّم و قطعی به نظر می‌رسد، اما برای توضیحش گوینده معمولا دچار لکنت می‌شود. این همان دردسری است که پوشنر در دیباچهٔ اثر به آن اشاره می‌کند، آن‌هم در پایان پژوهشی درازدامن که هدفش دقیقا اثبات همین رابطه بوده است. پوشنر سعی کرده است این رابطه را بیشتر در خاستگاه‌های تاریخی اندیشهٔ فلسفی و به‌ویژه نقاط عطف آن، یعنی فلسفهٔ سقراط و افلاطون، جستجو کند. او برای اثبات تز خود به سراغ پیشداوری ضدتئاتری در حوزهٔ فلسفه رفته و آن را به چالش کشیده است. مضمون این پیشداوری این است که تفکر فلسفی در یونان باستان عمدتا در ضدیت با تئاتر و نقد مواجههٔ غیرانتقادی این قالب هنری با باورهای عامه شکل گرفت. پوشنر با تحلیل‌های ریزبینانهٔ خود خلاف این ادعا را نشان می‌دهد و ثابت می‌کند قالبی که افلاطون برای فلسفه‌ورزی خود انتخاب کرده است تمامی عناصر درام آتنی را به کار می‌گیرد، منتها با تغییراتی که متناسب با اهداف انتقادی او اعمال شده است. او از نوعی «دراماتورژی افلاطونی» می‌گوید که در آن عناصر ارسطویی درام، از جمله نقش، کنش و مخاطب، تحولاتی بنیادین را از سر می‌گذرانند. علاوه بر این، نقش عنصر تقلید در درام افلاطونی به حداقل می‌رسد و عنصر روایت نقش برجسته‌تری پیدا می‌کند.

از نظر پوشنر، افلاطون از این جهات پیشگام درام مدرن است که این قالب درام نیز از قضا با ایجاد تغییرات بنیادین در درام ارسطویی به وجود آمد. از این حیث می‌توان گفت تئاتر و فلسفه و به تعبیر کلی‌تر، درام و فلسفه، وجوه مشترک بسیاری دارند و در طول تاریخ خود برای ایجاد تغییرات بنیادین از یکدیگر الهام گرفته‌اند. فلسفه و تئاتر هر دو مواجهه‌ای ژرف با جهان هستی‌اند، و این ژرفا محقق نمی‌شود مگر اینکه این مواجهه جنبه‌ای دراماتیک به خود بگیرد. رگه‌هایی از این تز را می‌توان در فلسفهٔ دراماتیک دید. نیچه و کیرکگور دریافته‌اند تفکر فلسفی بدون داشتن قالبی مخصوص برای تفکر، ناممکن است. این اشتباهی است که عمدهٔ فیلسوفان در طول تاریخ فلسفه با بی‌اعتنایی به قالب دراماتیک افلاطون مرتکب شده‌اند. اگر فلسفه را مواجهه‌ای انتقادی با جهان هستی و جهان اجتماعی بدانیم، دیر یا زود همچون افلاطون باید با این موضوع کنار بیاییم که خود این مواجهه نمی‌تواند نسبت به نحوهٔ مواجهه (یعنی قالب و فرمی که برای آن بر می‌گزینیم) لااقتضا باشد.

***فلسفه با مفاهیم کلی و انتزاعی سر و کار دارد و تئاتر با بدن و حرکت. این دو بدون یکدیگر به بیراهه می‌روند و از برآوردن مقصود خود عاجزند. ترکیب تئاتر و فلسفه می‌تواند نمادی از ترکیب همهٔ وجوه انسانی، و ادا کردن حق همهٔ آنها باشد**

از نظر پوشنر تفاوت‌های برجستهٔ بین تئاتر و فلسفه چیست؟

این مسئله چندان دغدغهٔ پوشنر نیست؛ اما اگر بتوان هر دو اینها را از قالب‌های اندیشه و تفکر به شمار آورد، می‌توان گفت فلسفه قالبی است که در آن ایده‌ها و افکار ــ در قیاس با زبان، کلمات، کنشها و اعمال ــ دست بالا را دارند؛ در مقابل، تئاتر قالبی است که هرچند پیوندی ناگسستنی با ایده‌ها و افکار دارد، نقش زبان و کنش در آن برجسته‌تر است. یکی از دلایل آن پیشداوری ضدتئاتری که ذکرش رفت، همین نقش دست پایین ایده‌ها در این قالب هنری است. در نظریه‌های کارگردانی معاصر تلاشی روزافزون در کار است برای اینکه از این هم فراتر روند و عنصر زبان و متن را نیز ـ که در مرز میان ایده و کنش قرار دارد کم‌رنگ‌تر کنند ـ و در مقابل بر نقش کنش و حرکت در تئاتر بیفزایند.

پوشنر در مقابل این رویکردها موضع می‌گیرد و آنها را مصداقی از پیشداوری ضدضدتئاتری می‌داند، یعنی معکوس پیشداوری ضدتئاتری که نیندیشیده در جهت خلاف حرکت می‌کند و دو عنصر ایده و زبان را که با تئاتر پیوندی ناگسستنی دارند، تضعیف می‌کند.

مؤلف کتاب «تئاتر ایده‌ها» ریشه‌های اصلی دشمنی تاریخی بین فلسفه و تئاتر را در چه می‌بینید؟ به دیگر سخن، دعوای تاریخی بین فلسفه و تئاتر از افلاطون تا امروز، در چه مؤلفه‌هایی طبقه‌بندی می‌شود؟

افلاطون از یک طرف هدف خود را مبارزه با یقین‌های دروغین (باورهای هومری دربارهٔ خدایان و رابطهٔ آنها با انسان‌ها) و تردیدهای دروغین (تشکیک‌ها و نسبی‌انگاری‌های سوفسطائیان) می‌دانست، و از طرف دیگر می‌دید درام آتنی که در واقع غالب هنرهای یونانی از جمله شعر، آواز، رقص، و موسیقی را در خود جمع کرده است به جای مواجهه‌ای انتقادی با این وضعیت در جهت تقویت آن می‌کوشد. از نظر او جامعهٔ آتن دچار نوعی «تئاترسالاری» بود، یعنی حاکمیت سلایق نازل و پست عامهٔ مردم بر فرآیند تهیه و تولید تئاتر. او می‌گفت تئاتر به مردم آتن دقیقا همان چیزی را می‌دهد که آنها می‌خواهند، و این عمدتاً به خاطر کم‌رنگ بودن عناصر انتقادی تئاتر در درام یونانی بود. برجستگی نقش تقلید و پررنگ بودن عنصر همدلی (دو عنصری که بعدها برشت منتقد سرسخت حضور آنها در تئاتر شد) باعث می‌شد هرگونه آشنایی‌زدایی از باورهای مرسوم برای مخاطبان تئاتر ناممکن شود.

افلاطون کوشید این عناصر را در قالب دراماتیک خود، یعنی دیالوگ سقراطی، کمرنگ کند؛ برای مثال او به جای آنچه ارسطو «کنش» می‌نامید (یعنی پی‌رنگی که آغاز و میانه و پایانی دارد) عنصر استدلال، گفت و گو، یا مباحثه را قرار می‌دهد و آن را در قالب فرآیندی «وقفه و حرکتی» پیش می‌برد که آمیخته با [illegible]

[illegible] را جاری کند، بلافاصله ممانعت سقراط برای گریه زاری مطرح می‌شود آن‌هم با استدلالی در جهت جاودانگی نفس.

غیر از افلاطون که عملا درام فلسفی را گسترش داد و از اصول نمایشنامه‌نویسی در نگارش رساله‌هایش بهره برد، کدام فیلسوفان از الگوی او در نوشتن پیروی کرده‌اند؟

سنت افلاطونی دیالوگ سقراطی پس از افلاطون تقریباً به فراموشی سپرده شد و فقط در قالب نوعی سنت زیرزمینی ـ به معنای سنتی که حضور دارد اما اعضایش نه از سنت‌بودن خودشان آگاهند و نه از اعضای دیگری که در این عرصه فعالیت می‌کنند ـ به حضور خود ادامه داد. پوشنر در پایان کتاب، جدولی را به نمایش می‌گذارد که در آن بالغ بر صد و اندی نمایشنامهٔ سقراطی فهرست شده‌اند؛ این فهرست بازهٔ زمانی قرن دوم میلاد (نمایشنامهٔ دیالوگ‌های مردگان، اثر لوکیانوس) تا قرن بیست و یکم را در بر می‌گیرد. البته این فهرست عمدتاً نمایشنامه‌هایی را پوشش می‌دهد که با محوریت شخصیت سقراط یا شخصیت‌های مرتبط با او مانند آلکیبیادس، گزانتیپ و دیگران نوشته شده‌اند. در حوزهٔ درام فلسفی، از نظر پوشنر تقلیدهایی که در قرن هفدهم و هجدهم فیلسوفانی چون برکلی، هیوم، دیدرو و دیگران کردند، نمی‌تواند ادامهٔ سنت افلاطونی باشد؛ زیرا این دیالوگ‌های فلسفی غالباً درام را فقط به عنوان یک ابزار آموزشی به کار گرفته‌اند و در آنها پیشاپیش طرف پیروز بحث مشخص است.

از نظر پوشنر، فیلسوفانی چون نیچه و کیرکگور بیشتر از دیگران به اهمیت قالب دراماتیک برای تفکر پی بردند، و از این رو می‌توان فلسفه‌های ایشان را فلسفه‌های دراماتیک نامید. به گفتهٔ او «چنین گفت زرتشت» نیچه، طبق نسخه‌های به جامانده از طرح ابتدایی این اثر، قرار بود در قالب یک درام چهارپرده‌ای نوشته شود؛ اما به مرور نقش روایت در آن برجسته‌تر [illegible]

نیچه آش درهم‌جوشی از گونه‌های مختلف تئاتر یونانی بود، آمیزه‌ای از تراژدی و کمدی و نمایش ساتیری. کیرکگور نیز که معتقد بود حقیقت در قالب رابطه‌ای شخصی بر انسان متجلی می‌شود، کوشید با برگزیدن قالبی ادبی همراه با نامهای مستعار، این تز فلسفی خود را عملا پیاده کند. این گزینش در راستای مخالفت او با اندیشهٔ هگلی بود، این که حقیقت از چنگال نظام مفاهیم انتزاعی و کلی می‌گریزد و در قالب رابطه‌ای شخصی و سوبژکتیو خود را بر فرد نمایان می‌کند؛ کیرکگور به تعبیر خودش، «در حاشیه‌ها و شکاف‌های نظام هگلی» می‌نوشت.

به هر حال دغدغهٔ پوشنر این است که استادان فلسفه را به جدی‌تر گرفتن تئاتر، یا اهل تئاتر را به کندوکاو عمیق‌تر در فلسفه ترغیب کند. چه مؤلفه‌هایی تعامل بین فلسفه و تئاتر را ضروری می‌کند؟

به عقیدهٔ من تئاتر و فلسفه هر دو از قالب‌های تفکر به شمار می‌روند و نوعی مواجههٔ اگزیستانسیالیستی با جهان هستی و مواجهه‌ای انتقادی با جهان اجتماعی‌اند. اگر این عقیده درست باشد، آنگاه فلسفه و تئاتر چیزهای زیادی برای عرضه کردن به یکدیگر دارند. اگر فلسفه و تئاتر را دو سر یک پیوستار (طیف) در نظر بگیریم که از ایده‌های انتزاعی آغاز می‌شود و به کنش‌های جسمانی منتهی می‌شود، می‌توان گفت این پیوستار در واقع همان برداری است که اگزیستانس انسانی بر روی آن سوار است؛ این که در هر برهه‌ای از زمان دقیقا کجای این طیف باید ایستاد، بستگی به رویارویی زندهٔ این دو قالب دارد.

تئاتر دارای دو ویژگی است که آن را از بقیهٔ هنرها متمایز می‌کند: یکی اینکه پیوندی که تئاتر با مخاطب دارد، در مقایسه با بقیهٔ هنرها، عمیق‌تر و ناگسستنی‌تر است. نفس مخاطب در اجرای زندهٔ تئاتر تأثیری مستقیم دارد و این هرگز یک تعبیر استعاری نیست. تحلیلی که گادامر از نقش مخاطب در زندگی و حیات اثر هنری دارد، بیش از همه بر هنر تئاتر قابل انطباق است. بدون مخاطب این هنر نه پا می‌گیرد و نه رشد می‌کند. نکتهٔ دیگر که لازمهٔ نکتهٔ اول است، اینکه هر اجرای تئاتری یک اثر هنری میراست: با گردهمایی بازیگر و مخاطب زاده می‌شود و با اتمام اجرا چون شمعی فرو می‌میرد. تکرار اجرای تئاتری حتی با گردهمایی دوبارهٔ همهٔ عوامل پیشین هم ناممکن است، چرا که هر اجرا یک رخداد بی‌همتاست. این وجوه تئاتر را آلن بدیو به زیبایی به تصویر کشیده است؛ فیلسوفی که پوشنر در بخش افلاطون‌گرایان جدید، به تفصیل به اندیشه‌های او در باب تئاتر می‌پردازد.

با این اوصاف، آیا پوشنر توانسته دلایل قانع‌کننده‌ای برای هر دو گروه بیاورد؟ یعنی پس از مطالعهٔ کتاب، امکان تغییر در موضع‌گیری هر یک نسبت به دیگری وجود دارد؟

واکنش مخاطبان فلسفی و تئاتری این کتاب و بازخوردهایی که توسط دوستان به من منتقل شده، گویای این است که تلاش پوشنر از این حیث خالی از موفقیت نبوده است.

پس پوشنر در ایجاد آشتی تاریخی میان فلسفه و تئاتر موفق بوده است.

اخیراً آثاری که به بررسی پیوند فلسفه و تئاتر اختصاص دارند، رو به فزونی است، از آن جمله است دو اثر «فلسفه و تئاتر» اثر تام استرن و نیز «به صحنه بردن فلسفه» که مجموعه مقالاتی است ویراستهٔ دیوید کراسنر و دیوید سالتز که پوشنر در این آخری نیز مقاله دارد. قطع نظر از اینکه آثار پوشنر چقدر در برقراری این آشتی مؤثر بوده است، این دو قالب تفکر به شباهت‌های ساختاری و محتوایی یکدیگر بیش از پیش پی برده‌اند و علاقهٔ روزافزونی به یکدیگر نشان می‌دهند.

آیا اگر فلسفه و تئاتر سوءتفاهم‌های تاریخی‌شان را حل کنند و درهایشان را به سوی هم بگشایند، جهان ما جای بهتری برای زیستن می‌شود؟ به دیگر سخن، ارتباط اینها چه فوایدی دارد و آیا می‌تواند به یکدیگر کمک کنند؟

این دو قالب تفکر هر یک چیزی دارند که در دیگری کم‌رنگ‌تر است؛ فلسفه با مفاهیم کلی و انتزاعی سر و کار دارد و تئاتر با بدن و حرکت. افلاطون‌گرایی دراماتیک در پی اثبات همین نکته است که این دو بدون یکدیگر به بیراهه می‌روند و از برآوردن مقصود خود عاجزند. فلسفه‌ای که کاملا قابل تقلیل به یک محتوای انتزاعی باشد، نسبتی با حقیقت و جغرافیای انسانی ندارد؛ و تئاتری که کاملا قابل تقلیل به حرکات بدنی باشد، مجموعه‌ای از ادا و اطوارهاست که نسبتی با تفکر و آگاهی ندارد. ترکیب تئاتر و فلسفه می‌تواند نمادی از ترکیب همهٔ وجوه انسانی، و ادا کردن حق همهٔ آنها باشد.

ادامه دارد



دین و اخلاق

دکتر انشاءالله رحمتی   بخش چهارم و پایانی



شرایط متغیر جهانْ اقتضائات متفاوتی دارد و این اقتضائات باعث می‌شود خداوند احکام متفاوت بدهد؛ ولی آن حقایق اخلاقی ضروری به گونه‌ای هستند که خداوند نمی‌تواند آنها را تغییر دهد و اگر تغییر نداد، مشکلی متوجه قدرتش نمی‌شود؛ چون ما از ابتدا شرط کردیم که قدرت به ممکن تعلق می‌گیرد. بنابراین دینداران هم نباید نگران باشند که قدرت خدا محدود می‌شود. اصلا کمال قدرت به این است که به محال تعلق نگیرد و به ممکن تعلق بگیرد. پس بعضی حقایق به گونه‌ای هستند که اساساً قدرت مطلق به آنها تعلق نمی‌گیرد و در این صورت معنایش این است که اینها بر قدرت مطلق تقدم دارند؛ یعنی اینها یک اصول پیشینی مقدم بر اراده خداوند هستند و خداوند وقتی اراده می‌کند، مبتنی بر اینها اراده می‌کند.

اگر این‌گونه در نظر بگیریم، پس «اخلاق» مقدم بر «دین» می‌شود نه اینکه دین مقدم بر اخلاق باشد. اینجاست که می‌گوییم پایهٔ دین اساساً اخلاق است؛ یعنی رسالت همه پیامبران این بوده که این اصول را تحکیم کنند. این که می‌گوییم ما یک رسول ظاهری داریم و یک رسول باطنی به همین معناست. رسول ظاهری همین انبیایی هستند که فرستاده شده‌اند؛ ولی رسول باطنی درکی است که خداوند در درون ما نسبت به خیر و شرها گذاشته است.

بیان دومی نیز از این نظریه که «قدرت مطلق به قبیح تعلق نمی‌گیرد»، وجود دارد. قدرت خداوند به قبیح تعلق نمی‌گیرد، زیرا کمال خداوند در این است که نتواند فعل قبیح انجام دهد. توان قبیح داشتن ضعف است. در میان انسان‌ها هستند کسانی که می‌گویند: من اگر هم بخواهم، نمی‌توانم دروغ بگویم؛ یا من نمی‌توانم یک گنجشک را بکشم، چه برسد به اینکه بخواهم آدم بکشم. این خیلی بهتر از آن است که بگوید من به‌راحتی می‌توانم این افعال قبیح را انجام دهم. در اینجا نتوانستن نشانهٔ کمال است و توانستن نشانه ضعف. در حقیقت انجام دادن فعل قبیح ناشی از نقصان در فاعل است؛ ولی خدا که جامع جمیع کمالات است. هیچ نقصانی در مرتبهٔ ذات او نیست؛ بنابراین نه تنها فعل قبیح از او سر نمی‌زند، بلکه اساساً امکان چنین چیزی درباره او قابل تصور نیست. اراده خداوند عین ذات اوست. ذات او عین خیر است؛ بنابر این محال است که جز خیر اراده کند. اگر نمی‌تواند جز خیر اراده کند، نمی‌توان امکان فعل قبیح در مورد او را پذیرفت.

وابستگی معرفت‌شناسانه

وقتی می‌گوییم حُسن و قبح الهی شرعی، قید «الهی» ناظر به وابستگی متافیزیکی و قید «شرعی» ناظر به وابستگی معرفت‌شناسانه است. به این معنا که گفته می‌شود اخلاق مستقل از خداوند است و قبل از اینکه اراده الهی باشد، حسن و قبح وجود دارد و خدا هم خودش مقید به حسن و قبح اخلاقی است؛ ولی نکته این است که ما انسان‌ها بدون خبر دادن خداوند، حسن و قبح را درک نمی‌کنیم. پس خداوند هرچند واضع اخلاق نیست، ولی مبلغ اخلاق است. این نظریه مبتنی است بر نوعی «لاادری‌گری اخلاقی». ما نمی‌توانیم حسن و قبح یا خیر و شر را تشخیص دهیم. خیر و شر در نفس‌الامر وجود دارد، ولی عقل بشر به آن نمی‌رسد. استناد می‌کنند به اختلاف نظر انسان‌ها. ممکن است عملی را کسی نیکو بداند و کسی بد بداند. پس چون انسان خودش خیر و شر را نمی‌تواند تشخیص دهد، لازم است خیر و شر را خداوند به او گفته باشد. در جهان امروز بسیاری از کسانی که طرفدار اخلاق دینی هستند، به آن استناد می‌کنند.

این که ما نمی‌توانیم حسن و قبح را تشخیص دهیم، دو معنا دارد: یکی اینکه اصلا حسن و قبحی وجود نداشته باشد که همان «نیست‌انگاری اخلاقی» است. ولی نیست‌انگاری را نقد و رد کردیم و گفتیم اراده الهی هم به این ارزش‌ها مقید است؛ اما الان مشکل این است که ارزش‌ها وجود دارند، ولی عقل ما نمی‌تواند آنها را تشخیص دهد؛ بنابراین نیاز داریم به یک عقل مطلقی که او این ارزش‌ها را می‌شناسد و به ما معرفی می‌کند. کسانی که از وابستگی معرفت‌شناسی دفاع می‌کنند، نظرشان این است که عقل ما قدرت تشخیص ندارد و دلیلش نیز همین اختلاف نظرهایی است که داریم. گاهی سر جزئی‌ترین مسائل اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد.

دو منبع برای معرفت دینی وجود دارد: یکی «متون مقدس» است. همه کتاب‌های آسمانی پر است از امر و نهی‌های خداوند که آنها را باید مدون کنیم و به اخلاق برسیم. یکی دیگر از منابع درک اخلاقی از طریق دین، «تجربهٔ دینی» است. به این معنی که خدا فقط از طریق پیامبران با ما سخن نگفته، بلکه از طریق تجربه و حالات درونی با ما سخن می‌گوید. دو نمونه از تجربه دینی را متذکر می‌شوم. یکی نمونه آگوستین قدیس در کتاب «اعترافات» است. در آنجا آگوستین صادقانه به گناهانش اعتراف می‌کند. یک جا می‌گوید: من خودم را در اسارت گناهان می‌دیدم و امروز و فردا می‌کردم که از گناهان جدا شوم. داشتم فکر می‌کردم که این حال تا کی باید ادامه پیدا کند؟ در آن احوال روزی شنیدم که کودکی در بازی کودکانه‌اش می‌خواند «برگیر و بخوان»، فهمیدم که این پیامی است برای من، بلافاصله بلند شدم و کتاب مقدس را گشودم و نخستین عبارت که خواندم، نامه پولس رسول به رومیان بود: «نه با عیش و نوش، نه با شهوت و اسراف، نه با مشاجرات و حسادت‌ها، بلکه با مسیح خودت را مسلح کن. بیش از این به جسم و شهوات جسمانی میندیش.» این را خطاب مستقیم خدا دانستم و فهمیدم رستگاری در چیست و از آن زمان مسیر خودم را عوض کردم و دیگر آلوده به گناه نشدم. در فرهنگ خود ما نیز نمونه فُضیل عیاض معروف است. او که رهزنی می‌کرد، شبی هنگام دزدی شنید کسی این آیه را می‌خواند: «**الم یأن للذین آمنوا أن تخشع قلوبهم لذکر الله**: آیا وقتش نرسیده آنهایی که ایمان آورده‌اند، دلشان از یاد خدا بلرزد؟» (حدید، ۱۶) فضیل گفت: آری رسیده و دیر هم شده است! بدین سان توبه کرد و از اولیا شد.

پس امر و نهی خدا منحصر در آنچه در متون مقدس آمده، نیست و در الهامات هم وجود دارد. آدمی در بسیاری از اوقات خودش تشخیص نمی‌دهد و درمانده می‌شود. ممکن است یک درک کلی از درست و نادرست داشته باشیم، ولی خیلی وقت‌ها هست که آدمی منتظر است تا خداوند راه را به او نشان دهد. اشارتی سر راهش قرار دهد تا بتواند تشخیص دهد. به طور کلی یا ما از حقایق اخلاقی چیزی نمی‌دانیم (لاادری‌گری اخلاقی) یا اگر بدانیم، درک‌مان کلی و مبهم است. نمی‌توانیم با قطعیت حکم کنیم (شکاکیت اخلاقی). پس معرفت اخلاقی باید وابسته به دین باشد. در این نظریه خداوند معلم و مبلغ اخلاق است، نه واضع اخلاق. قوانین اخلاق وضعی نیستند و تکوینی‌اند؛ بنابراین اشکالاتی که به آن نظریه وارد بود به این نظریه وارد نیست.

نقد و بررسی

وقتی سخن از دین به میان می‌آید، اولین مانعی که سر راهمان وجود دارد، تنوع ادیان است. با ادیان متعدد مواجهیم و احکام ادیان به‌خصوص آنجا که ناظر به اعمال است، متفاوت است. البته این مشکل تنوع ادیان برای کسی که نگاه پلورالیستی به دین داشته باشد و بگوید ادیان همسنگ هم هستند، به طور جدی مطرح است، اما کسی که انحصارگرای دینی است، این مشکل برایش پیش نمی‌آید. مسیحی یا مسلمانی که انحصارگراست و متن دین خودش را بی‌رقیب می‌داند، دیگر مشکل تنوع برایش مطرح نمی‌شود؛ چون از دید او فقط یک وحی الهی وجود دارد و آن متن دین خود اوست.

نقد دومی که مطرح است و شامل همه دینداران می‌شود، تنوع تفسیر دین است نه تنوع دین؛ یعنی از دین واحد تفسیرهای مختلف وجود دارد. شما به دین واحد معتقد هستید، ولی در همان دین تفسیرهای مختلفی از کتاب وحیانی شده است؛ بنابراین اول باید تشخیص دهیم درست و نادرست چیست، بعد حکم خدا را تشخیص دهیم. اصل بر این است که خداوند به امر درست فرمان داده، ولی اگر بخواهیم این را تشخیص دهیم، اول باید حق را بشناسیم. از نظر معرفتی اخلاق تقدم پیدا می‌کند بر دین. با توجه به تعدد تفسیرها و حتی تعارض آنها با هم، برای اینکه تشخیص دهیم حکم خداوند کدام است، اول باید حق اخلاقی یا درست اخلاقی را بشناسیم، بعد تشخیص دهیم که کدام تفسیر درست است.

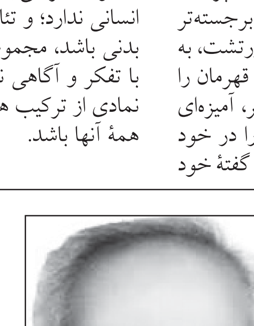
در دفع این اشکالات می‌توان گفت اولا تنوع فقط خاص ادیان نیست، مشکل تنوع در سایر منابع فهم اخلاقی هم مطرح می‌شود؛ مثلا اگر برای فهم احکام اخلاقی به دین مراجعه نکنیم و به فلسفه مراجعه کنیم، فلسفه هم معرکهٔ آراست و اختلاف‌نظر حتی شدیدتر است. در علم و عواطف و سایر منابع هم اشکال تنوع وجود دارد. این پاسخ، پاسخ نقضی است، نه پاسخ حلی.

ثانیاً این اشکال زمانی پیش می‌آید که ما دین را تنها منبع معرفت اخلاقی بدانیم؛ ولی جهان امروز، جهانی کثرت‌گراست، به این معنا که منابع معرفتی مختلفی را به رسمیت می‌شناسد که یکی از آنها دین است. دلیلی ندارد که دین را به عنوان یک منبع کنار بگذاریم مگر اینکه قطع و جزم پیدا کرده باشیم که همه آنچه در قالب وحی دینی رسیده باطل است ولی تا زمانی که به چنین قطعیتی نرسیده باشیم می‌توانیم دین را به منزله یکی از منابع معرفتی بپذیریم.

*اطلاعات حکمت و معرفت

تأملی فلسفی بر کرونا

احمد راسخی لنگرودی   بخش سوم و پایانی





ما همه به عنوان موجودات انسانی و طبیعت عقلانی ادعا داریم که صرفا ابزار و وسیله نیستیم. این ادعا ناظر بر ندای درون ماست و به طبقه خاصی منحصر نمی‌شود. حتی بردگان نیز که خود را همیشه برده دیده بودند مشابه دیگران، چنین ادعایی داشتند. ستمگران نیز به گونه‌ای ریاکارانه مدعی‌اند که با افراد تحت ستم خود به عنوان وسیله رفتار نمی‌کنند!

وقتی در این دیدگاه فلسفی از پیوند انسانی سخن به میان می‌آید، طبیعتا آن نوع پیوندی مورد نظر است که مشتمل بر اعتماد کامل و متقابل میان دو نفر یا دو گروه یا دو جامعه یا چند کشور باشد، البته بدون هیچ‌گونه ترسی از مخاطرات و واهمه‌ای از خیانت و سوءاستفاده‌های احتمالی که ممکن است تهدیدی برای دیگران محسوب شود و دیگران را ابزار و وسیله خود قرار دهد. آنچه مهم است این‌که پیوندهای انسانی از این جنس، لزوما به این نیاز نخواهد داشت که انسان‌ها بیشتر اوقاتشان را با هم بگذرانند و به لحاظ ظاهری دست در دست هم، و در کنار هم، خوش و بش کنند. ممکن است این صمیمیت و اعتماد متقابل با فاصله فیزیکی و از راه دور نیز صورت پذیرد.

آنچه این نوع پیوندهای انسانی را قوام و دوام می‌بخشد، پیوندهای متقابل روحی است که میان افراد در درازمدت برقرار می‌شود؛ پیوندهای کامل و سازنده‌ای که گاه اگر ضرورت ایجاب کند و نیاز افتد افراد یار شاطر می‌شوند، و نه چون روابط سوءاجتماعی، بار خاطر.

کرونا و ارتباطات انسانی

این پرسش همچنان باقی است که: بین کرونا و ارتباطات انسانی چه نسبتی است؟ آلبر کامو در رمان «طاعون» عبارتی زیبا دارد که در نوع خود خیلی آموزنده است؛ آن‌هم در هنگامه‌ای که طاعون دست به کشتار جمعی زده است و هر روز کثیری از طاعون‌زدگان را راهی قبرستان می‌کند: «برای جمع کردن مردم به دور هم، نیاز به یک طاعون است!»

عبارت اگرچه ساده است، اما عمقی در آن نهفته است. گویی حاوی این پیام است که در وضعیت عادی همه متشتت و متفرق‌اند؛ تکه‌تکه و پاره پاره‌اند. کمتر مردم مهربانانه گرد هم می‌آیند و صمیمیت می‌ورزند. هر کس ساز خود را می‌زند؛ هدف خود را دنبال می‌کند و نقشه و برنامه خود را می‌ریزد که احیانا به زیان دیگری تمام می‌شود. افراد به لحاظ ظاهری در کنار هم زندگی می‌کنند، اما کسی به کسی نیست. دست مددی دراز نمی‌شود. خبری از هم نمی‌گیرند و خبری نیز به هم نمی‌دهند. از درد و غصه یکدیگر خبر ندارند. هر کس در شبکه بسته خود دست و پا می‌زند و غافل از دیگری، در عوالم خود به سر می‌برد. هر کس خواست و اراده خود را دنبال می‌کند؛ آن‌هم خواست و اراده‌ای معطوف به قدرت: کوهها با همانند و تنهایند/ همچو ما با همان تنهایان!

حقیقت غیرقابل انکاری است که طاعون اگر بیاید، فقیر و غنی، ضعیف و قوی، بیمار و سالم، عالم و جاهل، متمدن و غیرمتمدن نمی‌شناسد، هر یک را به نوبت قربانی می‌کند؛ از این روی در هنگامه‌ها، مردم به علت داشتن دردی مشترک، روحی واحد می‌گیرند و یکپارچه می‌شوند. یدی واحد از خود نشان می‌دهند. همچون مهره‌های متفرق در یک رشته تسبیح گرد هم می‌آیند؛ همه اعضای یک پیکر می‌شوند و با تمام وجود یک هدف را دنبال می‌کنند. در چنین شرایطی همه دغدغه‌ها و همه افکار و نظرات حول یک محور می‌چرخد. نگاه‌ها به یک نقطه هدایت می‌شود. در نظر دیگران کسی بیگانه نمی‌آید؛ همه یگانه و خودی می‌آیند. «من»ها یکی می‌شود؛ من و منیّت و منفعتی شخصی در کار نیست. سازی جداگانه کوک نمی‌شود. همه برای هم و با هم، کاروان عظیم اجتماع را پیش می‌برند.

در چنین موقعیتی، رابطه‌های انسانی از نوع دوستانه می‌شود. آنهم، آن نوع دوستی که به گفته ارسطو فضیلت‌آمیز است و بر پایه فضیلت‌ها شکل می‌گیرد. انسان بافضیلت با دیگران همان نسبت و رابطه‌ای را دارد که با خود دارد. در رابطه‌های انسانی از نوع فضیلت‌آمیز، دیگران در نقش اعضای یک پیکر، «خود» دوم ما محسوب می‌شوند. خودمحوری و خودخواهی معنا و مفهوم خود را از دست می‌دهد. روابط انسانی بر پایه دگرخواهی و نیک‌اندیشی استوار است. در چنین وضعی، درد و رنج دیگری، درد و رنج من است. چنان‌که شادی و مسرت دیگری نیز، شادی و مسرت من خواهد بود. بر همین قیاس، جوامع انسانی نیز از یکدیگر جدا نیستند. جوامع مختلف هم، در نقش اعضای یک پیکر جهانی محسوب می‌شوند. اگر جامعه‌ای در گوشه‌ای از جهان دچار بلیه‌ای خانمانسوز شد، سایر جوامع در آن بلیه همداستان‌اند، همدردند؛ هم‌احساس و همنوایند، دست یاری می‌دهند. می‌خواهند آن بلا را از آن نقطه جغرافیا دور کنند تا با آرامش و امنیت جمعی خوش بیارامند.

کرونا مثل طاعون به بشر کنونی آموخت که ما همه در این جهان هستی اعضای یک پیکر و گوهریم؛ چه با کرونا، چه بدون کرونا. بدون کرونا هم باید همان کاری را کنیم که با کرونا می‌کنیم. شاید این ابیات شیخ اجل در هیچ زمانه‌ای مثل عصر حاضر این اندازه مهم و شایان توجه نبوده است:

بنی‌آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی
نشاید که نامت نهند آدمی

عصر هنگامه‌ها

ویروس کرونا این درس بزرگ را به بشر داد که عصر ما عصر هنگامه‌هاست. عصر ما عصر خطرهای محتمل و خبرهای پرهراس. نشان داد هنگامه‌ها فوق‌العاده بی‌رحمند. وقتی می‌رسند، بذر پریشانی و نگرانی در سطح جامعه می‌پراکنند. به هیچ‌وجه دوست و دشمن نمی‌شناسند. لشکری را با تمام ساز و برگش در کمترین زمان ممکن از پای درمی‌آورند. شکستی در کارشان نیست. به سادگی زمینگیرمان می‌کنند و با اشاره‌ای پشتمان را به زمین می‌مالند. کمترین چیزی که طلب می‌کنند، جان انسان‌هاست و حدی نمی‌شناسند و بدجوری هم جان می‌گیرند؛ چندان که نتوانیم تشییع‌شان کنیم، گرد هم آییم و سوگواری کنیم. چندان که نتوانیم در واپسین دیدار، وداعشان کنیم و به خدا بسپاریم. هنگامه‌ها را چه باک! چنگالی دارند به بزرگی همه جهان. هر جا که باشند، خطر همان‌جاست. آهنگ و نظم زندگی را با اختلال مواجه می‌سازند. در هنگامه‌ها همه چیز در بلاتکلیفی و آشوب است. رفت و آمد، کسب و کار، دید و بازدید.

آری، عصر ما عصر هنگامه‌هاست؛ عصر خطرهای محتمل و خبرهای هولناک. البته که در هنگامه‌ها باید مهربانانه زیست و دوستانه به ابنای بشر نگریست؛ اما چرا در دیگر اوقات چنین مهربان نبود تا باز هنگامه‌ای سر رسد و چنین هشدارمان دهد! هنگامه‌ها می‌آیند و می‌روند، اما نهایتا این بشر است که به گونه‌ای می‌ماند. تمام مسأله بر سر همین نوع «ماندن» است. چگونه ماندنی را باید در این هفت اقلیم برگزید که دیگر هنگامه‌ای را در ابعاد این‌چنینی تجربه نکرد؟ این نوع ماندنی که تا کنون تجربه کرده‌ایم، می‌تواند رضایت‌بخش باشد؟ آیا این نوع ماندن، تجربه‌ای جز بیمناکی، تلخی، ناامنی، بی‌اعتمادی، ترس و نفرت برای بشر داشته است؟ چیزی جز خشونت و کشتار، ظلم و بیدادگری برای بشر به ارمغان آورده است؟!

باید پرسید پژوهش‌های علمی معطوف به قدرت، مسابقات تسلیحاتی، سلاح‌های کشتار جمعی، تخریب رو به تزاید محیط زیست، قدرت‌نمایی‌ها و جنگ و دندان نشان دادن‌های قدرت‌های جهانی و جنگ‌های بیولوژیک، چه آینده‌ای را برای بشر امروز رقم خواهد زد؟ آیا این نوع ماندن را می‌توان همچنان ادامه داد و به آن دلخوش بود؟ این مسیر به نظر می‌رسد زین پس قابل ادامه نباشد. کرونا این اخطار را به ما می‌دهد که ماندنی دیگر را باید تجربه کرد و طرحی نو در نوع ماندن خود درانداخت تا در زیر این خیمه جهانی زیبا زیست و زیبا ماند و زیبا شد. هشدار ای آدمیان که خطر در کمین است!

***کرونا به ما آموخت که همه در جهان اعضای یک پیکریم؛ چه با کرونا، چه بدون کرونا. بدون کرونا هم باید همان کاری را کنیم که با کرونا می‌کنیم. البته که در هنگامه‌ها باید مهربانانه زیست و دوستانه‌تر نگریست؛ اما چرا در دیگر اوقات چنین مهربان نبود تا باز هنگامه‌ای سر رسد و چنین هشدارمان دهد!**

صنعت پوشاک؛ در سایه روشن اقتصاد

بدون شک پوشاک، صنعتی است که به تنهایی دارای همه مزیت‌های موجود در سایر صنایع از قبیل ایجاد ارزش افزوده بالا، ارز آوری، اشتغال‌زایی است.

پوشاک به غیر از بعد اقتصادی، در زمینه فرهنگی هم تاثیر گذار است. از طریق پوشاک می‌توان ارزش‌های یک جامعه را تعالی بخشید و از طریق صادرات آن می‌توان این ارزش‌ها را به دیگر ملل و اقوام در سایر کشورها تسری داد. شاید به همین دلایل است که در سال‌های اخیر و حداقل دو سال اخیر، رشته صنعتی پوشاک به عنوان یکی از رشته‌های مورد توجه دولت مطرح بوده و مقامات صنعتی کشور تلاش‌هایی را برای توسعه واحدهای صنعتی در این حوزه و افزایش کیفیت و کمیت محصولات این رشته صنعتی به عمل آورده و همزمان تحرکات خوبی هم از سوی تشکل‌های مرتبط با این رشته آغاز شده است.

علیرضا حائری عضو هیات مدیره جامعه متخصصین نساجی ایران در این زمینه می گوید:از مهمترین اقدامات انجام شده در طی این مدت می‌توان به افزایش ۱۰۰درصدی نرخ تعرفه واردات این محصول و سپس ممنوعیت واردات آن اشاره کرد. همچنین مبارزه موثر با قاچاق محصولات این رشته صنعتی هم در مبادی ورودی و مرزها و هم در سطح عرضه در مراکز تجاری، از دیگر اقدامات نهادهای حکومتی با مشارکت تشکل‌ها بوده است.الزام تولیدکنندگان داخلی به شناسنامه‌دار کردن کالاهای تولیدی و همچنین تهیه سند راهبردی صنعت پوشاک که البته تا کنون این دو مورد به سرانجام مطلوبی نرسیده است و البته طرح احداث شهرک های تخصصی تولید پوشاک و اختصاص ۲ هزار و ۱۰۰میلیارد تومان برای احداث واحدهای کوچک تولید پوشاک در پنج استان منتخب کشور از دیگر تصمیماتی است که در راه توسعه این رشته صنعتی اتخاذ شده است.

اما سوال اصلی اینجاست که نگرش مقامات صنعتی دولت به این رشته صنعتی چگونه است؟ و این اقدامات با چه اهدافی صورت می‌پذیرد؟ آیا قرار است که این رشته به یک صنعت پویا و صادراتی و ارزآور تبدیل شود؟ صاحب برندهای بین المللی و ممتاز باشد؟ با تولیدکنندگان مطرح و به نام خارجی مشارکت داشته باشد؟ و در نهایت اینکه در افق ۱۴۰۴صنعت نخست در سطح منطقه باشد و با رقبایی قدری همچون ترکیه و بنگلادش رقابت شانه به شانه داشته باشد؟ یا اینکه در محدوده تامین نیازهای داخلی باقی بماند؟

علیرضا حائری خاطرنشان می کند:فروردین سال ۱۳۹۱در دوره تصدی دولت نهم، برنامه راهبردی صنعت، معدن و تجارت توسط ریاست جمهوری وقت رونمایی شد. در این برنامه راهبردی، رشته فعالیت‌های دارای اولویت برای کشور تعیین شده و چشم انداز بخش صنعت، معدن و تجارت در سال ۱۴۰۴ارایه شد.

وی می افزاید:البته در سال ۱۳۹۴، برنامه راهبردی دیگری برای بخش صنعت، معدن و تجارت توسط دولت دهم رونمایی شد و در سال‌های بعد، دوبار دیگر هم این برنامه ویرایش شد، اما به نظر می‌رسد که مبنای کارشناسی همه این برنامه‌ها یکسان و واحد است و فقط تغییراتی در اعداد و ارقام اتفاق افتاده باشد. بر اساس برنامه راهبردی رونمایی شده در سال ۱۳۹۱، رشته فعالیت‌های صنعتی کشور به لحاظ اولویت تولید و بهره مندی از حمایت‌های دولت به سه گروه عمده تقسیم‌بندی شده بود.به گفته این عضو هیات مدیره جامعه متخصصین نساجی ایران، اولویت نخست، رشته فعالیت‌هایی که دارای ارزش افزوده بالایی هستند، توان صادراتی و ارز آوری داشته و باید توسعه و گسترش یافته و تولید و صادرات آنها مورد حمایت حداکثری دولت قرار گیردکه در این خصوص صنعت خودروسازی در این بخش طبقه بندی شده است.اولویت دوم، رشته فعالیت‌هایی که دارای ارزش افزوده بالایی نیستند، از توان صادراتی و ارز آوری مطلوبی هم برخوردار نبوده و باید با هدف تامین مصارف داخلی گسترش و مورد حمایت قرار گیرند و اولویت سوم، رشته فعالیت‌هایی که دارای اولویت تولیدی و حمایتی نبوده و بهتر است که محصولات مورد تقاضای جامعه و مرتبط با آنها عمدتا از طریق واردات تامین شوند.به نظر می رسد این روش طبقه‌بندی صنایع و تعیین سه اولویت برای دسته بندی صنایع و تعریف سقف حمایتی دولت و همچنین سیستم بانکی کشور از آن، طبقه بندی درستی باشد. صرف نظر از اینکه ممکن است که جانمایی برخی صنایع در اولویت بندی‌های سه‌گانه با اشکالاتی مواجه باشد.

با این حال، در سند مذکور، صنایع نساجی و پوشاک در اولویت دوم حمایتی طبقه بندی شده، یعنی رشته فعالیت هایی که ارزش افزوده آن بالا نیست و در طول زمان نزولی بوده، توان ارز آوری بالایی نداشته و باید با هدف تامین مصارف داخلی گسترش یابند و بر پایه همین اولویت بندی هم مورد حمایت های دولت قرار گیرد و مشخص است که از این دسته صنایع انتظار رقابت با تولیدکنندگان برتر خارجی و برندهای معروف جهانی نمی‌رود و طبیعتا اهداف صادراتی را هم دنبال نخواهند کرد.با نگاهی اجمالی به چگونگی حمایت‌های به عمل آمده از صنعت پوشاک، از قبیل ممنوعیت واردات و ایجاد فضایی انحصاری، گلخانه‌ای و غیر رقابتی برای این رشته صنعتی، عدم ایجاد بستر مناسب برای رقابت با برندهای مطرح منطقه ای و جهانی و... می توان به این نتیجه رسید که هم اینک مسئولان صنعتی کشور از صنعت پوشاک انتظار ارز آوری و توسعه صادرات نداشته و همه انتظار ایشان از این رشته، تامین حداکثری نیازهای داخلی و در بهترین حالت جلوگیری از خروج ارز از کشور و مشارکت در پروژه داخلی سازی ۱۱میلیارد دلاری وزارت صنعت است.

هرچند آمارهای رسمی نشان می‌دهد که فقط در حدود ۵۰میلیون دلار از واردات ۴۵میلیارد دلاری سالانه کالا به کشور، سهم محصولات پوشاکی است و عمده‌ترین بخش وارداتی آن به ارزش ۲/۵میلیارد دلار در سال از طریق مبادی غیر رسمی و قاچاق انجام می‌شود که قاعدتا این طرز نگرش، موجب کاهش حجم قابل توجهی قاچاق به داخل کشور نخواهد شد، مگر اینکه راهکارهای موثر دیگری اندیشیده شود.

ناگفته نماند: ورود پوشاک قاچاق به رغم کاهش چشمگیر طی دو سال اخیر، همچنان یکی از موانع اصلی رشد صنعت پوشاک کشور بوده و همچنان به عنوان یک معضل اساسی در اقتصاد کشور خود را نشان می‌دهد؛ به ویژه در بخش پوشاک و منسوجات، قاچاق کالا مشکلاتی جدی ایجاد کرده و مشاغل بسیاری را به خطر انداخته است.

در تازه‌ترین اظهارنظر در این ارتباط، علی ربیعی سخنگوی دولت در تاریخ ۲۷اردیبهشت گفت که بیشترین قاچاق ورودی به کشور در بخش کفش و پوشاک، لوازم آرایش و لوزام خانگی و قطعات خودرو است و تنها در دو بخش کفش و پوشاک ظرفیت یک میلیون شغل را از ایرانی‌ها گرفته است. پیش از آن هم رضا رحمانی وزیر پیشین صنعت، معدن و تجارت در اظهارنظری در فروردین سال ۱۳۹۸گفته بود که مبارزه با قاچاق پوشاک، اولویت دولت است.

با این حال، آمار قاچاق پوشاک به رغم کاهش همچنان نگران‌کننده باقی‌مانده‌است. اما چرا قاچاق پوشاک تا این اندازه برای اقتصاد کشور مضر است و چگونه می‌توان بر این معضل فائق آمد؟

تا سال ۱۳۹۷واردات پوشاک با تبصره‌هایی به کشور آزاد بود، اما به دلیل تعرفه چشمگیر، بخش بزرگی از این دسته کالایی به صورت قاچاق وارد کشور می‌شد. قاچاق پوشاک، برخلاف بسیاری از کالاها، بسیار سودده است. دلیل اصلی آن این است که پوشاک، کالایی سبک، بادوام و منعطف است و در نتیجه می‌توان به راحتی آن را قاچاق کرد.در عین حال ردگیری پوشاک قاچاق، دست‌کم از کالاهایی مانند قطعات خودرو یا لوازم خانگی، بسیار دشوارتر است. قیمت پوشاک هم برخلاف بسیاری از اجناس، چندان باثبات و مشخص نیست و کافی است فروشنده مدعی شود که کالای مذکور،تولید برندهای معتبر خارجی است تا بتواند آن را به چند برابر قیمت بفروشد. براساس‌آمارهای وزارت صنعت، معدن و تجارت، مجموع مصرف کالاهای نساجی و پوشاک در کشور ۵۱۰هزار تن است که ۳۵۰هزار تن آن تولیدات داخلی است. ۹هزار و ۸۱۸واحد نساجی در کشور مشغول فعالیت هستند، اما میزان واردات پوشاک به ایران یک‌ونیم برابر متوسط جهانی است و با رشد واردات قاچاق پوشاک در دهه ۸۰و رسیدن آن به رقم ۶ میلیارد دلار، حدود نیم تا یک میلیون شغل در کشورمان از بین رفت. ۷۵درصد از کل کشفیات پوشاک قاچاق در کشور ما متعلق به چین و ۹درصد متعلق به امارات است که این کشورها در صدر کشورهای صادرکننده پوشاک با برند جعلی هستند. همین حجم گسترده واردات پوشاک بود که باعث شد پس از وضع تحریم‌های یکجانبه آمریکا، دولت تصمیم به قطع واردات پوشاک به کشور بگیرد؛ در نتیجه و بنا به اظهارات سید محمد مقدسی‌رئیس هیات مدیره جامعه متخصصان نساجی ایران، بازار مصرف پوشاک کشور سالانه بین ۱۰تا ۱۱میلیارد دلار است و با وجود کاهش چشمگیر واردات قاچاق، پوشاک قاچاق نزدیک به ۲/۵میلیارد دلار از بازار را تشکیل می‌دهد.

سیدمرتضی میرمحمدی معاون مدیرکل نساجی، پوشاک و سلولزی وزارت صنعت، معدن و تجارت هم در تاریخ ۵بهمن سال ۱۳۹۸گفته بود که در طی سال گذشته حدود ۷هزار متر از مساحت فروشگاه‌های برندهای خارجی در تهران کاسته شده است؛ برندهایی که هرچند سال‌ها است وارد بازار ایران می‌شوند، اما در سال‌های پایانی دهه ۱۳۸۰زمینه برای حضور رسمی آن‌ها در کشور فراهم شد و برخی از این برندهای خارجی (که اغلب متعلق به کشور ترکیه هستند) توانستند به صورت رسمی فروشگاه‌های خود را در هایپرمارکت‌های شهرهای بزرگ افتتاح کنند. در نتیجه مشخص می‌شود که هرچند به ظاهر سهم پوشاک قاچاق از کل بازار این محصول در کشور کم شده است، اما هنوز هم این سهم چشمگیر و قابل توجه است.

هرچند در دوسال گذشته و به ظاهر از میزان قاچاق پوشاک کم شده است و در هایپرمارکت‌های معتبر پوشاک داخلی به فروش می‌رسد، اما این تمام ماجرا نیست و به نظر می‌رسد پوشاک قاچاق تنها ظاهر خود را عوض کرده است؛ همانطور که غلامعلی رخصت رئیس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی مشهد در اظهارنظری به تاریخ ۲۴مهر ۱۳۹۸از تغییر شکل قاچاق پوشاک سخن به میان آورد و گفت: هم اینک به دلیل ممنوعیت واردات پوشاک، وضعیت تولید در این رسته بسیار مطلوب است اما قاچاق مدیریت شده در کشور و تغییر نوع آن به تولید ضربه می زند. برخی کارگاه های تولیدی در مناطق آزاد مانند بندر انزلی راه اندازی شده که در ظاهر پوشاک ایرانی تولید می کنند اما در کنار تولید پوشاک، برچسب کالای وارداتی قاچاق را تغییر داده و نام برند خود را بر روی آن نصب می کنند.

در حالی که تا پیش از این کشورهای ترکیه، چین و امارات در زمره کشورهایی تلقی می‌شدند که با رشد چشمگیر صنعت پوشاک، محصولات پوشاک آن‌ها به صورت قاچاق وارد کشور می‌شد، اکنون به نظر می‌رسد کشورهای دیگری نظیر بنگلادش و ازبکستان هم با سرمایه‌گذاری در صنعت پوشاک، کار و فعالیت تولیدکنندگان ایرانی را تهدید می کنند. این کشورها به دلایلی همچون دسترسی به مواد اولیه ارزان و با کیفیت قابل قبول، سرمایه‌گذاری عظیم بر روی واحدهای بسیار بزرگ تولیدی و نیروی کار بسیار ارزان توانسته‌اند در صنعت پوشاک رشد کنند. این در حالی بود که ایران در ابتدای دهه ۱۳۷۰رشد بسیار خوبی در این صنعت داشته و توانسته بود بازارهای کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و همچنین کشورهای همسایه را بدست بیاورد، اما نتوانست در رقابت جدی با کشورهای رقیب این بازارها را نگاه دارد و در نتیجه کشورهایی نظیر ترکیه جای ایران را در بازار پر کردند.

در دو سال گذشته و به رغم تاثیر مثبت افزایش نرخ ارز در کاهش قاچاق البسه به داخل کشور و ممنوعیت واردات پوشاک، ممنوعیت واردات پوشاک، ورود برخی از مواد اولیه تولید پوشاک از جمله زیپ، نخ، پارچه و دکمه هم یا ممنوع شده‌اند یا به دلیل مشکلات ارزی به دشواری وارد کشور می‌شوند و در نتیجه تولیدکنندگان پوشاک برای تولید محصولات نهایی، کار سخت‌تری نسبت به گذشته در پیش دارند.

کمبود نقدینگی، بهره‌های چشمگیر بانکی، کاهش قدرت خرید مصرف کنندگان نهایی و افزایش هزینه‌های تولید هم بر مشکلات تولیدکنندگان ایرانی افزوده و کار را برای رقابت با تولیدکنندگان خارجی، بسیار دشوار کرده است.سال‌ها است که بحث بر سر چگونگی رونق صنعت پوشاک در کشور و مقابله با قاچاق این محصول موضوع محافل کارشناسی است. از یک سو برخی مدیران دولتی، تقصیر را به گردن فعالان این صنعت می‌اندازند. بطور مثال محمد امامی امین معاون استاندار تهران در آذر سال ۱۳۹۸ضمن انتقاد جدی از وضعیت تولید پوشاک در کشور گفت که گاه روند افزایش قیمت تمام شده پوشاک از زمان تولید تا مصرف به ۲۰۰درصد می‌رسد. وی همچنین گفته بود که ۳۰سال است شاهد حضور یک مدیریت ثابت در اتحادیه پوشاک هستیم. البته دلیل این حضور ۳۰ساله را نمی‌دانیم و در حال بررسی هستیم اما علم مدیریت یک نفر به هر میزان هم که توانایی بالایی داشته باشد، در یک زمینه خاص پس از چند سال تمام می‌شود . در واقع مسئولان دولتی یکی از توپ‌های مشکلات موجود بر سر راه تولید را به زمین تولیدکنندگان می‌اندازند و خواستار آن هستند که تولیدکنندگان پوشاک مسیر خود را تغییر داده و تولید خود را با نیازها و شرایط روز این بازار هماهنگ سازند.

بر این اساس مسئولان از تولیدکنندگان می‌خواهند که با تغییر الگوها و رویه‌های تولید و به ویژه تولید به اصطلاح «زیرپله‌ای» یا تولید محدود و بی‌کیفیت، تولیدکنندگان به سراغ تولید محصولات با کیفیت و قابل صادرات بروند و با دریافت بسیار کمتر، محصولات بیشتری تولید کنند اما در طرف دیگر، تولیدکنندگان از شرایط و مشکلات موجود ناراضی هستند. آنها مشکلاتی همچون بالا بودن نرخ سود بانکی، مشکلات موجود در ورود مواد اولیه، دشواری جابجایی پول در زمان صادرات محصولات، نوسان شدید در نرخ ارز و مانند آن را موانعی می‌دانند که بر سر راه تولید پوشاک در کشور قرار گرفته است.

در این میان پیشنهاداتی هم برای مبارزه با قاچاق پوشاک مطرح شده است. بطور مثال عباس رضایی استاندار اصفهان پیشنهاد ساخت و اجرای «شهرک پوشاک» را داده است. وی اردیبهشت امسال ضمن ماموریت دادن به «سازمان صنعت، معدن و تجارت استان اصفهان» برای انجام این مهم، گفت: راه اندازی این شهرک از اقداماتی است که به صورت ریشه‌ای و اصولی می‌تواند در تقویت فروش کالای داخلی و جلوگیری از فروش پوشاک قاچاق موثر باشد.

با این حال و به رغم کاهش قابل توجه ورود پوشاک قاچاق به کشور و فعال شدن برندهای تولید داخل، مشخص نیست در صورتی که ممنوعیت واردات پوشاک و تحریم‌ها برداشته شوند، آیا بازار پوشاک دوباره با موجی از اجناس قاچاق خارجی مواجه خواهد شد یا آنکه این برندهای داخلی می‌توانند به جایگزینی واقعی و همیشگی برای تولیدات خارجی تبدیل شوند.

اما آنچه که بدیهی است، این است که تا زمانی که پوشاک تولید داخل نتواند هم در کیفیت و هم در قیمت تا حد قابل قبولی با اجناس خارجی رقابت کند و سرمایه‌گذاری‌های سنگین و قابل توجه در این صنعت صورت نپذیرد، نمی‌توان انتظار داشت که صنعت پوشاک ایران، یک صنعت قادر به رقابت در عرصه منطقه‌ای و جهانی شود.حائری می گوید:حمایت اصولی از رشته صنعتی پوشاک باید به گونه‌ای باشد که منافع هر دو بخش تولیدکنندگان واقعی و صنعت، همزمان تامین شود و منفعت یک بخش قربانی منفعت بخش دیگر نگردد که در این صورت با منافع ملی ناسازگار خواهد بود. پر واضح است که با حمایت اصولی از صنعت پوشاک با هدف توسعه صنعتی در فضایی رقابتی و نگرشی صادرات محور و برونگرا، همزمان منافع تولیدکنندگان واقعی و شناسنامه دارهم تامین خواهد شد.

بدیهی است با ادامه سیاست فعلی و غیر رقابتی کردن صنعت پوشاک، آن را به صنعتی درونگرا و منزوی تبدیل کرده و اقتصادمان را از یک بازار چند میلیارد دلاری صادراتی و رشد برندهایی ملی در سطح بین المللی که اتفاقا در توان این صنعت و فعالان راستین آن هم است، محروم خواهیم کرد.در پایان، بی مناسبت نیست که در اینجا یادی کنم از این گفته معروف "میلتون فریدمن" , برنده جایزه نوبل اقتصادی که می گوید: «بدون تردید بهترین نوع تخریب یک صنعت، حمایت انحصاری دولت از آن صنعت است».





بورس و کانال ۲ میلیون واحدی

یک کارشناس بازار سرمایه معتقد است، سهام عدالت به عنوان فرصتی در بازار تلقی می‌شود که می‌تواند زمینه ورود شاخص بورس به کانال دو میلیون واحد را تسهیل کند.

علیرضا تاج‌بر در گفتگو با ایرنا افزود: هفته گذشته بازار به دو دلیل در مسیر نزولی قرار گرفت؛ در ابتدا شاخص بورس در معاملات فروردین و نیمه‌های اردیبهشت ماه به صعودی دست پیدا کرد که بی‌سابقه بود، به همین دلیل در معاملات بازار به دنبال بهانه‌ای برای اصلاح می‌گشت که از چند روز گذشته وارد فاز اصلاحی شد.

وی ادامه داد: متاسفانه در اصلاح هفته گذشته شاخص بورس شاهد هیجان بیش از حدی در بازار بود که این موضوع روند معاملات و سهامداران حاضر در بازار را به شدت نگران کرد.

تاج‌بر خبرهای منتشر شده در زمینه آزادسازی سهام عدالت را عامل دیگر تشدید اصلاح بازار دانست و گفت: همچنان آزادسازی سهام عدالت با برخی از ابهامات همراه است که این ابهامات زمینه ریسک در معاملات بازار را افزایش داد.

کارشناس بازار سرمایه گفت: ابهام در نحوه آزادسازی سهام عدالت و نیز رشد بی‌سابقه شاخص بورس در فروردین و اردیبهشت در کنار یکدیگر منجر به اصلاح شدید معاملات در بازار هفته گذشته شد.

وی خاطرنشان کرد: شفاف سازی در زمینه آزادسازی سهام عدالت اطمینان خاطری را به بازار داد که این اقدام چندان خطری برای بازار ندارد و با خروج شدید پول همراه نخواهیم شد؛ به همین دلیل بازار دوباره به سمت روند صعودی پیش رفت.

وی اظهار داشت: با توجه به تاثیر منفی خبر آزادسازی سهام عدالت بر معاملات بازار، اخباری از چند مجرا اعلام شد که حاکمیت آزادسازی سهام عدالت با بازار سرمایه است و با روش های مختلف مانند عرضه پلکانی سهام عدالت در بازار، وثیقه قرار دادن سهام عدالت در بانک‌ها برای دریافت وام مانع از ایجاد ضربه بیشتر به معاملات بورس شدند.

کارشناس بازار سرمایه اضافه کرد: برخلاف پیش‌بینی‌ها تعداد کمی از مشمولان سهام عدالت اقدام به فروش سهام خود کردند بنابراین در وضعیت کنونی خطر چندانی معاملات بازار را تهدید نمی‌کند.

وی گفت: تعداد افرادی که به دنبال فروش سهام خود هستند فاصله بسیار زیادی با اعداد پیش‌بینی شده دارند به همین دلیل بعید به نظر می‌رسد در هفته جاری دوباره شاهد اصلاح شاخص بورس باشیم.

وی افزود: با توجه به تعطیلات پیش‌رو در پایان هفته، ممکن است تا پایان هفته تا حدودی از شتاب رشد این بازار کاسته شود اما به طور حتم بازار دوباره به روند صعودی خود باز خواهد گشت.

به اعتقاد تاج‌بر، آزادسازی سهام عدالت زمینه ترس در بازار را ایجاد کرد و باعث شد تا بسیاری از افراد به سمت نقد کردن سهام خود پیش بروند.

کارشناس بازار سرمایه با تاکید بر اینکه شاخص بورس همچنان از مقاومت یک میلیون واحد به صورت قوی عبور نکرده است، گفت: مقاومت بعدی شاخص بورس کانال یک میلیون و ۵۰۰ هزار واحد است و به نظر می‌رسد تا پایان سال به دلیل ورود تعداد زیادی سرمایه‌گذار تازه‌وارد و نیز حجم گسترده ای از نقدینگی به این بازار شاخص بورس به کانال دو میلیون واحد ورود کند.

تاج‌بر افزود: روند کلی بازار صعودی است اما نه به شدتی که در معاملات فروردین و اردیبهشت شاهد بودیم؛ ادامه روند دو ماه اخیر چندان به صلاح بازار نیست که بخواهد دوباره در بازار تکرار شود.

کارشناس بازار سرمایه با بیان اینکه صنایع بزرگ در بازار به دلیل نقدشوندگی بالایی که دارند از اقبال بیشتری نسبت به سایر صنایع برخوردارند، گفت: سهم‌های کامودیتی محور و صنایع گروه بانکی و پالایشی در وضع کنونی معاملات بازار، بیشتر مورد توجه سهامداران قرار می‌گیرد.

وی با بیان اینکه مشمولان سهام عدالت نباید عجولانه نسبت به سهام خود تصمیم‌گیری کنند بلکه باید مانند سایر سهامداران نسبت به سهام خود دارای دید تحلیلی باشند، گفت: سهام موجود در سبد سهام عدالت جزو بهترین سهم‌ها هستند که از نقدشوندگی بالا برخوردارند و دارای پتانسیل رشد هستند.

تاج‌بر با اشاره به اینکه سهم‌های بنیادی از جمله سهم‌هایی نیستند که بتوان به صورت روزانه آنها را مورد ارزیابی قرار داد، خاطرنشان کرد: سهم‌های بنیادی و شاخص ساز به صورت آهسته و پیوسته در مسیر افزایشی قرار می‌گیرند و سهامداران این سهام باید با دید میان مدت وارد این بازار شوند.

ثبت سفارش آنلاین سهام عدالت در کارگزاری‌ها

دبیرکل کانون کارگزاران بورس گفت: دارندگان سهام عدالت می‌توانند سفارش فروش ۳۰ درصد از سبد سهام خود را با مراجعه به سایت کارگزاری و یا حضوری اعلام کنند.

به گزارش خبرگزاری صدا و سیما، روح الله میرصانعی گفت: دارندگان سهام عدالت می‌توانند با مراجعه به ۱۰۸ سایت کارگزاری دارایی سهام عدالت خود را مشاهده کنند.

وی ادامه داد: سهامداران می‌توانند با کد ملی و شماره رهگیری وارد سامانه سهام عدالت شوند و نسبت به داد و ستد سهام خود تصمیم بگیرند.

میر صانعی بیان کرد: در گام اول دارندگان این سهام می‌توانند ۳۰ درصد از سبد سهام خود را بفروش برسانند و با مراجعه به کارگزاری سفارشات خود را ارسال و کارگزار فردای روز سفارش، اقدام به فروش کند، البته سهام عدالت به قیمت بازار همان روز بفروش می‌رسد.

وی ادامه داد: فقط مشتریانی می‌توانند ثبت سفارش الکترونیک انجام دهند که شماره شبای و تلفن خود را در سامانه خصوصی سازی ثبت کرده اند و از طریق سایت کارگزاری با تحلیل گران بازار در خصوص سهام خود مشورت کنند.

میر صانعی با اشاره به اینکه دارندگان سهام عدالت از حرفه ای‌های بازار مشورت بگیرند بیان کرد: افرادی که شماره خود را در سامانه ثبت نکرده اند باید با مراجعه حضوری به کارگزاری‌ها ثبت سفارش کنند.

معاون سازمان خصوصی‌سازی هم با اشاره به مغایرت ۱/۸میلیون نفر سهامدار عدالت با سامانه سازمان خصوصی گفت: ملاک عمل ما اطلاعات سامانه سازمان خصوصی‌سازی است و دعوت‌نامه‌ها و کارت پرس شده سهام عدالت تعاونی‌ها اعتباری ندارد.

حسن علایی در گفتگو با فارس در پاسخ به این پرسش که مدیران شرکت‌های تعاونی سهام عدالت می‌گویند، اطلاعات ثبت‌نام شدگان ثبت‌نام عدالت که نهایی می‌شد را هر روز در پایان وقت اداری به سازمان خصوصی‌سازی اعلام می‌کردیم، اما اکنون بین آمار شرکت‌های تعاونی سهام عدالت و سامانه سازمان خصوصی‌سازی حدود ۱/۸ میلیون نفر مغایرت وجود دارد، وی پاسخ داد: ملاک مورد عمل در حال حاضر سامانه سهام عدالت به نشانی https://www.samanese.ir/ است و دعوت‌نامه‌های قبلی سهام عدالت و حتی کارت پرس شده سهام عدالت که بر روی آن ارزش ۱۰ میلیون ریالی هم نوشته شده از نظر سازمان خصوصی‌سازی اعتباری ندارد و فقط ملاک وجود کدملی مشمولان در سامانه سهام عدالت است.

وی افزود: در حال حاضر تعداد نهایی سهامداران عدالت در سامانه سهام عدالت ۴۹ میلیون و ۱۲۱ هزار و ۴۷۱ نفر است و افرادی که مغایرت دارند، حدود ۱/۸ میلیون نفر هستند که برگه‌های دعوتنامه سهام عدالت را دارند، اما مراحل ثبت نهایی آنها در سامانه سهام عدالت به هر دلیلی انجام نشده است.

معاون سازمان خصوصی‌سازی همچنین در مورد اینکه برخی از شهروندان مراجعه کردند که کارت سهام عدالت پرس شده با مبلغ ۱۰ میلیون ریالی با امضای مدیرعامل شرکت تعاونی سهام عدالت و رئیس هیأت مدیره و بارکد و کد ۲۴ رقمی دارند، اما وقتی شماره ملی این افراد را وارد سامانه سهام عدالت می‌کنیم، سامانه پاسخ می‌دهد شما جزو مشمولان سهام عدالت نیستید و لطفاً سریع از سامانه خارج شوید، گفت: دعوت‌نامه‌ها و حتی کارت‌های پرس شده مبنا و ملاک نیست و ملاک عمل فقط و فقط سامانه سهام عدالت است که مشخصات سهامداران عدالت تا سال ۹۴ وارد این سامانه شده است.

وی در مورد اینکه آیا در حال حاضر هیچ برنامه‌ای برای اضافه شدن دو میلیون سهامدار عدالت یا افراد جدید به فهرست سهامداران عدالت وجود دارد، گفت: سازمان خصوصی‌سازی مجری مقررات است و اگر مراجع قانونی مانند مجلس، دولت و یا اذن رهبری تصویب کنند، انجام می‌دهیم، اما فعلاً هیچ برنامه‌ای برای اضافه شدن تعداد سهامداران عدالت نیست و سازمان خصوصی‌سازی فقط مجری مقررات است و تقصیری ندارد.

معاون سازمان خصوصی‌سازی در مورد اینکه مدیران شرکت‌های تعاونی سهام عدالت می‌گویند ما اطلاعات سهامداران عدالت را به درستی و به موقع به سازمان خصوصی‌سازی ارائه کرده‌ایم و تقصیر با سامانه سهام عدالت است، گفت: ما تقصیری نداریم و کارت‌های صادر شده توسط شرکت‌های تعاونی که به عنوان کارگزار ما بوده‌اند، ملاک عمل نیست و ممکن است آنها کارت‌های اضافه چاپ کرده و به مردم داده باشند و یا اطلاعات افراد را در مهلت مقرر قانونی به سازمان خصوصی‌سازی اعلام نکرده باشند و یا اینکه افراد مشمول برای تکمیل مراحل ثبت‌نام خود مثلاً مدارک مورد نیاز مانند کپی کارت ملی یا کپی شناسنامه یا آدرس محل سکونت و احراز هویت خود یا محل سکونت خود را تکمیل نکرده باشند و از نظر سیستم و سامانه ایراد داشته است، یعنی مراحل ثبت‌نام آنها تکمیل نشده باشد بنابراین دوباره تأکید می‌کنم، ملاک عمل فقط و فقط سامانه سهام عدالت است و همه دعوتنامه‌ها و کارت‌های سهام عدالت فعلاً اعتباری ندارند.

علایی همچنین گفت: کسانی که در سامانه سهام عدالت مراحل ثبت‌نام خود را نهایی کرده و کد رهگیری دریافت کرده باشند، به عنوان سهامدار عدالت شناخته می‌شوند، حتی اگر تاکنون شماره شبای بانکی خود را نداده باشند، کما اینکه تا چند روز قبل حدود ۴/۷ میلیون نفر شماره شبای خود را نداده بودند و در این چند روز تعداد زیادی شماره شبا دریافت شد و در حال حاضر حدود ۴ میلیون نفر شماره شبای حساب بانکی خود را علیرغم اینکه بارها از شبکه‌های خبری تلویزیونی، خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها به مردم اطلاع‌رسانی کرده‌ایم برای دریافت سود سهام عدالت به سامانه اعلام نکرده‌اند.

وی افزود: برای تکمیل ارزش قدرالسهم ۵۳۲ هزار تومانی تا یک میلیون تومانی بارها اطلاع‌رسانی کردیم، اما در نهایت حدود ۳۰۰ هزار نفر آمدند و مبالغ تکمیلی را واریز کردند شاید آن موقع مردم فکر می‌کردند سهام عدالت ارزشی ندارد و نسبت به واریز وجه اقدام نکردند، به هر حال در گذر زمان افزایش قیمت سهام عدالت صورت گرفته است.

معاون سازمان خصوصی‌سازی در مورد اینکه آخرین آمار کسانی که روش مدیریت مستقیم سهام عدالت را انتخاب کردند، گفت: مجاز نیستیم تعداد افراد را اعلام کنیم و وقتی مهلت ثبت‌نام تمام شد اعلام می‌شود.

علایی همچنین درمورد ثبت‌نام صندوق واسطه‌گری مالی یکم یا ETF مالی گفت: وزارت اقتصاد در حال بررسی و رفع مغایرت‌ها برای ثبت‌نام متقاضیان صندوق واسطه‌گری مالی یکم است که برخی از افراد از طریق دو یا سه بانک ثبت‌نام کردند و باید خالص ثبت‌نام شدگان صندوق واسطه‌گری مالی به ما اعلام شود و احتمالاً بزودی فهرست این افراد تکمیل می‌شود.

مدیرعامل سرمایه‌گذاری سهام عدالت استان تهران هم گفت: با وجود اینکه شرکت‌های تعاونی سهام عدالت اطلاعات نهایی ثبت‌نام شدگان سهام عدالت را هر روز به سازمان خصوصی‌سازی اعلام می‌کردند، اما سامانه‌ای که این سازمان در اسفند ۹۵ طراحی کرد، اسامی ۱/۸ میلیون سهامدار را جا انداخت.

محمدرضا جودکی در گفتگو با فارس، در مورد اینکه حدود دو میلیون نفر از سهامداران عدالت با وجود داشتند، برگه سهام عدالت و حتی کارت پرس شده سهام یک میلیون تومانی عدالت دارند، اما اسامی آنها در سامانه سهام عدالت سازمان خصوصی‌سازی وجود ندارد، گفت: علت این است که سازمان خصوصی‌سازی مغایرت دارد و خطای نرم‌افزاری سامانه سهام عدالت آنها است که حدود ۱/۸ تا دو میلیون نفر از سهامداران عدالت را از قلم انداخته است.

وی افزود: طبق آیین‌نامه اجرایی سهام عدالت استناد افراد مشمول عدالت براساس آخرین اطلاعات شرکت‌های تعاونی سهام عدالت است که این اطلاعات هر روز غروب اطلاعات ثبت‌نامی‌های نهایی افراد در تعاونی‌ها به سازمان خصوصی‌سازی ارسال کرده‌اند.

مدیرعامل سرمایه‌گذاری سهام عدالت استان تهران گفت: آخرین اطلاعات مشمولان سهام عدالت تا پایان سال ۱۳۹۴ به سازمان خصوصی‌سازی ارائه شده است و اطلاعات کسانی که در شرکت‌های تعاونی سهام عدالت ثبت نهایی شده‌اند، در آخر همان روز به سازمان خصوصی‌سازی ارسال شده است و بنابراین هرگونه نقص در تعداد اسامی و سهامداران عدالت برعهده سازمان خصوصی‌سازی خواهد بود.

جودکی در پاسخ به اینکه گفته می‌شود، اختلاف جزیی در مشخصات سجلی و یا کد ملی افراد باعث حذف این افراد شده است، گفت: ممکن است در ثبت‌نام اولیه مشکلاتی وجود داشته باشد، اما وقتی ثبت‌نام مشمولان در شرکت تعاونی سهام عدالت نهایی می‌شود، به منزله این است که همه اطلاعات دوباره بررسی شده و اطلاعات براساس کدملی افراد ثبت شده و کارت پرس شده سهام عدالت به ارزش اسمی ۱۰ میلیون ریال به افراد داده و همین اطلاعات عیناً به سازمان خصوصی‌سازی منعکس می‌شد.

وی در مورد اینکه چه تعداد از سهامداران عدالت با این مشکل مواجه هستند، گفت: حدود ۱/۸میلیون نفر این مشکل را دارند و ما تلاش می‌کنیم، مشکل آنها حل شود، اما باید سازمان خصوصی‌سازی در این زمینه پاسخ دهد و مسئولیت با آن سازمان است.

به گفته مدیرعامل سرمایه‌گذاری سهام عدالت استان تهران، طبق آیین‌نامه سهام عدالت هر کس که دعوتنامه سهام عدالت را از نهادهای حمایتی دریافت کرده و به شرکت‌های تعاونی سهام عدالت مراجعه کرده و در آنجا مراحل ثبت‌نام آنها نهایی شده است، به عنوان سهامدار عدالت طبق قانون شناخته می‌شود.

جودکی گفت: سامانه سهام عدالت نزد سازمان خصوصی سازی در اواخر سال ۹۵ راه‌اندازی شد زمانی که از مردم خواسته شد که شماره حساب شبای بانکی خود را برای واریز سود سهام اعلام کنند و چون کل اسامی ۴۹ میلیون سهامدار از یک منبع کپی و در این سامانه منتقل شده بود، در این بین اسامی حدود ۱/۸ تا دو میلیون نفر جا انداخته شده است.

به گفته وی، از نظر شرکت‌های تعاونی سهام عدالت کسانی که ثبت‌نام نهایی کرده و ایرادهای مشخصات آنها رفع شده و کارت پرس شده سهام عدالت برای‌شان صادر شده است، سهامدار عدالت شناخته می‌شوند و باید سازمان خصوصی‌سازی در مورد اینکه این افراد چگونه در سامانه آنها شناخته نمی‌شوند پاسخگو باشد.



چهارمین جشنواره ملی بورس و رسانه



مدیر امور بین‌الملل سازمان بورس و اوراق بهادار با اعلام آغاز پذیرش آثار در چهارمین جشنواره ملی بورس و رسانه گفت: خوشبختانه در دوره‌های قبلی استقبال خوبی از این جشنواره به عمل آمده و با توجه به فضای کنونی جامعه، انتظار می‌رود اصحاب قلم در این جشنواره حضور خوبی داشته باشند.

یاسر فلاح در گفتگو با پایگاه خبری بازار سرمایه (سنا)، اظهار داشت: رسانه‌ها نقش بی‌بدیلی در هدایت افکار عمومی دارند و این مهم در بازار سرمایه که فضای تبادل اطلاعات در آن بسیار قوی است، اهمیت ویژه‌ای دارد. رسانه‌ها همچنین در مقوله توسعه فرهنگ سهامداری و آموزش اصول فعالیت در بازارهای مالی جایگاه مهمی دارند. از این رو، سازمان بورس و اوراق بهادار از چند سال پیش اقدام به راه‌اندازی جشنواره‌ای بین خبرنگاران و کسانی که در رسانه‌ها دست به قلم می‌شوند، کرده است.

وی همچنین بیان داشت: در سال ۹۸ به منظور آشنایی بیشتر اصحاب رسانه با این جشنواره ملی سفرهایی با کمک ادارات کل ارشاد اسلامی به تعدادی از استان‌های کشور انجام شد که مورد استقبال زیادی قرار گرفت.

در این سفرها پس از معرفی ابعاد جشنواره ملی بورس و رسانه، بسیاری از خبرنگاران جهت تعمیق دانش خود در حوزه بازار سرمایه تقاضای برگزاری دوره آموزشی ویژه خبرنگاران را ارائه دادند که دوره‌های آموزشی مربوط هم در سال ۹۸ برپا شد.

رئیس شورای اطلاع رسانی بازار سرمایه گفت: تقویت زمینه های اطلاع رسانی مناسب برای افزایش سواد مالی جامعه، ارتقاء فرهنگ سرمایه گذاری بر پایه ارزش‌های اسلامی – ایرانی در کشور، تجلیل از نقش خبرنگاران و صاحبان آثار رسانه‌ای در نقادی و هم‌افزایی حوزه‌های مالی و سرمایه‌ای کشور و استعدادیابی در بین جامعه خبری و شناسایی خبرنگاران علاقه‌مند به مفاهیم بازار سرمایه از جمله اهداف این جشنواره است.

وی افزود: محورهایی که علاقمندان می‌توانند آثار خود را با در نظرداشتن آن برای جشنواره ارسال کنند، شامل آزادسازی سهام عدالت و افزایش نقش مردم در اداره امور اقتصادی کشور، نقش بازار سرمایه در تامین مالی بنگاه‌ها، اثر متقابل بازار سرمایه و کسب و کارهای نوین در رشد اقتصادی کشور، نقش بورس‌های کالایی در شفافیت اقتصادی و جلوگیری از انحصار، چگونگی توسعه فرهنگ سهامداری در افق پیش روی بازار سرمایه، نحوه اثرگذاری بازار سرمایه در حمایت از رونق تولید و جهش تولید و تاثیر توسعه ابزارها و نهادهای مالی در افزایش کارایی بازار سرمایه است.

فلاح همچنین با اشاره به قالب‌های دریافت آثار در این جشنواره عنوان داشت: این جشنواره شامل دو بخش رسانه های مکتوب و دیجیتال و دیداری و شنیداری است که در بخش رسانه‌های مکتوب و دیجیتال پنج قالب وجود دارد. این قالب‌ها «خبر»، «گزارش»، «گفت و گو»، «تیتر»، «یادداشت، مقاله و سرمقاله» را در برمی‌گیرد و بخش دوم شامل برنامه‌های رادیویی، تلویزیونی، اینترنتی و شبکه اجتماعی اینستاگرام می‌شود.

وی افزود جایزه ویژه این جشنواره به موضوع «نحوه اثرگذاری بازار سرمایه در تحقق شعار جهش تولید» و «نقش سهام عدالت در عمومی‌کردن اقتصاد» تعلق خواهدگرفت.

مدیرعامل شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس با اشاره به این موضوع که آثار ارسالی می‌توانند به زبان‌های رایج بین‌المللی یا منطقه‌ای ارائه شوند، گفت: داوری این جشنواره مانند گذشته توسط متخصصان حوزه‌های علوم ارتباطات و علوم مالی و به صورت مستقل انجام و در هر یک از محورهای فوق به سه نفر برتر جوایز ارزنده‌ای اهدا خواهد شد.

وی با اشاره به الکترونیک بودن شرکت در این جشنواره از اولین دوره آن، افزود: علاقمندان می‌توانند تا تاریخ ۲۰ تیر امسال برای شرکت در این جشنواره به نشانی festpress.ir مراجعه کنند. سومین جشنواره ملی بورس و رسانه، سال ۹۸ میزبان ۸۲۰ اثر از رسانه های مختلف مکتوب، دیداری و شنیداری بود و طی آن بیش از ۲۰۰ خبرنگار، گزارشگر، مقاله نویس و یاداشت نویس به رقابت پرداختند.

ادامه در صفحه ۹

کسب رتبه نخست نرخ مشارکت های اجتماعی بانوان در کرمان

کرمان - خبرنگار اطلاعات: مدیر کل بانوان و خانواده استانداری کرمان از کسب رتبه نخست نرخ مشارکت های اجتماعی توسط زنان این استان خبر داد.



فاطمه السادات حسینی در جمع خبرنگاران با بیان این که اداره کل امور بانوان و خانواده استانداری درحوزه فرهنگی،اجتماعی، آموزش، کارآفرینی، بهداشت، ورزش و سلامتی به بانوان و جامعه خدمات ارایه می کند، افزود: تشکیل اداره کل بانوان به خاطر اهمیت و جایگاه بانوان است.او ادامه داد : ۷۰۰هزار نفر از جمعیت زنان استان، روستایی هستند و نزدیک به ۳۰۰بانوی دهیار و عضو شورا در استان داریم که بیش از ۶۰۰۰زن فرهیخته شامل اساتید دانشگاه، پزشکان، نخبگان حوزه های فرهنگی در استان کرمان مشغول به فعالیتند. حسینی تاکید کرد: در تحصیلات عالیه بانوان، استان کرمان جزو استان های برتر است که نرخ اشتغال بانوان در استان کرمان رتبه چهاردهم کشور را دارد و در نرخ بیکاری دختران تحصیلکرده در رتبه ۱۶کشور هستیم و این عدد به دلیل این است که دختران کرمانی تحصیلاتشان نسبت به استان های دیگر بیشتر است.

مدیرکل امور بانوان و خانواده استانداری کرمان ادامه داد: در طرحی به نام سفیران فرهنگی برای گروه های مختلف استان دوره های آموزشی برگزارشده است که مشاوره دانش آموزی هم برای دانش آموزان دختر پایه دهم درهمین باره برگزار شد.

وی گفت : در بخش اقتصادی بیش از ۲۲۰۰زن کارآفرین در استان کرمان وجود دارند که ۱۰خانه مهارت در سال گذشته به وسیله سازمان فنی و حرفه ای در استان کرمان تشکیل شد که اجرای طرح اشتغال پایدار برای ۹۵۰زن در حاشیه شهر کرمان در سال قبل با حمایت معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری به اجرا در آمد و این طرح سه ساله است و باید آموزش ها به اشتغال پایدار برسد.

حسینی افزود : در استان کرمان برای زنان بیش از ۶۰۰۰ شغل در سال گذشته ایجاد شد که در این راستا اداره کار ۹میلیارد تومان برای مشاغل خانگی تسهیلات دادو کمیته امداد هم برای ۲۵۴۲طرح بیش از ۵۹میلیارد تومان تسهیلات پرداخت کرد که آمار کمیته امداد مربوط به زنان سرپرست خانوار است .سازمان بهزیستی هم تاکنون برای ۱۱۲۳نفر از بانوان بیش از ۳۲میلیارد تومان تسهیلات داده و ۷۲۰نیروگاه خورشیدی برای زنان سرپرست خانوار راه اندازی شده است.

وی همچنین از راه اندازی سامانه سمابانو که به طور بازار الکترونیکی در سطح استان کرمان فعالیت می کند خبر داد و افزود : در ایام شیوع کرونا مشارکت ۹۵درصدی بانوان را در تولید ماسک، گان و ... را شاهد بودیم.مدیر کل بانوان و خانواده استانداری کرمان همچنین از راه اندازی مرکز ماده ۱۶زنان در کرمان خبر داد وگفت : طرح خلاقانه «ریحان» در بحث های روانشناختی، جامعه شناختی و اشتغال برای زنان آسیب دیده در استان در سال گذشته اجرا شده است .

همچنین پارسال۶ طرح استانی در زمینه های توانمندسازی روانی اجتماعی زنان روستایی، حمایت روانی اجتماعی از زنان مناطق سیل زده، برگزاری رویداد دانشجویی با عنوان «کمند»، تصویب سند ارتقای وضع زنان و خانواده استان اجرا شده است.

آغاز ساخت ۱۰۰۰ نیروگاه خورشیدی برای مددجویان خراسان شمالی

سرویس شهرستان‌ها: ساخت یکهزار نیروگاه خورشیدی ۵ کیلوواتی برای خانوارهای مددجوی زیر پوشش نهادهای حمایتی خراسان شمالی از هفته جاری آغاز شده است.

مدیرعامل شرکت توزیع برق خراسان شمالی با بیان اینکه این نیروگاه‌ها برای مددجویان زیر پوشش کمیته امداد و بهزیستی ایجاد می‌شود گفت: اجرای این پروژه‌ها به ۵۰۰ میلیارد ریال اعتبار نیاز دارد.

مهندس علیرضا صبوری اظهار داشت: در صورت تامین تسهیلات، تا پایان امسال شمار زیادی از این نیروگاه‌ها به بهره‌برداری خواهد رسید.

وی افزود: بیشتر این مبلغ در قالب تسهیلات با بازپرداخت ۵ساله تامین خواهد شد که راه‌اندازی این نیروگاه‌ها برای هر خانوار ۱۲ میلیون ریال درآمد دارد. وی گفت: اجرای این طرح برای نیازمندان و به ویژه مددجویان زیر پوشش بسیار مناسب است، چرا که حتی درآمد این طرح از حقوق دریافتی آنان از سازمان‌های حمایتی چند برابر بیشتر خواهد شد.مدیرعامل شرکت توزیع برق خراسان شمالی بر تامین معیشت خانوارهای نیازمند در این استان تاکید کرد و افزود: اجرای نیروگاه‌های کوچک مقیاس



می‌تواند به درآمد خانوارها کمک کند.

صبوری گفت: ساخت این نیروگاه‌هاعلاوه‌بر توسعه‌انرژی‌های پاک، برای مددجویان کمیته امداد امام خمینی(ره) و بهزیستی، ایجاد درآمد خواهد کرد و وزارت نیرو نیز متعهد شده است که برق تولیدی این نیروگاه‌ها را به مدت ۲۰ سال خریداری کند.

وی اظهار داشت: ۸۵ نیروگاه خورشیدی در مقیاس کوچک به ظرفیت تولید ۹۵۴ کیلو وات در استان خراسان شمالی برای اقشار مختلف ایجاد شده است که هم اکنون درآمد نیز کسب می‌کنند.

مدیرعامل شرکت توزیع برق خراسان شمالی افزود: سال گذشته ۱۶ میلیارد و ۱۰۰ میلیون ریال بابت برق تولیدی از این نیروگاه‌ها به صاحبان طرح‌ها پرداخت شد.

وی افزود: این نیروگاه‌ها در مقیاس‌های کوچک است و هر کدام بین ۵ کیلو وات تا ۱۰۰ کیلو وات برق تولید می‌کنند که به طور متوسط برای هر خانوار ۱۲ میلیون تا ۵۰ میلیون ریال درآمد نیز دارد.

وی با بیان اینکه بعد از راه‌اندازی طرح نیروگاه هیچ هزینه جاری نخواهند داشت گفت: بعد از پایان کار در هفته فقط یکبار نیاز به تمیز کردن نیروگاه نیاز است که آن هم هزینه‌ای ندارد.

صبوری گفت: نرخ بازگشت سرمایه در ایجاد نیروگاه‌های خورشیدی حدود ۳ سال است و برای خرید برق از این افراد قرارداد بسته‌ایم که در این مدت صرفاً برای آنان سوددهی وجود دارد، زیرا که هزینه دیگری بر آنان تحمیل نخواهد شد.

وی گفت: آمادگی داریم که دهیاری‌ها برای اجرای این طرح‌ها برای روستاییان و به ویژه افراد نیازمند وارد کار شود.

بیش از ۵۹ هزار و ۲۳۷ خانوار با جمعیتی حدود ۱۲۰ هزار نفر در استان ۸۶۳ هزار نفری خراسان شمالی زیر پوشش خدمات حمایتی کمیته امداد امام خمینی (ره) هستند و هم اکنون ۳۸ هزار و ۷۰۰ خانوار شامل ۹۱ هزار و ۶۰۰ نفر زیر پوشش خدمات حمایتی اداره کل بهزیستی استان قرار دارند.

کلنگ‌زنی مجتمع‌های گلخانه‌ای در خانمیرزای چهارمحال و بختیاری

شهرکرد ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر شرکت شهرک‌های کشاورزی استان چهارمحال و بختیاری در حاشیه کلنگ زنی مجتمع‌های گلخانه‌ای شهرستان خانمیرزا گفت: ۳ مجتمع گلخانه‌ای در شهرستان خانمیرزا به مساحت ۱۸ هکتار و باحجم سرمایه گذاری ۶۲۰ میلیارد ریال کلنگ زنی شده است و پیش بینی می‌شود که در این مجتمع‌های گلخانه‌ای سالیانه ۲۵۰۰ تن محصول تولید و زمینه اشتغال ۴۰۰ نفر به صورت مستقیم و غیر مستقیم فراهم شود.

دلشاد جهانبخشی گفت:با توجه به رسالت شرکت شهرک‌های کشاورزی در مورد ایجاد اشتغال پایدار،جهش تولید،تحریک و رونق اقتصاد منطقه خصوصا در مدیریت و بهره مندی منابع آبی و برون رفت از بیکاری استان بنا به دستورالعمل‌های ابلاغی و تاکیدات موثر و مطلوب، فصل جدیدی در احداث مجتمع‌های گلخانه‌ای و شیلات و دامی با اندیشه تولید در سطح کشور رقم خورده است که علاوه بر ایجاد اشتغال و رونق تولید، تجمیع دامداری‌های سنتی وپیوست زیست محیطی را نیز در برخواهد داشت.

جهانبخشی ادامه داد:متاسفانه با گذشت ۵ سال از احداث شرکت شهرک‌های کشاورزی استان از این ظرفیت نسبت به سایر استان‌ها درست استفاده نشده است و در حال حاضر در سطح استان ۶۰ مجتمع شهرک کشاورزی به مساحت ۴۵۹۲ هکتار شناسایی و حمایت استاندار و فرمانداران شهرستان‌ها و ریاست سازمان جهاد کشاورزی و سازمان برنامه و بودجه استان بعنوان پشتوانه مدیران استان قابل ذکر است.

بیمه‌شدگان تامین اجتماعی برای تمدید دفترچه نیاز به مراجعه حضوری ندارند

مدیر درمان تامین اجتماعی استان چهارمحال‌وبختیاری در خصوص حذف فرایند تمدید اعتبار دفترچه‌های تامین اجتماعی گفت: بیمه‌شدگان تامین‌اجتماعی دیگر نیازی به مراجعه به شعب و کارگزاری‌های رسمی تامین اجتماعی ندارند.

محمود جاوید با بیان اینکه فرآیند تامین اعتبار دفترچه‌های درمانی از این پس به صورت بر خط در مراکز درمانی و مطب پزشکان صورت می‌گیرد گفت: برای رفاه بیمه‌شدگان و کاهش مراجعات غیر ضروری سامانه استحقاق درمان بیمه‌شدگان فعال شده است و از روش‌های مختلف امکان مشاهده اعتبار دفترچه بیمه‌شدگان وجود دارد.

وی افزود: در این خصوص بررسی و کنترل استحقاق درمان بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران افراد تحت تکفل آنهاضمن رعایت اصول و قواعد بیمه‌ای در بخش سرپایی در تمامی مراکز درمانی اعم از ملکی و غیرملکی طرف قرارداد و پزشکان انجام می‌شود.

افراد فاقد سهام عدالت مراقب ترفند سودجویان باشند

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل امور اقتصادی و دارایی یزد گفت: افرادی که به هر دلیلی از طرح نام‌نویسی در سهام عدالت جا مانده‌اند، در حال حاضر نمی‌توانند در این طرح ثبت نام کنند و باید مراقب ترفندهای افراد سودجو در این زمینه باشند.

علی نمازی در نشست خبری (آنلاین) که از سوی خانه مطبوعات یزد برگزار شد افزود: در این مرحله ثبت‌نام جدید سهام عدالت یا افزایش سهام وجود ندارد و اگر پیامک یا از طریق شبکه مجازی مطالبی در این زمینه دریافت کردند، به آنها توجه نکنند، چرا که نوعی کلاهبرداری است.

وی با بیان اینکه ۲ روش مدیریت در آزادسازی سهام عدالت، پیش‌بینی شده است، اضافه کرد: یکی، مدیریت خود فرد بر سهام و دیگری مدیریت از طریق شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی است.

نمازی افزود: سهامداران می‌توانند با مراجعه به سامانه سهام عدالت به نشانی www.samanese.ir از وضعیت سهام و میزان سود دریافتی مطلع شوند و یکی از روش‌های مستقیم یا غیرمستقیم را انتخاب کنند و نیازی به مراجعه به هیچ مرجع دیگری نیست.

وی افزود: در حال حاضر ۶۲۰ هزار و ۴۷۲ نفر در استان یزد مشمول سهام عدالت هستند که ۱,۲۶ درصد مشمولان کشور را تشکیل می‌دهد و مشمولان با وارد کردن کد ملی و درج و تأیید اطلاعات فردی، نحوه آزادسازی سهام خود را انتخاب کنند.

نمازی درباره ابلاغیه مقام معظم رهبری و موافقت معظم له با درخواست رئیس‌جمهوری برای آزادسازی سهام عدالت و نقش آن در گسترش عدالت اجتماعی گفت: در این خصوص سازمان خصوصی‌سازی با همکاری و مشارکت سازمان بورس و اوراق بهادار و سایر نهادهای فعال در بازار سرمایه، اقدام به فراهم ساختن تمهیدات و اقدامات عملی لازم برای تحقق این امر کرده است تا با توجه به موارد سه‌گانه مورد تأکید مقام معظم رهبری، شرایط بهره‌مندی هرچه سریع‌تر مردم از منافع و مدیریت سهام مذکور فراهم شود.او از سهامداران خواست در فروش سهام خود عجله نکنند و تا ۲ماه آینده صبر کنند تا سبد هر نفر در بورس و شرکت‌های سبد سهام عدالت مشخص شود.

توزیع ۱۲۵۰ بسته معیشتی در فولادشهر

فولادشهر ـ خبرنگار اطلاعات: خطیب نماز جمعه فولادشهر با بیان اینکه بیش از ۲ هزار خانوار آسیب دیده از ویروس کرونا در فولادشهر شناسایی شده‌اند،گفت: در مرحله اول رزمایش مواسات و کمک‌های مومنانه، به همت نیکوکاران و مردم خیراندیش این شهر بیش از یک هزار و ۲۵۰ بسته کمک‌های معیشتی بین آسیب‌دیدگان از کرونا توزیع شده است.

معرفی مدیر کل جدید گمرک قشم

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: ناظر گمرکات استان هرمزگان و مدیرکل گمرک شهید رجایی در مراسمی مدیرکل جدید گمرک قشم را معرفی کرد.

ابوالفضل اکبرپور با اشاره به نقش مهم گمرکات استان هرمزگان در کشور گفت: گمرکات استان هرمزگان عهده‌دار انجام تشریفات بیش از ۶۰ درصد تمامی رویه‌های گمرکی در کل کشور است.

اکبرپور در ادامه این مراسم با معرفی علیرضا قنبری به عنوان سرپرست اداره کل گمرکات قشم گفت: آقای قنبری از مدیران ارزشی و متدینی است که مانند آقای سعیدی، اولویتشان اهداف عالی سازمان و ایجاد بسترهای لازم و قانونی برای تولیدکنندگان و تجار و بازرگانان است و به همین دلیل وی به عنوان سرپرست جدید گمرک قشم انتخاب شده‌اند.

اکبرپور با حضور در گمرک شهید باهنر بندرعباس مدیرکل جدید این گمرک را معرفی و از خدمات شایان مهدی رضایی که به افتخار بازنشستگی نایل آمد، قدردانی کرد.

تجلیل از ۱۸ دستگاه اجرایی برتر همدان

همدان ـ خبرنگاراطلاعات: از ۱۸ دستگاه اجرایی، ۳ شهرداری و تمامی فرمانداران استان همدان براساس ارزیابی شاخص‌های مختلف، در جلسه شورای برنامه ریزی و توسعه استان تجلیل شد.

استاندار همدان در شورای برنامه ریزی و توسعه استان گفت: درحال حاضر ۵۰ پروژه جهش تولید با ۱۴ هزار میلیارد تومان سرمایه گذاری در استان همدان در حال اجرا است و بهره برداری از آنها باعث تحول بزرگی در استان می‌شود.سیدسعید شاهرخی با ارائه گزارشی از عملکرد استان در سال ۹۸ اظهار کرد: استان همدان سال گذشته ۶ هزار و ۴۰۰میلیارد تومان سرمایه گذاری را جذب کرد و عملکرد آن علیرغم تحریم‌ها و فشارهای دشمن خوب بوده و در مدیریت سیل بهار، برگزاری انتخاباتی سالم و مدیریت و کنترل بیماری کرونا اقدامات چشمگیری انجام شده است. وی افزود: سیل بهار ۹۸در استان همدان با همکاری همه مجموعه‌ها به یک فرصت بدل و ۱۹ هزار واحد مسکونی در استان همدان بازسازی و نوسازی شد.

همچنین سال گذشته ۵ هزار میلیارد تومان سرمایه گذاری در استان همدان پیش بینی کرده بودیم که به ۶ هزار و ۴۰۹میلیارد تومان رسید و اقدام‌های اساسی در حوزه اشتغالزایی شکل گرفت.وی اضافه کرد: بیش از ۵۰ پروژه جهش تولید با ۱۴ هزار میلیارد تومان سرمایه گذاری در استان همدان در حال انجام است که افتتاح و بهره برداری از آنها باعث تحول بزرگی در استان می‌شود.

نماینده ولی فقیه در لرستان:مدیران از افراط و تفریط دوری کنند

خرم‌آباد ـ خبرنگار اطلاعات: نماینده ولی فقیه در لرستان و امام جمعه خرم‌آباد گفت: دولتمردان باید عدالت، میانه‌روی و خشنودی مردم را در اولویت امور خود قرار دهند.

حجت‌الاسلام و المسلمین سید احمدرضا شاهرخی در نشست شورای اداری استان در سالن جلسات استانداری ضمن تبریک هفته روابط عمومی اظهار داشت: مدیران باید از هرگونه افراط و تفریط دوری کنند و اقداماتی که انجام می‌شود، باید بر این محورها قرار گیرد.

وی ادامه داد: مردم همواره آماده دفاع از دین خود هستند و باید به این قشر توجه شود همچنین کارگزاران جامعه اسلامی باید بر نفس خود مسلط بوده و در برابر شیطان‌های درونی و بیرونی مقاومت کنند.

امام جمعه خرم‌آباد افزود: حکومت یک امانت الهی است که ضرورت دارد نگاه به آن وقف به خدمت باشد و بهترین خدمت برای حاکم این است که از رنج مردم بکاهد.

حجت‌الاسلام و المسلمین شاهرخی گفت: روابط عمومی‌ها باید توجه داشته باشند که مردم از چه مشکلاتی رنج می‌برند، آنها را منعکس کنند و برای برطرف کردن آن‌ها اقداماتی صورت گیرد، چرا که همه متعلق به این آب و خاک هستیم و برای رفع مسائل باید اقدام همگانی انجام شود.

وی افزود: قضات نباید تحت تاثیر صاحبان قدرت و ثروت قرار گیرند، نظام اسلامی در خدماتی که به مردم ارائه داده است، اقدامات بی نظیری انجام داده که همه آنها بر اساس آموزه‌های دینی بوده است.

امام جمعه خرم‌آباد با اشاره به رزمایش مساوات و همدلی و تقدیر از عوامل اجرایی آن و مردم اظهارکرد: این رزمایش در ماه مبارک رمضان انجام شده است و انتظار می‌رود کمک‌های مردمی پس از این ماه ادامه داشته باشد.

۱۵ تخت جدید به بیمارستان شهید ستاری قرچک اضافه می‌شود

قرچک ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس بیمارستان برکت شهید ستاری قرچک گفت: به زودی ۱۵ تخت جدید به ظرفیت این بیمارستان اضافه خواهد شد که بیشترین تخت در بخش‌های آی‌سی‌یو و سی‌سی‌یو است.

علی اصغر حق‌پرست در جمع خبرنگاران در خصوص افزایش تخت‌های بیمارستان شهید ستاری، اظهار کرد: بیمارستان برکت شهید ستاری قرچک به عنوان تنها بیمارستان شهرستان ۳۰۰ هزار نفری قرچک و دومین بیمارستان دولتی دشت ورامین، نقش مهمی در ارائه خدمات به مردم دارد.

وی ادامه داد: از ابتدای افتتاح بیمارستان شهید ستاری تاکنون ۱۵ تخت جدید به ظرفیت آن اضافه شده است و امروز با ۷۹ تخت در حال پذیرش بیماران است. همچنین در بخش آی‌سی‌یو با برنامه‌ریزی هدفمند به زودی از ۴ تخت موجود به ۱۱ تخت افزایش خواهد یافت و در بخش سی‌سی‌یو نیز با هدف گذاری از ۵ تخت به ۱۲ تخت افزایش خواهیم داشت که عمده مراجعات به تهران در تخت‌های آی‌سی‌یو و سی‌سی‌یو را کاهش می‌دهد.

حق پرست با اشاره به استفاده از ظرفیت نیروی انسانی بومی قرچک و دشت ورامین ادامه داد: به کمک دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بسیاری از پزشکان و پرستاران و متخصصان از شهرستان قرچک و دشت ورامین در بیمارستان شهید ستاری مشغول به کار شده‌اند.

وی با اشاره به آغاز به کار دوباره درمانگاه و کلینیک بیمارستان خاطرنشان کرد: با توجه به شیوع ویروس کرونا و پذیرش بیماران کرونایی در این بیمارستان برای پیشگیری از ابتلای مراجعه کنندگان به بیمارستان، بخش کلینیک تعطیل شد که با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و برخی از تمهیدات مانند جدا سازی ورودی و خروجی، ضدعفونی مکرر درمانگاه و جداسازی پرسنل، در بخش کلینیک از ابتدای اردیبهشت ماه فعال شده است.

حق‌پرست افزود: از ابتدای فعالیت بیمارستان تعداد پزشکان متخصص بیمارستان از ۶ به ۱۳ نفر افزایش یافته است و با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته تعداد پزشکان متخصص بیشتر خواهد شد.

علت افزایش شمار مبتلایان به کرونا در آذربایجان‌شرقی بیماریابی هدفمند است

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: استاندار آذربایجان‌شرقی با بیان اینکه شاخص‌های ارزیابی وضعیت بیماری کرونا در کشور و استان رو به بهبود است، گفت: طبق گزارش ستاد ملی مقابله با کرونا، وضعیت این بیماری در کشور، نگران‌کننده نیست، اما اقدامات مراقبتی و پیشگیرانه همچنان باید ادامه داشته باشد.

محمدرضا پورمحمدی در بیستمین جلسه ستاد استانی مدیریت و مقابله با کرونا، اظهار داشت: شاخص‌های اصلی ارزیابی وضعیت بیماری در استان رو به بهبود است که نشان‌دهنده تلاش‌ها و اقدامات مناسب دستگاه‌های مسئول است. وی ادامه داد: ۹۱ درصد از مبتلایان کرونا در استان بهبود یافته‌اند و تعداد بیماران بستری شده نیز ۵۰ درصد کاهش داشته است.

استاندار آذربایجان‌شرقی با بیان اینکه بهبود وضعیت بیماری به معنی عادی‌سازی شرایط نیست، افزود: با توجه به آغاز فصل تابستان و از سرگیری فعالیت‌های اجتماعی، مراقبت‌های بهداشتی و اقدامات پیشگیرانه همچنان باید با جدیت ادامه یابد.

وی، افزایش آمار مبتلایان را نتیجه بیماریابی‌های هدفمند و افزایش تست‌های انجام شده دانست و گفت: این موضوع یک فرصت است و تهدید و نگرانی چندانی ایجاد نمی‌کند.

پورمحمدی از وضعیت تولید و توزیع اقلام بهداشتی نیز ابراز رضایت کرد و یادآور شد: در حال حاضر در این زمینه هیچ مشکلی نداریم و نظارت‌ها بر کیفیت و قیمت محصولات تولیدی باید جدی گرفته شود.

استاندار آذربایجان‌شرقی با اشاره به گزارش ستاد ملی مقابله با کرونا، مبنی‌بر خسارت یکصد هزار میلیارد تومانی این بیماری به اقتصاد کشور، گفت: بخش خدمات و به‌ویژه حوزه گردشگری بیشترین آسیب را دیده و خسارت در بخش تولید خیلی جدی نبوده است.

خوشبختانه دولت نیز اعتبارات لازم برای جبران خسارت‌ها را پیش‌بینی کرده است و در قالب یارانه مستقیم و تسهیلات ارزان قیمت در اختیار بخش‌های آسیب‌دیده قرار می‌دهد.

پورمحمدی با بیان اینکه بخش عمده‌ای از آسیب‌ها توسط مردم در رزمایش کمک مومنانه جبران شده است، متذکر شد: انتظار داریم که نهضت کمک‌رسانی به خانواده‌های نیازمند متوقف نشود و فضای معنوی کمک به همنوع همچنان تداوم یابد.

استاندار آذربایجان‌شرقی با اشاره به مصوبات ستاد ملی مقابله با کرونا، گفت: تمام مساجد صرفاً برای اقامه نماز بازگشایی می‌شوند و برگزاری سایر برنامه‌ها در مساجد فعلاً ممنوع است.

ورود دادگستری به واگذاری ۱۰ هزار مترمربع اراضی دولتی در گرگان

گرگان ـ خبرنگار اطلاعات: جلسه گسترش عدل و آزادی‌های مشروع با موضوع زمین خواری اراضی دولتی در دادگستری گلستان برگزار شد.

رئیس کل دادگستری گلستان در این جلسه از واگذاری ۱۰هزار مترمربع از زمین‌های دولتی گران قیمت گرگان به مدیران و کارکنان اداره راه و شهرسازی سازی استان خبر داد و گفت: کارشناسان ارزش این زمین‌ها که در خیابان صیاد شیرازی، عدالت ۹۲، شهرک تالار و تپه صدا و سیمای گرگان است، میلیاردها تومان تخمین می‌زنند.

هادی هاشمیان افزود: این زمین‌ها بر اساس قانون باید به اقشار کم درآمدی که خانه ندارند و تاکنون زمین دریافت نکرده‌اند، برای ساخت مسکن واگذار شود، اما این اراضی گران‌قیمت با قیمتی کمتر از ارزش واقعی به مدیران و کارکنان راه و شهرسازی واگذار شده است.

هاشمیان ادامه داد: بررسی روند واگذاری این زمین‌ها از سوی یک گروه ۵ نفره از قضات توانمند استان آغاز شده است تا ابعاد بیشتر این پرونده روشن و با متخلفین برخورد شود.

هاشمیان گفت: بررسی خلاهای قانونی که امکان زمین خواری و سوء استفاده را فراهم می‌کند نیز از دیگر کارهایی است که این گروه ۵ نفره قرار است انجام دهند و نتیجه آن را برای اصلاح قانون ارائه کنند.

وی ادامه داد: با ورود دادگستری به واگذاری اراضی دولتی، تعدادی از کارکنان اداره راه و شهرسازی، زمین‌های دریافتی را تحویل داده‌اند و تا زمان تعیین تکلیف این پرونده در دادگستری، ساخت و ساز در زمین‌های واگذار شده، ممنوع است.

وی گفت: برای پیشگیری از زد و بند و تخلف در واگذاری زمین‌های دولتی نیز استانداری و دستگاه‌های ذی ربط را مکلف کردیم از این پس اراضی ملی را که پس از توسعه شهرها در بافت شهر قرار می‌گیرند، پیش از واگذاری در کمیسیون ماده ۵ به دادستان‌های هر شهرستان اعلام کنند تا از واگذاری این اراضی به اشخاص خاص در سایه قانون پیشگیری شود.

پلمب مراکز خرید ضایعات بدون مجوز در استان گلستان

معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری گلستان از پلمب مراکز خرید ضایعات بدون مجوز در استان خبر داد.

حجت‌الاسلام مهدی قاسمی وناجمی در جلسه کارگروه پیشگیری از سرقت استان گفت: با پایان مهلت دریافت مجوز برای مراکز ضایعات، پلیس اماکن موظف است همه مراکز خرید و فروش ضایعات استان را رصد و مراکزی که مجوز ندارند را پلمب کند.

وی افزود: مراکزی که مجوز دارند هم، باید مشخصات فروشنده و نشانی او را در دفتر یادداشت کنند تا اگر اموال دزدی در میان ضایعاتی که می‌خرند وجود داشت، ردیابی و امکان شناسایی سارق فراهم شود. قاسمی وناجمی از رصد سارقان سابقه دار هم خبر داد و گفت: اسامی سارقانی که آزاد می‌شوند یا مرخصی می‌روند، به دادستان‌های هرشهرستان و پلیس آگاهی برای کنترل و نظارت بر این افراد اعلام می‌شود.

وی افزود: افزایش گشت‌های مشترک دستگاه‌های خدمات رسان از دیگر راهکارهای ارائه شده در جلسه برای پیشگیری از سرقت بود و همچنین راهکارهای کاهش سرقت در جلسه کارگروه پیشگیری از سرقت استان بررسی شد.

معاون علمی و فناوری رئیس جمهوری در سفر به خراسان جنوبی:

شرکت‌های دانش بنیان موفق به حل برخی معضلات مرتبط با کرونا شدند

سرویس شهرستان‌ها: معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهوری گفت: شرکت‌های دانش‌بنیان با استفاده از تسهیلات، موفق به حل مشکلات و معضلات کشور درخصوص بیماری کرونا شده‌اند.

سورنا ستاری در حاشیه دیدار از مرکز رشد فناوری سلامت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در جمع خبرنگاران با اشاره به اعطای تسهیلات به شرکت‌های دانش بنیان در زمینه کرونا اظهار داشت: از این محل قراردادهای زیادی با این شرکت‌ها برای پژوهش و ساخت واکسن کرونا، دارو و تجهیزات پزشکی از جمله ونتیلاتور، تولید انواع ماسک و مواد ضدعفونی منعقد شده است.

وی گفت: ورود شرکت‌های دانش بنیان و پارک‌های علم و فناوری کشور به مبارزه با کرونا و فعالیت‌های آنها در ساخت تجهیزات پزشکی و بهداشتی سبب شد در وضعیت شیوع کرونا ملزومات به حد لازم در اختیار مردم، و مراکز درمانی قرار گیرد و بهتر بتوان این شرایط را مدیریت کرد.

وی با بیان اینکه بیش از۵هزار شرکت دانش بنیان در سطح کشور فعال است افزود: خراسان جنوبی می‌تواند جزو استان‌های اقتصاد دانش‌محور باشد، زیرا این استان از دانشگاه و دانشجویان قابل توجهی بهره‌مند است و همچنین شرکت‌های زیادی که می‌توانند به سرعت رشد و کار کنند.

معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهوری با اشاره به دیدار از مراکز رشد و نوآوری دانشگاه‌های بیرجند گفت: نتیجه کار امروز با همکاری استاندار خراسان جنوبی که همیشه پیگیر مسایل مربوط به استان است می‌تواند این باشد که امکانات جدیدی در اختیار پارک علم و فناوری استان قرار بگیرد و جهت‌گیری دانشگاه به سمت اقتصاد دانش بنیان ادامه یابد.

وی در ارتباط با اولویت‌های شرکت‌های دانش بنیان افزود: هدف دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم حل معضلات جامعه است و از این رو اولویت دانشگاه‌های خراسان جنوبی نیز باید حل معضلات و مشکلات استان باشد، آنوقت می‌توان پایه اقتصاد دانش بنیان مناسبی داشته باشیم و تغییرات قابل توجهی را در استان شاهد باشیم.

ستاری با اشاره به غلبه بر موج جدید شیوع کرونا در کشور بیان کرد: حضور شرکت‌های دانش بنیان و نوآوری‌های این شرکت‌ها به راحتی در روزهای نخست شیوع کرونا در زمینه تجهیزات، دارو و امکانات لازم پزشکی موجب شد در بخش‌های مختلف بیمارستانی نیاز به واردات نداشته باشیم.

معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهوری اظهار داشت: حل مشکلات و مسایل مربوط به مردم اولویت نخست معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری است.



بازدید معاون رئیس جمهوری از مراکز رشد و نوآوری دانشگاه‌های بیرجند

وی گفت: در قالب شرکت‌های دانش‌بنیان و پارک‌های علم و فناوری، کارخانه‌های نوآوری، زیرساخت‌های مفصلی برای حمایت از یک ایده دارند که در سال‌های اخیر این زیرساخت‌ها توسعه یافته است.

معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهوری عنوان کرد: خراسان جنوبی هنوز در حوزه زیرساخت‌ها مسایل جدی دارد که باید برای حل آن‌ها بکوشیم.

وی با اشاره به توسعه پارک علم و فناوری خراسان جنوبی نسبت به سالیان گذشته افزود: تعداد شرکت‌های دانش بنیان اگرچه با ظرفیت‌های استان خیلی فاصله دارد، ولی همین که این حرکت آغاز شده است، باید توسعه یابد.

سورنا ستاری که دیروز وارد بیرجند شد، با همراهی استاندار خراسان جنوبی از مرکز نوآوری و شتاب‌دهی و مرکز اشتغال‌زایی و کارآفرینی دانشگاه بیرجند، مرکز رشد و تیم‌های مستقر در دانشگاه آزاد اسلامی و مرکز رشد فناوری سلامت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند دیدن کرد.

دیدار از مراکز رشد و نوآوری دانشگاه‌های بیرجند

سورنا ستاری با همراهی استاندار خراسان جنوبی از مرکز نوآوری و شتاب‌دهی و مرکز اشتغال‌زایی و کارآفرینی دانشگاه بیرجند، مرکز رشد و تیم‌های مستقر در دانشگاه آزاد اسلامی و مرکز رشد فناوری سلامت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند دیدن کرد.

معاون پژوهش و فناوری دانشگاه بیرجند در دیدار معاون علمی و فناوری ریاست جمهوری از مرکز نوآوری و شتاب‌دهی دانشگاه بیرجند گفت: این مرکز با حمایت‌های مادی و معنوی از طرح‌ها و ایده‌های نوآورانه و کسب و کار در دانشگاه بیرجند و زیر نظر مستقیم معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهوری در خرداد سال ۱۳۹۸ فعالیت‌های رسمی خود را آغاز کرده است.

حمیدرضا نجفی با بیان اینکه هدف این مجموعه خلق اکوسیستمی برای ایجاد و توسعه نوآوری‌های پایدار با تمرکز بر آموزش و خلق فضای باز نوآوری، حمایت از تیم‌های استارتاپی و توسعه اقتصاد دانش‌بنیان است، افزود: در حال حاضر فاز اول مرکز نوآوری دانشگاه بیرجند خدمات ارائه می‌دهد.

وی تاکید کرد: ایده‌ها در زمینه‌های مختلفی همچون محیط زیست، سلامت، رباتیک، الکترونیک، کالای فرهنگی، گردشگری و مدیریت پسماند ثبت شده است.

وی تعداد واحدهای فناور مستقر در مرکز نوآوری و شتابدهی دانشگاه بیرجند را ۱۱ واحد اعلام کرد و افزود: همچنین ۱۲ شرکت دانش‌بنیان توسط اعضای هیات علمی دانشگاه در این مرکز فعالیت دارند.

معاون پژوهش و فناوری دانشگاه بیرجند با بیان اینکه فاز دوم مرکز نوآوری و شتاب‌دهی از این دانشگاه تا هفته دولت امسال به بهره‌برداری می‌رسد عنوان کرد: فاز سوم این مرکز نیز اگر حمایت مالی شود تا پایان امسال تکمیل خواهد شد.

وی با اشاره به اینکه در مجموع برای احداث ۶ فاز تا سال ۱۴۰۰ برنامه‌ریزی شده است گفت: با توجه به قدمت دانشگاه بیرجند به ۴۰ میلیارد تومان برای نوسازی آزمایشگاه‌های آن نیاز است.

معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهوری همچنین از مرکز رشد دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند و گروه‌های مستقر در آن نیز بازدید کرد.

مرکز رشد دانشگاه آزاد بیرجند با هدف کمک به اقتصاد استان در زمینی به مساحت ۵۰۰ مترمربع در سال ۹۷ راه‌اندازی شد و در حال حاضر ۸ واحد فناور فعال در این مرکز مستقر است.

بارورسازی ابرها، زیست فناور، نانو افزودنی‌های بتن، بیومکانیک و محصولات استراتژیک از زمینه‌های فعالیتی واحدهای حاضر در این مرکز است.

مرکز رشد و شرکت‌های دانش بنیان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند مقصد دیگر ستاری و هیات همراه بود و رئیس و مسئولان دانشگاه علوم پزشکی توضیحات لازم را درخصوص فعالیت‌های علمی و فناورانه آن ارائه کردند.

مرکز رشد دانشگاه علوم پزشکی بیرجند به سال ۹۲ راه‌اندازی شد و در حال حاضر ۴شرکت دانش بنیان فعال در زمینه‌های تهیه کیت‌های تشخیصی، تعیین جنسیت جنین، قرص زعفران و آنتی آلرژی و آنتی اکسیدان در این مرکز مستقر است.

دیدار از شرکت‌های مستقر در پارک علم و فناوری، افتتاح صندوق پژوهش و فناوری استان، ساختمان جدید مرکز رشد واحدهای فناور فردوس و مرکز نوآوری طبس به صورت ویدئو کنفرانس و شرکت در نشست اقتصاد دانش بنیان و جهش تولید، از دیگر برنامه‌های سفر یک روزه معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهوری به خراسان جنوبی بود.

افتتاح ۳ مرکز نوآوری و رشد در خراسان جنوبی

۳ مرکز نوآوری و رشد در استان خراسان جنوبی دیروز با حضور معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهوری افتتاح شد.

فاز نخست مرکز نوآوری دانشگاه صنعتی بیرجند در جریان این سفر افتتاح شد، قرارداد راه‌اندازی این مرکز اردیبهشت ماه سال گذشته با حمایت معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهوری امضا شده است که دیروز با پایان کار تجهیز این مرکز فعالیت خود را آغاز کرد. فاز نخست این مرکز در فضای به وسعت ۶۰۰ متر مربع با استقرار ۱۵ شرکت دانش‌بنیان و استارتاپی راه‌اندازی می‌شود از ویژگی‌های این مرکز استقرار آن در فضای آموزشی و پیوستگی‌اش با دانشگاه است پس از ارتباط و تعامل دانشجویان و اساتید با کسب و کارها رونق می‌گیرد و به نوعی حرکت به سوی دانشگاه‌های نسل سومی و نوآور را شتاب می‌دهد.

افتتاح ساختمان جدید مرکز رشد واحدهای فناور در شهرستان فردوس اتفاق دیگری است که در این سفر رقم خورد تا از ظرفیت نیروی انسانی بهره مناسبی برده شود. این مرکز با حمایت‌های معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهوری تجهیز شده است و بیش از ۳۰ شرکت دانش‌بنیان و هسته فناور در آن می‌توانند مستقر شوند. ستاری از طریق ویدئو کنفرانس این مرکز را افتتاح کرد.

در این سفر همچنین ساختمان جدید مرکز نوآوری طبس مورد بهره برداری قرار گرفت.

پروژه باغ موزه کهن‌ترین قنات ایران اجرایی می‌شود

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار یزد با اشاره به اینکه قنات «زارچ» کهن‌ترین و طولانی‌ترین قنات ایران است، بر اجرایی شدن پروژه «باغ موزه قنات زارچ» تاکید کرد.

محسن صادقیان در نشست با اعضای شورای اسلامی شهر زارچ که در دفتر معاونت هماهنگی امور عمرانی استانداری برگزار شد، از پیگیری‌های اعضا برای رفع مشکلات شهر تشکر کرد و دستور داد: مشکلات زارچ در حوزه راه و شهرسازی در آینده نزدیک مورد بررسی قرار گیرد.

معاون عمرانی استاندار یکی از مشکلات شهر زارچ را نداشتن طرح جامع تفصیلی شهر بیان کرد و گفت: بدون این طرح امکان برنامه ریزی در حوزه شهری وجود ندارد و با توجه به تفاهم روستاهای اله‌آباد، محمدآباد و شهرداری زارچ، خواستار حل این مشکل هستیم.

اعضای شورای اسلامی شهر زارچ در این نشست برخی از مشکلات این شهر و از جمله عدم ابلاغ طرح جامع تفصیلی شهر زارچ، مشکلات مرتبط با شهرک صنعتی و تغییر کاربری‌های جاده سنتو را اعلام داشتند و خواستار اجرایی شدن عملیات پروژه باغ موزه قنات زارچ به عنوان برند این شهر در کوتاه‌ترین زمان ممکن شدند.

رضایی، شهردار زارچ نیز در این جلسه درباره برخی از مسائل شهری به ویژه مجموعه ۴۷ هکتاری صنعتی زارچ که مردم در این رابطه با مشکل مواجه هستند، مواردی را مطرح کرد و خواستار رفع این مشکلات شد.

***آغاز عملیات اجرایی باند دوم محور هرات ـ هرابرجان**

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار یزد از آغاز عملیات اجرایی باند دوم محور هرات– هرابرجان در آینده‌ای نزدیک خبر داد.

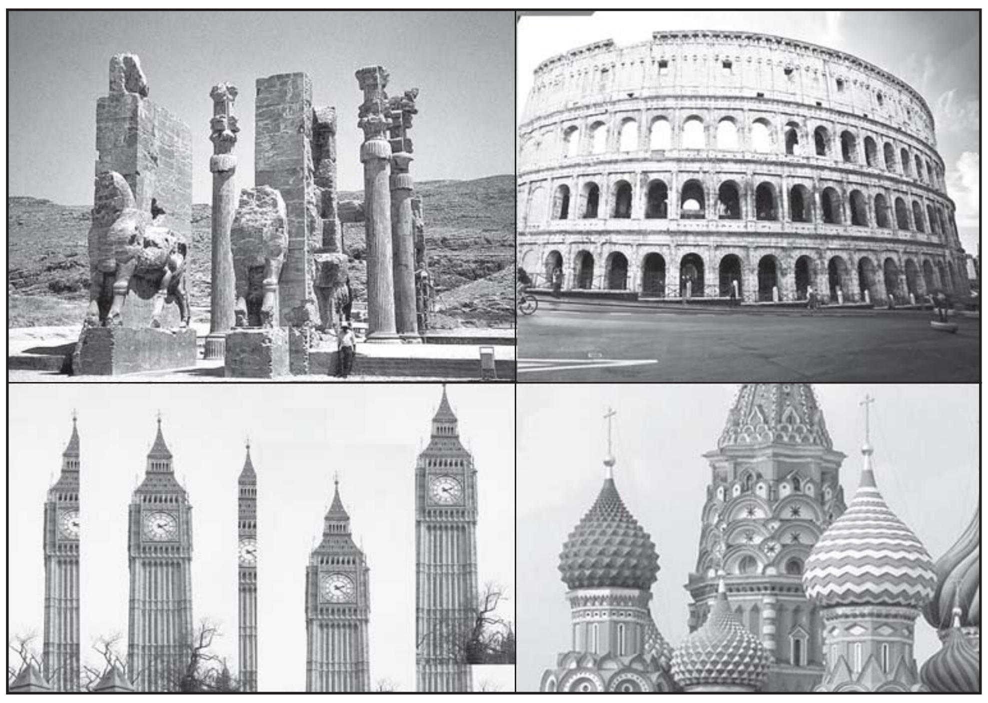
محسن صادقیان در نشست با اعضای شورای اسلامی شهر هرات که در دفتر معاونت هماهنگی امور عمرانی استانداری برگزار شد، به نقش مهم شوراها در نظارت بر شهرداری‌ها اشاره و افزود: در شهرستان خاتم پروژه‌های عمرانی و زیرساختی خوبی انجام شده است و این طرح‌ها در سال جاری نیز تداوم می‌یابد. او ادامه داد: در آینده‌ای نزدیک عملیات اجرایی باند دوم هرات – هرابرجان آغاز می‌شود و امیدواریم مشکل مردم شهرستان خاتم در این رابطه به زودی حل شود. صادقیان درباره مسائل مطرح شده از سوی اعضای شورای اسلامی شهر هرات در این جلسه، گفت: موضوع‌های مطرح شده با حضور مدیران کل مربوطه مورد بررسی قرار می‌گیرد و راهکارهای عملیاتی برای برطرف کردن آنها ارائه می‌شود. اعضای شورای اسلامی شهر هرات نیز در این نشست به بیان مشکلات طرح تفصیلی شهر هرات و ضرورت اصلاح ورودی این شهر از سمت نی‌ریز فارس و کمبود پارک و فضای سبز پرداختند. احداث مجتمع فرهنگی هنری شهر هرات یکی از موارد مطرح شده در این جلسه بود که مقرر شد مراحل قانونی و اداری برای اجرایی شدن این پروژه در سال ۹۹ انجام شود.

برگزاری جلسه شورای سیاستگذاری کنگره ملی شعر و داستان «ایران من»

کرج ـ خبرنگار اطلاعات: ناصر مقدم مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی البرز در مراسمی ضمن اعطای احکام اعضای شورای سیاستگذاری کنگره ملی شعر و داستان «ایران من» و بیان اهمیت این کنگره در عرصه ادبیات، بر ضرورت استفاده از صاحب نظران عرصه شعر و ادب برای پیشبرد کنگره و مشارکت حداکثری اهالی شعر و داستان در این برنامه تأکید کرد و در ادامه جلسه هر یک از اعضای شورا دیدگاه‌ها و نظرات خود را بیان کردند و مقرر شد که اعضای آن ضمن اطلاع‌رسانی‌های لازم درباره کنگره از طریق مبادی مختلف، جلسات مستمری را برای پیگیری امور کنگره برگزار کنند.

با توجه به مهلت ارسال آثار به دبیرخانه این کنگره که تا پایان اردیبهشت ۱۳۹۹ بود، ۲۲۰ اثر به دبیرخانه آن رسیده است که براساس تصمیم شورای سیاستگذاری این مهلت با توجه به انتشار ویروس کرونا و تبعات ناشی از آن، تا ۲۰ خرداد ۱۳۹۹ تمدید شده است.

هنر نزد همه مردمان عالم است



بدون شک ایرانیان مردمی هنرمندند و شواهد زیادی بر آن دلالت دارد، از اشـــعار رودکی و قبل از او گرفته تا فردوسی و سعدی و مولانا و حافظ و خیل عظیم شاعران متقدم تا متأخر، سرایندگان شعرهای کهن تا سرایندگان شعرهای نو و شعرای معاصر. از نوازندگان کهن مانند رودکی که امکان ثبت نغمه‌هایشان نبود تا نوازندگان امروزی. از نقاشان کهن نظیر کمال‌الدین بهزاد تا حسین بهزاد و قوللر آقاسی و نقاشان هنرمند امروز. از خوشنویسان قدیم مانند میرعماد، علی‌رضا عباسی و رضا عباسی تا خوشنویسان معاصر. نویســـندگانی از قبیل جریر طبری، بیهقی و سعدی تا هدایت و جمالزاده و دولت‌آبادی و مجسمه‌سازان و سینماگرانی که در جهان شناخته شده‌اند.

آری، پیشینه‌ای هنرمندانه داریم و امروز این گنجینه کهن تا معاصر، آبشخور فرهنگی بزرگ و عمیقی است برای هر ایرانی. اما کدام ایران؟ ایرانی که طبق مرزبندی‌های سیاسی امروز مشخص و ارائه شده است؟ یا باید افغانستان را هم به آن اضافه کنیم؟ نه مگر مولانای بزرگ زاده بلخ اســـت، و بسیاری از هنرمندان پارسی‌گوی بزرگ، زاده سرزمینی‌اند که اکنون افغانستان نامیده می‌شود. پس هنر نزد ایرانیان است، به علاوه افغانستان، و «بس»! اما چه در مورد تاجیکستان، و یا آسیای میانه، و ازبکستانی که بخارا و سمرقند را در خود جای داده است، و زمانی دراز ایرانی بزرگ را شامل می‌شده‌اند که رودکی‌ها از آن برخاسته‌اند. پس می‌گوییم هنر نزد ایرانیان اســـت و افغانستان و آسیای میانه، و «بس»! اما با دیار قفقاز، مهد نظامی و خاقانی و هنرمندان دیگر چه کنیم؟! خب، می‌گوییم هنر نزد ایرانیان است و کشورهایی که از قدیم با قوم و فرهنگ و زبان ایرانی همراه بوده اند، و «بس»! اما آیا در ماورای قفقاز، در سرزمین بی‌انتهای روسیه هنر وجود ندارد؟ آیا داستایوفسکی سلطان نویسندگان کلاسیک، تولستوی، گوگول، چخوف، چایکوفســـکی و دیگر بزرگان روس هنرمند نیستند؟ ترکیه را چه کنیم؟! سرزمینی که مولانا در آن بالیده است و هنرمندان بسیاری از آن برخاسته‌اند. پس ترکیه را هم اضافه می‌کنیم، و «بس»! اما بر بلندی‌های ترکیه، در فاصله‌ای نه چندان دور، می‌توان یونان کهن، آرمیده در ساحل مدیترانه را دید. موطن فلاسفه بزرگ، سقراط، افلاطون و ارسطو و بزرگانی دیگر، که نمی‌توان آنان را هنرمند ندانست، و نمایشنامه‌نویسان بزرگی چون سوفوکل و اوریپید و دیگران، و بنایی هنرمندانه نظیر آکروپولیس. و بعد به ایتالیا نظر می‌کنیم، بنای کولوسئوم را می‌بینیم، هنرهای شـــهر رم و شـــام آخر و کلیسای فلورانس و مجسمه داوود و هزاران اثر هنری و هزاران هنرمند؛ و ســـپس نظری به پاریس می‌اندازیم و موزه لوور که هزاران اثر هنری دنیا را در خود دارد، و سراســـر اروپا را سرشار از آثار هنری ببینیم، و شهرهایی که گاه خود یک اثر هنری‌اند. در سوریه «پالمیرا» یا «تدمر» نشانی از هنرمندی ۲ هزارساله یک قوم است و «پترا» در اردن هنر آن دیار را بازتاب می‌کند.

بین النهرین و عراق امروزی، سرزمین گیلگمش و باغ‌های معلق افسانه‌ای بابل و مصر باستان چه هنرها در خود آشکار و پنهان دارد و بومیان آفریقا، این مهد انسان، هنرهای ثبت شده یا نشده بسیاری دارند. اما مگر می‌توانیم هنرها و هنرمندان شرق را نادیده بگیریم؟! هند زیبا و چین کهن، با هزاران بنا و نقاشی و نگاره، و معابد کامبوج و تایلند و هنر شرق دور، تا ژاپن. به دورترها نگاه می‌کنیم و هنرهای بومیان پاپوا ـ گینه نو و بومیان استرالیا را می‌بینیم، و باز هم دورتر در دنیای نو، آمریکای جنوبی و شمالی، با هنرمندان تمدن‌های اینکا و مایا و دیگر بومیان آن دیار، و پس از کشف دوباره آن سرزمین، نویسندگان، شاعران و هنرمندان پر شماری که آثار هنرمندانه بسیاری به دنیا عرضه کرده‌اند و می‌کنند.

آری، هنر نزد ایرانیان اســـت، بسیار هم هست، و ما این اعتماد به نفس را داریم که هنرهای بزرگ و هنرمندانی بزرگ در گذشته داشته‌ایم، اکنون نیز بسیار داریم و در آینده هم خواهیم داشـــت.هنر نزد ایرانیان است، ولی نه «بس»! این «بس»، انکار تمامی هنرهای دنیای غیر از ما است. انکار صورتگران نقاش چین، هنرهای هند، هنرمندان دنیای عرب زبان، انکار لئوناردو داوینچی، میکل آنژ، رافائل، نادیده گرفتن یونان باستان، سوفوکل، انکار شکسپیر، ویکتور هوگو، گوته، بتهوون، موتزارت، پیکاسو، گویا، تاگور، همینگوی، داستایوفسکی، و هزاران و شاید میلیون‌ها هنرمند دیگر، که بسیاری هرگز شناخته نشده‌اند.هر جای جهان که نظر کنی، هنر و هنرمندانی می‌یابی که پرتوی از هنرشان، به شکل‌های گوناگون، موسیقی، حرکات نمایشی، هنرهای ترسیمی، هنرهای تجسمی، ادبیات، نمایش و سینما شنیده یا دیده می‌شود.هنر ایران تشنگی ما را رفع می‌کند، اما برای سیراب شدن باید هنر جهان را نیز بنوشیم.هیچ جامعه انسانی بی‌فرهنگ نیست، و هیچ جامعه انسانی بی‌هنر نیست.

دکتر ابراهیم ابراهیمی ـ عضو هیأت علمی دانشگاه

جایی که تکبر عبادت است!

تا به حال گفته‌ایم و شنیده‌ایم که تکبر گناه است و انسان متکبر در پیشگاه پروردگار مطرود و از رحمت خداوند به دور است که صد البته هم چنین اســـت و در میان همه گناهان و صفات ناپســـند اخلاقی، کمتر گناهی به پای تکبر می‌رسد، چرا که تکبر از صفات خاصه خداوند است و تنها او است که ردای کبر و بزرگی بر بالای او راست می‌آید، همچنان که در آیه‌ی بیست و سوم سوره مبارکه حشر، از تکبر به عنوان یکی از صفات و نام‌های خداوند یاد شده است.

نتیجه آنکه تکبر گناهی بزرگ است و انسان باید از این گناه عظیم به شدت پرهیز کند. ولی باید دانست گاه همین گناه عظیم از حالت گناه بودن خارج می‌شود و حالت عبادت به خود می‌گیرد و آن هنگامی است که آدمی با یک انسان متکبر و از خود راضی و فردی مغرور و خودخواه که خود را از زمین و زمان برتر می‌داند و انتظار دارد همه انســـان‌ها در برابرش کرنش و تعظیم کنند، روبرو می‌شـــود. در چنین مواردی وظیفه یک انسان آزاده و خردمند، تواضع و فروتنی نیست و او نباید در مواجهه با چنین فردی از خود تواضع نشان دهد و به گمان اینکه فروتنی امری پسندیده است، دست به این عمل بزند، چرا که تواضع در برابر متکبر نه فقط پسندیده نیست، بلکه به شدت مذموم و نکوهیده است، زیرا فروتنی در این مورد به جز این‌که باعث خواری و تحقیر فرد متواضع می‌شود و متکبر را نیز در گناه تکبر گستاخ و تشویق می‌کند، نتیجه دیگری نخواهد داشت و به همین دلیل است که رسول اکرم(ص) می‌فرمایند: « با متکبران متکبرانه رفتار کنید که تکبر در برابر متکبرین عبادت است.»[1]

همچنین در روایتی دیگر از تکبر در برابر متکبر با عنوان اصل و عین فروتنی یاد شده است و امام علی(ع) می‌فرمایند: «تکبر در برابر شخص متکبر، عین تواضع است. »[2]

و اما استاد شهید مرتضی مطهری(ره) درباره عبادت بودن تکبر در برابر متکبر، توضیح لطیفی دارند، ایشان چنین می‌گوید: به ما گفته‌اند «التکبر مع المتکبر عباده» یعنی با متکبر تکبر کردن عبادت است. مقصود این است که اگر کسی متکبرانه رفتار می‌کند، شما طوری عمل نکنید که او را به تکبرش تشویق کنید، بلکه در مقابل آدمی که متکبرانه رفتار می‌کند، متکبرانه رفتار کنید تا دماغش به خاک مالیده شود و دیگر تکبر نداشته باشد.

تکبر با متکبر عبادت است، نه این‌که بخواهد بگوید خود تکبر به عنوان یک حالت روانی که خودپسندی و خود بزرگ‌بینی است ممدوح است و اگر در مقابل یک آدم متکبر قرار گرفتی، تو هم واقعاً خود بزرگ بین باش، بلکه می‌خواهد بگوید تو همیشه باید متواضع باشی و روحت همیشه باید متواضع باشد، ولی رفتارت با یک آدم متکبر،متکبرانه باشد تا دمـــاغ او را بـــه خاک بمالی. پس در اینجا تکبر با متکبر به عنوان «خُلق» توصیه نشده است، تکبر به عنوان رفتاری که شبیه رفتار یک آدم متکبر است، توصیه شده است[3]

حاصل سخن این‌که تواضع مثل هر فعل و سخن دیگری جا و مکان دارد و این‌گونه نیست که همه‌جا و همه وقت پسندیده باشد، بلکه گاه این رفتار متکبرانه است که امری پسندیده و مورد رضای خدا و در یک کلام عبادت محسوب می‌شود.

محتشم مومنی (سامان) ـ اراک

پی‌نوشت:

۱ ـ تحریر مواعظ العدیده آیت‌الله مشکینی، نشرالهادی، ص ۱۷۱
۲ ـ نهج‌البلاغه حکمت ۴۱۰
۳ ـ مجموعه آثار شهید مطهری، جلد۲۲، صفحه ۷۸۶

یادداشت‌های مطلب

بیمارانی که دیدار پزشک برایشان کافی است!

هر ظهرکه می‌رفتم به درمانگاه، بیماران گوش تا گوش نشسته بودند، از جوان تا سالخورده.

گوش‌شان را می‌دیدم، اغلب سالم بود،بینی‌هایشان را می‌دیدم، مشکلی نداشتند، گلوی‌شان را می‌دیدم، آن هم طبیعی بود.برایشان شرح می‌دادم که نکته مرضی در معاینه گوش و حلق و بینی شما پیدا نشده است، می‌پذیرفتند و بدون نسخه دارویی درمانگاه را ترک می‌کردند.

آن‌ها یا خود از پیش می‌دانســـتند که مشـــکلی ندارند و با این وجود شماره می‌گرفتندو متحمل هزینه می‌شدند، ساعت‌ها وقت صرف می‌کردند و عاقبت از مطب راضی هم می‌رفتند، گویی می‌آمدند که فقط مرا ببینند و همین برایشان کافی بود!

دکتر عبدالحمید حسین‌نیا

ایمیل گفته ها و نوشته ها(ویژه خوانندگان) neveshteh@ettelaat.com

علوم انسانی و راهبردهای دانشگاهی

اخیـــراً بحث‌های فراوانی در مورد کارکرد و یا کاربرد علوم‌انســـانی توسط مسئولان محترم کشور مطرح می‌شودکه از نظر علمی قابل تأمل و تفکر و نواندیشـــی در حوزه علوم‌انسانی است. ابتدا باید در مورد علوم انسانی توضیحات مختصری داده شود تا خوانندگان عزیز از نظر واژه‌شناسی با مفهوم این علم که زیرساخت سایر علوم و فنون و مبنای راهبردی رشته‌های مختلف دانشگاهی است، آشنا شوند.

علوم انســـانی به طور خلاصه به علومی گفته می‌شـــود که با رفتار و کردار و عملکرد و اخلاق و وجدان انســـان سروکار دارد و عملکرد دولت‌ها و حکومت‌ها همواره بر اساس شناخت ماهیت تفکر انسان ها است. دانشمندان زیادی درباره علوم انسانی تحقیق و پژوهش کرده‌اند و فلاســـفه نیز هر کدام به شیوه‌های گوناگون درباره انسان بحث کرده‌اند و کتاب‌های بســـیاری را در این باره نوشته‌اند، ازجمله ارسطو، افلاطون، اریک فروم ، ویلیام جمس و دکارت و اخیراً «هادیگر» نظریه‌هایی در مورد علوم انسانی و کارکرد آن‌ها در جامعه بشـــری ارائه داده‌اند. از میان جامعه‌شناسان و جهان‌شناسان نظریه «ویلیام جمس» در جهان امروز کاربرد فراوان دارد مثلاً در کشورهای اروپایی برای رشـــد و تکامل انسان و پیشگیری از آســـیب‌های اجتماعی ۶ شرط درباره شکل‌پذیری شـــخصیت انسان پذیرفته شده است که در مدارس و دانشـــگاه‌ها مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند. برای مثال، یک انسان برای اینکه کارآیی مناسب در زندگی روزمره‌اش را داشته باشد، باید بر حسب اولویت‌ها، نیازهای مشروع زیر تأمین شده باشد:

بدن نیاز به اکســـیژن و غذای سالم و مکانیزم فیزیولوژیکی و شیمیایی مناسب دارد که دولت‌ها باید آن‌ها را تأمین کنند.

ـ آزادی بیـــان، عقیده و حق انتخاب در طرح افکار و اندیشه‌های سازنده.

ـ بهره‌بـــرداری مادی و معنوی از تحقیقات و پژوهش‌های علمی.

ـ سلامت روان از حیث عقل و منطق و خود ارزیابی و خودشکوفایی.

حال باید دید که شـــرایط یاد شده برای همه انسان‌ها به طور یکسان و بدون تبعیض فراهم شده اســـت یا خیر؟ افراد در جامعه مـــا آیا رایگان، از سرویس‌های دارو و درمان استفاده می‌کنندو آیا همه بطور مساوی حق ابراز عقیده در محافل سیاسی و یا غیر رسمی را دارند؟

مسلماً بسیاری از این نیازهای اساسی به دلیل یک سلسله مسایل سیاسی و یا اندیشه‌های خام عده‌ای از سیاستمداران حرفه‌ای، از استادان و پژوهشگران گرفته شده است و به همین دلیل این عده نتوانسته‌اندچکیده تحقیقات و پژوهش‌های خود را منتشر کنند یا دولت را در اصلاح نقاط ضعف جامعه انسانی آگاه سازند و نظریه‌ها و عملکردها را به صورت شفاف در رسانه اعلام کنند و دولت را در پیشبرد مقاصد اصلی‌اش یعنی کاهش طلاق، افزایش ازدواج جوانان، کاهش سرقت‌ها و کلاهبرداری‌ها ، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، ترک اعتیاد، ناسازگاری‌های اعضای خانواده، کاهش خشم و خشونت و در نهایت همدلی و همفکری در اداره کشـــور یاری دهند. مسئولان نظام باید متوجه این حقیقت مهم باشند کـــه وجـــود آنان در رأس امور به دلیل رأی و انتخاب مردم است و مردم همواره در جستجوی تحقق وعده‌ها و قول و قرارها و فراهم‌بودن امکانات رشد و تکامل و خدمت به میهن اسلامی هستند و از اینرو به فرمایش امام راحل مردم ولی نعمت ما هستند و با عمل به این سخنان راهبردی، بسیاری از معضلات علوم انسانی در کشورمان حل و فصل می‌شود.

فیضعلی مداح ـ عضو بازنشسته هیأت علمی دانشگاه

نقش کارشناسان بهداشت محیط در پیشگیری از شیوع کرونا

نان قوت غالب مردم کشـــورهای خاورمیانه و به ویژه ایران را تشکیل می‌دهد. در کشورهای جهان نان ۱۸ تا ۸۰ درصد مواد غذایی مردم را تأمین می‌کند و به طور میانگین هر ایرانی روزانه ۳۰۰ تا ۳۵۰ گرم نان مصرف می‌کند و حدود ۴۰/۲ درصد انرژی یک فرد از نان به دست می‌آید. سالانه حدود ۶ میلیون تن نان در کشور تولید می‌شودو در بسیاری از شهرها و روستاها نان مورد استفاده مردم در نانوایی‌ها تهیه می‌شود. در یک نگاه کلی بسیاری از نانوایی‌ها به کمک دستگاه‌های نیمه اتوماتیک و درصد اندکی با دستگاه تمام اتوماتیک فرآیند آماده‌سازی و بخت نان را انجام می‌دهند و روش‌های سنتی نیز یکی از عملیات تهیه نان، هنوز هم در برخی از مناطق کشور به کار گرفته می‌شود.

به هر حال در مراحل آماده‌سازی، پخت و توزیع نان فعالیت‌هایی به صورت دستی انجام می‌شود که در صورت عدم رعایت بهداشت فردی و محیط، می‌تواند ســـلامت مصرف کنندگان نهایی را تحت تأثیر قرار دهد. هر نانوایی به طور متوسط و براساس آمار روزانه ۸۸۰ عدد نان تولید دارد که اگر فرض کنیم هر خانواده ۱۰ عدد نان را از نانوایی تهیه کند، افزون بر ۸۸ خانواده و بـــا در نظر گرفتن بُعد خانوار در ایران براســـاس سرشماری سال ۹۵ که برابر با ۳/۳ درصد است، افزون بر ۲۹۰ نفر در روز ازیک نانوایی‌استفاده می‌کنند که اگر در شـــرایط اپیدمی بیماری‌های غفونی همانند «کووید ۱۹» قرار بگیریم، هر نانوایی در روز در صورت عدم رعایت الزامات بهداشـــتی می‌تواند سلامت بیش از ۲۹۰ نفر را تهدید کند.

از مهم‌ترین وظایف و مسئولیت‌های کارشناسان بهداشـــت محیط در مورد نظـــارت بر مراکز تهیه و پخت نان و نانوایی‌ها می‌توان آموزش‌های بهداشـــتی، الزامات بهداشت فردی، محیط، تجهیزات و مواد اولیه را نـــام بـــرد که در صورت عدم رعایت آن‌ها، در هر کـــدام احتمال انتقال آلودگی به مصرف کنندگان نان وجود دارد، اما کارشناســـان بهداشت محیط براساس بازرسی‌های دقیق و مطابق با الزامات بهداشتی همراه با ارائه آموزش‌های چهره به چهره، نصب پوسترهای آموزشـــی، تذکرات بهداشتی و متصدیان و کارکنان نانوایی‌ها برای رعایت نکات بهداشت فردی، محیط و تجهیزات، محیطی سالم و امن را برای مردم پیاده‌سازی می‌کننـــد که در صورت عدم نظارت و رعایت موارد بهداشـــتی، وقتی در شرایط اپیدمی یک بیماری قرار می‌گیریم، می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری را در پی داشته باشد.

اهمیت نقش بهداشت محیط در کنترل بیماری‌های عفونی مانند «کووید ۱۹» و در یک مثال ســـاده مانند نانوایی‌ها، بسیار مشهود و غیر قابل چشم‌پوشی است؛ چرا که با کنترل محیطی می‌توان ضمن تامین سلامت حقیقی مردم و جامعه، با رعایت اصل پیشگیری مقدم بر درمان است، کمک بسیار زیادی را به بخش درمان ارائه داد تا از ورود بیماران به مراکز درمانی پیشگیری شود. در مثال ساده نقش کارشناسان بهداشت محیط در بهداشت نانوایی‌ها چنین برداشت می‌شود که با اقدامات مهم بهداشـــتی و با ارزش، می‌توان از بروز فاجعه‌ای بزرگ پیشگیری به عمل آورد که نتیجه زحمات سال‌ها تلاش و برنامه‌ریزی کارشناسان بهداشت محیط است که متأســـفانه این روزها کمتر شاهد انعکاس زحمات آنان در جامعه هستیم.

حسن شکوهمندی ـ کارشناس بهداشت محیط

درس هایی که ویروس کرونا به ما می آموزد

ابوعلی‌سینا دانشمند هزاره ایران می‌گوید هوش و ذکاوت نعمت خدادادی است که به بشر هدیه شده است که اگر با تلاش فراوان و در مسیر هدفمند به کار گرفته شود، سرمایه جاودان است. انســـان از بدو تولد تا مرگ با هزاران مشکل و مصیبت روبه‌رو می‌شود و با بهره‌گیری از آموخته‌های دینی و علمی و با همکاری جامعه و دولت درصدد رفع و دفع آنها بر می‌آید. حوادث طبیعی و غیرمترقبه همواره زندگی انســـان‌ها را تهدید می‌کند و ظهور ویروس کرونا و شدت شیوع و پراکنده‌شدن آن موضوعی است که یکبار دیگر آدمیان را به تکاپو واداشته است که از خود بپرسند در کجای عالم هســـتند؟ انسان‌ها برای نابودی هم موشک‌های قاره‌پیما و بمب اتم و سلاح‌های مرگبار می‌سازند، منابع طبیعی را نابود می‌کنند، از خرد جمعی دور می‌شـــوند که ثروت بیشتر به دست آورند، غافل از اینکه ظهور یک نوع ویروس بزرگترین کشـــور ســـرمایه‌داری دنیا را فلج می‌کند و اگر در این وضعیت کشورها به یاری هم نشتابند و موضع خصمانه و دشمنی بگیرند، چه وضعی پیش می‌آید؟ این ضعف و ناتوانی بشر مغرور است که باید بیدار شود و به عظمت پروردگار عالم پی ببرد و همراه با شیطان، برای گمراه‌کردن و چپاول بشریت تلاش نکند. پدیده شـــوم ویروس منحوس کُرونا خطرها و خاطره‌ها و عبرت‌های فراوانی به همراه دارد که باید هوشـــیاران عالم از آنها عبرت بگیرند و در مسیر حق گام بردارند.

عبرت‌های پدیده ویروس منحوس کرونا را اگر بررســـی کنیم، از آن جمله‌اند:

ـ ناتوانی و ضعف بشر در مقابل موجودی که به چشم دیده نمی‌شود، ولی هر لحظه زندگی و سلامت او را تهدید می‌کند! حال چه بســـا موجودات و پدیده‌هایی که دور و بر ما هســـتند و ما را احاطه کردند، ولی آن‌ها را نمی‌بینیم، و باید راه‌حل‌های شناخت آنها را پیدا کنیم.

– ســـنجش توان و قدرت یک دولت و میزان همکاری و تعاون و بسیج مردمی آن برای مبارزه با چنین پدیده‌هایی که ممکن است در آینده هم مشابه آن را ببینیم، چون وضع رهاشدن زباله‌ها در محیط‌های باز، تخریب محیط‌زیست و تغییرات اکوسیستم و نابودی گونه‌های گیاهی و جانوری که سپر حفاظتی کره زمین در مقابل امراض و بلاها است، زنگ خطری برای ما است که به هوش باشیم.طی دوران قرنطینه بسیاری از برنامه‌ها و مراسم تعطیل بوده‌اند که در مقابل ضررهایی که به جامعه رسانده، بسیاری از هزینه‌های زاید و تشریفاتی و تجملاتی و اسراف و تبذیرها را کاهش داده است که اگر با حساب و کتاب دقیق بررسی شود، سود این تعطیلی‌ها چه بسیار از زیان آن‌ها بیشتر است!

ـ طی ۲۰ ســـال گذشـــته با تبلیغات نادرست گردشگری، بســـیاری از اراضی طبیعی و کشاورزی در کشور به‌ویژه شمال به ویلا و باغ و قلیان سرا بدل شده‌اند و در عوض آلودگی‌های محیط‌زیست، زباله، ترافیک سنگین، رواج فرهنگ بدحجابی و ولنگاری و اسراف و تبذیر عاید مردمان شمال کشور شده است. در مدت تعطیلی و در خانه ماندن‌ها، زمین و دشت و جنگل و کوه نفس کشیدند و اکسیژن پاک تولید کرده‌اند و آلودگی هوا و آب کمتر شده است.

همچنین شلوغی جاده‌ها کمتر شده و تصادفات کاهش پیدا کرده اســـت، با این حال اگر آمار جان‌باختگان و صدمه‌دیدگان حوادث جاده‌ای را بررسی کنیم، طی سال‌ها و به ویژه ایام نوروز بیشتر از تلفات کرونا بوده است.

– در سطح دنیا ظهور ویروس کرونا، استعدادها و آمادگی‌ها و فرهنگ همکاری ملت‌ها و دولت ها را نشـــان داده اســـت. دولت‌هایی که سالانه برای کشتار مردم خاورمیانه میلیاردها دلار اسلحه می‌فروختند، بعد از جنگ جهانی دوم چنین غافلگیر و رسوا نشده‌اند و این کارزار جهانی شیوع ویروس کرونا است!

ذبیح الله بناگر ـ آمل

چرایی پیگیری آمریکا برای دریافت غرامت از چین

استاد حقوق بین‌الملل با بیان اینکه ادعای آمریکا برای دریافت غرامت از چین در رابطه با شیوع جهانی کرونا ویروس کاملا تبلیغاتی است، گفت: چنین مسئله‌ای به لحاظ حقوقی قابل اجرا نیست و آمریکا دستکم در بعد تبلیغاتی می‌خواهد چین را تضعیف کند.دکتر غلامرضا خواجی در گفتگو باسایت شورای راهبردی روابط خارجی با اشاره به اخبار منتشر شده در خصوص اینکه گروهی از وکلای آمریکا، پکن را به داشتن آگاهی قبلی از شیوع ویروس کرونا در خاک چین و مخفی کردن آن متهم کرده‌اند و در تلاش برای گرفتن غرامت چند میلیاردی از این کشور هستند، اظهارکرد: رئیس جمهور آمریکا از ابتدا در رابطه با شیوع این بیماری با مردمش صادق نبود و کاملا بی‌اعتنا با این مسائل برخورد کرد و حتی از مردم خواست بی‌توجه به همه هشدارها به کسب و کار خود بپردازند.

ادعایی تبلیغاتی

وی افزود: در شرایطی که آمریکا به لحاظ تلفات انسانی و خسارات مالی صدمات جدی متحمل شده است، طرح این دست مسائل باعث کاهش فشارهای داخلی می‌شود و خوراک تبلیغاتی به رسانه‌های داخلی می‌دهد که عنوان کنند این بیماری از جانب چین بوده و دولت آمریکا آن‌ها را تا زمان پرداخت خسارت رها نمی‌کند. این ادعاها کاملا تبلیغاتی است و با توجه به نزدیکی انتخابات ریاست جمهوری در این کشور، مصرف داخلی دارد.

عدم جرم‌انگاری موضوعاتی مانند کرونا

این عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد در عین حال با اشاره به ابعاد حقوقی طرح چنین ادعایی گفت: به لحاظ حقوقی وقتی فرد یا کشوری بخواهد دادخواست حقوقی را مطرح کند، ممکن است به دنبال شکایت کیفری باشد که در این صورت باید در دیوان بین‌المللی کیفری این مسئله را دنبال کند که در این دیوان برای این موضوعات جرم انگاری نشده است.خواجی ادامه داد: اگر هم بخواهد این کیفرخواست را در دادگاه‌های کیفری و داخلی خود مطرح کند باید عناصر جرم را پیدا و نیت مجرمانه را بررسی و ثابت کند، موضوعاتی که به لحاظ حقوقی و علمی غیرممکن است. بنابراین آمریکا با ارائه دادخواستی حقوقی، به دنبال این است که این مسئله را در دادگاه‌های داخلی خود به پیش ببرد که در این صورت باید محل حادثه و رابطه سببیت و عاملی را که باعث انتشار ویروس شده است، اثبات کند. این‌ها قابل اثبات نیست و اثباتش تقریبا ناممکن است. یعنی اگر هم بخواهد بر فرض، چنین دادخواستی را در دادگاه‌های خود آمریکا دنبال کند، پرونده بدون مستندات و تنها در حد پروژه تبلیغاتی خواهد بود.این استاد حقوق بین‌الملل با بیان اینکه هر کشوری می‌تواند از کشوری دیگر، در دادگاه‌های داخلی خود با تنظیم کیفرخواستی شکایت و تقاضای غرامت کند، اما اثبات و دلیل آوردنش کار ساده‌ای نیست، اضافه کرد: همین که طرح دعوایی شود، بار تبلیغاتی دارد. هر کشوری می‌تواند برای هر موضوعی دادخواستی بدهد، اما اینکه بخواهد در این موضوع به نتیجه برسد و رأی قانونی عادلانه‌ای صادر شود، تقریبا محال است.

غیر قابل اجرا بودن دریافت غرامت

خواجی با اشاره به پرونده تحقیقاتی ۱۵ صفحه‌ای از سوی ائتلاف اطلاعاتی موسوم به «پنج چشم» که نشان می‌داد چین به صورت عمدی اقدام به مخفی کردن یا از بین بردن شواهد مربوط به شیوع ویروس کرونا کرده و امکان اتکا به مستندات برای دریافت غرامت، گفت: چنین مسئله‌ای هم به لحاظ حقوقی قابل اجرا نیست. به هر حال سناریوهای زیادی درباره منشا و اهداف انتشار ویروس در سطوح مختلف مطرح شده است. این‌ها همه فرضیه است. برای هر پدیده‌ای هزاران فرضیه می‌توان مطرح کرد. مثلا درباره ایدز هم این فرضیه‌ها مطرح می‌شد در حالی که هنوز هم منشا آن بعد از سال‌ها مشخص نیست. این استاد دانشگاه تاکید کرد: روش آمریکایی‌ها تنها تبلیغاتی است و مبتنی بر هیچ سندی نیست. البته افکار عمومی دنیا هم به ویژه در این شرایط، تحت تاثیر این مسائل قرار می‌گیرد. همین که رئیس جمهور آمریکا از کرونا با عنوان «ویروس چینی» یاد می‌کند، آثار تبلیغاتی خود را دارد.

اهداف تبلیغاتی آمریکا

وی توضیح داد: آمریکا دست کم در بعد تبلیغاتی می‌خواهد چین را تضعیف کند، چینی‌ها هم وقتی متوجه شدند، اتهاماتی را متوجه آمریکایی‌ها کردند. اما این‌ها مسائلی نیست که بتوان به لحاظ حقوقی به آن‌ها استناد کرد. آن‌ها هیچ کدام ادله کافی برای اثبات این ادعاها ندارند. با این حال طرح آن، اثر تبلیغاتی خود را می‌گذارد که البته بستگی به این دارد که چینی‌ها چگونه به این فضاسازی‌ها پاسخ دهند.خواجی با بیان اینکه اگر هم بر فرض این ویروس آزمایشگاهی باشد، انتشارش می تواند تصادفی و غیر قابل پیش‌بینی باشد، گفت: اگر کشوری توانسته باشد چنین ویروسی را به این حد هوشمند تولید کند که دنیا را تا این اندازه تحت تاثیر قرار دهد، قطعا این زیرکی را دارد که با پنهان کاری ابعاد آن را بپوشاند .

رویکرد غلط آمریکا و تضعیف سازمان تجارت جهانی

سازمان تجارت جهانی سه کارکرد اصلی دارد: انجام مذاکرات، حل اختلافات و افزایش شفافیت و اطلاع‌رسانی. در حال حاضر هر سه عملکرد در معرض خطر قرار دارد. ویلیام الن رینش، در مقاله‌ای که مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل آمریکا(CSIS) منتشر کرد، نوشت: در جبهه مذاکرات، سازمان تجارت جهانی از زمان تشکیل تاکنون، یک مذاکرات چندجانبه را به خاتمه رسانده است– توافق تسهیل تجارت. مذاکرات دوحه از سال ۲۰۰۸ تاکنون روبه‌مرگ بوده است. آخرین تلاش برای یک توافق جامع در خصوص یارانه شیلات هم ظاهراً دچار مشکل است.درهرصورت تعویق برگزاری اجلاس وزیران که برای ماه ژوئن برنامه‌ریزی‌شده بود ممکن است درنهایت زمان بیشتری را برای رسیدن به یک توافق فراهم کند. روند حل اختلاف به دلیل وقفه در رکن استیناف دچار بی‌نظمی شده است. اعلامیه اخیر اتحادیه اروپا و ۱۵ کشور دیگر درباره یک جایگزین برای آن رکن باعث تردید درباره احتمال بازگشت آن، حتی باوجودی شده است که این اعلامیه به‌روشنی می‌گوید که قرار است این جایگزین موقت باشد .مقررات اطلاع‌رسانی نیز به همین شکل، نقض می‌شود. مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل(CSIS) بررسی مفصلی درباره این مسئله انجام داد که نشان داد ۴۸ درصد اعضای سازمان تجارت جهانی هیچ‌گونه یارانه‌ای را در سال ۲۰۱۷ اطلاع‌رسانی نکردند، درحالی‌که در سال ۱۹۹۵، یعنی سال آغاز به کار سازمان تجارت جهانی، ۲۵ درصد اعضا اطلاع‌رسانی نکرده بودند. حتی استدلال بعید یک کشور مبنی بر این‌که هیچ‌گونه یارانه‌ای نداشته و بنابراین چیزی برای اطلاع‌رسانی ندارد، نیز آن را از الزام گزارش دهی واقعیت به سازمان خلاص نمی‌کند.بنابراین نظم در حال نقض شدن است و روشن است که آمریکا با وجود استدلالش مبنی بر این‌که در تلاش است اوضاع را سامان دهد، به‌جای بهتر کردن اوضاع را بدتر می‌کند. موضوع در اینجا یک‌بار دیگر همان‌طور که اغلب در این دولت رخ می‌دهد، تشخیص درست و تجویز غلط است. انتقادات دولت از رکن استیناف درست است و توافق زیادی از سوی دیگر کشورها درباره قصورات این رکن وجود دارد، اگرچه به‌وضوح اجماعی در خصوص چگونگی رفع آن وجود ندارد. به همین ترتیب، تمرکز دولت بر قصور دیگر کشورها برای اطلاع‌رسانی یا قصور در اطلاع‌رسانی دقیق و کامل درست است. دولت آمریکا به سبب شناسایی مشکلات و جلب توجهات به آن‌ها، مستحق اعتبار است؛ این اتفاقی است که اگر آمریکا مشتش را روی میز نمی‌کوبید، رخ نمی‌داد. درهرصورت کوبیدن روی میز کار زیادی نیست. وقتی توجهات را جلب می‌کنید باید برای ایجاد اجماع از دیپلماسی استفاده شود و ما تمایل اندکی به این بخش نشان داده‌ایم؛ اگرچه رویکرد ما در این دو قضیه متفاوت بوده است .در خصوص مسائل مربوط به رکن استیناف، دولت هیچ پیشنهاد سازنده‌ای ارائه نکرده و از آن‌هایی که پیشنهادهایی داده‌اند، نیز انتقاد کرده است. استدلال آن‌ها این است که بسیاری از کشورها دیدگاهی اساساً متفاوت با هدف سازمان تجارت جهانی دارند و تا وقتی همه مثل ما فکر نکنند، دلیلی برای مذاکرات وجود ندارد. درست است که کشورها به لحاظ فلسفی در خصوص چگونگی فعالیت رکن استیناف اختلاف‌نظر دارند اما مذاکرات درباره فلسفه به‌ندرت پایان خوشی داشته‌اند. اغلب می‌توانید دیگران را مجبور کنید کاری را که می‌خواهید انجام دهند اما واداشتن آن‌ها به اندیشیدن به شکلی که شما می‌خواهید موضوع دیگری است. در عوض ما باید با پیشنهادهای متعددی که روی میز قرار دارد، تعامل برقرار کنیم و بکوشیم درباره نتیجه‌ای مذاکره کنیم که بیشتر چیزی را که می‌خواهیم به ما می‌دهد.قصور ما در انجام این کار باعث شده است اتحادیه اروپا و ۱۵ کشور دیگر روند استینافی جایگزین خودشان را برقرار کنند که ما را لحاظ نمی‌کند. این دولت بدون شک به این‌که پشت سر مانده اهمیتی نمی‌دهد، اما دولت بعدی به آن اهمیت خواهد داد زیرا این به معنای کوبیدن میخ دیگری به تابوت رهبری جهان توسط آمریکا است. سازمان تجارت جهانی بدون ما در حال حرکت است و هر چه کشورهای بیشتری به آن عادت کنند، توان ما برای اثرگذاری بر نتایج کاهش می‌یابد.در قضیه اخیری که ما به کانادا باختیم آمریکا پایش را بر زمین کوبید و گفت که ما نباید به آن پایبند باشیم زیرا اعضای رکن استیناف قوانین را نقض کرده‌اند. دولت‌های قبل بر مشروعیت سازمان تجارت جهانی تأکید می‌کردند و به نتایج احترام می‌گذاشتند. دولت آمریکا تصمیم گرفته است سازمان تجارت جهانی را تضعیف کند، اقدامی که در آینده به‌احتمال‌زیاد در مسئله اطلاع‌رسانی آزاردهنده خواهد بود. ما در این زمینه مسئولانه‌تر بوده و پیشنهادهای سازنده‌ای را ارائه کرده‌ایم؛ اما با توجه به این‌که بیشتر دوستان بالقوه خود را بیگانه و این سازمان را تحقیر کرده‌ایم، احتمالاً کشورهای دیگری را پیدا نمی‌کنیم که با ما در یک صف قرار گیرند.درنهایت، ممکن است متوجه شده باشید که حرفی درباره نقش آمریکا در مذاکرات چندجانبه نزدم. داستان مربوط به آن هنوز نوشته‌نشده است. فقط یک مذاکرات حقیقتاً چندجانبه وجود دارد – در خصوص یارانه شیلات – که در حال حاضر در حال انجام است و ما ظاهراً تاکنون در آنجا نقشی سازنده را ایفا کرده‌ایم. این‌که در آنجا با توجه به دیگر اقداماتمان اعتباری داشته باشیم یا نه را باید منتظر ماند و دید اما باید همگی امیدوار باشیم که این دولت انرژی خود را بر تلاش برای رساندن گفتگوها به نتیجه‌ای موفق متمرکز کند نه برای تضعیف دیگر کارهای سازمان تجارت جهانی.

پساکرونا و چشم‌انداز اقتصاد بین‌الملل

استاد اقتصاد سیاسی با اشاره به پیامدهای اقتصادی همه‌گیری کرونا برای اقتصاد بین‌الملل، گفت: دوران پسا کرونا دورانی نیست که بر محوریت اروپا و آمریکا استوار باشد و در آینده نزدیک شاهد خواهیم بود که قدرت‌های آسیایی با قدرت و سرعت بیشتری فرآیند توسعه‌ای و قدرت اقتصادی خود را در عرصه بین‌المللی افزایش خواهند داد.دکتر علیرضا سلطانی در گفتگو با سایت شورای راهبردی روابط خارجی با بیان اینکه هم شیوع کرونا ریشه در ماهیت تحولات اقتصاد جهانی دارد و هم گسترش این پدیده تاثیرات زیادی بر اقتصاد جهانی داشت، مناسبات اقتصاد بین‌المللی بعد از روی کار آمدن ترامپ را همراه با نوعی رقابت خشن با رویکرد حمایت گری دانست که موجب نوعی توقف و ترمز بر سر حرکت اقتصاد جهانی شد.وی با اشاره به جنگ اقتصادی آمریکا با سایر کشورها و سیاست اعمال تحریم افزود: گر چه هنوز به صورت دقیق و مشخصی نمی‌توان سندی ارائه کرد که نشان دهد شیوع کرونا ریشه در این جنگ اقتصادی میان ابرقدرت‌های اقتصادی دارد، اما با ظهور و بروز این پدیده، آمریکا زیان اقتصادی سنگینی را تجربه کرد.این استاد دانشگاه با بیان اینکه گرچه جنگ اقتصادی که آمریکا با دنیا آغاز کرد در کوتاه مدت به نفع اقتصاد آمریکا بود، اما در ادامه با تغییر قواعد بازی همه دستاوردهای اقتصادی ترامپ از بین رفت، تأکید کرد: کرونا بعد از جنگ جهانی دوم بیشترین تاثیر منفی را بر اقتصاد جهانی داشته است.وی در عین حال گسترش ملی‌گرایی را در سه چهار ماه گذشته باعث مشغول شدن دولتها و ملتها به امور داخلی خود عنوان کرد که به نوعی فضای بین‌المللی را به لحاظ سیاسی – امنیتی دچار آرامش نسبی کرده است و گفت: آثار شدید اقتصادی ناشی از کرونا در آینده قابل رفع است و کشورها و فعالان اقتصادی در بازه زمانی شش ماهه با رویکردی متفاوت دوباره وارد فضای فعالیت خود خواهند شد و سعی می‌کنند زیان‌های حاصل شده را جبران کنند.سلطانی خاطرنشان کرد: البته پدیده جبران در بردارنده آثار مختلفی در رفتارهای بنگاه‌های اقتصادی و دولت‌ها در عرصه اقتصادی خواهد بود که لزوما نمی‌تواند منفی باشد و باید به آن به عنوان یک فرصت برای گذار از دوران اپیدمی شدید کرونا نگاه کرد.

کرونا و چشم‌انداز همکاری‌های بین‌المللی آینده

این استاد دانشگاه با تأکید بر اینکه کرونا پدیده‌ای نیست که به زودی دست از سر کشورها و دولت‌ها بردارد، اضافه کرد: این پدیده تمرینی برای اقتصاد جهانی و فعالان آن برای مواجه با پدیده‌هایی از این دست در آینده بود که به این نتیجه برسند لازمه مواجهه با این مخاطرات همکاری میان کشورها است و برای چالش‌هایی از این دست در آینده نمی‌توان صرفا از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های یک ملت و یک دولت بهره برد؛ بنابراین مناسبات اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی باید بازتعریف شود و به نظر می‌رسد رقابت‌های اقتصادی و سیاسی که ماهیت حذفی خواهد داشت، در آینده کاهش پیدا می‌کند تا کشورها بتوانند با پرداخت هزینه کمتر و با هماهنگی و همکاری بیشتر به رویارویی با مخاطرات و پدیده‌های ناشناخته آینده بروند.

پایان ظرفیت‌های توسعه‌ای آمریکا و اروپا

این استاد اقتصاد سیاسی با اشاره به تبعات همه‌گیری کرونا بر قدرت جهانی آمریکا و برخی تحلیل‌ها در خصوص افول آمریکا تصریح کرد: البته این برداشت را که ایالات متحده رو به افول گذاشته، به معنای کوچک و ضعیف شدن آن به نسبت گذشته خود نمی‌بینم. در واقع آمریکا از چند دهه گذشته به این سو سرعت رشدش پایین آمده؛ اما این مسئله در این کشور و سایر کشورهای توسعه یافته نه ناشی از کم کاری است، بلکه ناشی از پایان یافتن ظرفیت‌های توسعه‌ای در این کشورهاست.وی توضیح داد: همان اتفاقی که در قرن بیستم برای اروپا افتاد؛ اروپایی که در قرن نوزدهم پیشرو بود در قرن بیستم تحت تاثیر رشد قابل توجه آمریکا دچار نوعی توقف شد. به این دلیل که ظرفیت‌های توسعه‌ای‌اش در قرن نوزدهم شکوفا شده بود. ایالات متحده هم در حال چنین تجربه‌ای است؛ اما در قرن بیستم قدرت‌های جدیدی وارد بازی شدند، همان بازی‌ای که نظام سرمایه داری ایجاد کرده است.سلطانی سرعت رشد اقتصادی را در مناطقی مانند آسیا خیلی بیشتر ارزیابی کرد و گفت: در نتیجه کشورهایی مانند چین و هند در آینده ممکن است به لحاظ اقتصادی آمریکا را پشت سر بگذارند. البته سیاست‌های ترامپ این مسئله را تشدید و کرونا به نوعی آن را تثبیت کرد. تحولاتی که در سه قرن گذشته رخ داده و مدام قدرت‌های اقتصادی در حال تغییر هستند؛ ناشی از الزامات نظام سرمایه‌داری است. این نظام به دنبال مناطقی می‌گردد که دارای ظرفیت توسعه‌ای و رشد باشند و در حال حاضر این مناطق خارج از آمریکا و اروپا هستند و در آسیا یا آمریکای لاتین و حتی در آینده نزدیک در آفریقا و خاورمیانه متجلی خواهند شد.

کرونا و تثبیت بازیگری قدرت‌های آسیایی

این کارشناس مسائل اقتصاد سیاسی با بیان اینکه کرونا به نوعی بازیگری آسیا و محوریت قدرت‌های آسیایی را در عرصه معادلات بین‌المللی تثبیت کرد و آسیب پذیری اروپا و آمریکا را به نوعی نشان داد، ادامه داد: این شرایط فرصتی برای قدرت‌های نوظهور به خصوص در آسیا است که بتوانند قوی‌تر و با انگیزه‌تر در فرآیندی که از دو دهه گذشته به ستون‌های اصلی اقتصاد جهانی تبدیل شده، به تلاش خود ادامه دهند. وی با یادآوری اینکه دوران پسا کرونا دورانی نیست که بر محوریت اروپا و آمریکا استوار باشد، اضافه کرد: این یک واقعیت است که اروپا و آمریکا جزء قدرت‌های تثبیت شده اقتصاد جهانی هستند و متناسب با ظرفیت‌ها و توانمندیشان نقش خود را در معادلات اقتصاد جهانی ایفا خواهند کرد، اما پویایی اقتصاد جهانی در اروپا و آمریکا بروز پیدا نمی‌کند. ظرفیت‌های توسعه‌ای اروپا به نوعی محدود است و قطعا نمی‌تواند در زمره قدرت‌های جریان‌ساز در آینده سیاسی – اقتصادی و حتی سیاسی بین‌المللی باشد. سلطانی گفت: امروز فارغ از چین، هند، ژاپن و کره که قدرتهای تثبیت شده اقتصادی هستند، قدرت‌های نوظهور کوچکی مانند حتی ویتنام، کامبوج، لائوس، فیلیپین و کشورهایی از این دست در آسیا در حال رویش هستند و احتمالا می‌توانند در آینده روندهای توسعه‌ای آسیا را تحت تاثیر خودشان قرار دهند. در آینده باید از این کشورهای کوچک حتی کشوری مانند برمه و بنگلادش نیز زیاد بشنویم که در حال تولید ثروت، توسعه و رشد اقتصادی هستند .این استاد دانشگاه درعین حال افزود: کشورهای آسیای غربی و منطقه خلیج فارس به دلیل همان چالش‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی هنوز آمادگی ورود به این عرصه را ندارند. ممکن است در میان‌مدت ما شاهد تحول در حوزه آسیای غربی هم باشیم، اما حتی اگر خود آسیای غربی و خاورمیانه هم نخواهد، خود به خود کشورهای آسیا این منطقه را درگیر تحولات اقتصادی و طرح‌های صنعتی خواهند کرد.

کرونا و انقلابی در حوزه‌های انسانی

سلطانی همچنین در ادامه شیوع جهانی کرونا و تحولات ناشی از آن را عاملی مهم در انقلاب‌های صنعتی برشمرد و اضافه کرد: ما تا کنون شاهد چهار موج انقلاب صنعتی بوده ایم. موج چهارم انقلاب، دستکم در یک دهه اخیر به قول آقای «کلاوس شواب»، اقتصاددان آلمانی و رئیس مجمع جهانی اقتصاد، موجی است که گر چه بر بنیادهای انقلاب دیجیتال استوار است، اما طیفی از فناوری‌های نوین و جهان‌های فیزیکی، دیجیتال و بیولوژیک را در هم ادغام می‌کند و بر همه حوزه‌های علمی، اقتصادی و صنعتی تاثیر می‌گذارد .وی گفت: موجی که در آن شاهد افزایش رقابت، اشتغال، بهره وری، درآمد و بهینه سازی فرآیندهای تولید و توسعه فناوری‌های جهانی هستیم. انقلابی که با مبنای هوش مصنوعی و یا انقلاب هوشمند از آن یاد می‌کنند و عناصری مانند نانو تکنولوژی و پردازش‌های کوانتومی و زیست فناوری و بسیاری دیگر از این عناصر را در برمی‌گیرد. این استاد دانشگاه با طرح این پرسش که آیا با ظهور کرونا شاهد انقلاب جدیدی با عنوان «انقلاب پنجم» هستیم یا اینکه کرونا را باید عاملی برای تثبیت انقلاب صنعتی چهارم در نظر بگیریم؟ افزود: حداقل می‌توان اینگونه ارزیابی کرد که کرونا باعث تسریع در نهادینه شدن فرآیندها و روندهای انقلاب صنعتی چهارم شده است، اما معتقدم این مسئله محدود به انقلاب صنعتی چهارم نخواهد شد و ما باید شاهد رویش انقلاب پنجمی باشیم؛ انقلابی که الزاما در حوزه صنعتی به صورت مستقیم ظهور و بروز پیدا نمی‌کند، بلکه در ساختار اقتصادی و صنعتی شکل می‌گیرد و به نوعی فناوری‌های صنعتی را توسعه می‌دهد و در نتیجه آن انسان به پیشرفت‌های غیرقابل باوری خواهد رسید؛ اما این پیشرفت‌ها در ادامه انقلاب صنعتی چهارم است. سلطانی گفت: انقلاب صنعتی پنجم را باید انقلابی در خارج از حوزه صنعت و در حوزه انسانی تلقی کنیم، انقلابی که مناسبات و رفتارهای انسانی را تغییر می‌دهد و به تبع آن رفتارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را دچار تغییر و تحولات جدی می‌کند. در کنار این باید شاهد تغییر مناسبات میان دولت‌ها و ملت‌ها باشیم و ماهیت رقابت‌ها و همکاری‌ها در عرصه بین‌المللی را در مرحله تغییر قلمداد کنیم.



نامه

خانواده بهار: همچنان منتظر پاسخ هستیم

سردبیر محترم روزنامه اطلاعات

نامه بانو سحر قدیمی را در روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۱ خرداد۱۳۹۹، خواندم. می‌دانید که همسر ارجمندشان مرحوم بالازاده را بی‌خبر و بدون رضایت خانواده بهار در مزار مرحوم ملک مهرداد بهار، در قطعه هنرمندان واقع در بهشت زهرای تهران، به خاک سپرده‌اند. با ادای احترام به یاد و خاطره زنده‌یاد بالازاده به دو سه نکته در ذیل اشاره‌ای کوتاه می‌کنم.

در غروب جمعه ۹ خرداد ۹۹، پس از مشاهده مزار دگرگون شده ملک مهرداد بهار، به بانو قدیمی تلفن کردم. از گذشته می‌دانستم که امیر کاووس بالازاده شاگرد دایی مهرداد بوده، گفتگویش با بهار را خوانده بودم و نیز کتاب «مهر و داد و بهار» که پس از مرگ استادش منتشر کرده بود. هرگز او را «گمنام» خطاب نکرده‌ایم. روحش شاد باد، ولی موضوع گفتگو در اصل چیز دیگری است که به آن اشاره نشده.

مادرم، بانو چهرزاد بهار و من، پس از تسلیت درگذشت همسرشان، خواستار توضیح درباره اقدام، بدون اطلاع خانواده بهار، شدیم. به آگاهی بانو قدیمی رساندم که پیرو سند مالکیت صادره از دفتر مرکزی بهشت‌زهرا در تاریخ آبان ۷۳ در این قطعه فقط وابستگان سببی و نسبی مرحوم بهار را می‌توان دفن کرد و اقدام ایشان بدون آگاهی خانواده بهار و رضایت همسر و فرزندان ایشان بوده است. توضیحات بانو قدیمی، به گمانم روشن‌گر نبود. پس به اطلاع ایشان رساندم که با وزارت ارشاد اسلامی و شورای اسلامی شهر تهران و مدیریت بهشت‌زهرا، برای بازگشت حقوق از دست‌رفته خانواده بهار، نامه‌نگاری خواهیم کرد. پیرو سند مالکیت محل مزار، در این محل، جز وابستگان نزدیک مرحوم بهار، دفن کسی دیگر جایز نیست. ایشان علاوه بر این، با بانو دکتر زهره سرمد، همسر مهرداد بهار و فرزندان ایشان آقای مهندس کاوه بهار و خانم فرغانه بهار و آقای میلاد بهار در این مورد هرگز مذاکره‌ای نکرده‌اند.

تاکنون خانواده بهار در نامه‌نگاری با وزارت ارشاد اسلامی، شورای اسلامی شهر تهران و مدیران بهشت‌زهرا، درباره زیرپاگذاشتن حقوق خانواده بهار ضمایم پنج‌گانه زیر را تقدیم کرده و در انتظار پاسخ مستدل از جانب ایشان هستند:

الف ـ نامه آقای مهندس کاوه بهار، فرزند ارشد زنده‌یاد دکتر مهرداد بهار، به نمایندگی از جانب بانو دکتر زهره سرمد، همسر مرحوم بهار و نیز خانم فرغانه بهار و آقای میلاد بهار دو فرزند دیگر آن مرحوم، به همراه امضای ایشان برای بازگشت حقوق از دست‌رفته‌شان.

ب ـ نامه به امضا بانو چهرزاد بهار «خواهر مهرداد بهار» در شرح آن‌چه بدون رضایت و آگاهی خانواده بهار رخ داده است.

پ ـ سند رسمی و معتبر مقبره محل تدفین مهرداد بهار، صادر شده در آبان ۱۳۷۳، در دفتر مرکزی بهشت‌زهرا، با قید این نکته که در این مزار فقط وابستگان سببی و نسبی مرحوم بهار را می‌توان دفن کرد.

ت ـ تصویر سنگ مزار اصلی متعلق به مرحوم بهار که بی‌خبر و بدون اطلاع خانواده بهار برداشته‌اند.

ث ـ تصویر سنگ جدیدی که بدون آگاهی خانواده بهار کار گذاشته‌اند.

با تقدیم احترام
افشین معاصر
تهران ـ ۱۲ خرداد ۹۹

روزنامه اطلاعات ضمن احترام به خانواده بزرگ استاد ملک‌الشعراء بهار و فرزندان عالم و نیکنام ایشان و نیز با احترام به خانواده فرهیخته مرحوم بالازاده، بر خود لازم دانست طبق رسالت رسانه‌ای خویش، دلنوشته‌ها و دادخواهی‌های مکتوب طرفین این پیشامد را (خاکسپاری مرحوم بالازاده در مقبره مرحوم ملک مهرداد بهار) چاپ کند تا مسؤولان امر در وزارت ارشاد، شورای شهر و سازمان بهشت‌زهرا علاوه بر شفاف‌سازی دراین‌باره و نیز با تبیین قوانین پیشگیرانه، موجبات تکریم مقام بزرگان و نام‌آوران این سرزمین را همچون گذشته فراهم آورند.

رئیس قوه قضائیه: برخورد با عامل قتل دختر ۱۳ ساله عبرت‌آموز خواهد بود

سرویس خبر:رئیس قوه قضائیه با اشاره به ماجرای قتل دختر ۱۳ساله گیلانی، تاکید کرد: برخورد دستگاه قضا با عامل این جنایت عبرت‌آموز خواهد بود.

آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی در جلسه شورای عالی قوه قضائیه با اشاره به ماجرای این قتل، از مراکز علمی و دانشگاهی خواست که به آسیب شناسی مسائل اجتماعی بپردازند تا ریشه و علل و عوامل چنین جنایات هولناکی که احساسات عمومی را جریحه‌دار می‌کند، مورد بررسی قرار گیرند.

وی یکی از علل و عوامل اصلی حوادث و جنایاتی نابخشودنی همچون حادثه گیلان را دوری از اخلاق و معنویت دانست و گفت: عدالت در توزیع ظرفیت‌ها، تأمین معیشت مردم و توجه به اخلاق و معنویت در جامعه از مهم‌ترین اصول کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی و اقتصادی است که باید بیش از همه مورد توجه مسئولان اجرایی قرار گیرد.

رئیس قوه قضائیه همچنین اجرای قانون را شاخص عدالت در جامعه اعلام کرد و با تأکید بر تلاش مؤثر برای رسیدن به جامعه عادل گفت: قانون گریزی ضد ارزش است و هیچ کس در هیچ جایگاهی نباید به خود اجازه دهد قانون را دور بزند یا از آن تخطی کند.

رئیسی با بیان این‌که اجرای قانون باید عادلانه، به دور از تبعیض و مبتنی بر اولویت‌ها باشد، افزود: اگر در اجرای عدالت اولویت ها در نظر گرفته نشود، به جای برخورد با قاچاق سازمان یافته با کولبران برخورد می شود و به‌جای تخریب ساختمان‌های مجلل و شبه‌کاخ‌هایی که به طورغیرمجاز و غیرقانونی ساخته می شوند، با آلونک‌ها برخورد می‌شود که این رویه اصلاً درست نیست.

رئیس قوه قضائیه ادامه داد: شهرداری‌ها و دستگاه هایی مانند جهاد کشاورزی باید در اجرای قانون و برخورد با تخلفات با کسانی که با پول و ثروت هنگفت در مناطق خوش آب و هوا به طور غیرمجاز ساخت و ساز می کنند برخورد کنند؛ در برخورد با قاچاق هم اگر با دانه‌درشت ها و قاچاق سازمان یافته برخورد قاطع شود، موارد کوچک و جزیی هم تمام می‌شود.

آمادگی برای تعامل با مجلس جدید

رئیسی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به آغاز به کار مجلس یازدهم و منشور رهبر معظم انقلاب برای ترسیم نقشه راه نمایندگان جدید ملت، توجه به اقتصاد و فرهنگ را از مهم‌ترین محورهای این منشور دانست و بر تعامل دستگاه قضایی با قوه مقننه در پیشبرد اهداف و برنامه‌های نهاد قانونگذاری در این دو حوزه تأکید کرد.

رئیس قوه قضائیه با اشاره به لزوم برخورد قاطع با متجاسران به قانون و تهدیدکنندگان نظم و امنیت، تاکید کرد : همکاری قوای سه گانه در کشور می‌تواند



در گسترش عدالت و احساس امنیت از سوی مردم نقش اساسی داشته باشد.ضابطان قضایی و همکاران ما در دستگاه قضا به هیچ عنوان نباید با کسانی که با سرقت های حرفه‌ای و اقداماتی مانند کیف قاپی زندگی مردم و امنیت روانی آنها را به خطر می‌اندازند، کوچک ترین مسامحه و مماشات کنند و با این افراد باید قاطعانه برخورد کرد .

وی در بخش پایانی سخنانش به اعتراضات مردمی در ۲۷شهر آمریکا پس از قتل ناجوانمردانه یک شهروند رنگین پوست به دست پلیس این کشور اشاره کرد و آن را فریاد بلند مردمی دانست که سال‌هاست حقوقشان زیر سایه نژادپرستی نظام استکباری آمریکا و دیگر کشورهای غربی نادیده گرفته شده است.

گزارش سازمان بازرسی درباره غیزانیه

در این جلسه حجت‌الاسلام و المسلمین درویشیان رئیس سازمان بازرسی کل کشور با ارائه گزارشی درباره حوادث اخیر و اعتراضات مردم در غیزانیه استان خوزستان گفت: طرح آبرسانی به منطقه غیزانیه در سال ۹۴تصویب و اعتبار آن از محل صندوق توسعه ملی در نظر گرفته شده و این پروژه تاکنون ۹۰درصد هم پیشرفت فیزیکی داشته است، ولی در به ثمر نرسیدن آن شاهد کوتاهی هایی بوده‌ایم در حالی که این پروژه به مراتب زودتر از این قابل اتمام بود .البته مشابه این مسأله، موارد دیگری هم در استان خوزستان وجود دارد که بازرسی استان موظف به پیگیری و ارائه گزارش درباره آنها شده است.

رئیس قوه قضائیه در واکنش به این گزارش موارد مطرح شده را قابل توجه دانست و گفت: در موضوع خوزستان اگر دستگاه های مربوطه به‌موقع اقدام می‌کردند، کار به اعتراضات نمی‌کشید و ما نباید نسبت به این کوتاهی ها و قصور و تقصیرها بی‌تفاوت باشیم.

همچنین دکتر جهانگیر رئیس سازمان زندان‌ها با اشاره به درگذشت سه نفر از همکاران این سازمان در زندان های کشور بر اثر ابتلا به بیماری کرونا، خواستار معرفی این افراد به عنوان «شهید خدمت» شد که رئیسی در واکنش به این درخواست، گفت: حتماً لازم است این موضوع در ستاد ملی مبارزه با کرونا طرح و تأئید شود چرا که این عزیزان هنگام خدمت با ازخودگذشتگی خود را در معرض ابتلا به کرونا قرار داند تا زندانیان به این بیماری مبتلا نشوند.

تأمین نیاز مسکن همکاران قضایی در زمین غیرقانونی ممنوع است

رئیس قوه قضائیه همچنین در واکنش به گزارش یکی از مسئولان عالی قضایی کشور درباره استقبال مردم از ورود دستگاه قضایی به تصرّفات غیرمجاز افراد و دستگاه ها در اراضی ملی ،ادامه داد: این مسأله درباره همکاران ما در قوه قضائیه هم صدق می‌کند. مسئولان استان‌ها باید به شدت مراقبت کنند که برای تأمین مسکن و نیاز کارکنان و قضات، مسیرهای کاملاً قانونی طی شود، چرا که سوءاستفاده از جایگاه و موقعیت‌های شغلی به قیمت آبروی دادگستری تمام می‌شود. ما با تامین نیاز موافقیم، اما نه به قیمت آبروی دادگستری . رهبر معظم انقلاب هم فرمودند حتی نباید مسجد و مدارس علمیه در زمین غیرقانونی ساخته شود.

بنا به این گزارش رئیسی در این جلسه با گرامیداشت سی و یکمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، صیانت از خط امام و مکتب سیاسی ایشان را وظیفه‌ای همگانی دانست و تأکید کرد: امروز ابعاد فکری امام راحل در اندیشه و سیره عملی رهبر معظم انقلاب بروز و ظهور دارد و زندگی و مواضع ایشان تفسیر و تبیین بارز خط امام است.

رئیس قوه قضائیه، خداباوری، خودباوری و مردم باوری را اساس و مبنای خط امام اعلام کرد و افزود: امام (ره) مردم را با همه وجود باور داشتند و اعتماد به نفس را در میان آحاد ملت افزایش دادند و از این ظرفیت عظیم انسانی در گسترش معروفات و نهی از منکرات، زشتی‌ها و پلشتی ها بهره می‌بردند.

وی ادامه داد: خط و مکتب سیاسی امام (ره) دنبال ایجاد جامعه مبتنی بر عقلانیت، معنویت، عدالت و اخلاق بود و آن حضرت در همه برنامه‌هایشان به ویژه در تدوین قانون اساسی و طراحی ساختارهای برآمده از آن تلاش داشتند که جامعه ای عدالت‌محور، معنویت‌گرا و اخلاقی شکل گیرد.

شهردار تهران: آتش نشانی برای بحران های احتمالی باید برنامه ریزی کند

سرویس حوادث: شهردار تهران در آیین قدردانی از آتش نشانان ، از سازمان آتش نشانی خواست برای بحران‌های احتمالی آینده از اکنون برنامه ریزی و نقاط حادثه خیز در شرایط بحرانی را پیش از وقوع، شناسایی و سناریوهای مقابله با آنها را بررسی کند.

پیروز حناچی با قدردانی از آتش نشانان به دلیل تلاش شبانه روزی که در روزهای شیوع کرونا داشتند، افزود: شهرداری تهران در حوزه خدمات شهری از نگاه مردم نمره قبولی به دست آورده است و نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد اعتماد عمومی در جایی که به مردم خدمات داده می‌شود و هزینه‌ای در مقابل از آنها دریافت نمی‌شود، افزایش می‌یابد. برای نمونه خدمات رسانی آتش نشانی که در حوزه خدمات شهری است، سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کند و همه باید قدر این سرمایه اجتماعی را بدانند.

وی ادامه داد: سازمان آتش نشانی یک سازمان قابل اعتماد در شرایط بحرانی است که در کنار سایر نهادهای زیرمجموعه شهرداری به دلیل عملکرد مثبتی که داشته استف برای نمونه در مناطق سیل زده، مورد قدردانی قرار گرفته است. از جمله این که در آن مقطع امام جمعه آق قلا و اعضای شورای شهر آن به دفتر شهرداری تهران برای تشکر آمدند.

حناچی با یادآوری خواسته اش از سازمان آتش نشانی برای برنامه ریزی در بحران‌های احتمالی آینده ، گفت: شهرداری سازمان منظمی است و می‌تواند نقاط حادثه خیز در شرایط بحرانی را پیش از وقوع، شناسایی و سناریوهای مقابله با بحران را بررسی کند. مثلا در تهران وقتی باران شدید می‌بارد برخی نقاط مثل میدان آزادی با آبگرفتگی مواجه است، حل اساسی مشکل این نقاط نیاز به اصلاح زیرساخت‌ها دارد، اما می‌توان طوری برنامه ریزی کرد که در مواقعی مانند بارش شدید همه تمهیدات برای کاهش مشکلات این معابر از قبل آنجا وجود داشته باشد. اتفاقی که با بارش بهاری امسال در میدان هفت تیر افتاد اگر خوب مدیریت نمی‌شد ممکن بود به فاجعه منجر شود یا تونل امیرکبیر به دلیل قرار گرفتن در مسیر آبی که از بزرگراه امام علی (ع) جاری است با آبگرفتگی مواجه می‌شود و شهرداری باید نسبت به آن شرایط آمادگی داشته باشد. این وظیفه بر عهده سازمان آتش نشانی و سازمان مدیریت بحران شهر تهران است.

حناچی همچنین یاد شهیدان آتش نشانی را گرامی داشت و گفت: جای این عزیزان خالی است و بخش عمده‌ای از سرمایه‌های اجتماعی آتش نشانی مربوط به خدمت صادقانه و جانفشانی‌های آنها است.

مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران هم دراین مراسم با ارائه گزارشی گفت: آتش نشانان تهرانی ۴دقیقه‌ای به محل حادثه می‌رسند.

مهدی داوری افزود: آتش نشانی تهران هم اکنون ۱۳۰ایستگاه آتش نشانی و ۵۱۹۹ نفر کارمند دارد که به جز ۲۵۰نفر همگی عملیاتی هستند.در سال گذشته ما ۷۱هزار و ۷۵۱مورد عملیات انجام دادیم و میانگین رسیدن به محل حادثه ۴ دقیقه و ۱۹ثانیه است که بهتر از میانگین جهانی است و با توجه به ترافیک تهران قابل قبول است.

مهار چند باره آتش سوزی در «خائیز»

سرویس خبر: معاون سیاسی و امنیتی استاندار کهگیلویه و بویراحمد گفت: آتش سوزی منطقه حفاظت شده خائیز در شهرستان کهگیلویه کنترل و مهار شده و در مرحله پایش است.

احد جمالی با بیان این که آتش سوزی در این منطقه پس از چهار روز متوالی، بامداد دیروز کنترل و مهار شد،ادامه داد: این آتش سوزی با تلاش همه جانبه و شبانه روزی نیروهای مردمی، سپاه، ارتش، بسیج، محیط زیست، منابع طبیعی و دیگر دستگاه ها و ادارات کنترل و مهار شد.

وی ادامه داد: در این آتش سوزی بخش های زیادی از مراتع، جنگل ها و گونه هایی از پرندگان، خزندگان، جوندگان و دیگر جانداران دچار خسارت شدند. وی ادامه داد: هر چند با وجود گرما و باد شدید و وجود کنده های نیم سوخته احتمال بازگشت آتش وجود دارد، ولی این موضوع باید طی دوروز آینده مدیریت شود که در این باره گروه هایی از نیروها همچنان در منطقه برای مقابله با شعله ور شدن مجدد حضور دارند.

سید اسد الله هاشمی مدیرکل حفاظت محیط زیست استان کهگیلویه و بویراحمد هم در گفتگو با ایسنا گفت: آتش سوزی فعلا مهار شده است اما نیروهای مختلف و مردمی همچنان برای پایش و کنترل دقیق منطقه حضور دارند.

بنا به این گزارش دو روز قبل هم با اقدامات انجام گرفته، حریق مهار شده بود ولی درپی وزش باد، شعله های آتش از میان خاکسترها زبانه کشید ولی این دفعه مسئولان امیدوارند با پایش لحظه ای محل، کنترل اوضاع را در دست گیرند و اجازه شعله ورشدن مجدد آتش را ندهند تا به این ترتیب و با اطفای حریق، از ادامه روند نابودی جنگل های زاگرس جلوگیری شود.

نقص فنی سبب بازگشت پرواز اهواز- تهران شد

سرویس حوادث: نقص فنی در هواپیمای پرواز اهواز- تهران ، سبب بازگشت مسافران به اهواز شد.

به گزارش خبرگزاری صداوسیما ، مدیرکل فرودگاه های استان خوزستان با اشاره به ایجاد نقص فنی در هواپیمای پرواز شماره ۸۳۳اهواز به تهران متعلق به هواپیمایی آسمان گفت: مسافران در سلامت کامل هستند.

سید مهدی رزاز افزود: این پرواز بعد از این که از فرودگاه اهواز انجام شد در حوالی اراک خلبان متوجه نقص فنی در هواپیما شد به همین دلیل مسیر خود را به سمت فرودگاه مبدا تغییر داد. خوشبختانه هواپیما بدون مشکل در فرودگاه اهواز فرود آمد و همه مسافران در سلامت کامل هستند.

بازتاب

زمان‌سنجی و تقوا

دکتر مهدی ماحوزی

مدیر با کفایت روزنامه وزین اطلاعات

یادداشت از دل بر آمده، جامع‌الاطراف و مدبرانه و هُشداردهنده نویسندهٔ فرهیخته و توانگر آقای ابوالقاسم قاسم‌زاده با عنوان ظریف «زمان‌سنجی مجلس» آن‌چنان مرا مجذوب ساخت که لازم دیدم آن وجود گرامی را مخاطب ساخته، بگویم آفرین و هزار آفرین بر این نخبه‌شناسی و نخبه‌پروری! نویسنده‌ای دردآشنا و آگاه به شرایط حساس کشور، تحریم‌ها، بیماری کرونا و بی‌درنگ پس از نطق ریاست محترم مجلس یازدهم، عنوان بی‌بدیل «زمان‌سنجی» را در مفهوم دقیق و فراگیرش برگزیند و موضوع سخن قرار دهد تا به مفاد سخن مولا امیرالمؤمنین علی (ع) ـ که حق در مقام انصاف از چشمهٔ سوزن تنگ‌تر است ـ توازن و تفاهم سه قوه را یادآور می‌شود و هشدار دهد که تنها راه نجات کشور در این تنگنای تاریخی وحدت تام و تمام سه قوه است. تاخیر کثیر آن به آحاد جامعه تعلق گیرد و هر گونه سوءتعبیر خنثی شود و راه برای اصلاح کشور و ترمیم نابسامانی‌ها و تقویت همدلی هموار شود.

این دستاورد بزرگ روزنامهٔ اطلاعات را به فال نیک گرفته، ضمن آرزوی توفیق روزافزون برای آن وجود گرامی و یاران نکته‌سنج و پاک‌دلتان یادآور می‌شود که فرهنگ دیرین این سرزمین مقدس که با جوهره تعالیم اسلامی درآمیخته است، پیوسته بر اصل شریف «تقوا» تکیه داشته و آن را مایهٔ سعادت دو جهان دانسته است. سران قُوا بیش از هر فریضه‌ای باید این اصل وحدت‌آفرین و تفرقه‌شکن را سرلوحه قضاوت و داوری شناخته، در راه سعادت این ملت بزرگ و سرفراز و میهن مقدسمان ایران به کار گیرند.

من الله التوفیق و علیه التکلان
۱۲ خرداد ماه ۱۳۹۹

خط ارتباطی مردم با اطلاعات
تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰
ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می کنیم:
* موضوع پیام‌ها جنبه‌های خصوصی، حقوقی یا قضایی نداشته باشد.
* پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
* خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان کنند .
* چاپ پیام‌ها براساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

استخرهای شنا که سلامت مردم را به خطر می‌اندازند

با این که ستاد مقابله با کرونا فعالیت استخرهای شنا را تا اطلاع‌ثانوی ممنوع اعلام کرده است، برخی از آنها به وسیله تلفن از مشتریان‌شان می‌خواهند به استخرها مراجعه و شنا کنند! آیا افراد علاقه‌مند نمی‌دانند که تنفس به هنگام شنا با زدن ماسک مشکل و یا حتی غیر ممکن است و بدون ماسک هم شنا در استخرهای عمومی موجب اشاعه ویروس کرونا می‌شود؟ در حالی که امثال ما خود و خانواده‌های مان را در خانه‌های‌مان حبس می‌کنیم و روزگار را به سختی می‌گذرانیم تا موجب شیوع کرونا نشویم، چرا عده‌ای با کارهایی مانند رفت به استخرهای شنا و یا خریدهای بی‌مورد مانتو و امثال آن در بازارهای شلوغ سلامت دیگران را به خطر می‌اندازند؟

خانم شهروند از تهران

آژانس هواپیمایی پول بلیت را پس نمی‌دهد

حدود ۴ ماه است که استرداد هزینه بلیت سفر خود به کشور هلند را به دلیل ممنوع شدن سفرهای هوایی از آژانس مسافرتی درخواست کرده‌ام. اما هربار کارکنان آژانس به بهانه‌ای از پرداخت آن طفره می‌روند، علیرغم از سرگیری پروازهای خارجی چون دیگر قصد سفر ندارم، در صورت کنسلی بلیت مشمول جریمه خواهم شد. از دستگاه قضا و وزارت گردشگری تقاضا می‌شود برای مقابله با سودجویی برخی ازآژانس‌های هواپیمایی اقدام کنند تا مسافران بیش از این متضرر نشوند.

مظفری

لزوم درج قیمت‌های خودرو و مسکن در سایت‌های اینترنتی

عدم الزام به درج قیمت خودرو و مسکن در سایت‌های معروف اینترنتی موجب هرج و مرج و افزایش بی‌رویه قیمت آنها در بازار و سردرگمی خریداران شده و به خصوص عدم آگاهی مردم از قیمت‌ها سودجویی برخی از بنگاه‌داران در زمینه فروش و اجاره مسکن را به همراه آورده است، ای کاش مسئولان ذیربط در این زمینه درصدد یافتن راهی برای نظارت بر تعیین قیمت خودرو و مسکن در این سایت‌ها باشند. در ضمن بسیاری از افراد توان خرید خودروهای صفر کیلومتر را ندارند و ترجیح می‌دهند که از طریق سایت‌ها خودروی دست دوم مورد نظر خود را پیدا کنند و بخرند.

تلفن به خط ارتباطی

ساعات کار بانک‌ها افزایش یابد

کاهش ساعات کار بانک‌ها و مراکز دولتی باعث ازدحام جمعیت و معطلی بیشتر مشتریان بانک‌ها شده است، حال که فعالیت اکثر مشاغل، آزاد شده است و در بانک‌ها نیز پروتکل‌های بهداشتی در زمینه عدم دریافت و پرداخت وجه نقد اجرا نمی‌شود و فقط متصدیان بانک‌ها با پوشش‌های نایلونی در برابر ویروس کرونا مصون مانده‌اند، بهتر است که ساعت کاری بانک‌ها به روال قبل برگردد تا از ازدحام و شلوغی آن‌ها کاسته شود.

مشتری بانک از تهران

سریالی که مناسب ماه مبارک رمضان نبود

پخش سریال بی‌محتوا و بی‌هدف «سرباز» که همزمان با ماه مبارک رمضان شروع شد و هنوز هم ادامه دارد، علیرغم این که هیچ سنخیتی با این ماه نداشت، فضایی رویایی از آسایشگاه سربازان را به نمایش درآورده است، تا آنجا که گویا تمامی سربازان در هتل‌های لاکچری و با کل‌کل انداختن با مافوق‌های خود روزگار خوش خدمت را سپری می‌کنند! ایکاش مسئولان صدا و سیما به جای هدردادن بیت‌المال و ساخت سریال‌های به اصطلاح آبکی و بی‌محتوا، برای رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم برنامه‌های موثر و هدفمند تهیه و تولید کنند.

بیننده تلویزیون

تقاضای کسبه سرای امید از مخابرات منطقه ۳ تهران

مدتی است که تلفن‌های ثابت محل کسب ما واقع در خیابان ۱۵ خرداد، روبروی مسجد امام(ره) «سرای امید» در حین مکالمه قطع می‌شود و علیرغم پیگیری‌های مکرر این مشکل حل نشده و معضلی برای کسبه و بازاریان این سرا ایجاد شده است. از اداره کل مخابرات منطقه ۳ تهران خواهان رسیدگی به این موضوع و رفع مشکل را دارم.

محمد پهلوان ـ سرای امید بازار تهران

تشکر از زحمات پرسنل پاسگاه دودانگه ساری

آرامش و امنیت اهالی منطقه دودانگه ساری چندسالی بود به دلیل وجود چندین سارق و قاچاقچی چوب، مختل شده بود، اما با حضور رئیس جدید پاسگاه منطقه و همکاران‌اش که با اقتدار و احساس مسئولیت مضاعف سارقان را شناسایی و دستگیر کرده‌اند مدتی است که آرامش به منطقه بازگردانده شده است و از اینرو خواهان تشویق آنان از سوی فرماندهی نیروی انتظامی مازندران هستیم.

محمدرضا فتحی ـ روستای تلاوک (مازندران)

تمامی تخم‌مرغ‌ها استریلیزه شوند!

با توجه به گرانی تخم‌مرغ‌های استریلیزه شده بعضی از شرکت‌ها و عدم توانایی خرید این نوع محصول برای تمامی مردم، از سازمان دامپزشکی و وزارت بهداشت و درمان خواهان نظارت برای استریلیزه شدن تمامی تخم‌مرغهای معمولی هستیم، زیرا میکروب روی پوسته تخم‌مرغ‌ها یکی از راه‌های انتقال ویروس و بیماری به مصرف کنندگان آنها است.

کارشناس بهداشت مواد غذایی

ضرورت دقت بیشتر در طراحی جدول‌های روزنامه

در فرهنگ لغت فارسی کلمه «بُرس» به معنی قلم مو و شانه است، اما طراح جدول‌های روزنامه اطلاعات چندین بار به اشتباه معنی آن را «شانه سر» طرح کرده است. به دلیل اهمیتی که برای روزنامه وزین و قدیمی مورد علاقه‌ام قائل هستم، وظیفه خود دانستم که این مورد را اطلاع دهم. امیدوارم این گونه نکات و اشتباهات مورد توجه قرارگیرد و از تکرار آنها در طراحی جدول‌های روزنامه کاسته شود.

خواننده علاقه‌مند به جدول‌های روزنامه اطلاعات

قدردانی از نویسنده مکتوب هفته روزنامه اطلاعات

دکتر محمد علی فیاض بخش در مکتوب هفته روزنامه اطلاعات ۱۱ خردادماه با عنوان «میناگران رومینا» مطالبی خطاب به پدران دخترداِر نوشته و با قلم شیوای خود به حقوق اجحاف شده زنان و دختران جامعه پرداخته است که جا دارد از مطلب روان و جذاب ایشان به عنوان بانوی هموطنی که از قتل فجیع دختری بیگناه قلبم به درد آمده است، از ایشان و دیگر منادیان حقوق انسان‌ها تشکر کنم. ای‌کاش با تیتری درشت و پرداخت بیشتر به این مطلب در صفحه اول روزنامه افراد جامعه را به خواندن بیشتر آن ترغیب می‌کردید.

خانم هموطن

اخبار کوتاه داخلی

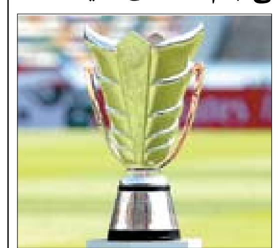
ورزشگاه آزادی بازگشایی شد



با توجه به اطلاعیه شماره ۱۵ ستاد مقابله با کرونا در ورزش مجموعه ورزشی آزادی بازگشایی شد.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، به نقل از مجموعه ورزشی آزادی، قدرت الله سیف مدیر مجموعه ورزشی آزادی در نامه‌ای به بهره برداران مجموعه ورزشی آزادی ضمن تاکید بر رعایت کامل پروتکل‌های بهداشتی و دستورالعمل‌های مندرج در پایگاه اطلاع رسانی پزشکی ورزشی ایران، دستور بازگشایی اماکن مختلف ورزشی مجموعه شامل: زمین‌های تنیس، زمین‌های چمن ۲ – ۳، مجتمع کارتینگ، رستوران و خوابگاه‌ها را صادر کرد.به این ترتیب تمام فعالیت‌های اماکن ورزشی مجموعه تحت نظارت افسران کنترل سلامت فدراسیون پزشکی انجام می‌شود.

غیبت ایران بین نامزدهای میزبانی جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۷



کنفدراسیون فوتبال آسیا از ۴ کشوری که برای میزبانی جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۷ اعلام آمادگی کرده‌اند پرده برداشت.

به گزارش ایسنا، سایت الوطن قطر نوشت :کنفدراسیون فوتبال آسیا در بیانیه‌ای رسمی از کشورهای قطر، عربستان، هند و ازبکستان به عنوان ۴ کشوری یاد کرد که رسما برای میزبانی جام ملت های آسیا ۲۰۲۷ درخواست داده‌اند.طبق اعلام این سایت قطری هنوز هم کشورهایی که تمایلی برای میزبانی این رقابت بزرگ دارند می‌توانند درخواست خود را به AFC بفرستند.

گفتنی است که پیش از این، فدراسیون فوتبال ایران هم اعلام کرده بود که می‌خواهد برای میزبانی جام ملت های آسیا ۲۰۲۷ نامزد شود اما ظاهرا هیچ درخواستی از ایران به AFCارسال نشده است.

فعالیت ۸ رشته جانبازان و معلولین در فدراسیون های قبلی

جلسه ارزیابی طرح ادغام ۸ رشته ورزشی جانبازان و معلولین با حضور مسئولین کمیته ملی پارالمپیک و فدراسیون برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری فارس و به نقل از سایت فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین، دراین جلسه، با توجه به رویکرد بین‌المللی و مکاتبات IPC، لزوم مطالعه بیشتر این طرح مورد بحث و بررسی قرار گرفت وسپس بر پیگیری ادامه فعالیت ۸ رشته جانبازان و معلولین در فدراسیون های ورزشی مربوطه توسط وزارت ورزش و جوانان و بر اساس تفاهم نامه همکاری تاکید شد.

گفتنی است در پایان جلسه، با مروری بر استراتژی و چشم انداز توسعه ورزش جانبازان و معلولین، تشکیل کارگروه ارزیابی با نظارت کمیته ملی پارالمپیک ایران، نیز در دستور کار قرار گرفت.

بازی ایران و کره؛ جذاب ترین های فدراسیون جهانی والیبال



مسابقه تیم‌های ایران و کره‌جنوبی در رقابت‌های انتخابی المپیک توکیو در گروه دیدارهای جذاب فدراسیون جهانی والیبال قرار گرفت.

به گزارش خبرگزاری مهر، فدراسیون جهانی والیبال در نظر دارد پنج دیدار جذاب والیبال در سال‌های اخیر را از سایت یوتیوب پخش کند که دیدار تیم های ایران و کره جنوبی در رقابت‌های انتخابی المپیک توکیو در کشور چین، از جمله آن‌ها است. مسابقه تیم‌های پرو و کنیا در جام جهانی ۲۰۱۶ زنان، ایتالیا و آرژانتین در جام جهانی ۲۰۱۶ مردان، چین و هلند در گرند پریکس ۲۰۱۷ و فرانسه و برزیل در قهرمانی جهان ۲۰۱۶ از دیگر بازی‌های جذاب از نظر فدراسیون جهانی والیبال است.

جنگ ۶ ستاره برای تصاحب کفشِ طلا پس از بازگشت لیگ های اروپایی


لیونل مسی



جیمی واردی



کریستیانو رونالدو


تیمو ورنر


چیرو ایموبیله


روبرت لواندوفسکی

۶ بازیکن برای کسب کفش طلای فوتبال اروپا رقابت تنگاتنگی دارند و باید دیددر نهایت کدامیک می‌توانند به موفقیت برسند.

به گزارش ایرنا،با بازگشایی مجدد مسابقات فوتبال در نقاط مختلف اروپا، بازهم رقابت در زمینه‌های مختلف به اوج خود رسیده است. یکی از جذاب‌ترین رقابت‌ها که به یک کشور و لیگ خاص محدود نمی‌شود جنگ جذاب ۶ بازیکن برای کسب کفش طلای اروپا خواهد بود. رقابتی تماشایی که باید دید در پایان چه کسی برنده‌اش خواهد شد.اما از آنجا که پنج نفر از این ۶ نفر ممکن است این‌آخرین شانسشان برای کسب کفش طلا باشد در ادامه باید تلاششان چند برابر باشد.

روبرت لواندوفسکی (بایرن‌مونیخ): ۲۸ گل

با گلزنی برابر دوسلدورف، حالا به همه تیم‌های حاضر در این فصل بوندسلیگا گل زده است. مهاجم لهستانی و باتجربهٔ باواریایی‌ها بهترین گلزنی لیگ‌های معتبر اروپایی به حساب می‌آید و روی کاغذ شانس اصلی برای دریافت کفش طلاست. لوا در بهترین شرایط ۴۵۰ دقیقه یعنی پنج بازی فرصت دارد تا آمار خود را بهبود ببخشد چرا که نسبت به بقیه رقبا، بازی‌های کمتری پیش رویش قرار دارد. لوا تا به حال چهار بار آقای گل بوندسلیگا شده و اگر در این فصل بتواند این کار را تکرار کند به رکورد چهار فصل اقای گلی پیاپی دست پیدا کند. همچنین او اگر بتواند سه گل دیگر وارد دروازه رقبا کند؛ به بهترین آمار خود از این حیث خواهد رسید. در حال حاضر بهترین آمار او زدن ۳۰ گل در فصل ۲۰۱۶–۲۰۱۵ است.

چیرو ایموبیله (لاتزیو): ۲۷ گل

خیلی‌ها بر این باور هستند که او حتی از لواندوفسکی هم شانس بیشتری برای کسب کفش طلا دارد چرا که در حال حاضرفاصله اندکی در تعداد گل زده نسبت به او دارد اما به جای پنج مسابقه، ۱۲ دیدار پیش رویش خواهد بود تا بتواند آمارش را بهبود ببخشد. ایموبیله به همراه تیمش در این فصل در کنار هم عالی بوده‌اند. او در فصل ۲۰۱۴–۲۰۱۳ توانست در لباس تورینو با ۲۲ گل آقای گل شود و این اتفاق در فصل قبل نیز با پیراهن لاتزیو و با ۲۹ گل برایش تکرار شد؛ با ذکر این نکته که این عنوان به صورت مشترک با مائورو ایکاردی برایش حاصل شد.

تیمو ورنر(لایپزیش): ۲۴ گل

به بوندسلیگا برمی‌گردیم. ستاره لهستانی بایرن یک لحظه هم با خیال راحت صدر جدول گلزنان را در اختیار نداشته است چرا که ستاره سرعتی و آلمانی لایپزیش یک آن، دست از تعقیب او برنداشته است. تیمو ورنر در حال حاضر و پیش از بازی برابر کلن توانسته بود ۲۴ گل به ثمر برساند و ۶ بازی پیش رویش قرار داشت تا بتواند در صدر جدول گلزنان جای لوا را بگیرد و سپس برای تصاحب کفش طلا امیدوار باشد. ورنر امید اصلی گلزنی یولین ناگلزمن هم هست و گل‌های احتمالی او می‌تواند تیمش را بار دیگر به سهمیه لیگ قهرمانان اروپا برساند.

کریستیانو رونالدو(یوونتوس): ۲۱ گل

مگر می‌شود جنگ آقای گلی باشد و کریستیانو رونالدو حضور نداشته باشد ولو ۳۵ ساله باشد؟ او همچنان رونالدوست و می‌تواند راحت‌ترین کاری که بلد است را انجام دهد و آن هم گلزنی است. ستاره پرتغالی یوونتوس در حالی که فصل فوق‌العاده‌ای را پشت سر نگذاشته اما بازهم با زدن ۲۱ گل برای کسب کفش طلا شانس دارد. او و یووه تا پایان فصل ۱۲ بازی پیش روی خود خواهند داشت و کریستیانو امیدوار است با گل‌های خود ابتدا تیمش را به یک قهرمانی دیگر در سری آ برساند و در درجه بعدی خودش هم از ستاره لاتزیو سبقت بگیرد و آقای گل این فصل شود. رونالدو تا به حال چهار بار کفش طلای قاره سبز را به خود اختصاص داده که از آخرین بار، حدود پنج سال می‌گذرد.

جیمی واردی(لسترسیتی): ۱۹ گل

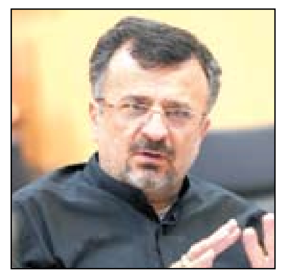
خیلی‌ها گمان می کردند درخشش واردی مانند لسترسیتی دوام ندارد اما هر ۲ در کنار هم نشان دادند که اصلا این‌طور نبوده است. ستاره باتجربه روباه‌های جزیره در این فصل هم یکی از بهترین‌ها بوده است. لستر هم با برندون راجرز روزهای خوبی را در این فصل خلق کرده است. آنها شانسی برای قهرمانی ندارند اما نزدیک‌ترین تعقیب‌کننده سیتی برای احراز رده دوم به حساب می‌آیند. واردی هم‌اکنون با ۱۹ گل آقای گل جزیره است و با نزدیک‌ترین نفر ۲ گل فاصله دارد. او ۹ هفته در بهترین شرایط زمان دارد تا با گل‌های متعدد یک کامبک بزرگ بزند و خود را به صدر جدول گلزنان قاره سبز برساند. کاری اما بسیار دشوار برای این بازیکن ۳۳ ساله.

لیونل مسی(بارسلونا): ۱۹ گل

با وجود اینکه پنج بازی در این فصل را از دست داده اما بازهم آقای گلی‌اش در این فصل از لالیگا حتمی است. از لیونل مسی صحبت می‌کنیم. صاحب ۶ کفش طلای اروپا و برنده سه فصل اخیر این جایزه معتبر. مسی در این فصل اما شانس زیادی برای کسب این جایزه ندارد. او ۱۹ گل زده و ۱۱ بازی در پیش رو دارد و فعلا با نفر نخست ۹ گل فاصله دارد. بارسا هم بارسای همیشگی نیست. با این حال مسی آن‌قدر معجزه در این سال‌ها نشان داده که به خودمان اجازه ندهیم همه چیز را تمام شده بدانیم. او ممکن است بازهم به تنهایی کاری کند غیر معمول.

نکته جالب این است که در بین این نفرات فقط تیمو ورنر کمتر از ۳۰ سال سن دارد. این مهاجم آلمانی ۲۴ ساله است اما رقبایش ۳۰، ۳۱، ، ۳۲، ۳۳ و ۳۵ ساله هستند.

داورزنی:ادامه لیگ فوتبال،بازی با جان بازیکنان است



رئیس فدراسیون والیبال گفت: باتوجه به شرایط فعلی، اولویت ما سلامت بازیکنان است و برگزاری رقابت‌های لیگ برتر را خطرناک می‌دانیم.

محمدرضا داورزنی، رئیس فدراسیون والیبال در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران جوان، درباره وضعیت این روزهای والیبال کشورمان گفت: در دوران کرونایی والیبال دنیا تحت تاثیر این ویروس قرار گرفته و همین موضوع سبب شده که خیلی از مسابقات لغو شود و یا به تعویق بیفتد.پس از تعویق رقابت های المپیک توکیو به سال آینده، لیگ ملت‌ها نیز لغو شد زیرا شرایط برای میزبانی خوب نیست. سیاست کلی فدراسیون جهانی این است تا زمانیکه شرایط به طور کامل مهیا نشد، مسابقات برگزار نشود، زیرا سلامتی اعضا و خانواده والیبال در ارجحیت قرار دارد.

داورزنی افزود: فدراسیون جهانی والیبال با وزارت بهداشت در ارتباط است تا پروتکل‌های بهداشتی را اعلام کنند و در قاره‌های متفاوت، برگزاری بازی‌ها مورد بررسی قرار بگیرد. ما نیز در شهریورماه میزبان مسابقات قهرمانی جوانان آسیا هستیم که قرار بود این مسابقات در خردادماه برگزار شود و به دلیل شرایط فعلی تا شهریور به تعویق‌افتاد.همچنین مسابقات قهرمانی نوجوانان نیز ماه نوامبر در بحرین برگزار خواهد شد.

رئیس فدراسیون والیبال خاطرنشان کرد: مسابقات انتخابی المپیک والیبال ساحلی نیز تمام نشده و باید برای حضور در المپیک برنامه ریزی کرد. برای تیم ملی بزرگسالان تا پایان اسفند و اوایل فروردین ماه برنامه‌ای نداریم، اما برنامه ریزی کرده ایم که مسابقات لیگ با حضور ۱۲ تیم از اواسط شهریورماه آغاز شود.

داورزنی در ادامه گفت: باید طوری برنامه ریزی کنیم که مشکلی به وجود نیاید. این ویروس یکی، ۲ سال همراه ما است. فوتبالی‌ها مُصر هستند که لیگ برگزار و تکلیف آن ها مشخص شود. به دلیل اصرار آن‌ها برای برگزاری لیگ و اعلام قهرمان، شرایط خطرناک شده و به گونه‌ای است که هر روز اعلام می‌شود چند بازیکن کرونا گرفته اند و این موضوع بازی با جان بازیکن است و آن را نمی‌پسندیم. ما تا مطمئن نباشیم شرایط خوب است و پروتکل‌ها رعایت می‌شود، لیگ را برگزار نمی‌کنیم، زیرا اولویت ما سلامتی بازیکنان است.

اعلام برنامه لیگ برترفوتبال پس از جلسه با مسئولان AFC

مسئول کمیته برگزاری مسابقات سازمان لیگ فوتبال گفت که برنامه ادامه مسابقات پس از برگزاری کنفرانس آنلاین با مسئولان AFC، اعلام خواهد شد.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، سهیل مهدی درباره انتشار پروتکل فیفا برای بازگشت به فوتبال، گفت: پیش از اینکه چنین پروتکلی منتشر شود، خودمان به سمت تدوین مسابقات رفته بودیم و پیش‌نویس آن را آماده کردیم تا در روز مسابقات بهتر بتوانیم در خدمت تیم‌ها باشیم. در پروتکل منتشر شده از سوی فیفا، اشاره شده که دستورات پزشکی هر کشوری حاکم است، اما اینطور نیست که نخواهیم بازبینی کنیم. شرایط کشور هر لحظه ممکن است بهبود پیدا کند و همانطور که می‌بینیم اماکن ورزشی باز شده است.

مسئول کمیته برگزاری مسابقات سازمان لیگ در رابطه با اعلام برنامه ادامه لیگ برتر تصریح کرد: به طور کامل روز و ساعت برنامه لیگ را نوشته‌ایم، اما فردا یک کنفرانس تلفنی که ممکن است ویدئویی هم باشد با مسئولان AFCخواهیم داشت و قرار است سوال‌هایی درباره روند مسابقات و شرایط بهداشتی ایران مطرح کنند. امیدوارم بازخوردهای خوبی در این جلسه بگیریم، اما شاید برنامه‌مان دستخوش تغییر شود، به همین دلیل، برنامه لیگ را اعلام نکردیم تا تیم‌ها بلیت و هتل رزرو نکنند. هفته بعد و پس از«تله‌کنفرانس» با AFC، حداقل برنامه سه هفته ابتدایی را اعلام خواهیم کرد. به خاطر روند بحث شیوع ویروس کرونا، ابتدا بازی‌های عقب افتاده را برگزار می‌کنیم تا اگر خدایی‌نکرده شرایط خاصی به وجود آمد که مجبور شدیم به سمت لغو بازی‌ها برویم، تیم‌ها شرایط یکسانی در جدول داشته باشند.

واکنش سخنگوی فدراسیون کشتی به اظهار نظر بنا

سخنگوی فدراسیون کشتی گفت: هیچ مشکلی با سرمربیان تیم ملی نداریم و دلیلی ندارد در تمام جلسات حضور داشته باشند.

به گزارش خبرگزاری فارس، محمد ابراهیم امامی در خصوص حضور غلامرضا محمدی و محمد بنا در جلسه با رئیس فدارسیون اظهار داشت: جلساتی طی ۲ روز در فدراسیون کشتی برگزار شد تا در ادامه بررسی‌های چرخه انتخابی این طرح را بررسی کنیم.

جلساتی جداگانه با محمد بنا و غلامرضا محمدی داشتیم که موارد مختلف را مطرح کردند و بررسی‌های لازم انجام شد.امامی در خصوص صحبت‌های بنا در رابطه با چرخه انتخابی و برگزار نشدن آن به دلیل کرونا اعلام کرد: هیچ دانشمندی نمی‌تواند در خصوص کرونا آینده را پیش‌بینی کند ما نمی‌توانیم برنامه نداشته باشیم. در حال برنامه‌ریزی هستیم اگر هم مسابقات به تعویق افتاد برنامه‌مان را بعد از آن اجرا کنیم.

اخبار کوتاه خارجی

بوندسلیگا، فلوید را فراموش نکرد

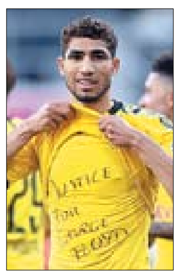
بازیکنان حاضر در بوندسلیگا پس از گلزنی یاد جورج فلوید را گرامی داشتند و خواستار عدالت برای او شدند.

به گزارش ایسنا، درهفته بیست و نهم بوندسلیگا تیم‌های مونشن گلادباخ و دورتموند با به راه انداختن جشنواره گل توانستند به ترتیب یونیون برلین و پادربورن را شکست دهند. با این حال شادی پس از گل مارکوس تورام ، اشرف حکیمی و سانچو بیش از همه توجه جهان را به خود جلب کرد.

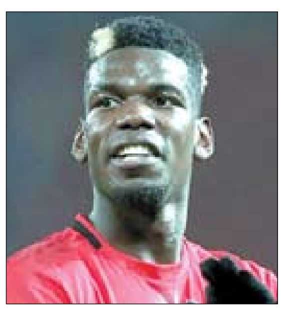
در بازی نخست که با پیروزی ۴ بر یک کلن به پایان رسید تورام گل سوم تیمش را در دقیقه ۵۹ به ثمر رساند. بازیکن فرانسوی پس از گلزنی به یاد جورج فلوید که هفته گذشته در جریان دستگیری جان خود را از دست داد زانو زد و اعتراض خود را به نژادپرستی نشان داد.

دیدار دورتموند و پادربون هم با پیروزی ۶ بر یک مهمان به پایان رسید . سانچو که در این بازی هت‌تریک کرد در دقیقه ۵۷ گل دوم تیمش را به ثمر رساند و پیراهن خود را در آورد تا نوشته "عدالت برای جورج فلوید" دیده شود. او به دلیل این کار با کارت زرد جریمه شد. اشرف هم در در دقیقه ۸۹ گل پنجم دورتموند را به ثمر رساند. او نیز پیام مشابهی روی پیراهنش دیده می‌شد که پس از شادی گل آن را نشان داد.





منچستر آماده واگذاری پوگبا به سن‌ژرمن



منچستریونایتد ترجیح می‌دهد پل پوگبا را به جای رئال یا یوونتوس به پاری سن ژرمن واگذار کند.

به گزارش خبرگزاری فارس، پل پوگبا احتمال دارد فصل بعد پیراهن تیم متمول شهر پاریس را به تن کند و برای سن‌ژرمن بازی کند.

طبق اعلام سایت ورزش فرانسه، پوگبا در صدر فهرست خرید تیم قهرمان لوشامپیونه است.از طرفی مدیریت یونایتد ترجیح می دهد به جای فروش وی به یکی از دو تیم رئال یا یوونتوس، با سن‌ژرمن معامله کند به همین دلیل رسانه مذکور از جدی‌شدن موضوع انتقال وی به تیم شماره یک لوشامپیونه خبرداده است.گفتنی است که پوگبای ۲۷ ساله طی یک دهه اخیر، عضو منچستریونایتد (۲ دوره)و یوونتوس بوده است.

شفر به استقلال تخفیف می دهد



سرمربی آلمانی و سابق تیم فوتبال استقلال تهران قصد دارد بخشی از مطالباتش را به این باشگاه ببخشد.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، وینفرد شفر سرمربی آلمانی و سابق تیم فوتبال استقلال تهران که در لیگ هفدهم و هجدهم هدایت آبی پوشان را برعهده داشت، برای دریافت مطالباتش از این باشگاه به فیفا شکایت کرد و در نهایت آبی‌ها به پرداخت مبلغ ۵۵۰ هزار دلار به شفر محکوم شدند. حالا شنیده می‌شود سرمربی آلمانی با مسئولان باشگاه استقلال به توافقاتی دست یافته و قصد دارد حدود ۲۰۰ هزار دلار از مطالباتش را به باشگاه ببخشد.

سخنگوی دولت:کرونا ۱۰۸ هزار میلیارد تومان به ۱۳ رسته شغلی خسارت زد

بقیه از صفحه ۲

واگذاری تولید کالاهای وارداتی به تولید کنندگان داخلی

ربیعی درباره اقدامات دولت در زمینه تحقق شعار «جهش تولید» گفت: از همان ابتدا برای پیگیری تحقق این شعار، ستادی در سازمان برنامه و بودجه تشکیل شد و برخی از جلسه ستاد اقتصاد مقاومتی هم به این موضوع اختصاص یافته است، زیرا همپوشانی زیادی با یکدیگر دارند.

وی بیان کرد: سیاست‌های تولید را با سیاست‌های پولی و مالی بازار سرمایه و تجاری همسان و برای هر کدام از بخش‌ها هم راهبردهایی را تدوین کردیم.

سخنگوی دولت افزود: در بخش صنعت تامین منابع اولیه کارخانجات و تعمیق و تقویت ساخت داخلی هم یکی دیگر از راهبردهای اصلی دولت است؛ از طرفی با تامین و تخصیص ارز برای جهش تولید روبه رو هستیم تا بتوانیم جهش تولید را محقق کنیم، بر همین اساس به وزارت صمت اجازه دادیم تا از ارز حاصل از صادرات در بخش صنعت و معدن برای تامین مواد اولیه استفاده کند، این تصمیم بوروکراسی دولت را کاهش داد و کمک کرد به سمت جهش تولید حرکت کنیم.

وی با اشاره به توسعه شرکت‌های دانش بنیان،اظهار داشت: در سال ۹۲ فقط مفهوم دانش بنیان وجود داشت، اما به این شکل شرکت‌ها و موسسات دانش بنیان وجود نداشت، اما اکنون بیش از ۵۰۰۰ شرکت دانش بنیان تاسیس شده است که در حوزه‌های صنعت و کشاورزی و آی تی و خدمات فعال شده اند و مأموریت دارند اقلام و کالاهایی که تاکنون وارد می‌شده‌اند را در داخل تولید کنند.

ربیعی افزود: در چارچوب تحقق جهش تولید، ۱۶۰۰ ردیف از مجموع کالاهای وارداتی را به تولید کنندگان داخلی واگذار کرده ایم، دو نمایشگاه برگزار کردیم نه این که چه کسی کالا را می‌خرد بلکه با این هدف که چه کسی می‌تواند این کالاها را تولید کند.

خودرو ناقص به مردم داده نمی‌شود

وی افزود: تا سال آینده ۱۷۰هزار میلیارد تومان در ۲۰۰ طرح بزرگ صنعتی و معدنی سرمایه گذاری خواهیم کرد؛ البته ۸۰درصد آن انجام شده است و در سال جهش تولید ادامه دارد. این رقم بزرگی است و محاسبات ما نشان می دهد که ۵۰هزار شغل مستقیم در این بخش‌ها که نسبت شغل غیر مستقیم در مقایسه با سایر بخش‌ها بیشتر است، ایجاد می‌شود. ۴۰۰ هزار شغل غیر مستقیم را هم در بخش خدمات پیرامونی آن تا مرداد ۱۴۰۰ پیش بینی کرده ایم.

سخنگوی دولت بیان کرد: تولید فولاد خام را به ۲۷ میلیون تن با ارز آوری ۵ میلیارد دلاری رساندیم و در تولید خودرو به یک میلیون و ۲۰۰ دستگاه رسیده ایم و خودرو ناقص به مردم داده نمی‌شود.

صندلی‌های مدیریتی شرکت‌های دولتی واگذار می‌شود

ربیعی با بیان اینکه، عمق بخشیدن به بازار سرمایه را هدف‌گذاری کردیم، افزود: ۶۳ درصد واگذاری‌ها افزایش پیدا کرده است که آثار همین سیاست است، نهادهای عمومی که سهام خود را واگذار کردند اعلام می‌کنند و در مرحله بعدی صندلی‌های مدیریتی هم واگذار می‌شود و برنامه‌ریزی شده است دولت از بنگاهداری خارج شود، این فروش‌ها باعث شده است، سرمایه‌گذاری‌های جدیدی بدون اداره و مدیریت آماده شود و خود این واگذاری پول به بازار می‌آورد که کمک به ایجاد اشتغال هم می‌کند و باید کمک کنیم تا تداوم داشته باشد.

ساخت ۳۴ سد تا نیمه سال ۱۴۰۰

ربیعی گفت: اول انقلاب ۱۵ سد داشتیم برنامه ریزی شده است به ۴۹ سد تا نیمه سال ۱۴۰۰ افزایش پیدا کند که قابل توجه است و ساخت سد در این دولت نسبت به سال ۹۲، ۵۰ درصد افزایش داشته است که در شبکه آبیاری در بخش کشاورزی به کشور کمک می‌کندکه اکنون به بیش از ۳۰ روستا آبرسانی می‌شود.

وی گفت: در بخش پتروشیمی و نفت و گاز در نیروگاه‌های برقی و میدان‌های جدید فعالیت خوبی انجام شده است و با راه اندازی این میادین، به ظرفیت یک میلیارد متر مکعب گاز خام رسیده ایم و آن را دنبال می‌کنیم.

سخنگوی دولت با اشاره به ضرورت بازاریابی محصولات کشاورزی، بیان کرد: میزان تولیدات زراعی، باغی و دامی وطیور و شیلات از ۹۶ هزار و ۸۵۲ هزار تن در سال ۹۲ برنامه‌ریزی کردیم در سال ۱۴۰۰ به ۱۳۰ هزار و ۷۹۴ هزار تن برسیم که برنامه دولت در جهش تولید در بخش کشاورزی است.

وی افزود: برنامه «جهش تولید» را برنامه «نجات ایران» از تحریم می‌دانیم؛ زیرا هر چه ما بیشتر تولید کنیم، فشار تحریم هم کمتر می‌شود.

حج ۹۹در انتظار پاسخ عربستان

رئیس سازمان حج و زیارت گفت: با توجه به شیوع ویروس کرونا در کشورهای مختلف و احتمال تعطیلی حج امسال، منتظر پاسخ نهایی عربستان برای اعزام زائران حج ۹۹به سرزمین وحی هستیم.

به گزارش ایرنا، علیرضا رشیدیان روز گذشته، در حاشیه آیین رونمایی از ماکت فاخر حرم ائمه بقیع(ع) گفت: با توجه به برنامه ریزی و زمانبندی های لازم، بیش از ۹۰درصد عملیات اجرایی برای اعزام زائران به انجام رسیده است.

وی افزود: تاکنون بسیاری از اقدامات لازم در زمینه اسکان، حمل و نقل و تغذیه زائران اعزامی به حج ۹۹به انجام رسیده است و در آمادگی کامل به سر می بریم.

نامنویسی از زائران کشورمان برای اعزام به حج تمتع از بهمن‌ماه سال گذشته آغاز و آن طور که سرپرست حجاج ایرانی خبر داده بود، ۷۵ درصد ظرفیت کاروان‌ها تکمیل شده است.

پاسخ سازمان سنجش به اعتراض داوطلبان المپیاد علمی دانشجویی

سازمان سنجش آموزش کشور در پاسخ به اعتراض داوطلبان المپیاد علمی دانشجویی تأکید کرد: برگزاری آزمون غیرمتمرکز المپیاد در مناطق ۱۰گانه کشوری با توجه به شرایط فعلی بیماری کرونا امکان‌پذیر نیست.

به گزارش مهر، پیش از این دکتر احسان جمالی، معاون سازمان سنجش آموزش کشور و دبیر المپیاد علمی دانشجویی از تغییرات بیست و پنجمین دوره المپیاد علمی دانشجویی کشور به دلیل شرایط موجود در کشور ناشی از شیوع بیماری کرونا خبر داد و یادآور شد: تصمیمی برای حذف المپیاد علمی دانشجویی کشور در سال ۱۳۹۹وجود ندارد اما آزمون غیرمتمرکز مناطق ۱۰گانه کشوری حذف می‌شود.پس از آن برخی از داوطلبان المپیاد علمی دانشجویی در نامه‌ای اعلام کردند که حذف آزمون غیرمتمرکز به ضرر دانشجویان استعداد درخشان است.سازمان سنجش آموزش کشور در نامه‌ای در پاسخ به این داوطلبان نکات مهمی را اعلام کرد.در بخشی از این نامه به شرایطی که پیش از این برای برگزاری المپیاد درنظر گرفته می‌شد، اشاره و خاطرنشان شده است: المپیاد غیر متمرکز در ۱۰دانشگاه منتخب مراکز مناطق برگزار می‌شود و طرح و اجرای سؤالات به صورت منطقه‌ای خواهد بود. لذا تعداد زیادی از دانشجویان برای شرکت در المپیاد غیرمتمرکز باید به ۱۰شهر بزرگ محل سفر کنند و نیاز به اسکان و فراهم کردن خوابگاه، صبحانه، ناهار و شام، میان وعده، ایاب و ذهاب دارند که در وضعیت فعلی امکان ارائه خوابگاه و سرویس‌دهی وجود ندارد.

تسلیت

دوست عزیز و ارجمند
جناب آقای فریدون مجلسی
با تأسف فراوان، درگذشت برادر گرامی‌تان را به جنابعالی، همسر ارجمندتان و خانواده محترم‌تان تسلیت گفته و برایتان شکیبایی آرزو داریم.
محمد علی اسلامی ندوشن - شیرین بیانی - علیرضا رجایی - محمد صادقی - بیتا عظیمی‌نژادان - سینا علیپور - علی فردوسی - مصطفی ملکیان

جناب آقای حسن خوئی
بااندوه فراوان درگذشت پدر عزیز و گرامیتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده واز خداوند متعال برای آن مرحوم غفران الهی وبرای شما وسایر بازماندگان صبر و بردباری را خواهانیم.
از طرف رضا ومحمدحسن وابراهیم فسنقری

درگذشت جانگداز **شادروان احمدخان طهماسبی** را در غربت به خاندان بزرگ طهماسب به ویژه سرکار ماری خانم طهماسبی صمیمانه تسلیت می گوئیم. صبر و شکیبایی و طول عمر با عزت برای همگی وابستگان آرزومندیم.
از لندن بانوان فروغ زمان - سیما سلطانپور - دکتر عباس سلطانپور - دکتر بابک سلطانپور

جناب آقای دکتر مسیح سیدمدنی
مدیرعامل محترم بیمارستان البرز
خبر فوت پدر همسر گرامیتان موجب تأثر و تأسف همکاران شد و بدینوسیله مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و آرامش و آمرزش و علو درجات برای آن مرحوم و صبر و بردباری برای حضرتعالی و بازماندگان را از درگاه خداوند متعال مسئلت می‌داریم.
هیئت مدیره، مدیریت، پزشکان و کلیه پرسنل بیمارستان البرز تهران

جناب آقای دکتر مسیح سیدمدنی
مدیر عامل محترم بیمارستان البرز
مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و خود را در غم شما شریک می‌دانم
رئیس هیئت مدیره بیمارستان البرز
دکتر مصطفی انوری

جناب آقای دکتر مسیح سیدمدنی
مدیرعامل محترم بیمارستان البرز
با نهایت تأثر و تأسف فوت پدر همسر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و برای آن مرحوم علو درجات آرزومندم.
دکتر مسعود توسلی

جناب آقای دکتر مسیح سیدمدنی
مدیرعامل محترم بیمارستان البرز
مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و خود را در غم شما شریک می‌دانیم.
دکتر عادل کریم‌زاده و بانو

جناب آقای دکتر مسیح سیدمدنی
مدیرعامل محترم بیمارستان البرز
بانهایت تأثر و تأسف فوت پدر همسر گرامیتان را تسلیت عرض می‌نمایم و برای شما و خانواده محترمتان صبر و شکیبایی آرزومندم.
دکتر هوشنگ نوشاد

جناب آقای دکتر مسیح سیدمدنی
مدیرعامل محترم بیمارستان
مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و برای شما و خانواده محترمتان طول عمر و صبر و شکیبایی آرزومندم.
دکتر علی اصغر کدیوری

جناب آقای دکتر مسیح سیدمدنی
مدیرعامل محترم بیمارستان البرز
با نهایت تأسف و تأثر فوت پدر همسر گرامیتان را تسلیت گفته و برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و دیگر بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نمایم.
دکتر رویا امدادی

جناب آقای دکتر مسیح سیدمدنی
مدیرعامل محترم بیمارستان البرز
با نهایت تأسف؛ مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نمایم.
دکتر منیژه پرآور

جناب آقای مهندس جواد خوانساری
با کمال تأسف و تأثر مصیبت وارده فوت برادر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌نماییم.
لندن - مهندس گلشن ابراهیمی و افسانه

آگهی درگذشت و تسلیت

شرکت سوبرازین با کمال تأسف درگذشت شادروان فریبرز مجلسی از سهامداران شرکت را به آگاهی خویشاوندان و دوستان و همکاران آن شادروان می رساند و به همشیره و اخوان محترم بانو ناهید مجلسی و آقایان مهندس نصرت‌الله شاهرخ مجلسی و مهندس محمود فرهاد مجلسی و فریدون مجلسی (عضو هیات مدیره) و همچنین آقای هوشنگ مجلسی (رئیس هیات مدیره) صمیمانه تسلیت می گوید.
مدیرعامل یوسف نوری گشتی

آگهی تغییرات
شرکت ماهدیس مشهد هلال شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۷۰۳ و شناسه ملی ۱۰۲۶۰۱۲۸۶۹۸

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: رضا شبان قمصری آرانی به شماره ملی ۱۲۶۲۲۸۵۷۲۰ به سمت رئیس هیئت مدیره و عباس بهادری به شماره ملی ۶۱۹۹۶۱۱۹۱۸ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و زهرا حسینی پور آرانی به شماره ملی ۶۱۹۹۶۲۲۹۶۰ به سمت مدیر عامل برای مدت دو سال انتخاب شدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی با امضاء رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره متفقا همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری آران و بیدگل (۸۲۸۰۰۹)

****

آگهی تغییرات
شرکت پتروشیمی فاتح کیمیا شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۶۰۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۰۰۲۸۵۷۸

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - آقای سید محمدعلی فاطمی به شماره ملی ۲۵۵۹۱۶۷۸۸۳ به سمت رئیس هیئت مدیره وآقای سید مهدی فاطمی به شماره ملی ۲۲۸۱۰۳۵۲۰۴ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و آقای مرتضی محمدی به شماره ملی ۲۹۹۱۵۵۰۲۵۹ به سمت عضو هیئت مدیره و مدیر عامل تعیین گردیدند - کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی و بطور کلی هر گونه قراردادی که برای شرکت تعهد ایجاد نماید با امضاء رئیس هیئت مدیره به تنهایی همراه با مهر شرکت ویا امضاء مدیر عامل به همراه یکی از اعضای هیئت مدیره و مهر شرکت معتبر می باشد و سایر اوراق عادی و مراسلات اداری با امضاء مدیر عامل به تنهایی همراه با مهر شرکت خواهد بود.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری دیر (۸۲۸۲۵۸)

****

آگهی تغییرات
شرکت پتروشیمی فاتح کیمیا شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۶۰۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۰۰۲۸۵۷۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل برای مدت دو سال انتخاب گردیدند: -آقای سید محمدعلی فاطمی به شماره ملی ۲۵۵۹۱۶۷۸۸۳ و آقای سید مهدی فاطمی به شماره ملی ۲۲۸۱۰۳۵۲۰۴ و آقای مرتضی محمدی به شماره ملی ۲۹۹۱۵۵۰۲۹۵

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری دیر (۸۲۸۲۶۰)

****

آگهی تغییرات شرکت گلفام معدن پرند کرمان
شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۸۳۷
و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۰۹۴۱۸۹

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۴ الف-تعیین سمت مدیران برای مدت باقیمانده: رضا اشرف سمنانی با کد ملی شماره ۰۰۴۲۰۲۷۸۹۶ به نمایندگی از شرکت مادر تخصصی توسعه معادن و صنایع معدنی خاورمیانه به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۰۰۲۴۷ به عنوان رئیس هیئت مدیره آقای محمود سعدلو پاریزی با کد ملی شماره ۳۰۷۱۶۳۷۶۵۹ به نمایندگی از شرکت معدنی و صنعتی گل گهر به شناسه ملی ۱۰۸۶۰۵۱۵۰۵۰ به عنوان نائب رئیس هیئت مدیره آقای علیرضا ضیائی با کد ملی شماره ۰۰۶۸۷۴۲۱۹۳ به نمایندگی از شرکت کاوند نهان زمین به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۰۹۴۹۱ به عنوان عضو هیئت مدیره آقای رمضان قربان ابراهیمی با کد ملی شماره ۲۵۹۳۰۴۷۹۷۶ به نمایندگی از شرکت فولاد سیرجان ایرانیان به شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۸۸۲۲۵ به عنوان عضو هیئت مدیره آقای باقر جهانگیری کوهبنانی با کد ملی شماره ۵۳۵۹۹۰۴۶۱۵ به نمایندگی از شرکت سرمایه گذاری و توسعه گل گهر به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۸۳۹۲۸۵ به عنوان عضو هیئت مدیره آقای محمود سعدلو پاریزی با کد ملی شماره ۳۰۷۱۶۳۷۶۵۹ بعنوان مدیر عامل ب- کلیه اسناد و اوراق بهادار با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضاء هیات مدیره و با مهر شرکت معتبر می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری سیرجان (۸۲۸۳۳۷)

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت دوم شرکت وانیاریل (سهامی خاص) شماره ثبت ۲۶۴۳۹۵ شناسه ملی شماره ۱۰۱۰۳۸۱۷۲۰۹

به اطلاع کلیه صاحبان سهام شرکت می‌رساند مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول در مورخ شنبه ۹۹/۳/۳ تشکیل اما به علت به حد نصاب نرسیدن اعضای حاضر در جلسه رسمیت نیافت لذا بدینوسیله از تمامی سهامداران دعوت به‌عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت دوم که از ساعت ۱۰ صبح یکشنبه مورخ ۹۹/۳/۲۵ در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در سعادت‌آباد - بلوار فرهنگ نرسیده به میدان فرهنگ خیابان معارف نبش کوهسار ساختمان بیژن طبقه اول تشکیل می‌شود شخصاً و یا توسط نماینده قانونی و تام‌الاختیار خود با ارائه معرفی‌نامه و یا وکالتنامه حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه:
- تصمیم‌گیری در خصوص انحلال شرکت

هیئت مدیره شرکت وانیاریل

آگهی برگزاری مجمع عمومی فوق‌العاده و مجمع عمومی عادی نوبت اول انجمن صنفی کارفرمایی شرکت‌های نمایش ویدئوی آنلاین استان تهران

بدینوسیله از کلیه اعضای انجمن مذکور دعوت می گردد که در روز دوشنبه مورخ ۹۹/۴/۹ ساعت ۱۰ صبح در محل: تهران، خیابان ایرانشهر، خانه هنرمندان ایران، سالن استاد شهناز حضور به هم رسانند.
دستور جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده: ۱- اصلاح ماده ۵ و ۱۱ اساسنامه در خصوص پیوستن افراد حقیقی به انجمن
دستور جلسه مجمع عمومی عـادی: ۱-ارائه گزارش عملکرد هیئت مدیره ۲-ارائه گزارش عملکرد بازرس و خزانه‌دار ۳- تصمیم‌گیری در خصوص بند ۱۰ ماده ۱۳ اساسنامه در خصوص کاهش مبلغ ورودیه و حق عضویت ۴-برگزاری انتخابات اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت مدیره و بازرسین ۵- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی باشد.

هیئت مدیره

آگهی مناقصه/مزایده

سازمان عمران و بهسازی کاشان در نظر دارد موضوع مشروحه در جدول ذیل را از طریق مزایده در قبال بالاترین پیشنهاد (برای مزایده) واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان حقیقی و حقوقی واجد صلاحیت و دارای توانائی مالی مناسب جهت شرکت در مزایده/مناقصه دعوت به عمل می آید.

ردیف	شماره آگهی	نوع آگهی	موضوع مزایده/مناقصه	مبلغ تضمین شرکت در مزایده/مناقصه (ریال)
۱	۹۸-۲۸	مزایده	فروش یک واحد اداری به متراژ ۴۷,۵ متر مربع واقع در طبقه سوم واحد دهم از مجتمع تجاری اداری صفویه کاشان (مرحله چهارم)	۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۲	۹۸-۲۴	مزایده	فروش یک ملک واقع در کاشان-میدان شهیدان زارع مجرد-پشت تعمیرگاه واجدی، نبش بلوار ساحلی به پلاک ثبتی ۴۵/۱۴۲۱ و کدنوسازی ۲۶-۲۴-۸-۳ به متراژ ۲۴۸,۳ متر مربع (زیرزمین پارکینگ صد در صد-همکف تجاری ۷۰ درصد یک واحد-اول و دوم مسکونی ۷۰ درصد یک واحد) (مرحله دوم)	۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰

۱- زمان چاپ نوبت اول (روزنامه اطلاعات) اسناد: ۹۹/۰۳/۱۳
۲- زمان چاپ نوبت دوم (روزنامه کاروکارگر) اسناد: ۹۹/۰۳/۲۰
۳- آخرین مهلت دریافت اسناد: تا پایان وقت اداری مورخ ۹۹/۰۳/۳۱
۴- مهلت تسلیم پیشنهادها: تا پایان وقت اداری مورخ ۹۹/۰۴/۰۱
۵-سازمان عمران در رد یا قبول کلیه پیشنهادها مختار است.
۶-هزینه چاپ آگهی (در تمامی مراحل و نوبت های چاپ) به عهده برنده مزایده/مناقصه خواهد بود.
۷- نام و نشانی مزایده/مناقصه گزار: کاشان-خیابان امیرکبیر- مجتمع تجاری اداری امیر کبیر-شماره ۰۳۱-۵۵۳۵۳۰۱۴

سازمان عمران وبهسازی شهر کاشان

آگهی تغییرات شرکت فلزات تزئینی آروین
شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۸۱
و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۴۲۳۰۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۶: افراد ذیل به سمت اعضای هیئت مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب شدند: - شرکت گسترش اقتصاد وصنعت ارین به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۱۰۱۸۰ به نمایندگی آقای مجتبی مشکواة الممالک به کدملی ۰۰۴۳۴۸۶۱۵۰ - آقای علیرضا فرهادیان پور با شماره ملی ۰۰۷۲۵۲۹۷۶۸ - آقای سروش مشکوة الممالک با شماره ملی ۴۷۲۳۶۰۴۷۸۲ - آقای عباسعلی تاجدینی با شماره ملی ۰۸۷۲۲۰۴۲۶۱ آقای محمدرضا میسمی با شماره ملی ۰۰۵۵۱۷۳۹۳۴ - موسسه حسابرسی و خدمات مدیریتی ارقام پویا به شناسه ملی ۱۰۳۸۰۱۱۲۱۰۶ به سمت بازرس اصلی مهران هوده به شماره ملی ۰۰۵۳۶۲۸۱۷۹ به سمت بازرس علی البدل برای مدت ۱ یکسال مالی انتخاب شدند. - پس از قرائت گزارش بازرسین شرکت, حساب سود و زیان (ترازنامه) منتهی به سال ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ مورد تصویب مجمع قرار گرفت. - روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های قانونی شرکت انتخاب گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری سیرجان (۸۲۸۳۵۶)

****

آگهی تغییرات شرکت پاریز پیشرو صنعت توسعه شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۲۵۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۰۵۳۴۵۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۹/۰۱/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ -صورتهای مالی ویادداشتهای همراه برای سال مالی منتهی به تاریخ ۱۳۹۸/۰۹/۳۰ بتصویب رسید. ۲ -روزنامه اطلاعات به منظور درج آگهی های شرکت تعیین گردید ۳ -موسسه حسابرسی هوشیار ممیز با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۳۹۶۴۵ را بعنوان حسابرس مستقل وبازرس اصلی و موسسه حسابرسی هادی حساب تهران شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۵۶۸۵۷ را بعنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان م
رجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری سیرجان (۸۲۸۴۰۴)

****

آگهی تغییرات شرکت توسعه عمران و مدیریت منطقه گل گهر
شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۹۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۸۵۶۸۷۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۰ به موضوع فعالیت انجام کلیه فعالیت های مربوط به احداث شهرک های حمل ونقل، پایانه های بار، حمل ونقل مسافر درون شهری، مجتمع های خدمات رفاهی، فاضلابهای صنعتی، سدهای باطله. -طراحی، اجرا، نظارت، بهره برداری و تعمیر و نگهداری سایت های مختلف با کاربری مشترک نظیر سایت های اداری، ورزشی، تاسیساتی، تصفیه خانه، فرهنگی، تجاری، خدماتی و فن آوری اطلاعات. -انجام امور مربوط به فتوگرامتری -انجام امور مربوط به جمع آوری زباله واحداث سایت های دفن بازیافت زباله. -ایجاد، بهره برداری، پشتیبانی و تعمیر و نگهداری شبکه های ارتباطی، نرم افزار، سخت افزار و زیرساخت های فن آوری اطلاعات و ارتباطات. -خرید، فروش، صادرات و واردات کلیه کالاهای مجاز. -سرمایه گذاری در سهام سایر شرکت ها و معادن داخلی و خارجی. -انجام امور بازرگانی و خدماتی مرتبط در داخل و خارج از کشور. -انجام امور مربوط به نقشه برداری، فتوگرامتری و سامانه اطلاعات مکانی (GIS). -احداث، مدیریت، بهره برداری و راهبری شهرک های صنعتی با هدف فعال سازی صنایع پایین دستی. -انجام هرگونه عملیات مجاز تجاری، اعتباری، ارزی، ریالی، مالی و اقتصادی، اعتبارات اسنادی، فاینانس، ری فاینانس، ترخیص کالا، توزیع خدمات بازرگانی و فعالیتهای صنفی. -ارائه خدمات راهبری ایستگاههای عملیاتی آتش نشانی، خدمات زیست محیطی، ایمنی و بهداشت حرفه ای. -راهبری کلیه سیستم های حفاظت در برابر حریق شامل طراحی، سرویس و نگهداری، تست و تعمیر سیستم های اعلام واطفاء حریق اتوماتیک ودستی، شارژ، تست و سرویس ونگهداری سیلندر های اطفاء حریق دستی -راهبری ایستگاههای عملیاتی اورژانس شامل خدمات درمانی، انتقال مصدوم، انجام معاینات طب ورزشی -راهبری امور مربوط به طب کار شاما معاینات شغلی کارکنان -راهبری درمانگاه -ارزیابی عوامل زیان آور محیط کار الحاق و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید در صورت ضرورت قانونی انجام موضوعات فعالیت پس از اخذ مجوز های لازم (ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد) ب-اساسنامه جدید در ۶۴ ماده و ۹ تبصره مورد تصویب قرار گرفت.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری سیرجان (۸۲۸۳۶۶)

آگهی دعوت صاحبان سهام به مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت مهندسی و ساخت سپهر رزموند (سهامی خاص) شماره ثبت ۳۱۲۷۹۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۴۹۱۴۸۵

مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت مهندسی و ساخت سپهر رزموند (سهامی خاص) راس ساعت ۱۴ روز سه‌شنبه مورخ ۲۷/خردادماه/۱۳۹۹ در محل قانونی شرکت تشکیل می‌گردد. بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت دعوت می‌شود راس ساعت مذکور در محل قانونی شرکت حضور یابند.

دستور جلسه:
۱ـ استماع گزارش هیئت‌مدیره و گزارش بازرس قانونی.
۲ـ بررسی و تصویب صورت‌های مالی (صورت سود و زیان، صورت وضعیت مالی، صورت تغییرات در حقوق مالکانه، صورت جریان‌های نقدی) منتهی به ۱۳۹۸/۱۲/۲۹.
۳ـ انتخاب بازرس قانونی و بازرس علی‌البدل برای سال مالی ۱۳۹۹.
۴ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت.
۵ـ سایر مواردی که در صلاحیت مجمع باشد.

هیئت‌مدیره

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت شیرین دارو (سهامی عام) به شماره ثبت ۵۹۱۴ و شناسه ملی ۱۰۵۳۰۱۸۴۳۵۲

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران محترم شرکت شیرین دارو می‌رساند که مجمع عمومی عادی سالیانه این شرکت در روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۶ برگزار می‌گردد، لذا از کلیه سهامداران، وکیل یا قائم‌مقام صاحب سهم و همچنین نماینده یا نمایندگان اشخاص حقوقی دعوت می‌گردد رأس ساعت ۱۰:۰۰ در محل تهران ـ خیابان ولیعصر(عج) ـ پایین‌تر از پارک وی ـ مجموعه فرهنگی ورزشی تلاش حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه:
۱ـ استماع گزارش هیأت مدیره، حسابرس و بازرس قانونی برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۸/۱۲/۲۹
۲ـ بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۱۳۹۸/۱۲/۲۹
۳ـ انتخاب حسابرس و بازرس قانونی شرکت برای سال مالی ۱۳۹۹
۴ـ انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
۵ـ تصمیم‌گیری در مورد تقسیم سود
۶ـ سایر مواردی که در صلاحدید مجمع عمومی عادی باشد.

* توجه: جهت ورود به جلسه ارائه کارت ملی و کد سهامداری برای کلیه افراد و ارائه معرفی‌نامه (مشتمل بر شناسه ملی و شماره ثبت شخص حقوقی) برای نمایندگان حقوقی الزامی می‌باشد.

هیأت مدیره شرکت شیرین دارو

آگهی تغییرات
شرکت صنایع مس شهید باهنر شرکت سهامی عام
به شماره ثبت ۱۶۴۹۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۴۱۴۷۳

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۹/۰۱/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: الف - تغییر نماینده اشخاص حقوقی و تعیین سمت اعضاء جدید هیات مدیره: آقای علی ندرلو با کد ملی ۵۸۹۹۴۰۵۷۱۶ به نمایندگی از شرکت سرمایه گذاری صدر تأمین (سهامی عام) به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۲۴۶۹۶ برای باقی مانده زمان تصدی به سمت رئیس هیأت مدیره (عضو غیر موظف) - آقای محمد جواد مقصودی با کد ملی ۲۹۹۱۵۵۴۱۲۶ به نمایندگی از شرکت صنایع خاک چینی ایران (سهامی عام) به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۳۸۶۱۰ برای باقی مانده زمان تصدی به سمت عضو موظف هیأت مدیره تعیین گردیدند. ب - کلیه اوراق و اسناد تعهد آور شرکت از جمله قراردادها، عقود اسلامی، چک، برات، سفته و سایر اسناد تجاری با امضاء مدیر عامل و یکی از اعضاء هیأت مدیره متفقاً و در غیاب مدیر عامل با امضاء رئیس هیات مدیره و یکی از اعضاء هیات مدیره بهمراه مهر شرکت و سایر اسناد با امضاء مدیر عامل و مهر شرکت معتبر است.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری کرمان (۸۲۸۳۷۸)

****

آگهی تغییرات شرکت فلزات تزئینی آروین شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۶۸۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۴۲۳۰۷

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۶: - شرکت گسترش اقتصاد وصنعت ارین به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۱۰۱۸۰ به نمایندگی آقای مجتبی مشکواة الممالک به کدملی ۰۰۴۳۴۸۶۱۵۰ به سمت رئیس هیئت مدیره - آقای علیرضا فرهادیان پور با شماره ملی ۰۰۷۲۵۲۹۷۶۸ به سمت مدیر عامل و عضو هیئت مدیره - آقای سروش مشکوة الممالک با شماره ملی ۴۷۲۳۶۰۴۷۸۲ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره - آقای عباسعلی تاجدینی با شماره ملی ۰۸۷۲۲۰۴۲۶۱ به سمت عضو هیئت مدیره - آقای محمدرضا میسمی با شماره ملی ۰۰۵۵۱۷۳۹۳۴ به سمت عضو هیئت مدیره انتخاب گردیدند. - کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، برات، قراردادها و عقود با امضای منفرد رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت یا با امضای مدیرعامل و یک نفر از اعضا هیئت مدیره متفقا همراه با مهر شرکت و یا در صورت غیبت مدیرعامل با امضا دو نفر از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد و اوراق عادی و اداری با امضای مدیرعامل و یا هر یک از اعضا هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری سیرجان (۸۲۸۳۹۳)

****

آگهی تغییرات شرکت پاریز پیشرو صنعت توسعه شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۲۵۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۰۵۳۴۵۷

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۹/۰۲/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ -آقای سید علیرضا مرتضوی تبریزی با کدملی ۱۳۸۱۰۰۴۲۷۱ به نمایندگی از شرکت سرمایه گذاری وتوسعه گل گهر به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۸۳۹۲۸۵ به عنوان رئیس هیات مدیره -آقای محسن اسدی پور با کدملی ۳۰۷۱۱۱۲۹۷۱ به نمایندگی از شرکت گهر عمران سیرجان به شناسه ملی ۱۰۸۶۰۵۳۰۰۱۶ به عنوان نائب رئیس هیئت مدیره -ج آقای عباس مطهری نژاد با کدملی ۳۰۷۰۴۱۲۰۸۴ به نمایندگی از شرکت گهر روش سیرجان به شناسه ملی ۱۰۸۶۰۵۳۲۷۰۴ به عنوان عضو هیئت مدیره -آقای عباس مطهری نژاد با کدملی ۳۰۷۰۴۱۲۰۸۴ به عنوان مدیرعامل برای مدت باقیمانده ۲ -اختیارات ذیل از طرف هیئت مدیره به مدیرعامل تفویض گردید: بند ۱ ماده ۱۴: انجام کلیه امور تجاری شرکت در قالب آئین نامه معاملات شرکت بند ۲ ماده ۱۴: انجام هرگونه دادوستد اموال منقول وغیر منقول در قالب آئین نامه معاملات شرکت بند ۳ ماده ۱۴: انعقادانواع واقسام قراردادها ووصول و دریافت وجه در نوع مطالبات و پرداخت وجوه در قالب آئین نامه معاملات بند ۷: ماده ۱۴: تنظیم مفاصا و تصفیه حسابها بند ۸ ماده ۱۴: شور ومذاکره و سازش وحل وفصل دوستانه در مورد کلیه مسائل مربوط به شرکت وارائه گزارش به هیئت مدیره بند ۹ ماده ۱۴: ارجاع هر یک یا کلیه اختلافات شرکت به داوری و تعیین داوران و تفویض اختیار صلح و سازش به داور مزبور اقامه دعاوی و دفاع از دعاوی و تعیین وکیل به این منظور بند ۱۰ ماده ۱۴: تنظیم بودجه شرکت و ارائه به هیات مدیره جهت تصویب بند ۱۱ ماده ۱۴: انعقاد هر گونه قرارداد خرید وفروش شرکت در مناقصه ومزایده در قالب کمیسیون معاملات بند ۲۰ ماده ۱۴: نصب وعزل عاملین و وکلا و نمایندگان و کارمندان با حق تعیین شغل، حقوق وحق الزحمه و حق الوکاله، پاداش و سایر شرایط استخدامی بند ۲۲ ماده ۱۴: قبولی نمایندگی از شرکت و موسسات خارجی وانجام هر گونه امور محوله از طرف موسسات مزبور یا توسط آنها با پیشنهاد مدیرعامل وتصویب هیات مدیره بند ۲۳ ماده ۱۴: تفویض اختیار لازم برای انجام امور فنی واداری شرکت به اشخاص حقیقی وحقوقی ۳ -امضاء کلیه اوراق واسناد بهادار و تعهدات شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها، عقود اسلامی وبطور کلی هر گونه قراردادی که برای شرکت ایجاد تعهد نماید مشترکاً با امضاء ثابت مدیرعامل وامضاء رئیس هیئت مدیره یا نائب رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد سایر نامه ها ومکاتبات با امضاء مدیرعامل ومهر شرکت معتبر است.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری سیرجان (۸۲۸۴۱۵)

****

آگهی تغییرات شرکت جهاد نصر مازندران سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۴۰۶ و شناسه ملی ۱۰۷۶۰۱۸۵۴۶۹

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۱۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱-محل شرکت در واحد ثبتی ساری به آدرس شهر ساری، محله جام جم، خیابان نهضت، بلوار جام جم، پلاک ۰، مجتبی علیپناه، طبقه اول با کد پستی ۴۸۱۴۸۱۸۴۵۸ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری ساری (۸۲۸۵۶۹)

شرکت تعاونی مسکن راهبران سامان رسپینا شماره ثبت ۴۰۷۴۳
آگهی دعوت
مجمع عمومی عادی نوبت اول

بدینوسیله از کلیه اعضای محترم این تعاونی دعوت می شود تا در مجمع عمومی عادی نوبت اول که راس ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۹/۴/۸ در محل دفتر این تعاونی به نشانی: تهران- شهرک راه آهن بلوار کوهک -نسیم ۲۰ برج مسکونی راهور برگزار می گردد حضور به هم رسانند.

توجه:
درصورتی که هر یک از اعضا نتوانند در مجمع عمومی فوق حضور یابد می تواند استفاده از حق خود را برای حضور و اعمال رای در مجمع عمومی به یک نماینده تام الاختیار واگذار کنند. تعداد آرای وکالتی هر عضو حداکثر ۳ رای وهر شخص غیر عضو تنها یک رای خواهد بود. و در اینصورت تائید نمایندگی تام الاختیار با امضای بازرس یا امضای عضو هیئت مدیره تعاونی خواهد بود بدین منظور عضو متقاضی اعطای نمایندگی باید حداکثر ظرف مدت هفت روز از انتشار این آگهی به همراه نماینده خود و با در دست داشتن مدرک موید عضویت در تعاونی و کارت شناسایی معتبر در محل دفتر شرکت تعاونی حاضر تا پس از احراز هویت طرفین عضویت متقاضی و اهلیت نماینده برگه نمایندگی مربوط توسط مقام مذکور تائید و ورقه ورود به مجمع عمومی برای نماینده صادر گردد.

ضمناً یادآور می شود:
این مجمع با حضور اکثریت آرا (نصف بعلاوه یک) از اعضا رسمیت می یابد و تصمیماتی که در آن اتخاذ می‌شود برای کلیه اعضا (اعم از غایب و مخالف و حاضر) نافذ و معتبر خواهد بود.

دستور جلسه:
۱- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس- بازرسان
۲- رسیدگی و اتخاذ تصمیم در خصوص صورت های مالی سال های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ و بودجه سال جاری ۱۳۹۹
۳- انتخاب اعضای اصلی و علی البدل هیئت مدیره و بازرس- بازرسان
۴- اتخاذ تصمیم در خصوص تصویب آئین نامه حقوق و مزایای هیئت مدیره و پاداش آنان
۵- اتخاذ تصمیم در خصوص تصویب آئین نامه وظایف اختیارات و حقوق و مزایای مدیر عامل
داوطلبان تصدی سمت های هیئت مدیره و بازرسی بموجب ماده (۹) دستور العمل موظفند حداکثر ظرف مدت یک هفته از انتشار آگهی دعوت فرم داوطلبی را تکمیل و تحویل دفتر تعاونی نمایند.

هیئت مدیره

آگهی تغییرات شرکت مهد کالا سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۰۱۶ و شناسه ملی ۱۰۷۶۰۱۵۰۸۳۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه شرکت از مبلغ یک میلیارد ریال به مبلغ شانزده میلیارد ریال منقسم به سیصدو بیست هزار سهم با نام پنجاه هزار ریالی از محل ارزیابی دارایی های ثابت (ماشین آلات و تاسیسات و تجهیزات) کارشناس رسمی دادگستری بشماره ۷-۱۱-۶ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۳۰ افزایش یافت در نتیجه ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری آمل (۸۲۸۵۷۲)

****

آگهی تغییرات شرکت صنایع بازیافت راتا شمال سهامی خاص
به شماره ثبت ۷۱۸۶ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۰۹۱۲۲۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۹/۰۱/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ -سرمایه شرکت از مبلغ بیست و پنج میلیارد ریال که با انتشار سهام جدید مطابق بند ۲ ماده ۱۵۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت از طریق مطالبات حال شده سهامداران افزایش به مبلغ شصت میلیارد ریال منقسم به ۶۰.۰۰۰ سهم با نام ۱.۰۰۰.۰۰۰ ریالی که تماماً پرداخت شده می باشد و ماده ۵ اساسنامه شرکت به شرح مذکور اصلاح می گردد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری آمل (۸۲۸۵۷۳)

****

آگهی تغییرات
شرکت موسسه عالی غیر دولتی غیر انتفاعی علوم وفناوری آریان
موسسه غیر تجاری
به شماره ثبت ۷۶۹ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۱۸۷۰۴

به استناد صورتجلسه هیئت موسس و به موجب نامه به شماره ۲۸۲۲۵۳ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۱ وزارت علوم وتحقیقات وفناوری تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ -محل شرکت در واحد ثبتی بابل از نشانی قبلی به نشانی استان مازندران، شهرستان بابل، بخش مرکزی، شهر امیرکلا، محله شهدا، کوچه بهار ۲، خیابان دانشگاه، پلاک ۰، طبقه همکف به کدپستی ۴۷۳۱۷۷۶۴۳۷ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری بابل (۸۲۸۵۷۶)

****

آگهی انتقالی شرکت صدرا مهر شایان آمل
سهامی خاص به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۹۴۷۶۲۶

به موجب نامه شماره مکانیزه ۱۳۹۷۰۳۲۸۱۰۳۳۴۰۰۰۰۱۷ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۰ مرجع ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری آمل و به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۰۵ مرکز شرکت به نشانی استان مازندران، شهرستان محمودآباد، بخش مرکزی، دهستان هرازپی غربی، روستا شهرک صنعتی تشبندان، خیابان گلایل، خیابان سردخانه قندیل، پلاک ۰، طبقه همکف کد پستی ۴۶۳۳۶۷۱۲۱۷ انتقال یافت و در مرجع ثبت شرکتهای محمودآباد تحت شماره ۱۶۹۳ به ثبت رسیده است.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری محمود آباد (۸۲۸۵۷۸)

****

آگهی تغییرات شرکت صدرا مهر شایان آمل سهامی خاص
به شماره ثبت ۵۱۷۴ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۹۴۷۶۲۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۰۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ -محل شرکت از آمل به آدرس جدید استان مازندران، شهرستان محمودآباد، بخش مرکزی، دهستان هرازپی غربی، روستا شهرک صنعتی تشبندان، خیابان گلایل، خیابان سردخانه قندیل، پلاک ۰، طبقه همکف کد پستی ۴۶۳۳۶۷۱۲۱۷ انتقال یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح مذکور اصلاح گردید

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری آمل (۸۲۸۵۸۰)

****

آگهی تغییرات شرکت مجمع خیرین
صیانت اجتماعی استان مازندران
به شماره ثبت ۱۴۴۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۴۴۱۸۴۲

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۰۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱-با توجه به جایگزینی نجمه اسدی دیوکلائی (عضو علی البدل) به جای مهدی فهیمیان (عضو اصلی) اعضا هیئت مدیره برای مدت باقیمانده تا تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۰ به قرار ذیل تعیین گردیدند: ولی اله حسن زاده با کد ملی ۴۹۸۹۶۱۹۳۸۲ به عنوان رئیس هیئت مدیره- حسن صفری با کد ملی ۲۰۹۰۱۸۵۲۵۲ به عنوان نائب رئیس هیئت مدیره- عبداله گل نژاد با کد ملی ۲۰۹۱۹۲۱۰۱۷ به عنوان خزانه دار هیئت مدیره- نجمه اسدی دیوکلائی با کد ملی ۲۱۶۲۵۲۷۲۹۴ به عنوان عضو اصلی هیئت مدیره- محمدابراهیم سیدکار با کد ملی ۵۵۹۹۶۴۱۲۷۹ به عنوان عضو اصلی هیئت مدیره و مدیرعامل. ۲-دارندگان حق امضا: کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهد آور و حسابهای بانکی با امضاء مدیرعامل آقای محمدابراهیم سیدکار با حفظ سمت (عضو اصلی هیئت مدیره) باتفاق امضای آقای عبداله گل نژاد به عنوان خزانه دار هیات مدیره و در غیاب خزانه دار با امضای آقای ولی اله حسن زاده به عنوان رئیس هیات مدیره همراه با مهر موسسه معتبر خواهد بود و کلیه نامه ها و مکاتبات اداری با امضای منفرد مدیرعامل آقای محمدابراهیم سیدکار با حفظ سمت (عضو اصلی هیئت مدیره) همراه با مهر موسسه معتبر می باشد. رونوشت به استانداری مازندران بازگشت به شماره ۸۶/۲۲/۲۳۵۷۸ مورخ ۱۳۹۸/۳/۱۲

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری ساری (۸۲۸۶۱۶)

شرکت تعاونی مسکن راهبران سامان رسپینا شماره ثبت ۴۰۷۴۳
آگهی دعوت
مجمع عمومی فوق العاده نوبت اول

بدینوسیله از کلیه اعضای محترم این شرکت تعاونی دعوت می شود تا در مجمع عمومی فوق العاده نوبت اول که راس ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخ ۹۹/۳/۲۵ در محل دفتر این تعاونی به نشانی: تهران- شهرک راه آهن بلوار کوهک -نسیم ۲۰ برج مسکونی راهور برگزار می گردد، حضور به هم رسانند.

توجه:
درصورتی که هر یک از اعضا نتوانند در مجمع عمومی فوق حضور یابد می تواند استفاده از حق خود را برای حضور و اعمال رای در مجمع عمومی به یک نماینده تام الاختیار واگذار کند. تعداد آرای وکالتی هر عضو حداکثر ۳ رای وهر شخص غیر عضو تنها یک رای خواهد بود. و در اینصورت تائید نمایندگی تام الاختیار با امضای بازرس یا امضای عضو هیئت مدیره تعاونی خواهد بود بدین منظور عضو متقاضی اعطای نمایندگی باید حداکثر ظرف مدت هفت روز از انتشار این آگهی به‌همراه نماینده خود و با در دست داشتن مدرک موید عضویت در تعاونی و کارت شناسایی معتبر در محل دفتر شرکت تعاونی حاضر تا پس از احراز هویت طرفین عضویت متقاضی و اهلیت نماینده برگه نمایندگی مربوط توسط مقام مذکور تائید و ورقه ورود به مجمع عمومی برای نماینده صادر گردد.

ضمناً یادآور می شود:
این مجمع با حضور حداقل دو سوم از اعضا رسمیت می یابد و تصمیماتی که در آن اتخاذ می شود برای کلیه اعضا (اعم از غایب و مخالف و حاضر) نافذ و معتبر خواهد بود.

دستور جلسه:
- اتخاذ تصمیم در خصوص کاهش تعداد اعضای اصلی هیئت مدیره از ۵ نفر به ۳ نفر

هیئت مدیره

آگهی تغییرات شرکت نور شفق سلیم سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۰۷۶۴ و شناسه ملی ۱۰۷۶۰۳۸۲۵۷۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ -محل شرکت در واحد از نشانی قبلی به نشانی استان آذربایجان شرقی، شهرستان اسکو، بخش مرکزی، دهستان باویل، روستا کلجاه (کله جاه)، محله ندارد، نسیم اسکو، کوچه (ورزشگاه)، بن بست ۸ متری پونه، پلاک ۳۸، طبقه اول به کدپستی ۵۳۵۱۱۴۵۵۶۹ انتقال گردید و در نتیجه ماده مربوطه اساسنامه بدین صورت اصلاح گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری ساری (۸۲۸۶۱۰)

****

آگهی تغییرات موسسه غیر تجاری
مجمع خیرین صیانت اجتماعی استان مازندران
به شماره ثبت ۱۴۴۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۴۴۱۸۴۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۰۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱-اساسنامه شرکت اساسنامه جدید انجمن بر ۳ فصل و ۴۱ ماده و ۳۴ تبصره تصویب و جایگزین اساسنامه قبلی شرکت گردید. رونوشت به استانداری مازندرن بازگشت به شماره ۸۶/۲۲/۲۳۵۷۸ مورخ ۱۳۹۸/۳/۱۲

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری ساری (۸۲۸۶۱۷)

****

آگهی تغییرات
شرکت آریس آمل سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۲۰۰ و شناسه ملی ۱۰۷۶۰۲۸۰۲۷۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱-روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد. ۲- ترازنامه و حساب سود وزیان شرکت درسال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۰/۱۰ به تصویب رسید، ۳- موسسه آتیه اندیش نمودگر شناسه ملی ۱۰۱۰۳۲۹۷۹۶۵ بعنوان بازرس اصلی و آقای هاشم صرافی ملایری به شماره ملی ۳۹۳۲۵۰۱۳۴۹ به سمت بازرس علی البدل برای یکسال مالی انتخاب گردیدند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری آمل (۸۲۸۶۳۹)

****

آگهی تغییرات شرکت سولیکو کاله سهامی خاص
به شماره ثبت ۵۲۶ و شناسه ملی ۱۰۷۶۰۰۹۴۸۲۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱-سرمایه شرکت از مبلغ ۳۶۵۱۲۸۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۳۶۵۱۲۸۰ سهم با نام و بی نام شامل: تعداد ۳۲۲۳۴۸۶ سهم با نام و تعداد ۴۲۷۷۹۴ سهم بی نام یک میلیون ریالی به مبلغ ۱۲۰۴۹۲۲۴۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۱۲۰۴۹۲۲۴ سهم با نام و بی نام شامل: ۱۱۵۷۸۱۸۸ سهم با نام و تعداد ۴۷۱۰۳۶ سهم بی نام یک میلیون ریالی از محل مطالبات نقدی حال شده اشخاص پرداخت گردید افزایش یافت و در نتیجه ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری آمل (۸۲۸۶۴۰)

****

آگهی تغییرات شرکت باشگاه ورزشی کاله مازندران سهامی خاص به شماره ثبت ۵۸۲۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۰۰۱۷۲۸۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۰۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱-محل شرکت در واحد ثبتی آمل به آدرس استان مازندران شهرستان آمل بخش مرکزی شهر آمل محله تختی خیابان طالب آملی خیابان آیت الله کاشانی پلاک ۰ طبقه همکف کدپستی ۴۶۱۷۸۵۸۹۹۲ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری آمل (۸۲۸۶۴۱)

****

آگهی تغییرات
شرکت تولیدی کوچین سهامی خاص
به شماره ثبت ۹۷۱ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۴۳۲۶۵۳

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۰۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱-سمت اعضاء هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۲ به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای غلامعلی سلیمانی به شماره ملی ۲۱۴۱۷۸۶۶۵۷ به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای رمضان سلیمانی به شماره ملی ۲۱۴۱۸۰۳۴۵۴ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و آقای بهمن سلیمانی به شماره ملی ۲۱۴۱۸۳۲۴۴۶ به سمت عضو هیئت مدیره. ۲-آقای مهرداد شهامت نادری به شماره ملی ۲۱۶۱۴۲۱۵۹۱ به سمت مدیرعامل (خارج از اعضای هیئت مدیره) تا تاریخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۲ انتخاب گردید. ۳-کلیه اسناد و اوراق بهادار از قبیل چک، سفته، برات و سایر عقود و قراردادها با امضای متفق دو نفر از چهار نفر (سه نفر اعضاء هیئت مدیره و یک نفر شخص مدیر عامل) همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود و اوراق عادی و مکاتبات اداری با امضای منفرد هر یک از نامبردگان فوق الذکر همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری محمود آباد (۸۲۸۶۴۲)

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام
شرکت حمل و نقل ترکیبی کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران (سهامی عام)
ثبت شده به شماره ۲۳۰۷۶۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۱۸۲۶۵ و سرمایه ۹۸۰,۰۰۰ میلیون ریال

بدینوسیله به اطلاع سهامداران محترم می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت حمل و نقل ترکیبی کشتیرانی ج.ا.ا (سهامی عام) برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۸/۱۲/۲۹ رأس ساعت ۱۴ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۵ در محل دفتر مرکزی کشتیرانی ج.ا.ا به آدرس: تهران، خیابان پاسداران، تقاطع شهید لواسانی (فرمانیه)، برج آسمان، شماره ۳۷ تشکیل می گردد.

دستور جلسه:
۱- استماع گزارش فعالیت هیأت مدیره، حسابرس و بازرس قانونی شرکت در خصوص عملکرد و صورتهای مالی منتهی به ۲۹ اسفند ماه ۱۳۹۸.
۲- بررسی و تصویب صورتهای مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۱۳۹۸.
۳- اخذ تصمیم نسبت به تقسیم سود عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۸/۱۲/۲۹.
۴- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس مستقل شرکت برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۱۲/۳۰.
۵- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار به منظور درج آگهی و اطلاعیه‌های شرکت.
۶- انتخاب اعضای هیأت مدیره.
۷- سایر مواردی که تصمیم گیری در مورد آن در صلاحیت مجمع عمومی عادی می‌باشد.

هیئت مدیره شرکت حمل و نقل ترکیبی کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران

اطلاعات

سال نود و چهارم

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ (مؤسسه اطلاعات)
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سر دبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان مصدق جنوبی (نفت سابق)
ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی‌ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی‌ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com
منشور اخلاقی: http://www.ettelaat.com/ftp/manshoor.pdf

تقویم اطلاعات

	سه‌شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۹ ۱۰شوال ۱۴۴۱ ۲ ژوئن ۲۰۲۰		چهارشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۹۹ ۱۱شوال ۱۴۴۱ ۳ ژوئن ۲۰۲۰
ظهر شرعی	۱۳ و ۰۲ دقیقه	ظهر شرعی	۱۳ و ۰۳ دقیقه
غروب آفتاب	۲۰ و ۱۶ دقیقه	غروب آفتاب	۲۰ و ۱۶ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۳۷ دقیقه	اذان مغرب	۲۰ و ۳۷ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰۰ و ۱۰ دقیقه	نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰۰ و ۱۰ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۰۵ دقیقه	اذان صبح (پنجشنبه)	۴ و ۰۴ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۵ و ۴۹ دقیقه	طلوع آفتاب (پنجشنبه)	۵ و ۴۹ دقیقه

اردوغان: دولت یونان تمامی مساجد در آتن را تخریب کرده است

سرویس خارجی: رئیس‌جمهوری ترکیه پس از اعتراض یونان نسبت به خوانده شدن قرآن در مراسمی که به مناسبت پانصدوشصت‌وهفتمین سالگرد فتح استانبول در مسجد ایاصوفیه برگزار شده بود، اعلام کرد: دولت یونان تمامی مساجد را در شهر آتن، پایتخت این کشور تخریب کرده است.

«رجب طیب اردوغان» با اشاره به تخریب تمامی مساجد در شهر آتن، گفت:حتی یک مسجد هم در پایتخت یونان باقی نمانده و آنها را با خاک یکسان کرده‌اند.

شهادت ۴ یمنی در حملات توپخانه ای ائتلاف سعودی به «الحدیده»

سرویس خارجی:حملات توپخانه ای مزدوران ائتلاف سعودی به استان الحدیده واقع در غرب یمن منجر به شهادت چهار غیر نظامی شد.پایگاه خبری المسیره، در گزارشی اعلام کرد: مزدوران سعودی منطقه الزهور در شهرستان الحالی استان الحدیده را هدف حملات توپخانه ای قرار دادند که بر اثر آن چهار شهروند یمنی شهید و ۱۸ تن نیز زخمی شدند. در این حال انصارالله نیروهای مشترک یمن وابسته به دولت مستعفی را به حمله به استان الحدیده متهم کرد که در اثر آن شماری از یمنی‌ها شهید و زخمی شدند.

اعتراضات علیه نژادپرستی در آمریکا، جهانی شد

سرویس خارجی: همزمان با ادامه نا آرامی‌ها در سراسر آمریکا که از چند روز پیش به علت قتل یک سیاهپوست به وقوع پیوسته است وهمچنان ادامه دارد، تظاهراتی در چندین کشور جهان از جمله انگلیس، کانادا، آلمان، نیوزیلند و دانمارک در اعتراض به نژاد پرستی در ایالات متحده برگزار شد.

در همین رابطه، انگلیسی‌های معترض به نژادپرستی در این کشور و قتل یک سیاهپوست توسط پلیس سفیدپوست آمریکایی، در خیابان‌های لندن و سایر شهرهای انگلیس دست به تظاهرات زدند. صدها تن از معترضان در چارچوب پویشی به نام «زندگی سیاهپوستان اهمیت دارد»، در منطقه بریکستون در جنوب لندن تجمع کرده و علیه نژادپرستی و حمایت از سیاهپوستان شعارهایی سردادند. آنها ضمن حمل شعارنوشته‌هایی که روی آن عبارت‌هایی همچون «سیاهپوستان مهم هستند؛ ننگ بر اسلام هراسی و به مهاجران خوش‌آمد می‌گوییم»، فریاد زدند که انگلیس بی‌گناه نیست.معترضان که شمار آنها به هزاران تن می‌رسید در میدان مشهور ترافلگار لندن نیز تجمع کرده و فریاد عدالت‌خواهی و صلح سردادند.در این حرکت اعتراضی که در میان تدابیر شدید امنیتی برگزار شد، فعالان حقوق‌بشری، نمایندگان اتحادیه‌های کارگری و دانشجویان سخنانی را در محکومیت رفتار پلیس آمریکا ایراد کردند.

همزمان در کانادا نیز هزاران نفر از مردم این کشوردر اعتراض به نژادپرستی در این کشور و همچنین قتل یک سیاهپوست توسط پلیس آمریکا، در خیابان‌های شهر تورنتو تظاهرات کردند.معترضان به کشته شدن اخیر «رگیس کورچینسکی پاکت» زن سیاهپوست کانادایی توسط پلیس این کشور و همچنین قتل «جورج فلوید» شهروند سیاهپوست آمریکایی توسط پلیس ایالات متحده اعتراض کردند. معترضان کانادایی پلاکاردهایی با پیام‌هایی همچون «کشتارها را متوقف کنید» و «زندگی سیاهپوستان اهمیت دارد» در دست داشتند.

از سویی صدها نفر معترض با تجمع مقابل سفارت آمریکا در برلین و با در دست داشتن پوسترهایی تحت عنوان «اجرای عدالت برای جورج فلوید» و «کشتن ما را متوقف کنید» اعتراض خود به این حادثه و همبستگی با سیاهپوستان آمریکا را نشان دادند.

هزاران نفر از مردم نیوزیلند نیز در اعتراض به قتل «جورج فلوید» سیاهپوستی که به دست پلیس سفیدپوست آمریکا به قتل رسید، در خیابان‌های شهر اوکلند این کشور تظاهرات کردند و فریاد اعتراض سردادند. جمعیت زیادی از شهروندان شهر کرایست‌چرچ نیوزیلند نیز به نشانه همبستگی با اعتراض‌های ضدنژادپرستی در آمریکا دراوکلند، تجمع کردند.

در این حال همزمان با اعتراضات گسترده علیه قتل نژادپرستانه «جورج فلوید» شهروند سیاهپوست ۴۶ ساله آمریکایی توسط پلیس سفیدپوست این کشور، مقابل سفارت واشنگتن در دانمارک تظاهرات برپا شد.حدود ۲۰۰۰ نفر در خیابان‌های کپنهاگ پایتخت دانمارک در اعتراض به مرگ جورج فلوید آمریکایی آفریقایی تبار توسط پلیس ایالات متحده تجمع کردند. معترضان در خیابان‌های پایتخت دانمارک، بنرها و دست نوشته‌هایی با عنوان «عدالت برای جورج فلوید» در دست داشتند.

ادامه اعتراضات در آمریکا

معترضان آمریکایی علیرغم اعلام حکومت نظامی در واشنگتن در نزدیکی کاخ سفید، مقابل حصاری که آنها را از پلیس دور می‌کرد، تجمع کردند و شعار شلیک نکنید سر دادند. بسیاری از معترضان هم پلاکاردهایی با نوشته «عدالت نباشد، صلح نیست» و «سکوت سفید خشونت است» در دست داشتند. معترضان همچنین پلاکاردهایی در دست داشتند که روی یکی از آنها نوشته شده بود «زندگی سیاه پوستان را نجات دهید».

براساس گزارش خبرنگار اسپوتنیک، چندین معترض در واشنگتن در درگیری با نیروهای امنیتی زخمی شدند. در این حال پلیس آمریکا از گاز اشک‌آور و اسپری فلفل علیه معترضانی استفاده کرد که در لافایت پارک در واشنگتن پرچم آمریکا را به آتش کشیدند. همچنین با تجمع هزاران معترض در واشنگتن به‌رغم اعلام ممنوعیت آمد و شد، بنای یادبود لینکن، بنای یادبود جنگ جهانی دوم، و بناهای یادبود نشنال مال در واشنگتن دی‌سی خسارت دیدند و بر روی برخی از این آثار،«شعار زندگی سیاهان مهم است» و«برترپنداری سفید دیگر بس است» نوشته شده بود. در همین حال کلیسای سنت جان هم در واشنگتن دی‌سی که در نزدیکی کاخ سفید است، به آتش کشیده شد. سرویس مخفی کاخ سفید در بیانیه‌ای اعلام کرد که در اعتراض‌های خشونت‌آمیز صورت گرفته در اطراف کاخ سفید، بیش از ۶۰ نفر از ماموران آن زخمی شده‌اند. خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی اعلام کرد که تمامی عناصر گارد ویژه ملی آمریکا در واشنگتن که شمار آنها به ۱۲۰۰ نفر می‌رسد برای مقابله با ناآرامی‌ها فراخوانده شدند. همچنین براساس گزارش سی‌ان‌ان، از کارکنان کاخ سفید خواسته شد تا به دلایل امنیتی در محل کارشان حاضر نشوند. از طرفی، هزاران نفر از معترضان به نژادپرستی در آمریکا و در واکنش به قتل یک سیاهپوست توسط افسر پلیس سفیدپوست، در خیابان‌های منهتن نیویورک راهپیمایی کردند. هزاران نفر در «تایمز اسکوئر» منهتن گرد هم آمدند و پس از سردادن شعارها علیه اقدامات نژادپرستانه و خشونت پلیس علیه شهروندان سیاهپوست، راهپیمایی خود را آغاز کردند. همچنین در این تظاهرات دختر سیاهپوست شهردار نیویورک به‌دلیل شرکت در اعتراضات ضدنژادپرستی در آمریکا بازداشت شد.

در فلوریدا نیز افسران پلیس به گاز اشک آور و اسپری فلفل برای متفرق کردن معترضان متوسل شدند. مقام‌های اورنج کانتی در ایالت فلوریدا نیز اعلام کردند که به دنبال تخریب اموال عمومی در تظاهراتی در این منطقه از جمله در شهر اورلاندو رخ داد، در این منطقه منع آمدوشد برقرار شد.در فیلادلفیا هم دهها فروشگاه هدف حمله و غارت قرار گرفت. در بوستون یک خودروی پلیس به آتش کشیده شد. در شهر دنور ایالت کلرادو نیز هزاران نفر از معترضان با دراز کشیدن روی زمین و قراردادن دست‌هایشان به پشت خود، شعار می‌دادند: نمی‌توانم نفس بکشم. در این حال پلیس شهر دنوراعلام کرد: دست کم ۸۳ نفر با اتهام‌های نظیر نقض مقررات آمدوشد، آسیب به اموال و حمل سلاح غیرمجاز دستگیر شده‌اند.

همزمان در جریان اعتراضات مردم شهر مینیاپولیس ایالت مینه سوتا هم به نژادپرستی حاکم بر آمریکا، یک دستگاه کامیون به صف معترضان حمله کرد و آنها را زیر گرفت.

در همین حال کلانتر یک منطقه در ایالات میشیگان آمریکا به تظاهرکنندگانی پیوست که در اعتراض به قتل یک سیاهپوست توسط پلیس این کشور مقابل ساختمان اداره پلیس جمع شده بودند. از سویی،مردی در جریان اعتراضات در یکی از محله‌های مرکز شهر لس‌آنجلس، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و جان باخت.

از طرفی منابع آمریکایی گزارش دادند، یک معترض دیگر به نژادپرستی و خشونت پلیس آمریکا در شهر «لوییویل» ایالت کنتاکی به ضرب گلوله نیروهای پلیس این شهر کشته شد. این در حالی است که روزنامه واشنگتن پست در گزارشی با اشاره به ناآرامی‌ها و اعتراضات اخیر نوشت: حداقل پنج نفر در جریان این ناآرامی‌ها کشته شدند. همچنین رسانه‌های آمریکایی از بازداشت بیش از چهار هزار نفر در این کشور خبر دادند. از سوی دیگر،شهردار سانفرانسیسکو مقررات منع آمدوشد در سراسر این شهر برقرار کرد.همچنین، فرماندار ایالت تگزاس در پی به خشونت کشیده شدن اعتراض‌های شب گذشته در شهرهای مختلف این ایالت، «وضعیت فاجعه» اعلام کرد. فرماندار ایالت کالیفرنیا نیزدر پی تشدید ناآرامی‌ها در شهر لس آنجلس در اعتراض به قتل یک شهروند سیاهپوست، در این شهر حالت فوق العاده اعلام کرد.از سویی در ایالت ویرجینیا حالت فوق‌العاده و در شهر دیترویت مقررات منع آمدو شد اعلام شد. فرماندار ایالت آریزونا هم در پی اعتراضات و تشدید درگیری‌ها به مدت یک هفته در سراسر این ایالت مقررات منع آمدو شد برقرار کرد.

در چنین شرایطی، روزنامه دیلی میل گفت: اعتراضات مردمی در دست‌کم ۷۵ شهر در سراسر ایالات متحده ادامه دارد ودست‌کم ۴۰ شهر در سراسر آمریکا ممنوعیت آمد و شد اعلام کردند. این در حالی است که «مایکل هوک» سخنگوی گارد ملی آمریکا گفت: حدود پنج هزار نفر از نیروهای این گارد در ۱۵ ایالت برای سرکوب تظاهرات فعال شده‌اند و دوهزار نیروی دیگر در حالت آماده‌باش هستند.

فرار ترامپ به پناهگاه

یک مقام کاخ سفید گفت: رئیس جمهوری آمریکا هنگام تجمع معترضان در مقابل این کاخ به پناهگاه زیرزمینی فرارکرد.

شبکه خبری سی‌ان‌ان به نقل از یک مقام کاخ سفید و یک نیروی امنیتی گفت: جمعه‌شب وقتی معترضان در مقابل کاخ سفید تجمع کردند، دونالد ترامپ رییس جمهوری آمریکا برای مدت کوتاهی به پناهگاه زیرزمینی این کاخ فراری داده شد. در این حال روزنامه چینی «گلوبال تایمز» خطاب به ترامپ نوشت: آقای رئیس جمهوری پشت سرویس مخفی قایم نشو. برو به‌صورت جدی با معترضان صحبت کن. با آنها مذاکره کن، همان‌طور که دوست داری پکن با شورشیان در هنگ‌کنگ صحبت کند.

دستورترامپ برای سرکوب تظاهرات

رئیس جمهوری آمریکا از شهرداران و فرمانداران این کشور خواست اعتراضات علیه نژادپرستی در این کشور را سرکوب کنند.دونالد ترامپ گفت: شهرداران و فرمانداران دموکرات مستحکم باشید. این افراد اغتشاشگر هستند. هم اینک گارد ملی ما را فرابخوانید.

واکنش مقامات آمریکایی

رئیس مجلس نمایندگان آمریکا با انتقاد از رویکرد دونالد ترامپ در قبال اعتراضات اخیر در این کشور نسبت به قتل یک سیاهپوست توسط پلیس گفت: رئیس جمهوری نباید آتش را شعله‌ورتر کند. «نانسی پلوسی» افزود: توییت‌های ترامپ مثل طعمه‌ای برای منحرف کردن افکار عمومی از ریشه اعتراض‌های کنونی که از قتل جورج فلوید در مینیاپولیس در بازداشت پلیس ناشی شده، عمل می‌کند. «ایلهان عمر» نماینده مجلس نمایندگان آمریکا نیز گفت که سیاه‌پوستان در آمریکا با بی‌توجهی‌های متعددی در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی مواجه هستند.

در این حال «کریس مورفی» سناتور دموکرات آمریکایی با انتقاد از رفتار ترامپ در واکنش به اعتراض‌ها علیه قتل شهروند سیاهپوست به دست پلیس گفت: ترامپ به جای بازگرداندن آرامش، آتش را شعله‌ورتر کرد. «کامالا هریس» سناتور دموکرات ایالات متحده نیز با انتقاد از قتل جوان سیاهپوست به دست پلیس این کشور، گفت: خیابان‌های آمریکا به خون سیاهان آغشته است. وی افزود: قتل جورج فلوید یادآوری دردناک قرن‌ها سرکوب است و جامعه سیاهپوستان آمریکا خواهان عدالت است.

واکنش‌های بین المللی

سازمان عفو بین الملل با انتشار بیانیه‌ای خواستار توقف استفاده از زور و خشونت توسط پلیس آمریکا علیه معترضان در این کشور شد.

سخنگوی وزارت خارجه چین نیز در واکنش به اعتراضات ضد نژادپرستی در آمریکا، گفت پکن تحولات در این خصوص را از نزدیک دنبال می‌کند و خواستار اقدامات مشخص واشنگتن برای پایان دادن به این بیماری جامعه آمریکاست. از طرفی، وزارت خارجه روسیه در بیانیه‌ای نسبت به تشدید خشونت پلیس آمریکا و بازداشت‌های غیرقابل توجیه روزنامه‌نگاران در حین پوشش اخبار اعتراضات گسترده کنونی در این کشور ابراز نگرانی کرد.

در این حال سخنگوی انصارالله یمن به تحولات آمریکا واکنش نشان داد و اعتراضات در این کشور را آشکار کننده حقایق بسیاری دانست. محمد عبدالسلام اعلام کرد: تظاهرات گسترده، کشور دموکراسی پوشالی را در اعتراض به نژادپرستی و توحش رژیم آن، دربرگرفته است.وی گفت: این جنبش اعتراضی، واقعیت آمریکا را عیان ساخت و اینکه هیچگاه سرزمین آزادی‌ها نبوده است و تا زمانی که رژیم نژاد پرستی حاکم است که قاتل تولید می کند، هم نخواهد بود.

هشدار مسافرتی

همزمان با گسترش اعتراضات در شهرهای مختلف آمریکا سفارت مالزی در این کشور از اتباع مالزی خواست که برای حفظ ایمنی خود مراتب احتیاط را رعایت کنند. کنسولگری تایلند در نیویورک نیز با انتشار پیامی به شهروندان تایلندی در آمریکا هشدار داد در تجمعات اعتراضی ضد نژادپرستانه در آمریکا شرکت نکنند .

رسانه‌ها

روزنامه فرامنطقه‌ای رای‌الیوم در گزارشی نوشت: ریشه‌های نژادپرستی در آمریکا عمیق‌تر از آن است که با ادعای مقامات آن از بین برود. به گفته این نشریه،آمریکا به عنوان مدعی رهبری مساوات و برابری در جهان همواره در طول تاریخ و به ویژه در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ شاهد بدترین جنایت‌های ناقض حقوق بشری بوده است.

روزنامه بیلد آلمان نیز در گزارشی به بررسی علل و پیامدهای بروز اعتراض سراسری در ایالات متحده پرداخت و نوشت: با مرگ جورج فلوید آمریکایی-آفریقایی تبار در یک عملیات پلیس مینیاپولیس، یک زخم قدیمی آمریکایی دوباره سر باز زد. این موضوع بار دیگر نشان داد که نژادپرستی همچنان در جامعه این کشور به ویژه هنگامی که پای وحشیگری پلیس در میان باشد، پررنگ است. این نشریه آلمانی نوشت: ترامپ آتش جنگ داخلی را در آمریکا برمی‌افروزد.

سایر تحولات

مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا با بیان این که حزب کمونیست چین رفتار بسیار تهاجمی علیه ارزش‌های غرب دارد، گفت: پکن، آمریکا را در معرض خطر قرار می‌دهد. از سویی، وزارت امور خارجه چین هشدار داد که به صورت قاطعانه با تلاش‌های آمریکا برای لطمه زدن به منافع امنیتی چین مقابله خواهند کرد.



انگلیس



کانادا



نیوزیلند

محکومیت قطع رابطه آمریکا با سازمان بهداشت جهانی

سرویس خارجی: قطع روابط آمریکا با سازمان بهداشت جهانی، نوج محکومیت و انتقادات گسترده‌ای را در سراسر جهان متوجه سیاستمداران کاخ سفید کرد.

در این راستا «سید عباس موسوی» سخنگوی وزارت امور خارجه ایران گفت: در قسمت جدید سریال «خروج» و در میانه یک همه‌گیری که جهان را پریشان کرده، ایالات متحده رابطه خود را با سازمان بهداشت جهانی قطع کرده است. وی ادامه داد: این رژیم بی‌مسئولیت بعد از ناکامی در انجام وظایفش در قبال مردم خود، همواره به دنبال راه فراری بوده تا افتضاحی را که به بار آورده، پنهان کند اما بازی اتهام‌زنی، جهان را نفریفته و نخواهد فریفت.«ماریا زاخاروا» سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه نیز اظهار داشت: در شرایطی که جهان در مواجهه با بیماری همه گیر نیاز به بیشترین وحدت دارد، ایالات متحده پایه و اساس قانونی همکاری‌های پزشکی و بهداشت جهانی را تخریب کرده است و عملکرد ضعیف سیستم پزشکی و بهداشتی ایالات متحده در مواجهه با این بیماری همه گیر باعث می شود آمریکا واجد شرایط برای صحبت از رهبری اش در حوزه بهداشت نباشد.

«ژائولی جیان»سخنگوی‌وزارت خارجه چین هم با انتقاد از برنامه آمریکا برای خارج شدن از سازمان جهانی بهداشت، اعلام کرد که دولت واشنگتن به خارج شدن از توافق‌ها و سازمان‌های بین‌المللی اعتیاد دارد و تصمیم آمریکا برای خروج از سازمان جهانی بهداشت نشان‌دهنده قدرت‌طلبی و یکجانبه‌گرایی آن است. «اورزولا فن درلاین» رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا و «جوزپ بورل» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز با انتشار بیانیه ای مشترک از آمریکا خواستند تصمیم قطع همکاری با سازمان بهداشت جهانی را مورد تجدید نظر قرار دهد. «ینس اشپان» وزیر بهداشت آلمان نیز گفت اقدام دولت ترامپ، عقب ماندگی ناامید کننده در زمینه سیاست‌های بهداشتی جهان به شمار می رود.سخنگوی وزارت بهداشت انگلستان و وزیر بهداشت ایسلند نیز این اقدام دولت ترامپ را مورد انتقاد قرار دادند.

(آمریکا)

***ایالات متحده**

طبق جدیدترین آمار و ارقام دانشگاه «جان‌هاپکینز»، در ۲۴ ساعت گذشته مجموع مبتلایان به ویروس کرونا در ایالات متحده آمریکا به یک میلیون و ۸۳۷ هزار و ۱۷۰ نفر رسید. این آمار همچنین نشان می‌دهد که تاکنون ۱۰۶هزار و ۱۹۵نفر از مردم ایالات متحده آمریکا بر اثر ابتلا به ویروس کرونا جان خود را از دست داده‌اند.

***برزیل**

تا کنون در برزیل ۵۱۴ هزار و ۹۹۲ نفر به کرونا مبتلا شده و ۲۹ هزار و ۳۴۱ نفر هم جان باخته اند.



آغاز اجرای منع آمد و شد کرونایی در سراسر عراق

منع آمد و شد در بغداد و دیگر استانهای عراق از دیروز به مدت یک هفته برای ممانعت از گسترش ویروس کرونا به اجرا درآمد. این اقدام پس از آن صورت گرفت که تعداد مبتلایان به ویروس کرونا در عراق افزایش یافت.

(اروپا)

***انگلیس**

طبق آخرین آمارها شمار مبتلایان به ویروس کرونا در انگلیس به ۲۷۴ هزار و ۷۶۲ نفر و شمار قربانیان نیز به ۳۸ هزار و ۴۸۹ نفر رسید.

***ایتالیا**

طبق آخرین آمارها شمار مبتلایان به ویروس کرونا در ایتالیا به ۲۳۲ هزار و ۹۹۷ نفر و شمار قربانیان نیز به ۳۳ هزار و ۴۱۵ نفر رسید.

***فرانسه**

طبق آخرین آمارها شمار مبتلایان به ویروس کرونا در فرانسه به ۱۸۸ هزار و ۸۸۲ نفر و شمار قربانیان نیز به ۲۸ هزار و ۸۰۲ نفر رسید.

***اسپانیا**

طبق آخرین آمارها شمار مبتلایان به ویروس کرونا در اسپانیا به ۲۸۶ هزار و ۵۰۹ نفر و شمار قربانیان نیز به ۲۷ هزار و ۱۲۷ نفر رسید.

***آلمان**

طبق آخرین آمارها شمار مبتلایان به ویروس کرونا در آلمان به ۱۸۳ هزار و ۴۹۴ نفر و شمار قربانیان نیز به ۸۶۰۵ نفر رسید.

***روسیه**

طبق آخرین آمارها شمار مبتلایان به ویروس کرونا در روسیه به ۴۱۴ هزار و ۸۷۸ نفر و شمار قربانیان نیز به ۴۸۵۵ نفر رسید.

(آسیا)

***ترکیه**

وزیر بهداشت ترکیه گفت طی ۲۴ساعت گذشته ۸۳۹نفر مبتلا به کرونا شده‌اند و ۲۵ نفر نیز جان خود را از دست داده‌اند. وی افزود: به این ترتیب ۱۶۳ هزار و ۹۴۲ نفر مبتلا به کرونا شده‌اند و ۴۵۴۰ نفر نیز جان خود را از دست داده‌اند.

***افغانستان**

بر اساس اعلام وزارت بهداشت افغانستان، با ثبت ۵۴۵ مورد جدید ابتلا به کرونا تعداد بیماران کووید ۱۹ در این کشور به ۱۵ هزار و ۷۵۰ نفر افزایش یافت. کابل، هرات، قندهار، بلخ، ننگرهار و پکتیا بیشترین افراد مبتلا به کرونا را دارند. همچنین در شبانه‌روز گذشته هشت فرد مبتلا به کرونا جان خود را از دست دادند و شمار فوتی‌های ناشی از کرونا به ۲۶۵ نفر رسید.

***عربستان**

وزارت بهداشت عربستان اعلام کرد طی ۲۴ساعت گذشته ۱۸۷۷مورد جدید ابتلا به کرونا ثبت شد و شمار مبتلایان به کرونا با احتساب موارد جدید به ۸۵هزار و ۲۶۱نفر رسید. وزارت بهداشت عربستان همچنین شمار افرادی که در ساعات گذشته بر اثر کرونا جان باخته اند را ۲۳نفر اعلام کرد که به این ترتیب شمار فوتی‌های ناشی از کرونا در عربستان به ۵۰۳نفر رسید.

***امارات**

مقامات اماراتی به منظور مقابله با شیوع ویروس کرونا در ابوظبی بزرگترین شیخ نشین این کشور قرنطینه سراسری اعلام کردند. وزارت بهداشت امارات از ثبت ۶۶۱ مورد جدید ابتلا به ویروس کرونا و ثبت دو مورد فوتی طی ۲۴ ساعت گذشته خبر داد و بدین ترتیب، تاکنون ۳۴ هزار و ۵۵۷ نفر در امارات به ویروس کرونا مبتلا شده اند که ۲۶۴ نفر از آنها جان خود را از دست داده اند.

***بحرین**

وزارت بهداشت بحرین از ثبت ۴۹۵ مورد جدید ابتلا به ویروس کرونا و یک مورد فوتی طی ۲۴ ساعت گذشته خبر داد. تاکنون ۱۱ هزار و ۲۸۸ نفر در بحرین به ویروس کرونا مبتلا شده اند که از این تعداد ۱۸ نفر جان خود را از دست داده اند.

***قطر**

وزارت بهداشت قطر از ثبت ۱۶۴۸ مورد جدید ابتلا به ویروس کرونا و ثبت دو مورد فوتی خبر داد. تاکنون ۵۶ هزار و ۹۱۰ نفر در قطر به ویروس کرونا مبتلا شده اند که از این تعداد ۳۸ نفر جان خود را از دست داده اند.

***عمان**

وزارت بهداشت عمان از ثبت ۱۰۱۴ مورد جدید ابتلا به ویروس کرونا و ثبت پنج مورد فوتی طی ۲۴ ساعت گذشته خبر داد. بر اساس اعلام وزارت بهداشت عمان، تاکنون ۱۱ هزار و ۴۳۷ نفر در این کشور به ویروس کرونا مبتلا شده اند که ۴۷ نفر از آنها جان باخته‌اند.

***ارمنستان**

آزمایش کرونای «نیکول پاشینیان» نخست وزیر ارمنستان و اعضای خانواده وی مثبت اعلام شد. بر اساس آخرین آمار، شمار افراد مبتلا به کووید-۱۹در ارمنستان ۹۴۹۲و شمار جانباختگان ناشی از این بیماری هم ۱۳۹مورد گزارش شده است.

آخرین آمار در جهان

آخرین آمار مبتلایان و قربانیان ویروس کرونا حاکی از آن است که شمار مبتلایان کرونا در جهان تا لحظه تنظیم این خبر، شش میلیون و ۲۸۲ هزار و ۴۲۳ نفر و شمار قربانیان نیز ۳۷۴ هزار و ۲۳۳ نفر هستند

درخواست ترکیه از روسیه و فرانسه برای توقف حمایت از ژنرال «حفتر» در لیبی

سرویس خارجی:سخنگوی ریاست جمهوری ترکیه از روسیه و فرانسه خواست تا حمایت از ژنرال حفتر فرمانده نیروهای ارتش ملی لیبی را متوقف کرده و به سوی راه‌حل سیاسی تحت نظارت سازمان ملل در این کشور گام بردارند.«ابراهیم کالین» اعلام کرد:آنکارا در کنار دولت مشروع در لیبی خواهد ایستاد و به دنبال تحقق ثبات در این کشور است.وی از طرف‌های حامی ژنرال «خلیفه حفتر» فرمانده در لیبی خواست تا حمایت از وی را متوقف کرده و در راستای صلح عمل کنند.

وی از کشورهایی نظیر روسیه و فرانسه خواست تا حمایت و روابط خود با حفتر را در راستای ایجاد راه‌حل سیاسی تحت نظارت سازمان ملل قطع کنند.سخنگوی ریاست جمهوری ترکیه درباره تصمیم این کشور برای حفاری در آب‌های لیبی گفت که این اقدام با هماهنگی دولت مشروع در لیبی و بر اساس منافع دو طرف انجام می‌شود.وی گفت: حفتر با سرقت نفت لیبی و فروش آن به صورت غیرقانونی به تامین مالی اقدامات جنگی خود می‌پردازد.کالین تاکید کرد: ترکیه هیچ ارزشی برای تهدیداتی که از سوی حفتر علیه این کشور مطرح می‌شود قائل نیست. ازسویی، «ژان ایو لودریان» وزیر خارجه فرانسه در گفتگوی تلفنی با فائز السراج، نخست‌وزیر دولت وفاق ملی لیبی بر لزوم تلاش برای توقف فوری عملیات طرابلس تأکید کرد.درچنین شرایطی ،وزارت کشور دولت وفاق ملی لیبی از کشف یک گور جمعی در منطقه بازپس گرفته شده از نیروهای تحت فرماندهی «خلیفه حفتر» در منطقه «سعدیه» در جنوب طرابلس خبر داد.

تظاهرات شیعیان پاکستان علیه آل سعود در سالروز تخریب قبور ائمه بقیع

سرویس خارجی: شماری از شیعیان پاکستان در چندین شهر این کشور به مناسبت هشتم شوال که مصادف است با سالروز تخریب قبور ائمه بقیع، علیه آل سعود تظاهرات برگزار کردند.پاکستانی‌ها در شهرهای مختلف پاکستان در سالروز تخریب قبور ائمه البقیع با راه اندازی راهپیمایی و مراسم عزاداری، نفرت و انزجار خود را نسبت به آل سعود اعلام کردند وخواستار بازسازی حرم ائمه اطهار در مدینه شدند. در این مراسم که در شهرهای اسلام آباد، راولپندی، مولتان، لاهور و کراچی برگزار شد، مسلمانان پاکستانی از سران کشورهای اسلامی و اعضای سازمان کنفرانس اسلامی خواستند که در زمینه بازسازی مزار اهل‌بیت و اصحاب پیامبر(ص) در مدینه نقش ایفا کنند.شیعیان پاکستانی همچنین از دولتمردان کشورهای عربی انتقاد و اعلام کردند: دولتمردان عرب به عنوان دست نشانده‌های قدرت‌های استعماری در منطقه شناخته می‌شوند که بر خلاف خواسته‌ها و تمایلات مردم منطقه فعالیت می‌کنند.آنان همچنین وحدت بین امت اسلامی را تنها راه حل نجات از نفوذ قدرت‌های استکباری بین مسلمانان اعلام کردند.در خبر دیگری،هند از اخراج شماری از دیپلمات‌های سفارت پاکستان در این کشور به اتهام جاسوسی خبر داد. وزارت خارجه هند با متهم کردن دو دیپلمات پاکستانی به جاسوسی برای کشورشان آنها را از خاک خود اخراج کرد. در این حال اسلام آباد نیز به این مساله واکنش نشان داد و اتهام زنی‌ها را شدیداً محکوم کرد. سخنگوی وزارت خارجه پاکستان در واکنش به اقدام هند اعلام کرد: دهلی نو با زیر پا گذاشتن آداب دیپلماتیک ابتدا دیپلمات‌های پاکستانی را بازجویی کرده و آنها را مجبور به پذیرش ادعاهای خود کرده است.

افشای مذاکره محرمانه عربستان و رژیم صهیونیستی برای اجرای «معامله قرن»

سرویس خارجی: یک روزنامه صهیونیستی از مذاکرات محرمانه این رژیم و عربستان با میانجیگری آمریکا برای اجرای طرح آمریکایی و ضد فلسطینی موسوم به معامله قرن، خبر داد.

به گزارش روزنامه "اسرائیل الیوم"، مذاکرات محرمانه بین رژیم صهیونیستی و عربستان با میانجیگری آمریکا در جریان است و هدف از مذاکرات این است که عربستان جایگاهی برای خود در حرم قدسی به زیان ترکیه کسب کند. به نوشته اسرائیل الیوم، اردن نیز با مذاکرات یاد شده برای تحقق این هدف موافقت کرده است. این روزنامه صهیونیستی فاش کرد: تماس‌های محرمانه بین اسرائیل و عربستان از دسامبر سال گذشته در جریان است. این روزنامه به نقل از دیپلمات‌های بلندپایه سعودی نوشت: تماس‌های عربستان و اسرائیل حساس و سری است و در سایه ابهام و بایکوت خبری انجام می‌شود. به نوشته این روزنامه صهیونیستی، تماس‌ها به واسطه یک تیم از دیپلمات‌ها و مراجع امنیتی بلندپایه اسرائیلی و آمریکایی و سعودی درجریان است. دیپلمات‌های سعودی هم در گفت‌وگو با روزنامه صهیونیستی اسرائیل الیوم گفتند که این مذاکرات بخشی از تماس‌ها برای پیشبرد طرح معامله قرن است.

اسرائیل الیوم افزود: تماس‌های اسرائیل و عربستان با هدف پیوستن نمایندگان سعودی به شورای اوقاف اسلامی حرم قدسی صورت می‌گیرد. این روزنامه نوشت: اردن از عربستان خواسته است برای کنار زدن سازمان‌های اسلامی ترکیه‌ای فعال در حرم قدسی، فشار وارد کند. اردن همچنین از عربستان خواسته میلیون‌ها دلار به جمعیت‌های اسلامی فعال در بخش شرقی قدس و حرم قدسی تزریق کند. اسرائیل الیوم نوشت: اردنی‌ها پیام‌هایی به اسرائیل و آمریکا داده‌اند مبنی بر اینکه آماده‌اند در موضع خود در قبال حرم قدسی نرمش نشان دهند.

خبر دیگر اینکه احتمال کناره‌گیری «بنی گانتس» از دولت اسرائیل در صورت تصویب یک‌جانبه طرح الحاق کرانه باختری وجود دارد. منابعی در ائتلاف «آبی- سفید» رژیم صهیونیستی به رهبری گانتس اعلام کردند که تصویب یک‌جانبه طرح الحاق بخش‌هایی از کرانه باختری، به انحلال دولت ائتلافی اسرائیل و کناره‌گیری گانتس از این دولت منجر خواهد شد.این منابع گفتند، توافق میان بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل و گانتس وزیر جنگ این رژیم بر سر تشکیل دولت ائتلافی، نتانیاهو را ملزم می‌کند پیش از اقدام به تصویب طرح الحاق کرانه باختری، با گانتس مشورت کند. اگر نتانیاهو بر تصویب یک‌جانبه این طرح اصرار کند، گانتس از دولت ائتلافی خارج و به مخالفان خواهد پیوست.

به گفته منابع مذکور، با توجه به این که نتانیاهو به دنبال برگزاری انتخابات چهارم در اسرائیل نیست به این دلیل که در سه دور گذشته پیروزی کسب نکرد و از طرفی هم می‌داند که باید به پرونده قضایی فساد مالی خود پیش از دوره‌ای شدن پست نخست‌وزیری پایان دهد وگرنه ممکن است با حکم حبس روبرو شود، از خطر هر اقدامی که دولت ائتلافی را تهدید کند به خوبی آگاه است و همین مسأله او را وادار خواهد کرد این ائتلاف را حفظ کند .از سوی دیگر، منابعی در حزب لیکود به رهبری نتانیاهو گفتند که طبق بند ۲۹ توافق ائتلافی، نخست‌وزیر در خصوص طرح الحاق کرانه باختری، آزادی عمل دارد. به همین دلیل نتانیاهو قصد دارد طبق جدول زمانی مشخص شده یعنی اول ژوئیه این طرح را اجرایی کند.پیش از این نتانیاهو اعلام کرده بود فلسطینیان ساکن غور اردن که تحت کنترل امنیتی اسرائیل قرار دارند پس از اعمال حاکمیت تل‌آویو بر این منطقه تابعیت این رژیم را از دست خواهند داد.



یورش نظامیان صهیونیست به شهروندان فلسطینی در کرانه باختری

نظامیان رژیم صهیونیستی با یورش به مناطق اشغالی، شماری از شهروندان فلسطینی را در منازلشان در کرانه باختری و شهر قدس بازداشت کردند. نظامیان صهیونیست در این یورش، از جمله کودکان و اسرای آزاد شده را بازداشت کرده و با خود بردند.

الحشد الشعبی حمله داعش به «نفت خانه» در نزدیکی مرز ایران را ناکام گذاشت

سرویس خارجی: نیروهای الحشد الشعبی عراق حمله بقایای داعش به منطقه راهبردی نفت خانه در شرق استان دیاله نزدیک مرز ایران را ناکام گذاشتند.

الحشد الشعبی در بیانیه‌ای اعلام کرد که یک واحد تیپ یکم الحشد الشعبی تحرکات عناصر داعش را که درصدد نفوذ به منطقه نفت خانه بودند، ناکام گذاشت.در این بیانیه آمده است: عناصر داعش قصد داشتند مسیرهای اصلی را که کارکنان تاسیسات نفتی این منطقه در آنجا تردد دارند هدف بگیرند به خصوص که نیروهای امنیتی هم این منطقه را کاملا پاکسازی کردند.

میدان نفت خانه، یکی از میادین نفتی عراق است که همجوار میدان «نفت شهر» ایران است و از مخزنی مشترک برخوردارند.خبر دیگر اینکه نیروهای الحشد الشعبی عراق بزرگترین عملیات پاکسازی منطقه حمرین در استان دیاله از عناصر گروه تروریستی داعش را آغاز کردند. «صادق الحسینی» از مسئولان ارشد الحشد الشعبی اعلام کرد: بزرگترین عملیات پاکسازی ارتفاعات حمرین با استفاده از پهپادها آغاز شده است. وی افزود: این بزرگترین عملیات در نوع خود در تپه‌های حمرین در ۵۸۰ کیلومتری شمال شرقی بعقوبه برای شناسایی هرگونه مقر یا مخفیگاه هسته‌های تروریستی داعش است.

الحسینی گفت: این عملیات مهم است و استفاده از پهپادها با توجه به صعب العبور بودن منطقه از اهمیت زیادی برای تعقیب عناصر داعش برخوردار است. وی تأکید کرد: الحشد الشعبی امکانات گسترده‌ای در مدیریت پرونده پهپادها و راهبردی آن دارد.«قطری العبیدی» از مسئولان ارشد الحشد الشعبی در استان الانبار هم گفت که نیروهای امنیتی، عملیات هلی‌برن را در مناطق غرب این استان اجرا کردند. وی گفت: یک یگان از لشکر هفتم با هماهنگی هوانیروز ارتش این عملیات را در منطقه دره حوران و مناطق نزدیک به آن اجرا کردند.

العبیدی گفت: در این عملیات که براساس اطلاعات دقیق انجام شد، مقادیر متنوعی سلاح از عناصر تروریستی داعش به‌غنیمت گرفته شد. همزمان معاون عملیات الحشد الشعبی هم از تدوین یک طرح امنیتی گسترده برای جلوگیری از تحرکات هسته‌های داعش در چهار استان عراق خبر داد.

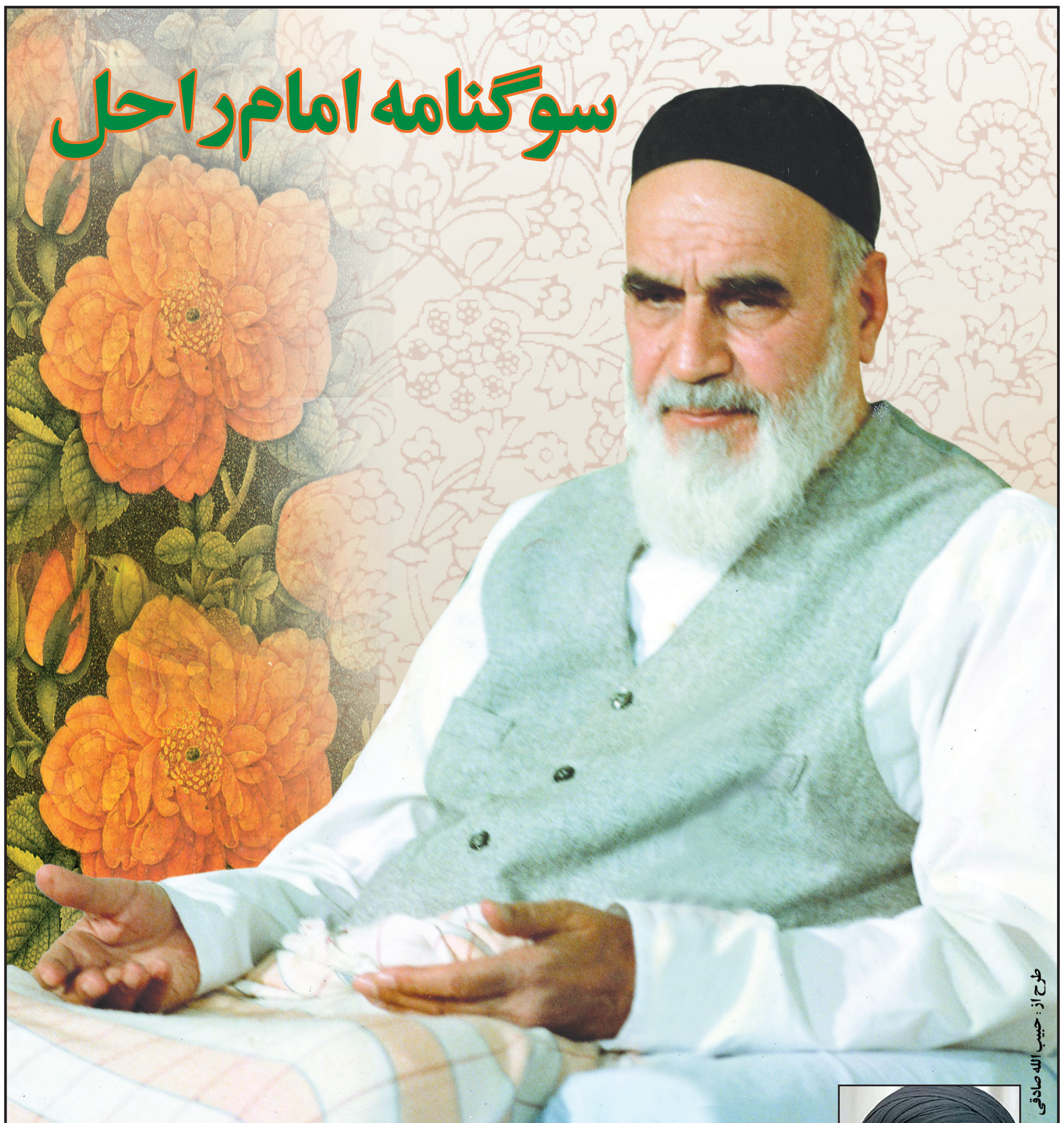
«عدنان ابراهیم البصری» گفت: این طرح امنیتی گسترده با مشارکت نیروهای امنیتی و الحشد الشعبی برای جلوگیری از هرگونه خرابکاری در استان‌های کرکوک، دیاله، صلاح‌الدین و نینوا تدوین شده است.خبر دیگر اینکه «خالد بتال النجم» وزیر برنامه‌ریزی عراق میزبان «ایرج مسجدی» سفیر جمهوری اسلامی ایران بود و در جریان این دیدار، از حمایت ایران از عراق در همه زمینه‌ها قدردانی کرد.در خبری دیگر وزارت دارایی عراق اعلام کرد تا زمانی که حکومت منطقه کردستان این کشور در ارتباط با بازگرداندن درآمد فروش نفت به بغداد، با دولت مرکزی به توافق نرسد، هیچ پولی به اربیل پرداخت نخواهد شد.

پولیتیکو:سیا مشکلات عربستان را مخفی می کند

سرویس خارجی: پایگاه خبری پولیتیکو با انتشار مقاله ای اعلام کرد:مدیران سابق سازمان اطلاعات آمریکا (سیا) مشکلات عربستان را از آمریکایی‌ها مخفی می کنند.پولیتیکو در این مقاله نوشت:عربستان در دوره اخیر تغییر مهمی کرده و از یک کشور مبهم که می‌توان برخوردها و رفتارش را پیش‌بینی کرد به یک کشور بی‌ثبات تبدیل شده که پیش‌بینی کردن اقداماتش دشوار است اما مساله دوم این است که دولت دونالد ترامپ بدون اینکه فکر کند تصمیم گرفته از عربستان حمایت کامل به عمل آورد. ترامپ یک چک سفید امضا در زمینه سیاست داخلی و خارجی به عربستان داده است.

بر اساس این مقاله ،سیاست آمریکا که بر احتیاط و دوری از ریسک مبتنی بود به سیاست ماجراجویی و مداخله و حتی افراط‌گرایی تبدیل شده است. عربستان در دوره گذشته با به راه انداختن جنگ نفت با روسیه در میان بحران کرونا در جهان زلزله ایجاد کرد. قبل از این محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان عملیات پاکسازی را انجام داده و زیربنای حکومت خود را محکم کرده و همچنان مورد حمایت ترامپ است. پولیتیکو گفت: دولت ترامپ همان روشی را درباره محمد بن سلمان در پیش گرفت که باراک اوباما، رئیس‌جمهوری سابق آمریکا درباره محمد بن نایف، ولیعهد سابق عربستان در پیش گرفته بود. تاکنون محمد بن سلمان دولت آمریکا را به باتلاق یمن کشانده، یک روزنامه‌نگار مقیم آمریکا را به قتل رسانده، بازار نفت را بی‌ثبات کرده و به رقبای آمریکا از جمله روسیه و چین نزدیک شده است.

ضمیمه اطلاعات
سه شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۹
سال نود و چهارم ـ شماره ۲۷۵۷۲



از بیانات مقام معظم رهبری در سالروز رحلت امام(ره)

مکتب ماندگار امام خمینی



عرایـــض خودم را در این روز به‌یادماندنی و مهم، برای شما برادران و خواهران عزیز در سه بخش عرض می کنم: در بخش اول، یک واقعیت مهمی درباره جمهوری اســـلامی وجود دارد که توجه به آن واقعیت برای ما، امــــروز حائز اهمیت است.

در بخش دوم، یک اشاره و شرح توصیفی کوتاهی از مکتب ماندگار امام بزرگوارمان عرض می کنم؛ اگرچه درباره مکتب امام راحل سخن بسیار گفته‌اند و گفته‌ایم و شنیده‌ایم، ولی این توصیف کوتاه در این مقطع برای ما لازم اســـت. تصویر کوتاهی از مجموعه آنچه امام بزرگوار به‌عنوان یک پدیده بی‌نظیر در دنیای معاصر به‌وجود آورد.

بخش سوم، اشاره به دو چالش مهمی است که بر سر راه ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی قرار دارد. توجه به این دو چالش، برای درست حرکت کردن ما و درست راه پیمودن ما مهم است.

در بخش اول، آن واقعیتی که به آن اشـــاره کردم این است که ۲۵ سال از رحلت امام عظیم‌الشأن می گذرد، ولی شور و اشتیاق برای شنیدن درباره او و دانستن از او کم نشده است. مخصوص کشور ما هم نیست، در دنیای اسلام بلکه فراتر از دنیای اسلام، این واقعیت وجود دارد.

نه‌تنها در کشور ما – که نسل سوم انقلاب در آن درحال بالیدن است – بلکه در دنیای اسلام، جوانان عصر ارتباطات و عصر اینترنت که با مسائل دور از محیط خود به راحتی می توانند ارتباط بگیرند، دنبال این هستند که درباره مسائل انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و درباره معمار این بنای عظیم، مطالب بیشتری بدانند. پدیده مردم‌سالاری دینی، نظریه ولایت فقیه، مسائلی است که برای محیط های فکری دنیای اسلام، حائز اهمیت و دارای جاذبه است.

دشمنان ما تلاش گســــترده‌ای را از روزهای اول آغاز کردند و هرچه جلو رفتیم، این تلاش بیشتر شده است. از صدها بلکه هزاران ایستگاه تلویزیونی و رادیویی و اینترنتی استفاده کردند برای دشنام دادن به جمهوری‌اسلامی و به بانی بزرگ آن و به طرفداران آن.

خود این مطلب به ما کمک کرده اســـت؛ یعنی حس کنجکاوی را در مستمعان و مخاطبان در سراسر دنیا برانگیخته است. می خواهند بدانند که علت این‌همه دشمنی‌کردن و سنگ‌پرانی کردن و لجن‌پراکنی کردن چیست، و آن حقیقتی که آماج این دشمنی‌هاست، چه ماهیتی دارد، چه حقیقتی دارد.

بنابراین، دشمنان ما به قصد دشمنی نام ما را بردند و درباره امام ما و نظام ما سخن گفته‌اند، اما «اِنَّهُم یَکیدونَ کَیدًا. وَ اَکیــــدُ کَیدًا»؛ [1] این را خدای متعال می فرماید. آنها با این نیت، این حرکت وسیع را آغاز کردند، اما در نهایت برای ما یک فرصتی به‌وجود آمد؛ چون حس کنجکاوی مستمعانِ این دستگاه‌ها در سراسر جهان تحریک شد.

در کشــــورهای اســـلامی و در منطقه مـــا بیداری اســـلامی – که احساسات ضد اســـتکباری در آن بر هر پدیده دیگری غلبه داشت – خود نشانه همان کنجکاوی و پاسخ گیری و پاسخ‌یابی است، و این همچنان ادامه دارد.

ممکن است دستگاه‌های اطلاعاتی غربی و آمریکایی این‌جور به بزرگ‌ترهای خودشان گزارش کنند که توانسته‌اند بیداری اسلامی را در منطقه ما سرکوب کنند.

اگر این‌جور خیـــال کنند، این هم یکـــی دیگر از خطاهای راهبردی و غلط تحلیل‌کردن‌های دشـــمنان ما خواهد بود.

بقیه در صفحه ۲ و ۳

آخرین روزهای حیات امام



حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی

شنبه، سی و یکم اردیبهشت ماه در خانه ما جلسه دوره ای سران کشور بود که سه شنبه همان هفته آقا را عمل کردند. چند وقتی بود که آقا پشت سر هم حالشان بد می شد، یعنی هفته ای یکبار، ما هم واقعا ناراحت بودیم، به طوری که الآن هم یادآوری آن روزها برای من ناراحت کننده است. حتی بعد از فوت آقا، یک روز آقا مسیح داشت می دوید و از طرف حسینیه بالا می رفت(حدود بیست روز از فوت آقا گذشته بود) که یک دفعه گرفتمش و گفتم: این طور نرو، چون یاد آن روزها می افتم و تنم می لرزد. به هر حال آقا تقریباً در هر هفته، یکبار حالشان بد می شد و می خوابیدند تا این که دوباره حالشان خوب می شد. یک ماهی بود که چنین وضعیتی داشتیم. به راستی، نه روز داشتیم و نه شب، و هرروز منتظر خبری بودیم. جلسه سران سه قوه بود که اعضایش آقای خامنه ای، آقای هاشمی، بابا(مرحوم حاج سید احمد آقا)، آقای میرحسین موسوی و آقای اردبیلی بودند. این جلسه منظم سران بود که هفته ای یک بار تشکیل می شد و اگر خبر خاصی در مملکت بود، بنا به موقعیت، هفته ای دو بار، که غالباً ماهی یکبار در خانه ما انجام می شد. وقتی به خانه ما می آمدند، عملکرد یک ماهه را به آقا عرضه می کردند.

در آن روز، من از مدرسه آمده بودم و وقتی رسیدم، آقا در حال آمدن بودند. یادم هست که آقا داخل رفتند و من هم به دنبال ایشان رفتم و پشت سر آنها نشستم تا ببینم چه می گویند؟! خوب حس کنجکاوی است، همیشه می رفتم؛ نه این که حالت خاصی باشد. طبق معمول آقا به دیوار تکیه دادند، آقایان هم با احترام و دو زانو مقابل ایشان نشستند. آقا صحبت هایشان را کردند و بعد که می خواستند بروند، همگی دست آقا را بوسیدند. آن روز خیلی کمتر از دفعات قبل و حدود ۱۰ دقیقه ای بیشتر نماندند و رفتند.

بعد بابا برگشت داخل و همه را جمع کرد. قبل از آن هم احتمالاً حرف زده بودند، اما آن موقع من در خانه نبودم. این پنج نفردر یک گوشه دیوار نشستند. بابا می خواست آهسته حرف بزند تا کس دیگری متوجه نشود. گوشه دیوار همه سرها رفت توی هم. یک حالت خاصی، این پنج نفر به صورت فشرده نشستند و در گوشی صحبت کردند. من نمی فهمیدیم که چه می گویند. حدود یک ربع این گونه گذشت و من که دیدم چیزی متوجه نمی‌شوم، بلند شدم و رفتم. گفتم لابد مسأله ای پیش آمده است؛ اولین بار نبـــود. البته من تا آن روز ندیده بودم که بدین صورت عمل کنند. آنها بلند شدند، ولی با اشـــاره و بسیار یواش با هم صحبت می کردند. چهرهٔ آقای میرحسین موسوی را به یاد دارم که خیلی برافروخته بود. بقیه چهره ها یادم نیست. به بیمارستان رفتند. خب با زمینه ای که من از قبل داشتم، آرام آرام مطلب دستم آمد. بلند شدم و به دفتر رفتم. یک گروه پزشکی با این پنج نفر در آنجا بودند. صحبت هایی کردند که من از بیرون شنیدم.

درجلسه پزشکی، دکتر طباطبایی، دکتر عارفی، دکتر پورمقدس، با چند نفر دیگر حضور داشتند. من از آنچه در جلسه گذشت، اطلاعی ندارم، اما در همین زمان پسر آقای هاشمی به من تلفن زد که :«حسن چی شده؟ من دفترچه خاطرات بابایم را داشتم ورق می زدم، دیدم که نوشته امشب با حاج سید احمد آقا در مورد حال آقا صحبت کردیم.»

من هم در آن لحظه واقعاً نمی دانستم جریان چیست. گفتم: نمی دانم، آقا الآن آمدند پیش اینها نشستند و حالشان هم خوب بود. این موضوع برای ما یک حالت ســــوءظن دیگری بود. کار آرام آرام جلو رفت. تا این که من یکبار با پدرم مطرح کردم و ایشان هم گفت که بله، بیماری جدی است. در مورد عمل با مادرم صحبت کردم و تصور ما این بود که عمل برای یک فرد هشتاد و پنج ساله، نود ساله خیلی سنگین است و ایشان نباید جراحی بشوند. اما تصمیم پزشکان پخته تر و سنجیده تر بود و به این نتیجه رسیدند که آقا باید عمل بشوند. هیچ کدام از دکترها مخالف این نظر نبودند، به جز یک نفر و دلیل ایشان این بود که اگر این کار صورت بگیرد و نتیجه خوب نباشد، ما با مردم مشکل خواهیم داشت. زیرا احتمال این که آقا از زیر عمل بیرون بیایند، خیلی ضعیف بود. ایشان(آن آقای دکتر) گفتند: ما رفتیم خدمت آقا. وارد که شدیم، آقا نشسته بودند، نمی توانستیم حاشیه برویم. در دو سه کلمه گفتیم که خلاصه آقا باید عمل شوید. برخلاف آن چیزی که همه ما دکترها تصور می کردیم، آقا بلافاصله گفتند: «بسیار خب، هیچ مسأله ای ندارد.» و بلند شدند و بیرون رفتند.

بقیه در صفحه ۴



مکتب ماندگار امام خمینی

بقیه از صفحه اول

بیداری اسلامی ممکن است برای مدتی، در بخشی از دنیای اسلام سرکوب بشود، اما بلاشک ریشه‌کن نخواهد شد. گسترش خواهد یافت. و این فهم، این ادراک، این دریافت در کشورها و در نسل جوان مسلمان در این منطقه، چیزی نیست که به این آسانی‌ها بتوانند آن را از بین ببرند. البته تلاش می‌کنند، تلاش‌هایشان ممکن است در بعضی از بخش‌ها برای مدت کوتاهی موفقیت‌آمیز هم به نظر برسد، اما در نهایت ابتر است.

این کنجکاوی که در نسل جوان امروز، در دنیا – به خصوص در دنیای اسلام – درباره پدیده مردم‌سالاری دینی وجود دارد، ناشی از این است که جمهوری اسلامی یک پدیده‌ای بود که ۳۵ سال از آغاز ولادت آن گذشـــــت، و در تمام این مدت ۳۵ سال، با واکنش خشن و خصمانه قدرت‌های مســـــلط دنیا مواجه بود: هم واکنش نظامی نشان دادند، هم واکنش تبلیغاتی نشان دادند، هم واکنش خصمانه اقتصادی نشان دادند – که از اول انقلاب تحریم‌ها آغاز شد و روزبه‌روز تا امروز تشدید شده است –[هم] واکنش سیاسی نشان دادند.

این جبهه پرقدرت غربی، در مقابل جمهوری اسلامی ۳۵ سال است که هر کاری از دستش برآمده، کرده است. تلاش نظامی کرده است، به مهاجم نظامی به کشور کمک کرده است، دشمنان را در هر نقطَه‌ای عَلیه جمهوری اسلامی حمایت کرده است، تبلیغات پرحجم علیه آن به‌کار برده است، تلاش تحریمی و محاصره اقتصادی را در اعلی درجه ممکن و بدون سابقه به‌کار برده اســـــت، اما در مقابل، جمهوری اسلامی، دربرابر این‌همه هجمه و این‌همه مخالفت خشن و بی‌ملاحظه، هم از بین نرفت، هم دچار محافظه‌کاری نشد، هم به غرب باج نداد؛ روزبه‌روز هم کشور پیشرفت کرد.

این آن چیزی است که ماهیت این کنجکاوی را تشکیل می‌دهد. قدرت‌های درجه یکِ نظامی و سیاسی و اقتصادی دنیا، دست‌به‌دســـــت هم بدهند علیه یک کشوری، علیه یک حکومتی، ۳۵ سال تلاش کنند،[ولی] آن حکومت علی‌رغم تلاش آنها، نه فقط از بین نرود، بلکه روزبه‌روز قوی‌تر بشود، به آنها باج هم ندهد، به آنها اعتنا هم نکند. در عرصه‌های مختلف، جمهوری اسلامی اقتدار خود را و قابلیت بقای خود را نشان داد.

امـــــروز وقتی بــــه جمهوری اســـــلامی نگاه می‌کنند،[می‌بینند] نسل دوم و سوم انقلاب در این کشور دارای چند میلیون دانشجو، چندینَ هزار طلبه علوم دینی فاضل، چندین هزار پژوهشگر و محقق، چند ده هزار استاد دانشگاه و حوزه، هزاران نخبه علمی و فکری که بعضی از آنها در عرصه بین‌المللی نام‌آور و شناخته شده‌اند، هزاران فعال و نخبه سیاسی و فرهنگی و تولیدی و اقتصادی؛ واقعیت جامعه ما امروز این است.

جمهوری اسلامی در میدان علم و فناوری، باوجود همه این تحریم‌ها، ماهواره به فضا می‌فرستد، موجود زنده به فضا می‌فرستد و برمی‌گرداند، انرژی هسته‌ای تولید می‌کند، در بسیاری از دانش‌های نوپدید جزو ده کشور اول دنیا قرار می‌گیرد، شتاب پیشرفت علم در جمهوری اسلامی از سوی مراکز مســـــئول این کار در دنیا سیزده برابر متوسط دنیا اعلام می‌شود، خدمات علمی و فنی به کشورهای مختلف صادر می‌کند، با وجود تحریم‌های بی‌ســـــابقه یک کشور ۷۵ میلیونی را اداره می‌کند، در سیاست‌های منطقه حرف اول را می‌زند، در مقابل رژیم غاصب و مورد حمایت زورگویان عالم یک تنه می‌ایستد، با ظالم نمی‌سازد و از مظلوم دفاع می‌کند؛ هر انسان آگاهی به کنجکاوی می‌افتد که این موجود چیست، این پدیده چه پدیده‌ای است با این‌همه دشمنی، و این‌همه توانایی‌های ذاتی و نشانه‌های حیات و بقا؛ ماهیت این کنجکاوی این است. این حالا در زمینه‌های مسائل علمی و فناوری و مانند اینها.

در زمینه مسائل سیاســـــی و اجتماعی، جلوه بالای مردم‌سالاری در این کشـــــور که ۳۵ سال اســـــت از انقلاب ما گذشته است، و در طول این ۳۵ سال، ۳۲ انتخابات داشتیم؛ ۳۲ انتخابات سراسری در این کشور به‌وجود آمده است؛ این شوخی است؟ یک نمونه بی‌نظیر[است]. انتخابات‌های جمهوری اِسلامی با مشارکت‌های بالا – بالاتر از متوسط و میانگین جهانی و بعضاً بسیار بالاتر؛ شرکت ۷۰ درصدی، ۷۲ درصدی؛ انتخابات‌های ما از این قبیل است – جلوه مردم‌سالاری[است].

نمونه بی‌نظیر دیگر، دو پدیده‌ای اســـــت که ما مردم با آنها عادت کرده‌ایم، اما برای یک ناظر جهانی فوق‌العاده جذاب و مهم است، و آن عبارت است از راه پیمایی بیست‌ودوم بهمن و راه‌پیمایی روز قدس در ماه رمضان. جشن انقلاب را مردم به‌طور مداوم، هرسال تا این ۳۵ سال گرفته‌اند، با یک راه‌پیمایی عظیم پرشورِ پرشکوه در روزهای سرد پایان بهمن. ما عادت کرده‌ایم و اهمیتَ موضوعَ و عظمت موضوع به چشممان نمی‌آید اما ناظر جهانی، اینها را می‌بیند و برای او بسیار خیره‌کننده است.

اینها عوامل آن جذابیتی است که کنجکاوی‌ها را تحریک می‌کند و راه نویی را به ذهن‌های علاقه‌مندان و افرادی که اهل سؤال و استفسار و تحقیق اند، ارائه می‌دهد. این واقعیت مهم دوران ما است که عبارت اســـــت از توجه و کنجکاوی عمومی در دنیای اسلام از سوی جوان‌ها، روشنفکران، آگاهان و کســـــانی که اهل فهم مسائل اند، نسبت به این پدیده‌ای که در کشور ایران اسلامی، به توفیق الهی و به تأیید الهی تحقق یافته است و روزبه‌روز رشد کرده است.

این واقعیت، ســـــاخته و پرداخته دست معمار بزرگ است. درباره امام خیلی حرف زده‌ایم، شاید بعضی‌ها خیال کرده‌اند ما با اغراق و مبالغه حرف می‌زنیم؛ ولی نه، آنچه درباره امام بزرگوارمان گفته‌ایم، نه اغراق اســـــت، نه مبالغه است، بخشی از واقعیت است. بیش از آنچه توصیف کرده‌ایم و توانسته‌ایم ارائه بدهیم، امام بزرگوار و عزیز ما دارای مضمون و معنا و مغز بود.

آنچه در اختیار ملت ایران و در معرض دید و فکر ملت‌ها در سراسر عالم اســـــت، ساخته و پرداخته آن دست تواناست. ما برای اینکه راه را درست برویم، باید نقشه معمار را بدانیم. اگر در یک بنای متعارف معمولی، نقشه در اختیار نباشد، نقشه اصلی معلوم نباشد، سازندگان و بنایان هرچه هم چیره‌دست باشند، ممکن است اشتباه کنند. باید نقشه اصلی را دانست تا بتوان براساس آن نقشه اصلی، اگر هنری در سازندگی و در احیاء هست، آن را به‌کار برد.

نقشه او نقشــــه‌ای نبود که فقط از ذهن انسان صادر بشود، قطعاً مؤیدمن‌عندالله بود. خود امام بزرگوار این را می‌دانست و به آن معترف بود. خود او می‌گفت آنچه پیش آمده است با دست قدرت الهی است و درست فهمیده بود و چشم بصیر و بینای او درست دیده بود. ما مواظب باشیم آن نقشه را بشناسیم تا بتوانیم راه را ادامه بدهیم. اگر نقشه را ندانستیم، زاویه پیدا می‌کنیم؛ وقتی زاویه پیدا شد، روزبه‌روز هرچه پیش برویم، از راه اصلی و صراط مستقیم دور می‌شویم. وقتی از صراط مستقیم دور شدیم، از هدف‌ها دور می‌شـــــویم، به هدف‌ها نمی‌رسیم؛ برای اینکه به هدف برسیم، باید راه را گم نکنیم؛ برای اینکه راه را گم نکنیم، باید نقشه اصلی و اساسی، جلوی چشم ما باشد، آن را بشناسیم و بدانیم.

نقشه امام، کار اصلی امام، بنای یک نظم مدنی – سیاسی براساس عقلانیت اسلامی بود. مقدمه لازم این کار، این بود که نظام پادشاهی ــــ که هم فاسد بود، هم وابسته بود، هم دیکتاتور بود؛ این سه خصوصیت در نظام پادشاهی وجود داشت: هم دچار فساد بود، فسادهای گوناگون اخلاقی و مالی و غیره؛ هم وابسته‌ی به قدرتها بود، یک روز وابسته به انگلیس، یک روز وابسته به آمریکا، حاضر بود منافع خود را و کشور را در مقابل منافع بیگانگان فراموش کند؛ و هم دیکتاتور بود، مستبد بود، رأی مردم، خواست مردم برای نظام پادشاهی مطرح نبود؛ هرکدام از اینها یک فصلِ بلند است، یک کتاب است ــ[ریشه‌کن شود].

مقدمه آن کار بزرگی که امام می‌خواســـــت انجام بدهد، ریشه‌کن کردن این نظام فاسدِ وابسته دیکتاتور بود. همت را بر این گماشت و نظام ریشه‌کن شد. در کَشور ما مسئله این نیست که نظام پادشاهی برود، به جای او نظام پادشاهی یا شبه‌پادشاهیِ دیگری بنشیند؛ مسئله این است که آن خصوصیاتی که نظام پادشاهیَ داشت باید ریشه‌کن میشد و امام بزرگوار ریشه‌کن کرد. سخنان امام، رهنمودهای امام، رفتار امام همه در این جهت است.

در بنای آن نظم مدنی و سیاسی، دو نکته اساسی وجود دارد که این دو نکته به هم پیوند خورده است؛ به یک معنا دو روی یک حقیقت است: یکی عبارت است از سپردن کار کشور به مردم از طریق مردم‌سالاری و از طریق انتخابات، و دوم اینکه این حرکت – که خود از اسلام سرچشمه گرفته بود و هرآنچه ناشی از حرکت مردم‌سالاری و سپردن کار به مردم است – باید در چهارچوب شریعت اسلامی باشد. این، دو بخش است، یا با یک نگاه، دو بُعد از یک حقیقت است.

افرادی گمان نکنند که امام بزرگوار ما، انتخابات را از فرهنگ غربی گرفت و آن را قاطی کرد با تفکر اســـــلامی و شریعت اسلامی؛ نه، اگر انتخابات و مردم‌ســـــالاری و تکیه به آراء مردم، جزو دین نمی‌بود و از شریعت اسلامی استفاده نمی‌شد، امام هیچ تقیدی نداشت؛ آن آدم صریح و قاطع، مطلب را بیان می‌کرد. این جزو دین است. لذا شریعت اسلامی چهارچوب است.

در همه قانونگذاری‌ها و اجراهـــــا و عزل‌ونصب‌ها و رفتارهای عمومی که تابع این نظم سیاســـــی و مدنی است، باید شریعت اسلامی رعایت بشود. و گردش کار در این نظام به‌وسیله مردم‌سالاری است؛ یعنی آحاد مردم نماینده‌ی مجلس را انتخاب می‌کنند، رئیس‌جمهور را انتخاب می‌کنند، وزرا را با واسطه انتخاب می‌کنند، خبرگان را انتخاب می‌کنند، رهبری را با واسطه انتخاب می‌کنند؛ کار، دست مردم است.

این، پایه اصلی حرکت امام بزرگوار است. این بنای عظیمی که این بزرگوار گذاشت، متکی به این دو پایه است. التزام به شریعت اسلامی، روح و حقیقت نظام اسلامی است؛ این را توجه داشته باشند. شریعت اسلامی اگر در جامعه به‌طور کامل اجرا بشود، هم آزادی‌های عمومی و مدنی را – آزادی افراد را، آزادی فردی را – تأمین می‌کند، هم آزادی ملت را که اسم آن استقلال است – استقلال یعنی آزادی در ابعاد یک ملت، که وابسته به کسی و به جایی نباشد.

یک ملت آزاد یعنی ملتی که به‌هرصورت تحت نفوذ و ســـــیطره مخالفین خود یا دشمنان خود یا بیگانگان قرار ندارد – تضمین می‌کند، [هم] عدالت را در جامعه تضمین می‌کند، هم معنویت را تضمین می‌کند؛ این چهار عنصر اصلی است: آزادی، استقلال، عدالت، معنویت. اگر شریعت اسلامی بر جامعه حاکم شد، این پدیده‌های اساسی در نظم جامعه اسلامی، خود را نشان می‌دهند. بنابراین امام بزرگوار ما شریعت اسلامی را که روح جمهوری اسلامی است، مورد تکیه قرار داده است؛ مردم‌سالاری دینی را هم که یک وسیله و ابزار اســـــت که آن هم متخَذ از شریعت است، مورد تکیه قرار داده.

هیچ قدرت و غلبه‌ای در مکتب امام که از تغلب و از اِعمال زور حاصل شده باشد، مورد قبول نیست. در نظَام اســـــلامی قهر و غلبه معنا ندارد؛ قدرت معنا دارد، اقتدار معنا دارد، اما اقتدار برخاسته از اختیار مردم و انتخاب مردم. آن اقتداری کهَ ناشـــــی از زور و غلبه و سلاح باشد، در اسلام و در شریعت اسلامی و در مکتب امام معنا ندارد. آن قدرتی که اَز انتخاب مردم به‌وجود آمد، محترم است؛ در مقابل آن، کسی نبایستی سینه سپر بکند، در مقابل او کسی نباید قهر و غلبه‌ای به کار ببرد که اگر یک چنین کاری کرد، اسم کار او فتنه است. این آن نسخه جدیدی است که امام بزرگوار ما به دنیا عرضه کرد و به ادبیات سیاسی عالم این فصل مهم را افزود.

در این نســـــخه جدید، یکی از عناصر اصلی – همان‌طور که اشاره کردیم – به کمک مظلوم شتافتن و با ظالم مقابله کردن اســـــت. به کمک مظلوم باید رفت که در دوره ما، در زمان ما، مصداق اتم مظلومیت ملت فلســـــطین بود که شما دیدید امام بزرگوار از روز اول تا آخر عمر، راجع به فلسطین تأکید کرد، تکیه کرد، حمایت کرد و وصیت کرد که این مسئله را ملت ایران و مسئولان کشور فراموش نکنند؛ کمک به مظلوم و ایستادگی در مقابل ظالم، نفی دست‌اندازی‌های ظالم، انکار صریح هیبت و ابهت ظالم و شکستن این ابهت. این هم یکی از بخش‌های این نظام و این نسخه جدیدی است که امام بزرگوار ما عرضه کرد.

این یک خلاصه‌ای و یک تصویر کوتاه و توصیف کوتاهی است از مجموعه آن نظم سیاسی و مبنایی که امام بزرگوار ما پس از فروپاشی نظام پادشاهی به کشور آورد، عرضه کرد، مورد قبول قاطع مردم قرار گرفت، و تحقق پیداکرد. و این نسخه مثل خیلی از حرفهای سیاسی، در کتاب‌ها نماند؛ آمد در واقعیت، تحقق پیداکرد، تبلور پیداکرد؛ ملت ایران هم همت کردند، وفاداری نشـــــان دادند، فداکاری کردند، این را حفظ کردند، نگه داشتند، و روزبه‌روز قوی‌تر کردند تا به امروز رسیده است.

خب، پس امام موفق شـــــد. امام در آن کاری که می‌خواست انجام بدهد، به توفیق کامل دســـــت پیداکرد، [اما] آیا این کار بزرگ ادامه پیدا خواهد کـــــرد؟ آیا بخش‌های خالی این جـــــدول – که به‌طور طبیعی بخش‌های خالی یی در این جدول های اجتماعی و تاریخی قرار دارند – پُر خواهد شد؟ این بستگی دارد به اینکه من و شما چقدر همت کنیم؛ ما چقدر آگاهی نشان بدهیم؛ ما چقدر آن خطٍ روشن را مراعات کنیم و در آن خط روشن حرکت بکنیم. بله، کاملاً ممکن است؛ با این ملتی که ما داریم مشاهده می‌کنیم، با این تجربه‌ای و این حرکت موفق و سِیر مستمری که در این ۳۵ سال – و بعد از رحلت امام در این ۲۵ سال – اَین ملت نشان داده است؛ بله، ادامه این راه ممکن است؛ خانه‌های خالی پُر خواهد شد، کارهای بزرگ انجام خواهد گرفت، و این ملت به اذن‌الله و به حول و قوه‌ی الهی به اوج قله‌ها خواهد رسید.

اما این راه، مثل همه راه‌های مهم که به ســـــمت هدفهای بزرگ کشیده شده است، چالش‌هایی هم دارد، موانعی هم دارد؛ این موانع را باید بشناسیم تا بتوانیم از آنها عبور کنیم. اگر مانع را نشناختیم، عبور از مانع یا دشوار خواهد شد، یا حتی غیر ممکن خواهد شد. بنده امروز دارم اینها را به شما حضار محترم این مجلس عظیم و باشکوه و در واقع به ملت ایران که این سخنان را خواهند شنید، عرض می‌کنم، اما باید جوانان ما، فرزانگان ما، زبدگان فکری ما، روی هرکدام از این سرفصل‌ها و بخش‌ها بنشینند فکر کنند، کار کنند، مطالعه کنند؛ نه‌فقط بحث‌های ذهنی شبه‌روشنفکری، [بلکه] بحث‌های کاربردی، بحث‌های عملیاتی، بحث‌هاَی ناظر به واقعیت. اینهایی که ما عرض می‌کنیم، سرفصل‌هایی است برای کارهای فکری که ان‌شاءالله به‌وسیله جوانان ما – که از ما خیلی بهترند، خیلی آماده‌ترند

- دنبال خواهد شد.

مـــن دو چالش را عرض می‌کنم: یک چالش بیرونی، یک چالش درونی. چالش بیرونی مامزاحمت‌های استکبار جهانی است. بی‌رودربایستی حرف بزنیم. مزاحمت‌های آمریکاست؛ سنگ‌اندازی می‌کنند. درست است که شاید در تحلیل‌های بعضی از متفکران سیاسی خودشان هم این هست که می‌گویند فایده‌ای ندارد، نمی‌شـــود با این حَرکت عظیم مقابله کرد؛ لکن سنگ‌اندازی می‌کنند. نقشه کار آنها را باید دانست؛ این نقشه لو رفته آمریکاســـت. این نقشه کلان آمریکاست که امروز در خلال بحث‌ها و گزارش‌ها و اظهارنظرها و رفتارهای آنها لو رفته است:

آمریکا کشـــورهای دنیا، جریان‌های دنیا، آدمهای دنیا را به سه قسم تقسیم می‌کند: یک قِسم گوش‌به‌فرمان‌ها، کشورهای گوش‌به‌فرمان، جِریان‌های سیاسی و اجتماعی گوش‌به‌فرمان یا آدمهای گوش‌به‌فرمان، یک عده اینها هستند؛ یک عده کشورهایی که گوش‌به‌فرمان نیستند، اما باید با آنها مدارا کرد، بعضی از کشورها، بعضی از شخصیت‌ها، بعضی از جریانها به نظر آمریکا این‌جوری هستند که باید با آنها مدارا کرد، منافع مشترکی [با آنها] تعریف کرد، یک‌جوری با آنها فعلاً کنار آمد، که حالا بعد توضیح عرض می‌کنم.

قسم سوم کشورهای نافرمان، آنهایی که زیر بار آمریکا نمی‌روند، باج به آمریکا نمی‌دهند، یک دسته هم اینها هستند. به نظر آمریکایی‌ها همه کشورهای دنیا، همه‌ی جریان‌های سیاسی و اجتماعی و مدنی و اقتصادی عالَم و همه آدمها و شخصیت‌های برجسته و ممتاز و نشان‌دار عالَم از این سه قسم خارج نیستند: یا سرسپرده‌اند و گوش‌به‌فرمانند، یا مستقلی هستند که بایَد با آنها مدارا کرد، و یا اینکه نافرمانند و دلیری نشـــان می‌دهند و گستاخی نشان می‌دهند که جوری دیگر باید با آنها رفتار کرد.

سیاست آمریکایی‌ها با آن دسته اول حمایت کامل است. البته حمایت مفت و مجانی نیست، حمایت می‌کنند و آنها را می‌دوشند. در واقع از توانایی‌های آنها و از امکانات آنها به نفع منافع خودشان، برای تأمین منافع خودشان استفاده می‌کنند. از آنها سواری می‌گیرند، از آنها همه‌جور خدمـــت را می‌گیرند. همان‌طور که عرض کردیم، آنها را می‌دوشند. اهمیتی هم نمی‌دهند. البته اگر چنانچه رفتاری از آنها سر زد که در عرف جهانی زشت بود، آن رفتار را هم محکوم نمی‌کنند، از آن دفاع هم می‌کنند، آن‌را توجیه هم می‌کنند. مثلاً کشورهای مستبدی وجود دارند که با نظام‌های ارتجاعی به شدت استبدادی اداره می‌شوند، با آمریکایی‌ها خوب اند، به آمریکایی‌ها بار می‌دهند و در خدمت آمریکا حاضرند، سرسپرده‌اند، جزو گروه اول اند.

آمریکایی‌ها وقتی می‌خواهند اینها را توصیف بکنند، نمی‌گویند کشـــورهای دیکتاتور، می‌گویند اینها کشورهای پدرسالارند! دیکتاتوری آنها را پنهان می‌کنند، می‌گویند اینها دیکتاتور نیستند، پدرسالارند. پدرسالار در نظام سیاسی یعنی چه؟ معنای آن چیست؟ کشوری که در آن نه مجلسی وجود دارد، نه انتخاباتی وجود دارد، نه قدرت حرف‌زدنی وجود دارد، نه قلم آزادی وجود دارد، نه بیان آزادی وجود دارد و اندک تخلفی از خواسته‌های حاکم، با شدت و حدت و خشونت سرکوب می‌شود؛ این کشور کشور پدرسالار است؟

صدام‌حسین در یک بخشـــی از زندگی، جزو این سرسپرده‌ها و گوش‌به‌فرمان‌ها بود. در آن مدت، همه حمایت‌های لازم را از او کردند، در خدمت او قرار گرفتند، به او سلاح شیمیایی دادند، نقشه‌های تحرکات نظامی ما را که با ماهواره‌ها کشف می‌شد، در اختیار او گذاشتند، نقشه جنگی دادند. چون در خدمت آنها بود. علیه نظام متمرد جمهوری اسلامی بود، که نظام جمهوری اســـلامی جزو گروه سوم است. یک دسته اینها هستند

دســـته دوم، گفتیم کشورهایی هستند که سیاست آمریکا و نقشه آمریکا مدارای با آنهاست. مدارا یعنی چه؟ یعنی فعلاً منافع مشترکی با آنها تعریف می‌کند، آنها را در کنار خود قرار می‌دهد، اما آن‌وقتی که فرصتی پیدا کرد، خنجر را از پشت به قلب آنها می‌کوبد و قلب آنها را می‌درد. ملاحظه آنها را هم نمی‌کند. مثل چه کشورهایی؟ مثل کشورهای اروپایی؛ امروز وضع کشورهای اروپایی این‌جوری است.

آمریکا با اینها مدارا می‌کند. نه به معنای اینکه منافع آنها را رعایت می‌کند؛ نه، آنجایی که بتواند لگد هم می‌زند. از شخص اول کشور هم‌پیمان خود جاسوسی اینترنتی هم می‌کند،[۲] جاسوسی به‌وسیله تلفن همراه هم می‌کند. از زندگی خصوصی او جاسوسی می‌کند. اِبایی هم ندارد. وقتی هم که کشف می‌شود، می‌گوید که بله، ببخشید، این کار شد دیگر، چاره‌ای نبود، انجام گرفت!

حاضر نیستند عذرخواهی درست و حسابی هم بکنند. فهم بنده از مسائل سیاست این است که اروپایی‌ها در یک خطای بزرگ راهبردی قرار دارند که خودشان را در خدمت آمریکا قرار داده‌اند. منافع آمریکا را رعایت می‌کنند، آمریکا منافع آنها را رعایت نمی‌کند و نخواهد کرد؛ تا آخر هم همین‌جور است. این هم دسته دوم.

دسته سوم کشورهایی هستند که زیر بار آمریکا نمی‌روند. سیاست آمریکا، درباره اینها این اســـت که از هر وســـیله ممکن باید علیه این کشورهای نافرمان اســـتفاده کرد. از هر وسیله ممکن؛ هیچ حدومرزی نمی‌شناسند. اگر شما دیدید کشوری در مقابل آمریکا نافرمان است و آمریکا مثلاً حمله نظامی نمی‌کند یا تحریم نمی‌کند، بدانید یک اشکالی آنجا وجود دارد؛ یعنی مانعی بر سر راه وجود دارد. به زبان ساده، نمی‌تواند انجام بدهد که انجام نمی‌دهد. اگر بتواند، انجام می‌دهد.

تنها جرم این کشور نافرمان هم این است که در مقابل آمریکا حاضر به تســـلیم نیست. حاضر نیست باج بدهد. حاضر نیست منافع او را بر منافع خودش مقدم بدارد. این می‌شود کشور نافرمان. آمریکایی‌ها برای اینکه این کشور را به زانو دربیاورند، از هیچ کاری فروگذار نمی‌کنند. هر کاری برایشان ممکن باشد، انجام می‌دهند. اگر کاری انجام ندهند، به‌خاطر نتوانستن است.

خب، حالا این کارهایی که آمریکایی‌ها انجام می‌دهند، چیست؟ امروز حمله نظامی از نظر آمریکایی‌ها یک اولویت نیســـت. فهمیدند که در قضیه عراق و در قضیه افغانستان که تهاجم نظامی کردند، ضرر کردند. فهمیدند که تهاجم نظامی، همان اندازه‌ای که برای کشور موردِ تهاجم موجب خطر است، گاهی همان اندازه و گاهی بیشتر، برای کشور هجوم‌کننده و حمله‌کننده ممکن است موجب خطر باشد. این را درست فهمیدند. لذا می‌توان گفت از حمله نظامی و حرکات نظامی منصرف اند؛ راههای دیگری دارند.

یکی از راهها این اســـت که پیشبرد هدف‌های خودشان را در آن کشـــور مورد نظر - که آماج دشمنی آنهاست - به عناصر داخلی همان کشور بسپرند. مسئله فقط مسئله ایران اسلامی و جمهوری اسلامی نَیست؛ در همه‌جـــای دنیا اینها این کارها را می‌کنند و ما نمونه‌های آن را داریم مشاهده می‌کنیم. یا به‌وسیله کودتا، کسانی را تقویت کنند که در کشور کودتا راه بیندازند و آن نظامی را و دستگاه دولتی و سیاسی یی را که در مقابل آنها تسلیم نمی‌شود، با کودتا از سر راه بردارند. یکی از راهها این اســـت. یکی از راهها کشاندن بخشی از مردم به خیابان‌ها است که این انقلاب‌های رنگی که در جای‌جای این منطقه در این چند ســـال اخیر به‌وجود آمد، از این قبیل است.

یک دولتی می‌آید ســـر کار. بالاخره هر دولتی که سر کار می‌آید، ممکن است اگر با شصت درصَد آراء مردم هم آمده باشد، چهَل درصد به



او رأی نداده باشند. آمریکایی‌ها می‌روند سراغ آن چهل درصد. عناصر و لیدرهایی را در بین آنها انتخاب می‌کنند. با تطمیع، با پول، با تهدید، آنها را وادار می‌کنند که آن چهل درصد یا بخشی از آن چهل درصد را به خیابان‌ها بکشانند. همین انقلاب‌های رنگی، این انقلاب نارنجی، انقلاب کجا در کشـــورهای مختلف که در این چند سال دیده شد، دست آمریکایی‌ها پشت این کار بود.

ما هیچ قضاوتی در مورد حوادثی که این روزها در منطقه‌ای[۳] از اروپا در جریان است، نمی‌خواهیم بکنیم، اما انسان وقتی نگاه می‌کند، می‌بیند که سناتور آمریکایی، مسئول آمریکایی[۴] در تظاهرات یک اقلیتی علیه یک کشور، چه نقشـــی می‌تواند ایفا کند که در آنجا حضور پیدا می‌کند؟ حضور پیدا کردند. یکی از کارهایشان این است که با کشاندن گروهی از مردم به خیابان‌ها و نافرمانی مدنی، آن دولتی را که مورد قبول آنها نیست و حاضر نیست به آنها باج بدهد، از کار بیندازند.

یکی از کارها فعال کردن گروه‌های ترور و راه انداختن گروه‌های تروریست است. این را در عراق انجام دادند، در افغانستان انجام دادند، در برخی از کشورهای عربی منطقه انجام دادند، در کشور خود ما هم انجام دادند. گروه‌های تروریست را راه بیندازند، آدمهای مشخص را [ترور کنند]. در کشور ما دانشمندان را زدند، متخصصین انرژی هسته‌ای را زدند و به شهادت رساندند. قبل از آن هم کسان دیگری، نخبگان سیاسی، نخبگان فرهنگی، شخصیت‌های علمی، شخصیت‌های روحانی را زدند؛ و اینها زیر دامن آمریکا رشد کردند. بعضی هم به‌خاطر این خدماتی که به آمریکا کردند، مورد قبول و پذیرش آمریکایی‌ها قرار گرفتند.

امروز منافقین در آغوش آمریکا قرار دارند. در جلسات گوناگون، در کمیســـیون‌های کنگره آمریکا شرکت می‌کنند. همین عناصر منافق، همین‌هایی که در اینجا آحاد مردم را کشتند، بزرگان را کشتند، علما را کشتند، دانشـــمندان را کشتند، سیاسیون را کشتند و انفجارات به‌وجود آوردند، امروز آنجا با آنها هستند. یکی از راهها هم این است.

یکی از راه‌ها ایجاد اختلاف در رأس حاکمیت‌ها اســـت. یکی از کارهایی که اینها می‌کنند این است: آن دستگاهی، آن نظامی که با آنها همراه نیست، ســـعی می‌کنند در رأس آن اختلاف و شکاف به‌وجود بیاورند. حاکمیت دوگانه درست کنند. خیلی جاها موفق نمی‌شوند، بعضی جاها هم متأسفانه موفق می‌شوند. یکی از راهها این است.

یکی از راه‌ها این است که با تبلیغات خود دلهای مردم را، افکار مردم را از مبانی اعتقادی و ایمانی‌شان منصرف بکنند؛ و راه‌های گوناگونی از این قبیل. و رژیم ایالات متحده آمریکا در مورد ایران عزیز ما، و ایران‌اسلامی ما، همه این کارها را انجام داده است و به فضل‌الهی در همه این کارها هم شکست خورده است.

کودتای نظامی، حمایت از فتنه‌گران، کشاندن مردم به خیابان‌ها، مقابله با انتخابات، ایجاد شکاف، از این کارها یا انجام دادند یا تلاش کردند که انجام بدهند، و بحمدالله در همه اینها ناموفق ماندند. چرا؟ چون ملت بیدار بود، چون ملت مؤمن بود، و اینجا اســـت که من می‌روم سراغ آن چالش دوم که چالش درونی است.

برادران و خواهران عزیز! چالش درونی برای ملت ما عبارت است از اینکه روحیه و جهت نهضت امام بزرگوار را از نظر دور بداریم و فراموش کنیم و آن را از دســـت بدهیم؛ این بزرگ‌ترین خطر است. در شناخت دشمنمان اشتباه کنیم؛ در شناخت دوستمان اشتباه کنیم؛ جبهه دشمن و دوست را با هم مخلوط کنیم، نفهمیم دشمن کیست؛ دوست کیست؛ یا در شناخت دشمن اصلی و فرعی اشتباه بکنیم، این هم خطر است.

برادران عزیز، خواهران عزیز، عموم ملت ایران توجه داشته باشند که گاهی یکی با شما دشمنی می‌کند، اما اگر دقت کنید دشمنی او دشمنی اصلی نیست، تابعی است از یک عامل دیگر، از یک کس دیگرَ؛ دشمن اصَلی را پیدا کنید؛ والا [اگر] انسان با دشمن فرعی سینه‌به‌سینه بشود، هم قوای او تحلیل میرود، هم نتیجه کارْ نتیجه مطلوبی نخواهد شد.

امروز یک عده‌اِی در بخش‌های مختلف دنیای اسلام به‌نام گروه‌های تکفیری و وهابی و سَلَفی، علیه ایران، علیه شیعه، علیه تشیع، دارند تلاش میکنند، کارهای بدی می‌کنند، کارهای زشتی می‌کنند؛ اما اینها دشمن‌های اصلی نیستند؛ این را همه بدانند. دشمنی می‌کنند، حماقت می‌کنند اما دشمن اصلی، آن کسی است که اینها را تحریک می‌کند، آن کسی است که پول در اختیارشان می‌گذارد، آن کسی است که وقتی انگیزه آنها اندکی ضعیف شد، با وسایل گوناگون آنها را انگیزه‌دار می‌کند. دشمن اصلی، آن کسی است که تخم شکاف و اختلاف را بین آن گروه نادان و جاهل، و ملت مظلوم ایران می‌افشاند.

اینها آن دســـت پنهان سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی است. لذا ما مکرر گفته‌ایم این گروه‌های بی‌عقلی را که به نام سَلَفی‌گری، به نام تکفیر، به نام اسلام با نظام جمهوری اسلامی مقابله می‌کنند، دشمن اصلی نمی‌دانیم؛ ما شما را فریب‌خورده می‌دانیم؛ به اینها گفته‌ایم: «لَئِن بَسَطتَ اِلَیَّ یَدَکَ لِتَقتُلَنی ما اَنا بِباسِطٍ یَدِیَ اِلَیکَ لِاَقتُلَکَ اِنّی اَخافُ اللهَ رَبَّ العٰلَمین»؛[۵] تو اگر خطا می‌کنی، اشـــتباه می‌کنی، کمر به قتل برادر مسلمان خودت می‌بندی، ما تو [آدم] نادان و جاهل را کسی نمی‌دانیم که بایستی کمر به قتل او ببندیم؛ البته از خودمان دفاع می‌کنیم، هر کسی به ما حمله بکند، با مشت محکم ما مواجه خواهد شد. این طبیعی است؛ اما معتقدیم اینها دشمنان اصلی نیستند، فریب‌خورده هستند. دشمن اصلی آن دشمن پشت پرده است، آن دست نه‌چندان پنهانی است که از آستین سرویس‌های امنیتی بیرون می‌آید و گریبان مسلمانان را میگیرد و آنها را به جان هم می‌اندازد.

چالش‌های درونی ما اینهاست: سرگرم شدن به اختلافات در داخل کشور؛ اختلافات فرعی و اختلافات سطحی، ما را سرگرم بکند، در مقابل هم قرار بدهد، تعارض به‌وجود بیاورد، ما را از مسائل اصلی و از خطوط اصلی غافل بکند؛ این یکی از مصادیق آن چالش اصلی است که عرض شد. از دست دادن انسجام ملت از چالش‌های ما است. دچار شدن به تنبلی و بی‌روحیگی، دچار شـــدن به کم‌کاری، دچار شدن به یأس و ناامیدی، تصور اینکه ما نمیتوانیم، تصور اینکه تا حالا نتوانستیم؛ نخیر، همان‌طور که امام فرمودند ما می‌توانیم.[۶] باید عزم داشته باشیم، عزم ملی و مدیریت جهادی می‌تواند همه این گره‌ها را باز کند.

اینها همه، آن چالش‌های درونی ما است که باید با اینها مقابله کنیم. همان‌طور که عرض کردیم جوان‌های عزیز ما، نخبگان ما، فضلای ما باید بنشینند این مسائل را بررسی کنند؛ اینها سرفصل‌هایی است. نام مبارک امام بزرگوارمان و یاد آن بزرگمرد و نقشه آن معمار بزرگ می‌تواند ما را در همه این فصول یاری کند و به ما امید ببخشد و نشاط بدهد و روحیه بدهد؛ همچنان که تا امروز چنین بوده است و به توفیق الهی در آینده [هم] چنین خواهد بود.

پروردگارا، برکات خودت را بر این ملت عزیز نازل بفرما. پروردگارا، جوانان عزیز ما را در راه بنای آرمانی نظام اسلامی کمک فرما. پروردگارا، ما را از کج‌روی‌ها و انحراف‌ها محفوظ بدار.

پروردگارا، دست ملت ایران را از دشمنانش قوی‌تر قرار بده؛ آنها را بر دشمنانشان پیروز فرما؛ قلب مقدس ولی‌عصر (ارواحنا فداه) را نسبت به ما مهربان بفرما. دعای آن بزرگوار را شامل حال ما بگردان. روح مطهر امام و شهدای عزیز را با پیغمبر محشور فرما. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.

«حرم مطهر امام خمینی - ۱۳۹۳/۳/۱۴»

پی نوشت:

۱. سوره طارق، آیات ۱۵ و ۱۶ // ۲. کشور آلمان // ۳. کشور اوکراین // ۴. جان مک‌کین // ۵. سوره مائده، آیه ۲۸ // ۶. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۲۷.



آخرین روزهای حیات امام

بقیه از صفحه اول

واقعاً حالا وقتی برمی‌گردم و خاطرات را مرور می‌کنم، متوجه می‌شوم که در این اواخر عزم رفتن در چهرهٔ آقا به راحتی دیده می‌شد، به خصوص بعد ازعمل. در آن زمان واقعاً چشمهایمان را بسته بودیم. نه تنها من، بلکه هیچ کداممان نمی‌خواستیم این واقعیت را که هر انسانی رفتنی است و طبیعتاً آقا هم خواهند رفت، باور کنیم. سریع فکرمان را برمی‌گرداندیم که ابداً این طور نیست و نخواهد شد؛ حتی در آن لحظه‌های آخر.

مادرم در آن لحظه‌های آخر که حدوداً ساعت سه بعد از ظهر روز سیزدهم خرداد ماه بود، به من گفتند که دکترها می‌گویند: « فقط یک درصد احتمال موفقیت وجود دارد.» من گفتم: نه، این حرفها چیست؟ بعدها که فکر می‌کردم، دیدم که ما هیچ نمی‌خواستیم این واقعیت را قبول کنیم، البته همه این گونه بودند. اما آقا خودشان واقعاً می‌خواستندبروند.

ماه رمضان که بعضی اوقات برای نماز صبح نزد ایشان می‌رفتیم، معمولاً خیلی گریه می‌کردند. در نماز شبشان همیشه دستمال کاغذی کنارشان بود. اما این ماه رمضان آخر، ایشان حوله کنار دستشان می‌گذاشتند، از بس که در این ماه رمضان گریه می‌کردند. مرتب ذکر می گفتند و حالت دیگری داشتند. من خود ندیدم، اما مادرم تعریف می‌کنند که یک برگ کاغذ گذاشته بودند جلوشان و تمام اذکاری را که در روز باید می‌گفتند، روی آن می‌نوشتند که مبادا یادشان برود. خیلی عجیب بود. عید هم آقا را برخلاف آن وجهه ای که همیشه داشتند، می‌دیدیم. آقا معمولاً در مجالس و میهمانی‌ها که می‌نشستند، بگو و بخندی داشتند.

وجهۀ عاطفی آقا هم بحث دیگری دارد. واقعاً حالت ایشان در خانواده فرق می‌کرد؛ با آن حالت رسمی‌و چشم‌های نافذ در هنگام حضور در حسینیه، گویی در خانواده شخص دیگری بودند. به یاد دارم که یک روز ایشان در حسینیه صحبت تندی کرده بودند. حالا عین مطالب یادم نیست که چه بود؛ اما حمله شدیدی کرده بودند به آمریکا و شوروی. الحمدلله، ایشان مصلحت گرا نبودند، هر چه را حقیقت می‌دانستند، می گفتند و به همین خاطرهم بود که امام شدند. به هر حال یادم هست که آمدند بیرون و شروع کردند قدم زدن. مثلاً در همان لحظه که قدم می‌زدند، علی می‌آمد، روی سرش دست می‌کشیدند. ما می‌رفتیم جلو، عادت داشتند معمولاً به شوخی به صورت ما می‌زدند. دستشان را می‌بردند بالا و ما هم صورتمان را می‌گرفتیم و دستشان را آرام می‌گذاشتند روی صورت ما. اصلاً فرق می‌کردند. نمی‌دانم این در حسینیه چه برکتی داشت، ایشان آن طرف که می‌رفتند، وجهه دیگری داشتند، رهبر انقلاب می‌شدند و این طرف که می‌آمدند، فردی کاملاً عادی و البته خدایی، که خانواده اش را هم به خاطر خدا دوست دارد. البته آن طرف هم همین گونه بودند. اما آنجا یک عامل دیگر هم اضافه می‌شد و آن رهبری انقلاب بود و این طرف یک پدر بزرگی بودند برای خانواده. هر چه بود، خدا بود؛ حتی اگر به کسی محبت می‌کردند یا مثلاً پرخاش می‌کردند. من خودم این گونه بودم که هر وقت می‌خواستم ببینم، امروز که مثلاً فلان مسأله پیش آمده، درست برخورد کردم یا نه، مورد رضایت خدا هست یا خیر و یا نامه اعمالمان چگونه است، می‌رفتم خدمت آقا، اگر گرم برخورد می‌کردند، معلوم بود وضعم خوب است، اگر سرد برخورد می‌کردند، باید می‌رفتم و استغفار می‌کردم، چون مسأله حل نشده بود.

یکی از روزها من داشتم با ایشان قدم می‌زدم، بوته گل رزی در باغچه بود. نگاه کردند به این غنچه‌های گل و گفتند: «می‌دانی این غنچه چند روزه است یا چند روز دیگر باز می‌شود؟» شما نگاه کنید یک فرد با آن همه مشغولیات، روی چه چیزهای ظریفی دقت دارد. ایشان چون هر روز قدم می‌زدند و توجه داشتند، می گفتند: «این گل سه روزه که باز شده یا آن گل دیروز صبح باز شده، آن گل دیشب بازشده.» تمام این ظرایف یادشان بود. قدم که می‌زدند، روی این مسائل دقت داشتند و این چیز عجیبی بود. ما با این که هم جوان بودیم و هم باید به این چیزها بیشتر علاقه داشته باشیم، این گونه نبودیم. مثلاً ایشان می گفتند: «این غنچه امروز باز می‌شود».

یک نکته ای هم هست که البته ایشان به خود من نگفتند(به مادرم گفته بودند که ایشان برای من نقل کردند)، که یک روز حضرت امام رو کردند به من(یعنی مادرم) که: «می‌دانی آن گل(مادرم می گفتند که یک گل پژمرده ای بوده) من هستم، آن گل حسن است، آن گل تویی، آن گل احمد است و بعد اشاره کردند به یک غنچه کوچکی که تازه داشت می‌شکفت، گفتند: این گل هم علی است. واقعاً آدم بعید می‌داند که کسی با این همه مشغولیات این گونه ابعاد عاطفی در خانواده داشته باشد و این نمی‌شود مگر اینکه همه اعمال خدایی باشد.

خلاصه من آن روز به خانه رفتم. آخر شب بود، حدود ساعت یازده که خوابیدم. فردایش روز اول خرداد بود که من رفتم مدرسه، امتحان داشتم. وقتی برگشتم آقا را برده بودند بیمارستان. در همان روز از ایشان عکس گرفته بودند و مقدمات عمل فراهم شده بود.

آن روز پدر و مادر و علی رفته بودند نزد امام. امام گفته بودند: «بیایید آخرین ناهار را با هم بخوریم». برای ایشان مسأله واضح بود، البته ما نمی‌خواستیم قبول کنیم. می گفتیم نه. امام این حرف را می‌زنند؛ ولی یقینی نیست؛ ولو این که خانواده ما هم اعتقاد سنگینی به ایشان داشتند. این طور نبود که بگوییم ایشان فقط به عنوان پدر بزرگ باشند، پدربزرگ بودند. اما واقعاً خانواده آقا، هم به عنوان مقلد بودند، هم به عنوان مرید بودند. به هر حال گفته بودند بیایید آخرین ناهار را با هم بخوریم یا مثلاً علی را دیده بودند که در حال دویدن است، گفته بودند: «علی بیا با هم آخرین قدممان را هم بزنیم.»

قبل از رفتن آقا به بیمارستان، برای سرکشی به وضع بیمارستان به آنجا سر زدم و سپس به اتفاق دکتر طباطبایی تا پشت در اتاق آقا رفتم. در را باز کردم و رفتم تو. گفتم: «آقایان دکتر می‌گویند که بیایید برویم بیمارستان». ایشان بلند شدند و شروع کردند به نصیحت کردن. انگار به شخص مادرم قبلاً نصیحت کرده بودند.

اینجا من باید یک مطلبی را که شایع شده، تکذیب کنم و آن اینکه نقل کرده اند که امام در لحظات آخر، یعنی همان لحظات قبل از عمل همه را جمع کردند و نصیحت کردند، این طور نبود. ایشان در همان حال که آماده رفتن به بیمارستان می شدند، چند نصیحت به من کردند؛ نصیحت‌های همیشگی که بعداً نقل می‌کنم. ولی معمولاً آقا نصیحت که می‌کردند، حالت تربیتی اش را هم در نظر داشتند؛ با روی باز بودند و می‌خندیدند. از راهی می گفتند که دقیقاً اثر می‌کرد. اما این دفعه برخلاف دفعات گذشته اصلاً در چهره شان خنده نبود. در این جریان مادرم چیزی را از آقا نقل می کنند که من گفتم: «آقا چرا ناراحتید و مسأله چیست؟» آقا گفتند: «شما نمی‌دانید تمام نفس‌های ما سیّئات بود». گفتم: «آقا شما که دیگر نباید این گونه باشید. شما انقلابی کردید که خدایی بود». گفتند: « وقتی حضرت سجاد می‌گوید تمام حسنات من سیّئه است، تکلیف من روشن است.»

در هر صورت، من آمدم خدمتشان و ایشان راه افتادند، آمدند دم در. گفتند جلیقه ام یا قبایم را نپوشیدم. دم در که ایستاده بودند، آمدند برگردند داخل، من احساس کردم نگاه آقا به خانه، نگاه خداحافظی است. معمولاً کلید اتاقشان دست خودشان بود، اما آن روز کلید را دادند دست خانم. گفتند: «کلید دست شما باشد». خانم گفتند: «نه، پیش خودتان باشد». گفتند: « نه، من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید، کلید پیش شما باشد».

خانم رو کردند به آقا و گفتند: «ما که دعا بلد نیستیم، شما هر چه می‌دانید، خودتان بخوانید و به خودتان بدمید». یعنی همان اعتقاد قدیمی‌که داشتند. آقا دوباره گفتند: «نخیر، من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید». از در آمدند بیرون. من بودم و آقای دکتر طباطبایی که بعداً حاج عیسی هم رسید. آقا متوالیاً بر می گشتند و دو سه بار گفتند: «خانم شما نیایید، خانم شما نیایید.» ، ولی خانم آمدند.

آقا دوباره سر پله برگشتند و به خانم گفتند: «خانم شما برگردید، خانم خداحافظ». دائم برمی‌گشتند و می گفتند: «خانم خداحافظ، شما بروید». اما خانم باز ایستاده بودند. بعد از پله‌ها آمدند پایین. علی دوید، جلو آقا. آقا انگار به علی گفتند که علی شما دکتر شدی. دایی (دکتر طباطبایی) گفتند : «علی خیلی قدر خودت را بدان. آقا که به کسی بگویند دکتر، دیگر دکتری اش حتمی‌است. یعنی دیگر درس هم لازم نیست بخواند!» بعد آقا گفتند: «نخیر، ایشان نمی‌خواهد دکتر بشود، می‌رود که ملا شود». ایشان دوباره رو کرد به امام و گفت: «پس آقا علم الادیان و علم الابدان چیست؟». آقا گفتند: «ایشان می‌رود دنبال علم الادیان». خلاصه به طرف بیمارستان رفتیم. پدرم مقابل در بیمارستان ایستاده بود، دکترها، آقای دکتر عارفی و ... آمدند جلو، من کنار کشیدم. از پشت سر می‌آمدم و فقط نگاه می‌کردم.

یعنی حدود سه چهار پله عقب بودم. این صحنه سی ثانیه قبل از فیلمی‌است که در تلویزیون آقا را از پشت سرنشان می‌دهد که دارند می‌روند داخل بیمارستان.

همان زمان که امام داشتند داخل بیمارستان می‌رفتند، ناگهان دست انداختند به گردن بابا و او را بوسیدند. بعد سر را انداختند پایین و رفتند داخل. آن لحظه واقعاً یک لحظه خاصی بود، و همه ناگهان بهتشان زد. چون شنیده ایم که هرچه سن پسر بالاتر می‌رود، پدر به گونه دیگری به او می‌نگرد. در ماجرای حضرت علی اکبر هم حالات امام حسین(ع) را ذکر می‌کنند. آنجا من احساس کردم که آقا دیگر می‌دانسته اند که کار تمام است و ایشان رفتنی است. در آن لحظه عطوفت پدری بر سایر مسائل و حجبی که از دکترها داشتند، غلبه کرد.

بعد ایشان بستری شدند. حدود ساعت ۱۰- ۱۰/۵ شب بود که من آمدم منزل. فردایش قرار بود آقا عمل شوند. نماز شب آقا هم در همان شب بود که از دستمان رفت و بعداً فیلمش را دیدیم. واقعاً هم حیف بود، چون می‌خواستیم نماز شب آخر آقا را ببینیم.

صبح روز عمل یکی از دوستان مرا بیدار کرد و به بیمارستان رفتم. هیچ کسی از آقایان نیامده بود. رفتم در اتاقی که تلویزیون مدار بسته بود، دیدم که آقا خوابیده اند، البته هنوز به هوش بودند. دکترها داشتند کارها را انجام می دادند. من هم دائم به داخل می‌رفتم و بیرون می‌آمدم و خلاصه همانجا سرگردان بودم تا این که آقایان آمدند. قیافه‌ها را به خوبی به یاد دارم، آقای‌هاشمی‌از در آمد داخل و رفت نشست و شروع کرد به زار زار گریه کردن، بعد آقای اردبیلی آمد. همین که در را باز کرد، شروع کرد به گریه؛ گریه ای خیلی بلند. بعد آقای میرحسین موسوی آمد، همین طور، آقای خامنه ای هم آمدند که نفر آخر بودند. چون کمی‌مسیرشان دورتر بود، آخر رسیدند یا یکی مانده به آخر. همه مدتی می‌نشستند، می‌رفتند بیرون و باز برمی گشتند؛ چون عمل حدود دو ساعت طول کشید. ولی یادم است که آقای‌هاشمی‌از اول تا آخر نشستند و این برای من خیلی تعجب آور بود.

هشت دوربین بود که یکی یکی می‌آوردند روی ضبط. فیلم آقای‌هاشمی‌هم هست. ایشان نشسته بود. من آمدم بیرون. عمه(فهیمه خانم) مرا دید و پرسید، جریان چگونه است؟ گفتم: «می‌توانید بروید از پشت دیوار بیمارستان یک شیشه دارد، بنشینید و نگاه کنید». من فکر نمی‌کردم بتوانند بیایند داخل. گفت: «نه، می‌آییم تو». سر را انداخت زیر و آمد نشست. همان موجب شد پای خانم‌ها به آنجا باز شد. خانم امام آمدند، عمه(صدیقه خانم) هم آمدند، خانم بروجردی هم آمدند. غیر از این سه نفر، کس دیگری داخل نیامد. همه همان بیرون می‌ایستادند.

بعد از مدتی خانم امام بلند شدند و رفتند. خانم بروجردی مرتبا نشسته بود. تقریباً همه گریه می‌کردند، حالت بهت و وحشت بود و ترسی هم که از عمل داشتند، راستی راستی بجا بود. یعنی هیچکس نمی‌دانست تا ده دقیقه دیگر یا بیست دقیقه دیگر چه می‌شود. من هم این طرف و آن طرف می‌رفتم، نماز می‌خواندم و ... بالاخره حضور دائم داشتم. در همین حالات بود که تدریجاً عمل تمام شد و آقا را آوردند بیرون. آقای دکتر فاضل مسئول جراحی و آقای دکتر الیاسی مسئول بیهوشی بود. یکی دو نفر دیگر هم بودند. تعدادی دکترهای قلب هم در اتاق حاضر بودند تا اگر احیاناً یک دفعه لازم شد، سریعاً اقدام کنند.

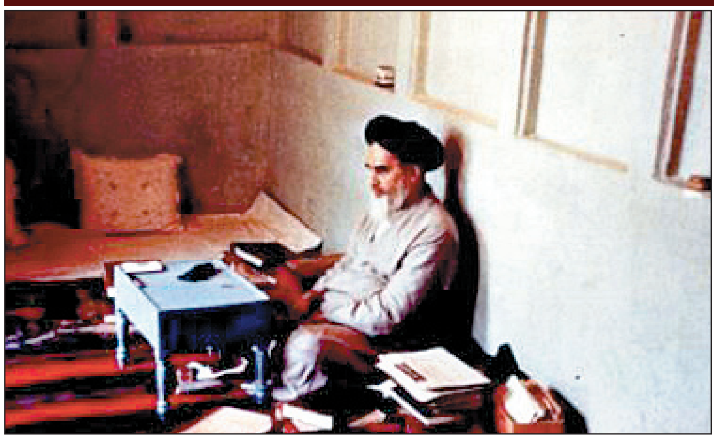
تختی که آقا روی آن بود، چرخدار بود. وقتی امام از اتاق عمل بیرون آمد، آقایان دفتر هم ایستاده بودند؛ آقایان امام جمارانی، توسلی و صانعی هم بودند و من هم ایستاده بودم. بعد از عمل یادم هست کسی که از همه بیشتر خوشحالی می‌کرد، آقای خامنه ای بود. چرا که عمل به ظاهر موفقیت آمیز بود و همه فکر می‌کردیم که خطر برطرف شده است. هیجان وافری بر همه حاکم بود و آقای خامنه ای بیشتر از دیگران. بابا می‌گفتند که ایشان همیشه به آقا می‌گفت: «آقا، خدا ما را قبل از شما از این دنیا ببرد».

یک حالتی بود که تا شما در چنین حالتی نباشید، نمی‌توانید آن را تصور کنید؛ مگر این که قدرت تصور بالایی داشته باشید. همه گلوها را از شدت خوشحالی بغض گرفته بود. هیچکس گریه نمی‌کرد. آدم گاهی از شدت خوشحالی گریه می‌کند، ولی گاهی آنقدر هیجان بالاست که گریه هم نمی‌توان کرد. همه در یک چنین حالتی بودند. همه همدیگر را می‌بوسیدند.

ابعاد علمی حضرت امام

حجت‌الاسلام والمسلمین علی دوانی





مقدمه:

نویسنده این سطور، مانند صدها نفر دیگر از طلاب علوم دینی حوزه علمیه قم سالیانی چند در درس خارج اصول فقه امام خمینی شرکت داشتم . از درس خارج فقه ایشان هم مدتی کوتاه استفاده کردم ، و از دروس دیگر ایشان که قبل از ما برای اهل فضل ایراد کرده بودند هم با واسطه ، کم و بیش اطلاع داشتم . در موقع نگارش این قسمت گذشته از آنچه راجع به جهات علمی‌امام می‌دانستم ، دو شماره مجله حضور و یکی دو مأخذ دیگر در اختیارم بود و از مجموع آنها این مقاله فراهم شده است . آنچه نقل شده از شاگردان خاص امام فقید است که بعضی قبل از نویسنده به درس امام می‌رفتند و بهتر از من جهات علمی‌امام را می‌شناسند.

شاید خداوند توفیق دهد در آینده با استفاده از فرصت بیشتر و آگاهی از منابع و مأخذ و اشخاص دیگر آن را تکمیل کنم و به صورت کتابی درآید که جای آن هم خالی است .

احاطه علمی حضرت امام خمینی

مرحوم میرزای قمی، فقیه نامی‌سده سیزدهم هجری متوفای سال ۱۲۳۱ هـ ق، در جلد دوم «قوانین الاصول» آنجا که از شرایط اجتهاد بحث می کند، می نویسد:

«مجتهد باید این علوم را دارا باشد: علم لغت، علم صرف، علم نحو، علم کلام، علم منطق، علم اصول، علم تفسیر، علم هیئت، قسمتی از مسائل علم طب ، همچنین پاره‌ای از مسائل هندسه و حساب.»

بنابراین، مجتهد می‌باید دوازده علم را به قدر کافی بداند، و از علوم دیگر هم بی‌اطلاع نباشد، بلکه پاره‌ای از آنها را فراگیرد. به عبارت دیگر در بعضی از علوم باید تخصص داشته باشد ، و بعضی را به اندازه لازم بداند و چندان در فقه و اصول کار کند تا بتوان گفت دارای ملکه اجتهاد است. شخصی که می‌باید تکلیف بندگان خدا را با استفاده از دانشهای وسیع خود تعیین کند و به آنها بگوید وظیفه تو از جانب خداوند این است ، یک عالم معمولی و متوسط نیست ، بلکه باید در سطح عالی از علوم اسلامی‌و دانشهای دینی باشد. امام‌خمینی گذشته از ذوق سرشار و قریحه سیال ذاتی خود، تمامی‌علوم را که میرزای قمی‌در مجتهد شرط دانسته است ، به نحو مستوفی دارا بود، بعلاوه فلسفه و عرفان اسلامی‌که در آنها استاد مسلم بود.

امام ، علوم مقدماتی را به خوبی آموخته ، و سطوح متوسط و عالی دروس حوزه‌های علمیه را چنان که باید در نزد استادان فن ، فراگرفته بود. در نزد استاد خط نیز تلمذ داشته است، به‌طوری که خط خوش ایشان هم مانند دیگر جهات کمالی آن مرجع بزرگ زبانزد خاص و عام بود . امام از نوجوانی شعر می گفت ، و با این که تظاهر به آن نمی‌کرد ، مع‌الوصف باید او را استاد فن غزل دانست ، به طوری که شعرهای عارفانه و غزلیات پرشور او را با آن عمق و زیبایی در کمتر شاعر غزلسرا و عارف شعر گوی سراغ داریم .

بنابراین صریحا باید گفت آنچه خوبان داشته و دارند ، امام خمینی تنها داشت . هر کدام از آن علوم و فنون که اشاره نمودیم و هنر خط و شعر امام را حتی باید جداگانه مورد بحث قرار داد و با تمام جزئیات آن تشریح کرد تا روشن شود که این ادعا نیست ، بلکه یک واقعیت است . در سابق اهل علم حوزه‌های علمیه ، بسیاری در تمام آن رشته‌ها کار می‌کردند ، یعنی سعی داشتند مشق خط کنند ، و شعر بگویند ، و صرف و نحو و معانی و بیان و ریاضی و منطق و فلسفه و کلام و حدیث و تفسیر و رجال و درایه و فقه و اصول را برای نیل به مقام عالی اجتهاد فراگیرند . دراین باره علمای بزرگ و مجتهدین و مراجع عظام کم نداشته‌ایم .اما ، اما باید گفت امام خمینی نمونه اعلای آنها بوده است . امام نه تنها فقیه و مجتهد و مرجع تقلید بود ، بلک شاعر و عارف و فیلسوف و ریاضی دان و نویسنده چیره دست و استاد هنر در خط و ربط هم بود . بزرگان ، در حوزه‌های علمیه برای این که قادر باشند حکم خدا را از مجموع ادله و براهین استخراج نموده و تکلیف شرعی مردم را روشن سازند ، سعی داشتند آن علوم و فنون را به اندازه لازم و کافی دارا باشند، و چنین نیز بودند .

ما در زمان خود بعضی از بزرگان را چنین هم می‌دیدیم ، و به اصطلاح ، جامع همه کمالات بودند ، و امام خمینی مصداق کامل آنها بود . آنها حتی بعضی از علوم دیگر را هم گاهی تا حد مهارت می‌دیدند ، مانند طب و جبر و مقابله و حساب و هندسه و هیئت و نجوم ، تا در مواقع لازم از آنها برای شناخت و بیان حکم خدا بهره گیرند، و چیزی را فروگذار نکرده باشند. آیت‌الله احمدی یزدی از شاگردان امام فقید در اظهارات مفصل خود از جمله می گویند: «کسی که می‌خواهد اسلام را شناخته و ابعاد گوناگون آن را در جهات مختلف اجتماعی، سیاسی و انسان شناسی تعقیب کند، باید علومی‌را که در این رابطه مطرح شده یا احیانا با آن تماس دارد بررسی نموده و به آنها توجه داشته باشد.»

حضرت امام رضوان الله تعالی علیه به دلیل آن که نظرات بسیاری در این رابطه داشتند، و در حقیقت می‌توان گفت یک فقیه کامل و اسلام شناس عالی مقام بودند، تمام علوم مربوط به اسلام را یا در حد تخصص در آن علوم و یا به نحو گذرا مورد بررسی قرار داده بودند.

این که می گویم در حد تخصص یا گذرا ، به این دلیل است که کسب اطلاعات گذرا در برخی علوم مرتبط با اسلام شناسی کافی است ، و نیازی به تخصص آن چنانی ندارد ، اما بعضی از علوم هست که بعلاوه اطلاع در زمینه آنها باید تخصص کامل هم داشته باشد .

مثلا ریاضیات علمی‌است که ابعاد مختلف و اقسام گوناگونش از حساب و هندس و هیئت و موسیقی و جهات دیگر گرفته تا لگاریتم و جبر تا حدودی با اسلام شناسی مرتبط می‌شود، و اتفاقا حضرت امام رضوان الله علیه علیرغم این که عده زیادی به این بخش توجه کمتری دارند، آثاری در زمینه ریاضی دارند.

در مسائل فقهی نظیر قبله ، مسائل ماه، ماه شناسی (تشخیص اول ماه در ماه مبارک رمضان و شوال و ....) افق شناسی و وقت شناسی که به مباحث ریاضی و بخصوص هیئت مربوط می‌شود، اطلاع وسیع داشتند. در هیئت اصطلاحی راجع به ستاره شناسی وجود دارد که احیانا ستاره را علامت قبله شناسی قرار می‌دادند. در هیئت اصطلاحی راجع به ستاره‌شناسی وجود دارد که احیانا ستاره را علامت قبله شناسی قرار می‌دادند.

مرحوم آیت‌الله العظمی‌بروجردی اعلی الله مقامه علامتی را به عنوان قبله شناسی ذکر کرده‌اند.

حضرت امام(ره) از مرحوم آیت‌الله رفیعی قزوینی که استاد هیئت و معقول بود، و در فقه نیز استاد بوده‌اند، و عالم جامعی به شمار می‌آمده‌اند، در بعضی جهات استفاده‌هایی کرده بودند . با دستخط خودشان خطاب به مرحوم رفیعی قزوینی می‌نویسند: «الی حضره الاستاد العلامه الرفیعی....» و بعد می‌فرمایند وجهی را که مرحوم آقای بروجردی در این جا مورد فتوتی قرار داده‌اند، و این را به عنوان یکی از علائم قبله شناسی منظور فرموده‌اند، وجهش چیست ؟ مرحوم آیت‌الله رفیعی پاسخ می‌دهند که به این صورت است و علتش چیست.

برخی از علوم هم که به طور مستقیم با اسلام شناسی مرتبط نیست، اما غیر مستقیم در بعضی جهات ربط پیدا می‌کند، علمای بزرگ هم تحصیل می‌کردند و احیانا تدریس می‌فرمودند، و در بعضی موارد رساله و کتبی را تدوین می‌نمودند.

در همین رابطه حضرت امام هم توجه کافی داشتند ، و از ایشان دستخط‌هایی موجود است، مخصوصا بعضی قسمتها را با دایره‌هایی ترسیم کرده‌اند. این یک سری علوم است که می‌بینیم و به هیئت و بلکه برخی اقسام ریاضیات که در این رابطه مطرح بوده، ایشان عنایت تمام و کافی داشتند، اما برخی از علوم هست که ارتباط مستقیمی‌با اسلام شناسی دارد . مانند قرآن شناسی، تفسیر قرآن، حدیث شناسی، رجال و درایه و اصول.

یک سری علوم هستند که با اسلام شناسی ارتباط مستقیم دارند ، بلکه به یک تعبیر اسلام عین این علوم است ، یعنی اسلام با این علوم عینیت دارد . این دسته از علوم احتیاج به بررسی کامل‌تری حتی در حد تخصص دارند. این‌ها زوایایی است که در وجود حضرت امام(ره) دیده می‌شود که به نظر من خیلی‌ها به آن توجه نکرده‌اند .

مثلا کتاب «اربعین حدیث» ایشان در درجه اول کتاب حدیث شناسی است، اما زوایای مختلفی دارد، و ابعاد فقهی و عرفانی و حدیثی در آن نهفته است. ایشان بحثی مربوط به تفسیر سوره حمد مطرح فرمودند. من در آن درسها و بحثهای تفسیر در محضرشان بودم . در همان چند درس بیش از سیصد مسئله فقهی، عرفانی ، فلسفی ، بلکه مسائل سیاسی و جهات دیگری را هم در آن مثالها بیان کردند، و آنها خیلی‌عالی است. مثلا در باب ارتباط عالم به حق متعال مطالب را خیلی زیبا عنوان فرمودند. چون این مسئله یک مسئله بسیار مهمی‌است و خیلی‌ها متوجه نیستند. در همین بحثهای قرآنی سوره حمد که اخیرا بیان فرمودند، یا درکتب «اسرار الصلوه»، « معراج السالکین» یا در «آداب الصلاه» یا در همین «اربعین حدیث» بعنوان تفسیر برخی از آیات قرآنی بیان فرمودند ، اینها مقدماتی مهم در علوم قرآنی است ، و من مقداری از این کار را انجام داده‌ام که تا حدودی ادای حق ایشان کرده باشم .اگر دیده باشید در کتاب تفسیر صافی به نظرم ۱۲ مقدمه راجع به ورود به قرآن ذکر کرده، و من حدود ۳۰ الی ۴۰ مقدمه از سخنان حضرت امام(ره) را برای قرآن شناسی استخراج کردم که انشاءالله در موقع مناسبی آنها را در معرض عموم قرار خواهم داد که اساسا قرآن شناختن شرایطش چیست؟ و موضوعاتش چه می‌باشد.

نوشته‌های ایشان هم جنبه فلسفی برهانی داشت ، و هم جنبه اخلاقی ، عرفانی ، سلوکی و هم واجد کلیاتی در معارف و علوم اسلامی، مانند مسائل علم فقه یا مسائل اجتماعی و سیاسی اسلام و غیره بود . بنابراین ، این سری مکتوبات جزء منابع اصیل معارف الهی به شمار می‌رود، و در ردیف متون محکم و متقن در فلسفه و عرفان به حساب می‌آید ، و نباید محققین رشته‌های علوم اسلامی‌از آنها غافل باشند. آیت‌الله فاضل لنکرانی در این باره می گویند:« امام بزرگوار در مقام علمی، یک فرد جامع به تمام معنی بود. فقیه کامل و اصولی متبحر، فیلسوف بی نظیر، عارف به تمام معنی کلمه، و متخصص علم اخلاق و تربیت‌های علمی‌و اخلاقی، و همین طور جهات مختلف دیگر، حتی در شعر هم دارای سهم بسیار چشمگیری بودند.« برای آگاهی بیشتر از ابعاد علوم و فنونی که امام خمینی(ره) داشته اند، یا در آنها استاد بوده‌اند، و این که آنها را از کدام استاد فرا گرفته‌اند ، باید به بخش‌های « استادان امام خمینی» و «تألیفات» ایشان مراجعه کرد . به طور خلاصه و با یک تعبیر کوتاه، امام خمینی فیلسوف و عارف و شاعر و نویسنده و خوش خط و ریاضی دان و متکلم و منطقی و محدث و رجالی و فقیه اصولی و مؤلف و مصنف پرتوان و نویسنده زبردست در فارسی و عربی بودند ، و بیشتر این علوم و فنون را فراتر از مرز روال علمای حوزه معمول می‌داشتند .

امام خمینی و درس اخلاق

شهرت حاج آقا روح‌الله خمینی در حوزه علمیه قم و بیان شیوا و اخلاق و رفتار، و قیافه جالب و متین و با وقار آن بزرگوار که در قم نظیر نداشت و نیز وجهه روحانیت که زبانزد خاص و عام بود، به علاوه سابقه تدریس و اسم و رسم ایشان موجب شد که درس اخلاق آقای خمینی در مدرس مدرسه فیضیه که همه طبقات در آن شرکت می‌نمودند، چنان انعکاسی پیدا کند که پس از نیم قرن هنوز هم آوازه و پی آمد آن بازگو شود ، و آنها هم که نبوده و ندیده‌اند از تشکیل آن جلسه اظهار مسرت کنند و از ترک آن متأسف باشند.

آیت‌الله محفوظی می‌گویند: «در مدرسه فیضیه حجره گرفتم و مشغول درس شدم. روز تعطیل رسید. دیدم آقایان طلاب به طرف مدرسه هجوم می‌برند، و از بیرون فیضیه هم افراد بازاری به جمعیت طلاب افزوده شد. از کسی سبب اجتماع را سؤال کردم، جواب داد حاج آقا روح‌الله درس اخلاق می‌فرمایند. بنده هم شرکت کردم و از همان جا ایشان را شناختم. هفته‌ای یک روز این درس ادامه داشت، ولی چنان درس انسان ساز بود که در تمام هفته حال خوشی داشتم ، و در جریان درس بودم. این یکی از لحظه‌های خوش دوران عمر ما بود که فراموش نمی‌شود. متأسفانه سه چهار هفته گذشت، و استاد درس را تعطیل کرد. پرسیدم چرا؟ گفتند معاصرین ایشان، او را متهم کردند. یکی از خاطره‌های تلخ دوران عمرم که فراموش نشده و نخواهد شد، تعطیل شدن این درس اخلاق بود. اگر این درس ادامه پیدا می‌کرد، انسانهایی می‌ساخت مانند خود استاد بزرگوار(امام خمینی).

حجت الاسلام والمسلمین امینی گیلانی امام جمعه آستانه اشرفیه دوست و همدرس آقای محفوظی می‌نویسند: «این جانب در سال ۱۳۲۳ شمسی برای تحصیل علوم دینیه عازم قم شدم. پائیز همان سال مرجع عالی قدر جهان تشیع آیت‌الله العظمی‌آقای بروجردی به قم آمدند و به تدریس فقه و اصول و اداره امور مرجعیت پرداختند.

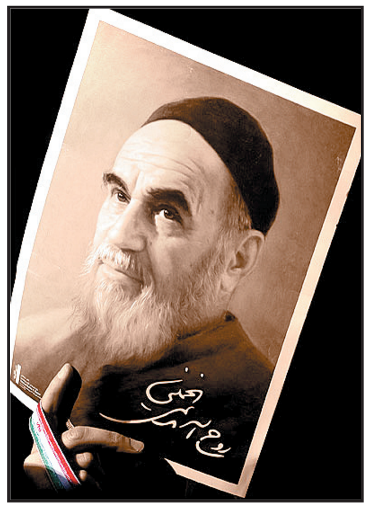
در همان سال که من یک طلبه ابتدایی بودم امام خمینی را زیارت نموده و شناخت مختصری از ایشان پیدا کردم. یادم نیست بهار همان سال ، یا سال ۱۳۲۴ بود که می‌دیدم عصرهای روز جمعه امام وارد مدرسه فیضیه می‌شوند، و مستقیما به درون مدرس مدرسه فیضیه می‌روند، و گروهی از طلاب و جمعی از بازیهای قم متعاقب ایشان وارد مدرس می‌شوند.

بقیه در صفحه ۶

بقیه از صفحه ۵

پس از پرس و جو متوجه شدم امام خمینی برای تدریس درس اخلاق تشریف می‌آورند. بنده مدتی در درس اخلاق ایشان شرکت کردم.

با توجه به این که طلبه بسیار ابتدایی بودم، مع الوصف از بیانات شـــیوا و روان ایشان بهره کافی می‌بردم.



به مصـــداق کلم الناس علی قدر عقولهم، مطالب بسیار عالی را با بیانی بسیار ساده و روان بیان می‌فرمودند، و تمام حضار مجلس از خواص و عوام استفاده می‌کردند . از یادم نمی‌رود ، هر روز با آیه مبارکه ذیل درس را شروع می‌فرمودند: «و ینزل علیکم من الســـماء ماء لیطهرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطان و لیربط علی قلوبکم و یثبت به الاقدام »، سپس در زمینه تطهیر باطن سخن می گفتند. دوران تدریس اخلاقشان چندان طولانی نبود . نمی‌دانم به چه علتی تعطیل شد.

آیت‌الله شهید مرتضی مطهری که خود در این درسها شرکت می‌کردند ، تأثیر آن را چنین بیان می‌کنند : « .... اگر چه در آغاز مهاجرت به قم هنوز از مقدمات فارغ نشده بودم و شایستگی ورود در معقولات را نداشتم ، اما درس اخلاقی که وسیله شخصیت محبوبم در هر پنج شنبه و جمعه گفته می‌شد ، و در حقیقت درس معارف و سیر و سلوک بود ، نه اخلاق به مفهوم خشک علمی، مرا سرمست می‌کرد . بدون هیچ اغراق و مبالغه‌ای این درس مرا آن چنان به وجد می‌آورد که تا دوشنبه و سه شنبه هفته بعد خودم را شدیدا تحت تأثیر آن می‌یافتم .

بخش مهمی‌از شخصیت فکری و روحی من در آن درس ، و سپس در درسهای دیگری که در طی دوازده سال از آن استاد الهی فرا گرفتم انعقاد یافت ، و همواره خود را مدیون او دانسته و می‌دانم . راستی که او روح قدسی الهی بود . »

شهید مطهری بیش از هر شاگرد دیگر امام خمینی از آن درس اخلاق انسان ساز امام فقید یاد می‌کرد ، و آن را مهمترین خاطره زندگی خود می‌دانست . او از هر فرصتی برای بیان اهمیت این درس اســـتفاده می‌کرد و عنایتی داشت که عظمت روحی امـــام فقید را از بیان این درس، بازگو کند.

آیت‌الله سبحانی، شاگرد نامیدیگر امام در این باره می‌نویسند: « درس اخلاق ایشان در مدرس مدرسه فیضیه با استقبال فضلا و شخصیتهای فهمیده روبرو شـــد . درس در عین این که بعد اخلاقی و عرفانی داشت ، دور از بعد سیاسی هم نبود . به همین جهت شهربانی قم درس را تعطیل کرد ، و ایشان درس را به مدرسه حاج ملاصادق از مدارس قم منتقل نمودند . بخشی از نتایج این درس ، کتاب «اربعین» ایشان است .

این جانب از ایشان سؤال کردم برای درس اخلاق از چه کتابهایی بهره بگیریم ؟

فرمودند : قرآن و کتب حدیث .

پرسیدم : احیاءالعلوم چطور ؟

فرمودند : در آغاز کار به این کتاب مراجعه کردم ، ولی شیوه آن را نپسندیدم »

نویسنده این سطور در اظهار نظری سالها پیش در این باره گفته‌ام :« در سال ۱۳۲۸ شمسی که تازه وارد حوزه قم شده بودم ، می‌شنیدم که می گفتند امام خمینی ، البته به تعبیر آن روز « حاج آقا روح‌الله خمینی » درس اخلاقی می گفتند ، و در جلسات آن که در مدرسه فیضیه برگزار می‌شد ، گروه زیادی از علما و فضلا و دیگر اصناف مردم از مجاور و مسافر شرکت می‌نمودند ، و به قدری آن درس در نفوس حضار تأثیر داشت که گاهی اغلب آنها در حین درس زار زار می گریستند ، و از این که تا کنون آن سخنان نافذ و مؤثر و گزیده را در اخلاق اسلامی‌و روش زندگی واقعی به اتکاء آیات قرآنی و اخبار و احادیث شیعه علیهم السلام و نقل گفتار و کردار و رفتار علمای بزرگ شیعه، نشنیده بودند، متأثر و متأسف می‌شدند. هر جلســـه جمعیت بیشتر می‌شد و تأثیر آن تا مدتها در نفوس شنوندگان باقی می‌ماند، و به طور خودکار آنها را دگرگون می‌ساخت، به طوری که موضوعات آن در همه جا نقل مجالس و نقل محافل خاص و عام بود.

از حضار شـــاخص آن جلسات درس اخلاق امام در مدرس مدرسه فیضیه قم ، شهید علم و دین آیت‌الله مرتضی مطهری فیلســـوف و متفکر نامی‌بعـــدی عصر ما ، بود که خود در گفتارها و نوشته‌هایش بارها از آن یاد می‌کرد . در آن اوقات (سال ۱۳۲۸ شمسی) وقتی علت تعطیلی آن درس را از اشخاص مختلف جویا می‌شدم ، می گفتند : چون جمعیت زیاد شده بود و حال اغلب حضـــار در حین درس و بیانات حاج آقا روح‌الله دگرگون می‌شـــد ، لذا ایشان آن را تعطیل کردنـــد، ولی گویا علت دیگری داشته است .»

گفتنی است که امام دوبار این درس اخلاق را در مدرســـه فیضیه داشته است : یک بار بعد از شـــهریور ۱۳۲۰ و سقوط سلطنت رضاخان پهلوی، که استاد شهید مطهری از آن یاد می‌کرد، و دیگری چند سال بعد بوده است.

هر دو بار هم پس از مدتی به تعطیلی کشید. امروز اگر ما بخواهیم از آن درس اخلاق امام یاد کنیم، می‌توانیم دروس اخلاق ایشان را که برای عده‌ای از فضلا در حسینیه جماران القا می‌شد و مســـتقیما هم از تلویزیون پخش می‌گردید، جایگزین آن سازیم ، و آن را در این ببینیم.

همان طور که بعضی از معاصران ایشان و مخالفان فلسفه و عرفان که امام به این دو علم دل بسته بود در آن موقع اظهاراتی کردند که باعث تعطیل درس اخلاق امام شـــدند، در این اواخر عمر امام نیز با همه اسم و رسم و شهرت جهانی که امام یافته بود، باز درســـهای اخلاق ایشان بی‌سر و صدا نبود. بعضی‌ها که درک لازم برای فهم بیانات ژرف امام را نداشتند، چندان نق زدند که امام این بار نیـــز آن مطالب عالیه عرفانی و اخلاقی را ترک کردند . مباحثی که امام در عرفان و اخلاق در حسینیه جماران طرح می‌نمودند و درباره آنها ســـخنانی اظهار می‌داشتند، بعد ا به صورت کتاب « تفسیر سوره حمد» منتشر شد ، و امروز در اختیار همگان است.

امام بعـــلاوه در کتاب «اربعین حدیث» و کتابهای عرفانی دیگر که نوشته‌اند، همچون یک معلم بزرگ اخـــلاق و خوانندگان آثارش را به تزکیه نفـــس و تهذیب اخلاق و دوری از آنچه انســـان را به خود مشغول می‌سازد و از مبدا و خدا دور می‌کند، رهنمود داده، و به مکارم اخلاق و سجایای حمیده و صفات پسندیده فراخوانده اســـت. به عبارت دیگر کسانی که مایل هستند از آن درس اخلاق امام آگاه شـــوند می‌توانند در همین اربعین حدیث و تفسیر سوره حمد و شرح دعای سحر ، و سایر کتب عرفانی ایشان آن نصایـــح و رهنمودها و تعالیم عالیه اخلاقی امام خمینی ـ قدس سره ـ را ببینند.

رهبری امام خمینی و نقش مردم در انقلاب


استادشهیدمرتضی مطهری

نهضتی که روستائی و شهری، کارگر و کشاورز، دانشجو و استاد، وکیل و کارمنـــد، همه و همه در آن شرکت دارند؛ اساساً غیر از مذهب و آن هم مذهبی مانند اســـلام، کدام نیرو می تواند این چنین انقلابی را به وجود بیاورد؟

من به تدریج این امید در دلم زنده می‌شود که این انقلاب به ایران محدود نمی ماند، هفت صد میلیون مســـلمان را در بر خواهد گرفت و چه افتخاری برای ایران خواهد بود که یک انقلاب اسلامی‌از ایران شروع بشود و تمام کشورهای اســـلامی‌را زیر نفوذ خودش بگیرد، که مطمئناً خواهد گرفت. از قراری که به من اطـــلاع داده اند، چند روز پیش، کارتر به آیت الله خمینی (ره) راجع به بختیار اخطار کرد که هر دو ابرقدرت بر روی این دولت توافق دارند و شما حساب کار خودتان را بکنید. اما این مرد بزرگ اعتنائی به این تهدید نکرد. من که قریب دوازده سال در خدمت این مرد بزرگ تحصیل کرده ام، باز وقتی که در سفر اخیر به پاریس به ملاقات و زیارت ایشان رفتم، چیزهایی از روحیه او درک کردم که نه فقط بر حیرت من، بلکه بر ایمانم نیز اضافه کرد. وقتی برگشتم، دوستانم پرسیدند چه دیدی؟ گفتم چهار تا «آمن» دیدم.

آمن بهدفه؛ به هدفش ایمان دارد. دنیا اگر جمع بشود نمی تواند او را از هدفش منصرف کند.

آمن بسبیله؛ به راهی که انتخاب کرده ایمان دارد. امکان ندارد بتوان او را از این راه منصرف کرد. شبیه همان ایمانی که پیغمبر به هدفش و به راهش داشت.

آمن بقوله؛ در میان همه رفقا و دوستانی که سراغ دارم، احدی مثل ایشـــان به روحیه مردم ایران ایمان ندارد. به ایشان نصیحت می کنند که آقا کمی یواشتر، مردم دارند سرد می شوند، مردم دارند از پای در می آیند؛ می گوید نه مردم اینجور نیستند که شما می گویید. من مردم را بهتر می شناســـم و ما همگی می بینیم که روز به روز صحت سخن ایشان بیشتر آشکار می شود.

و بالاخره بالاتر از همه آمن بربه؛ در یک جلسه خصوصی ایشان به من می گفت فلانی این ما نیستیم که چنین می کنیم. من دست خدا را به وضوح حس می کنم. آدمی که دست خدا و عنایت خدا را حس می کند و در راه خدا قدم بر می دارد، خدا هم به مصداق ان تنصروا الله ینصرکم بر نصـــرت او اضافه می کند. یا آن چنان که در داستان اصحاب کهف مطرح می‌شود، قرآن می گوید آنها جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و به او اعتماد و تکیه کردند، خدا هم بر ایمانشان افزود [۱]. آنها برای خدا قیام کردند و خدا هم دل های آنها را محکم کرد. [۲]

این چنین هدایت و تأییدی را مـــن به وضوح در این مرد می‌بینم. او برای خدا قیام کرده و خدای متعال هم قلبی قوی به او عنایت کرده است که اصلاً تزلزل و ترس در آن راه ندارد.

اطباء فرانســـه که اخیرا این پیرمرد هشتاد و چند ساله را که لااقل پانزده سال اســـت دچار جنگ اعصاب و ناراحتی روحی اســـت و اخیراً هم جوانی آن چنان برومند را از دست داده، معاینه کردند، نظر دادند قلب او نظیر قلب یک جوان بیست ساله است. او که در راه خدا قدم برداشـــته، آنچه را قرآن وعده داده است به تجربه دریافته.

قرآن وعده داده است که برای خدا قیام کنید، برای خدا عمل کنید، آن وقت عنایت خدا را می‌بینید. اگر توی خانه ات بنشینی خدا را نمی‌بینی.

اگر ساکت باشی، عنایت خدا را نمی‌بینی. برای خدا حرکت کن، آن وقت اســـت که خدا را و عنایت او را می‌بینی. آدمی که به امید خدا و برای خدا حرکـــت کرده، از تهدید آمریکا، حتی اگر شـــوروی را هم ضمیمه اش کنند، هیچ ترسی به دل راه نخواهد داد. در مورد این مرد بزرگ، یکی دیگر از خصوصیاتش را بگویم؛ شاید شما باورتان نشـــود این مردی که روزها می‌نشیند و این اعلامیه‌های آتشین را می دهد، سحرها اقلاً یک ساعت با خدای خودش راز و نیاز می کند و آن چنان اشک هایی می ریزد که باورش مشکل است.

این مرد، درست نمونه علی (ع) است. درباره علی (ع) گفته اند که در میدان جنگ به روی دشمن لبخند می‌زند و در محراب عبادت از شدت زاری بیهوش می شود و ما نمونه او را در این مرد می‌بینیم.

پی نوشت:

۱. انهـــم فتیه آمنوا بربهم و زدناهم هدی، کهف ۱۳ // ۲. و ربطنا علی قلوبهم اذ قاموا فقالوا ربنا رب السموات و الأرض، کهف ۱۴

منبع: کتاب «پیرامون انقلاب اسلامی»



تأملی در خردادسروده‌های شاعران معاصر

حماسه ۱۵ خرداد به روایت شعر



رضا اسماعیلی

اشاره:
قیام تاریخی ۱۵ خرداد،علاوه بر تاثیرات شگرفی که در بنیان‌های سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران ایجاد کرد، در حوزه شعر و ادبیات معاصر نیز منجر به شکل گیری گفتمان جدیدی شد که بررسی این تاثیر گذاری تا کنون -به هر علت -آن گونه که شایسته و بایسته است مورد غفلت قرار گرفته است.

بعد از گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بی گمان زمان آن رسیده است که پژوهشگران و منتقدان ادبی دایره این تاثیر گذاری را -که یکی از عمده ترین آنها تغییر لهجه شعر و ادبیات از انفعال به انقلاب بود -در ذهن و زبان شاعران معاصر مورد واکاوی و بررسی جدی قرار دهند تا از رهگذر چنین تاملاتی سیمای تمام رخ این رُخداد شگفت تاریخی -باذکر تمام جزییات و ابعاد -در چشم آیندگان به تماشا گذاشته شود.

اهتمام جدی در پرداختن به فراز و نشیب‌های تاریخ انقلاب اسلامی به زبان شعر و بازخوانی رویدادهای سرنوشت سازی همچون ۱۵ خرداد توسط اصحاب فکر و فرهنگ، یکی از ضرورت‌هایی است که بی اعتنایی به آن می تواند تبعات جبران‌ناپذیری برای نسل امروز و فردای انقلاب به همراه داشته باشد.



اگر امروز ما با بهره گیری از ابزار هنری و زبان گویای هنر(به خصوص شعر و داستان) در صدد به تصویر کشیدن این حماسه بزرگ مردمی بر نیاییم، بدون شک بخش عمده‌ای از هویّت ملّی و تاریخی خویش را به دست فراموشی سپرده‌ایم. از این منظر و بدون هیچ تردیدی، ضرورتی انکار ناپذیر است که از این پس با دغدغه‌ای جدّی تر به این مهم اهتمام ورزیم تا حقانیّت حماسه ای چون ۱۵ خرداد در ذهن نسل پرسشگر آینده مورد تردید و انکار قرار نگیرد. مقاله حاضر نیز تلاشی است ـ هر چند کوچک ـ در جهت پاسخ گویی به این نیاز.

دستاوردهای ادبی قیام پانزده خرداد

شعر پارسی با پیشینه با شکوه هزار ساله ای که دارد در تمام ادوار تاریخی آیینه تمام نمای غم‌ها و شادی‌ها، و اشک‌ها و لبخندهای ملت ایران بوده است. در مقطع مشروطه نیز که به عصر بیداری معروف است، نقش شاعرانی چون عارف قزوینی، میرزاده عشقی، فرخی یزدی، ابوالقاسم لاهوتی، سید اشرف الدین گیلانی (نسیم شمال) ،ایرج میرزا ، پروین اعتصامی، ملک الشعرای بهار، نیما یوشیج، و ... در روند آگاهی بخشی و بیدارگری، همراهی با انقلاب و هم آوایی با توده‌های به پاخاسته غیر قابل انکار است. در پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز شاعران نقشی قابل تامل و تاثیر گذار داشته اند. چنان که می توان گفت همزمان با قیام تاریخی ۱۵ خرداد سال ۴۲ شعر انقلاب اسلامی متولد شد. از همین رو این مقطع تاریخی را باید به عنوان تاریخ تولد شعر انقلاب اسلامی، ثبت کنیم. تاثیر قیام ۱۵ خرداد بر شعر معاصر، در هر دو حوزه فرم و محتوا قابل بررسی ست. در حوزه محتوا می توان گفت که این واقعه به موج اسلام خواهی و نهضت «بازگشت به خویشتن» دامن زد. شاعران معاصر نیز به خوبی این پیام را دریافتند و در عرصه شعر در مسیر بازشناسی هویت ملی و دینی خود به راه افتادند.

قیام مردمی ۱۵ خرداد روح بیداری، ظلم ستیزی و آزادیخواهی را در جان و جهان شعر معاصر دمید. این واقعه باعث توجه بیشتر شاعران به مطالبات اجتماعی شد و به شعر لهجه‌ای سیاسی -اجتماعی بخشید و در نهایت باعث شد گفتمان ادبی ایستا و انفعالی قبل از انقلاب، تبدیل به گفتمان پویا و انقلابی شود و کاروان شعر و ادب معاصر در مسیر جدیدی به راه بیفتد. بعد از این واقعه شاعران دریافتند که باید شعر را از دایره بسته مخاطبان خاص بیرون بکشند و به لهجه مردم سخن بگویند که این برای شعر معاصر دستاورد کمی نیست . تاثیر انقلاب اسلامی و قیام ۱۵ خرداد در حوزه فرم نیز تاثیر قابل تاملی ست. انقلاب اسلامی باعث روی آوری دوباره شاعران به قالب‌های سنتی و احیای این قالب‌ها شد. در واقع انقلاب شعر را از ورطه افراط و تفریط رهانید و خلاقیت و نوآوری را در مسیری منطقی و معقول هدایت کرد و با پیوند شعر نو و سنتی به ترمیم گسست ایجاد شده در نسل‌های ادبی پرداخت که نتیجه این پیوند خجسته، تجدید حیات و احیای قالب‌های ادبی با بهره گیری از قابلیت‌های نیمایی بود که این رویکرد هوشمندانه تا حدود زیادی به بحث و جدل‌های تکراری میان شاعران نوپرداز و سنتی پایان داد و بین شاعران معاصر همدلی و همزبانی ایجاد کرد.

گونه شناسی شعر سیاسی -اجتماعی

در دوران حکومت استبدادی پهلوی، «باید اذعان کرد سانسور و خفقان حاکم اجازه چندانی به شاعران و ادیبان نمی داد تا تراوشات ذهنی و نیز سیر مبارزات نهضت اسلامی را به زبان شعر در جامعه انتشار دهند. با این حال، با بررسی اشعار سیاسی ای که در دوره زمانی خرداد ۱۳۴۲ تا بهمن ۱۳۵۷ خلق شدند می توان چهار جریان شعری را تشخیص داد:

۱ -شعر سیاسیِ اسلامی
۲ -شعر سیاسیِ چپ
۳ -شعر سیاسیِ ملی گرا
۴ -شعر سیاسیِ سلطنت طلب

البته این چهار جَریان را نمی توان به صورت کامل از هم منفک کرد، چرا که در برخی موارد با یکدیگر تداخل و همپوشی پیدا می کنند. به عنوان مثال، اشعار اسلامی و چپ گرا در زمینه حمایت از اقشار و طبقات فقیر جامعه و موضوع عدالت اشتراک دارند و استبدادستیزی و آزادی‌خواهی و ترغیب مبارزه با حکومت وجهه همت هر دو جریان شعری بوده است. از فعالان شعر سیاسی اسلامی و اسلام گرا می توان به حمید سبزواری، محمدرضا شفیعی کدکنی، نعمت میرزازاده (م.آزرم)، علی موسوی گرمارودی و طاهره صفارزاده اشاره کرد. در عرصه شعر سیاسی چپ احمد شاملو، علی میرفطروس، هوشنگ ابتهاج، نصرت رحمانی، خسرو گلسرخی و اسماعیل شاهرودی و در عرصه شعر سیاسی ملی گرا مهدی اخوان ثالث، حمید مصدق و فرخ تمیمی فعال بودند. مبارزه با استبداد و اختناق، تجلیل از شهدا، اشعاری با محوریت ستایش امام و وصف آزادی محور موضوعات شعر اسلام گرا، انتقاد از وضعیت استبدادزده اجتماع، تحلیل حوادث سیاسی و توجه به دیگر انقلاب‌های جهان محور موضوعات شعر سیاسی چپ و میهن پرستی و بیگانه‌ستیزی و انتقاد از اختناق و استبداد محور موضوعات شعر سیاسی ملی گرا بوده است.»

شعر و مسئولیت «انسان بودن»

و اما پیش از آوردن نمونه‌هایی از شعر شاعران معاصر با موضوع ۱۵ خرداد، ذکر این نکته ضروری ست که شاعران معاصر به ناگزیر در کوران حوادث انقلاب، بیش و پیش از آن که به رسالت ادبی و فرم و ساختار شعر خویش بیاندیشند، به مسئولیت‌های انسانی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی خود توجه داشته اند. از این رو در بررسی شعر دهه‌های ۵۰و ۶۰ با نوعی مستقیم گویی و شعارزدگی در سروده‌ها -حتی سروده‌های شاعران بزرگ ـ مواجهیم. شعر معروف حمید مصدق نمونه ای از این شعرهاست:

من اگر برخیزم/تو اگر برخیزی /همه بر می خیزند/من اگر بنشینم/ تو اگر بنشینی /چه کسی برخیزد؟/چه کسی با دشمن بستیزد؟/چه کسی/ پنجه در پنجه هر دشمن دون آویزد ؟!

شعرهایی که شاعران در باره قیام مردمی ۱۵ خرداد سروده اند نیز از این قاعده مستثنی نیست . بسیاری از این شعرها از لهجه ای صریح و شعارگونه برخوردارند. این امر منحصر به انقلاب ایران نیست و در تمام انقلاب‌های بزرگ دنیا اتفاق افتاده است. به این معنا که شاعران آرمان گرا در مقاطع حساس و سرنوشت ساز تاریخی، بیش و پیش از هر چیزی به رسالت انسانی خود می اندیشند و شعر را در مسیر ابلاغ آرمان‌های والای بشری به کار می گیرند.

آری ، گاهی مسئولیت «انسان بودن» حکم می کند که از پیله زبان بازی‌های صرف و صنعت گری‌های شاعرانه بیرون بیاییم و برای همراهی و همدلی با مردم و پاسخ به مطالبات اجتماعی «شعر تاریخ مصرف دار» بگوییم. سرودن شعرهایی از این جنس توسط شاعران بزرگ نه تنها چیزی از شکوه و عظمت آنها کم نمی کند، بلکه گاهی شکوه و عظمت آنها را در چشم و دل مردم دو چندان می کند. این حکم در مورد شاعران عصر مشروطه نیز صادق است. شاعران مردمی و انقلابی ای همچون: عارف قزوینی، میرزاده عشقی، فرخی یزدی، سید اشرف‌الدین حسینی (نسیم شمال)، و . . . که به قصد همراهی و همنوایی با ملت به پا خاسته، باوجود توانمندی‌های ادبی غیر قابل انکار، فروتنانه از حصار زبان بازی و فضل فروشی‌های شاعرانه خود را رها ساختند و با سرودن شعارها و شعرهای مردمی و انقلابی زبان مردم شدند.

اولین خرداد سروده

وقتی درباره تاثیر قیام تاریخی ۱۵ خرداد بر ادبیات معاصر صحبت می کنیم ، دوست داریم نام اولین شاعری که در باره این رخداد تاریخی شعر سروده است را بدانیم؟ چرا که همیشه گام اول دشوار است و نیاز به مجاهدت و فداکاری دارد. شاعری نیز که اولین شعر را برای شهدای به خون خفته ۱۵ خرداد سروده، در آن زمان حکم مجاهدی خط شکن را داشته که راه را برای روندگانی که از پی می آیند هموار کرده است و نامش در تاریخ به نیکی ثبت خواهد شد. این شاعر مجاهد کسی نیست جز محمد حسین بهجتی یزدی (شفق) که اولین سروده «برای شهدای ۱۵ خرداد» به نام او ثبت شده است.

«خون‌های جوشان» عنوان اولین قطعه شعری است که در رثای شهیدان گلگون کفن ۱۵ خرداد سروده شده است که جهت تجدید خاطره فرازی از آن را زمزمه می کنیم :

افق امروز چرا سرخ تر است
سینه‌اش خونین است
می خراشد رخ و خون می ریزد
دامنش رنگین است
یارب این منظره چیست؟
راستی این بر و این بوم سیه، ایران است؟
پس چرا ویران است ...

شعر سرخ، اندوهِ سیاه

همچَنان که اشاره شد، بعد از قیام مردمی ۱۵ خرداد موجی از شعرهای سیاسی -اجتماعی فضای جامعه را در بر گرفت. شعرهایی سرخ و سیاهپوش در اندوه شهیدان قیام مردمی پانزده خرداد. بعد از این واقعه سرخ، همه شاعران به میدان آمدند و با مطالبه استقلال و آزادی، در مسیر مبارزه با استبداد و دیکتاتوری به خلق و آفرینش آثار ادبی پرداختند. شعر «شهر مردگان» محمدرضا نعمتی زاده، از جمله شعرهایی ست که با موضوع ۱۵ خرداد سروده شده است. وی از شاعران مطرح دهه‌های ۳۰و ۴۰و ۵۰ بود که اولین دفتر شعر خود را در سال ۱۳۳۶ با عنوان « پس از سکوت» منتشر کرد. وی شاعری مبارز بود که به خاطر فعالیت‌های سیاسی چندبار توسط ساواک بازداشت و زندانی شد. فرازی از چهارپاره این شاعر مبارز را با هم می خوانیم :

در دیار من که شهر مرده‌هاست   هرکسی سر برده در دامان خویش
هر کسی را سیلی امواج درد   برده تا گرداب بی‌سامان خویش

***

شبنم هر اشک آذین بسته است   دربلورین غنچه لبخندها
گشته پنهان پیر زال هر فریب   در چراغان حجله سوگندها

***

رهنورد کوچه‌های بی چراغ   هیچ کس جز گزمه بیدار نیست
تا بگرید بنده آواره بخت   دامنی جز نرده تبدار نیست

***

ماه در زندان قصر کهکشان   شب به سنگ ابرها سر می نهد
در دل میخانه خلق بی پناه   گریه‌ها را رنگ مستی می دهد

***

ای سوار دشت‌های گل فشان   این دیار مرده را گردی برآر
از حصار قلعه‌ها بشکن طلسم   گلبن فانوس‌ها را گل بکار

وای بر آن تندبادِ نیمه خرداد

قصیده استوارَ و با صلابت نعمت میرزازاده (م. آزرم) از دیگر شعرهای تاثیر گذاری است که در شهریور ۱۳۴۳ با موضوع قیام ۱۵ خرداد و دستگیری امام خمینی سروده شد. حضرت امام خمینی پس از خواندن این شعر در ۲۸ آبان ۱۳۴۸ طی نامه‌ای به حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ محمد حکیمی از آقای آزرم و شعر ایشان تجلیل کردند. بازخوانی ابیاتی از این قصیده انقلابی خالی از لطف نیست :

ای ز وطن دور، ای مجاهد دربند
ای دل اهل وطن به مهر تو پیوند
نای تو خاموش همچو خشم که در مشت
جان تو در جوش همچو شیر که دربند

***

وای بر آن تندبادِ نیمه خرداد
کان همه سَروِ بلند را زِ بُن افکند
ننگ به جلاد آن پلید که ری را
کرد ز خونِ شهید سرخ چو یا کند
مویه بر آن کشتگانِ دشتِ ورامین
سجده بر آن مردمانِ پاکِ برومند

چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۱۳ خردادماه ۱۳۵۹ (برابر با ۱۹ رجب ۱۴۰۰، ۳ ژوئن ۱۹۸۰) نقل شده است.

دادگاه ویژه تخلفات بنیاد مستضعفان تشکیل شد

دادگاه ویـــژه‌ای برای بررســـی به تخلفات و سهل انگاری که در امور بنیاد مستضعفان صورت گرفته است، تشکیل شده است و این دادگاه کسانی را که در نگهداشتن اموال مصادره شده سهل انگاری و یا اموال مردم را حیف و میل و غارت کرده‌اند خارج از نوبت دادگاهی و مجازات خواهند شد حجت‌الاسلام عمید زنجانی عضو هیات منتخب امام در امور بررســـی به حساب‌های بنیاد مستضعفان ضمن عنوان این مطلب در یک گفتگـــوی اختصاصی با خبرنگار ما در مورد عملکرد این هیات و رســـیدگی به حساب‌های بنیاد مستضعفان سخن گفت.

اتهامات فرمانده سابق نیروی دریائی اعلام شد

ساعت چهار بعدازظهر دیروز اولین جلسه دادگاه دریادار محمود علوی فرمانده پیشین نیروی دریائی در دادگاه انقلاب اسلامی ویژه نظامیان در محل دادرسی ارتش به‌طور علنی آغاز شد.

دلایل و مدارک اتهامات

الف: مدارک موجود در پرونده نســـبت به اتهام اول گزارشی است از اداره دوم که در برگ‌های ۲۲ و ۲۱۵ پرونده منعکس است که ملاقات‌ها با اجازه قبلی دایره تشـــریفات و روابط خارجی اداره دوم صورت می‌پذیرفت و برای متهم نیز ســـه نوبت ملاقات‌های مجاز در تاریخ‌هـــای ۵۸/۴/۲ـ۵۸/۵/۸ـ۵۸/۶/۱۴ با وابستگان نظامی آمریکا منظور شد.

محاکمه آمریکا و شوروی در دادگاه راسل

پروفسور ددیا رئیس داگاه راسل که جنایات آمریکا در ویتنام را به محاکمه کشیده بود در یک گفت‌وگوی اختصاصی، با سخاوت علیزاده خبرنگار اطلاعات اعلام کرد که دادگاه راسل بار دیگر کار خود را برای بررسی جنایات آمریکا و شـــوروی در ایران و افغانستان آغاز می‌کند. پروفســـور ددیا همچنین اعلام کرد که برای تشکیل دادگاه از دولت فرانسه، خواسته شده بود، که امکاناتی در اختیـــار این دادگاه قرار دهد، ولی تاکنون دولت فرانسه، با این تقاضا، مخالفت کرده است.

۷ کیلو شمش طلا، صدهزار دلار آمریکائی و... کشف شد

۷ شـــمش طلا، صدها هزار دلار آمریکائی، ده‌ها ســـکه پهلوی و نزدیک به ۴ کیلوگرم طلا و جواهرات ساخته شده از ۴ افغانی که قصد خروج از ایران را داشتند کشف شـــد. قاچاقچیان افغانی هنگامی که پیاده به نوار مرزی ایران نزدیک می‌شدند ماموران سپاه پاسداران و افراد جهاد سازندگی سیستان‌وبلوچستان به آنها ظنین شدند و در بازرسی‌های بدنی از آن‌ها مقدار زیادی طلا، جواهرات و سکه‌های طلا و دلار آمریکائی به دست آمد.

مدیریت جدید دانشگاه تهران انتخاب شد

سرپرستان دانشکده‌های دانشگاه تهران سرانجام عصر دیروز، به دنبال عدم پذیرش شرایط مدیریت سابق این دانشگاه، ۵ تن از سرپرستان دانشکده‌های این دانشـــگاه را به عنوان مدیریت دانشگاه تهران و برای مدت یکســـال انتخـــاب نمودند. این ۵ تن که از دکتر عارفی دانشـــکده پزشکی، دکتر فرسام دانشکده داروسازی، دکتر استاد حسینی دانشکده فنی، دکتر خرازی دانشکده کشاورزی و دکتر علی وثوق دانشکده علوم اداری هستند از ائتلاف دو گروهی که از قبل خود را نامزد این مقام کرده و هیچیک موفق به کسب تعداد آرای لازم نشده بودند انتخاب شده‌اند.

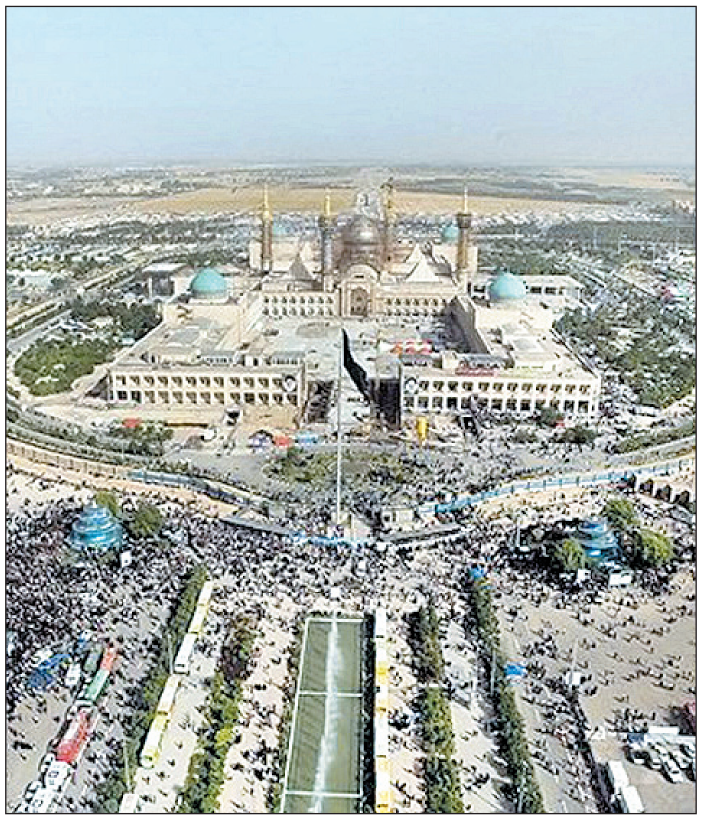
اوج‌گیری جنبش افغانستان بر علیه شوروی

دهلی‌نو ـ خبرگزاری فرانسه ـ انقلابیون افغانی در دهلی‌نو اظهارداشتند که دانشجویان و بازرگانان کابـــل از روز جمعه به‌حمله تازه‌ای برای اعتراض به حضور نیروهای شوروی در افغانستان دست خواهند زد. بازرگانان مغازه‌های خود را تعطیل خواهند کرد و دانشجویان بار دیگر در خیابان‌ها دست به تظاهرات خواهند زد. محمد امین یکی از انقلابیون افغانی که به تازگی وارد پایتخت هند شده گفت که روز جمعه حوادث بسیار مهمی در کابل روی خواهد داد.

۶ چوپان گروگان گرفته شدند

اصفهان ـ بدنبال دســـتگیری ۱۴ نفر از خوانین «سمیرم» و اجتماع گروهی از مردم در مقابل استانداری اصفهان، دو نفر از ســـوی استاندار اصفهان به منطقه سمیرم اعزام شدند. همچنین کسب اطلاع شد که در پی دســـتگیری خوانین سمیرم گروهی از وابستگان خوانین ۶ نفر از چوپانان منطقه را به گروگان گرفتند.

قاب امروز



مرقد مطهر حضرت امام خمینی (ره)

سرایه

غم عالـــم نصیب جـــان ما بی
بـــه دور مـــا فراغـــت کیمیـــا بی
رســـد آخر بـــه درمـــان درد هرکس
دل مـــا بی کـــه دردش بـــی‌دوا بی

باباطاهر عریان

پندبزرگان

جهان هر کس بـه اندازه وســـعت فکر اوست.

محمد حجازی

اگر زیبایی را آواز سر دهی، حتی در تنهایی بیابان، گوش شنوا خواهی یافت.

خلیل جبران

امروز در تاریخ

انتقاد روزنامه‌های تهران از گزارش بانک جهانی

در این روز در خرداد سال ۱۳۳۱ روزنامه های تهران ضمن انتشار گزارش طولانی بانک جهانی درباره مناقشه ایران و انگلســـتان بر سر نفت، شدیدا از این بانک انتقاد کرده و نوشته بودند که بانک جهانی با این گزارش ماهیّت سیاسی خود را به جهانیان نشان داد و ثابت کرد که صرفا یک موسسه پولیِ بی طرف نیست و در پشت چهره آرام و ظاهر الصلاح خوَد به سود برخی قدرت ها، سیاسی کاری می کند و یک ابزار اعمال سلطه گری است.

آمریکا نمی‌گذارد ایران به دست کمونیستها بیفتد

۱۳ خـــرداد ۱۳۳۲ و دو ماه و نیم پیش از براندازی ۲۸ اَمُرداد ۱۳۳۲ جان فاستر دالس وزیر امور خارجه وقت آمریکا پس از یک دیدار طولانی با «لوی هِندرســـون» سفیر این کشور در تهران اعلام کرده بود کهَ دولت آمریکا نمی گذارد ایران به دســـت کمونیستها افتد یا در دست مخالفان آمریکا باشـــد. وی که در واشنگتن سخن می گفت اظهار کرده بود که با افتادن ایران به دامان مســـکو، خاورمیانه استراتژیک و نفتدار از دست خواهد رفت و چراغ پیشرفت اقتصاد اروپا و ژاپن خاموش خواهد شد.

انتشار قانون مطبوعات ایران

۱۴ خرداد ســـال ۱۳۵۸ – چهار ماه پس از پیروزی انقـــلاب ـ طرح قانون مطبوعات که برای بررســـی و تصویب در شورای انقلاب تنظیم شده بود برای اظهار نظر علاقه مندان، در روزنامه های تهران انتشـــار یافت. این طرح که بعدا تصویب و تا سال ۱۳۶۴ اجرا می شد که قانونِ سخت تازه جای آن را گرفت، از بهترین قوانین مطبوعاَت ایران بشمار می آمد.

طلال ابن عبدالله را بیمار روانی اعلام کردند!

سوم ژوئن ســـال ۱۹۵۲ طلال ابن عبدالله پادشاه ۵۳ ساله اردن ناگهان در پاریس به سفارت انگلستان رفت و در برابر کارکنان ســـفارت و مراجعان فریاد زد: مرگ بر استعمار، مرگ بر انگلستان، زنده اردن و از آنجا خارج شد. در پی این اقدام، پارلمان اردن اعلام کرد که ملک طلال به بیماری روانی مبتلاشده و قادر به انجام وظایف خود نیست. سپس با تصویب پارلمان، حسین پسر خردسال طلال بر جای پدر نشست و تا مدتی نایب السلطنه داشت.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول شرح در متن ۵۲۶۲

غلامحسین باغبان

خنده طولانی	استان زیارتی / شرکت سازنده اتوبوس		سستی کردن / چشمه بزرگ آب	ت	حرف نوروزی / موی صورت مردان		خواننده آلبوم عشق یعنی	اثر دکتر اسلامی ندوشن
								ص
		غذای نذری / علم سرشماری						
						ملکه / ستاره شناسی	ی	حریر منقش / شهری در یمن
					مخترع سینما / بعید			
				فاقد، بدون / چپ چشم				
			نوک مثلث					ایجاد کننده / داستان کوتاه
		پاسخ نومید کننده						گلابی / خاک سفالگری
					سمنان قدیم	درخشنده روی		
				بد بخت				نعمت خداوند / زیرک، با ذکاوت
								ب
								ضعیف و بی حال / بنفش بسیار روشن

حل جدول ۵۲۶۱

موسس افشاریان	خ	رئیس ایل / چوپان	توانگر کند مرد را	ق	عصای حروف / رنگ طلا	ل	ا	لقب کشور نپال در آسیا
ن	ا	ر	د	ن	ز	ا	م	استان ساری
ا	ن	م	محلی درمکه / ساز آرشه ای	ا	ر	م	ا	فرماندهان، جمع امیر
د	امپراطوران روسیه	ی	و	ع	د	ادعا کردن / دارنده	ل	گ
ر	ت	ا	ی	ت	تماشاخانه / سکون و آرامش	و	ک	زدنی ورزشی / کجاست ؟
ش	ز	ر	ل	جنبش و تکان شدید / مربوط به اندام	ق	ا	و	ر
ا	ا	عده فوتبالی	ن	ا	ر	ج	ه	پیشگاه ساختمان / دوری از یار
ه	ر	ز	لباس رزم	ر	ا	د	ن	تهیدست / پرنده دریاچه
				گ	ر	جوی خون / حلال رنگ	و	ق
				ا	تنگی نفس	ت	ر	عریان / مذاهب
				ن	ا	ی	د	ا
				ی	س	ن	ا	ن
				ک	م	ر	ن	شهری در فرانسه / به آهستگی

سودوکو ۲۷۴۹

	۳	۵	۱		۷			
		۸	۶			۱	۴	
۱	۴			۹		۶		
			۷				۲	
۴				۶				۳
	۸				۴			
		۶		۷			۱	۲
	۲	۱			۶	۹		
			۹		۲	۳	۵	

۲	۸	۶	۵	۹	۱	۳	۴	۷
۳	۴	۷	۲	۸	۶	۵	۹	۱
۵	۹	۱	۳	۴	۷	۲	۸	۶
۶	۲	۸	۱	۷	۵	۹	۳	۴
۹	۵	۳	۶	۲	۴	۱	۷	۸
۱	۷	۴	۸	۳	۹	۶	۲	۵
۴	۶	۲	۹	۱	۸	۷	۵	۳
۸	۳	۵	۷	۶	۲	۴	۱	۹
۷	۱	۹	۴	۵	۳	۸	۶	۲

حل ۲۷۴۸